

ریشه‌یابی نام و پرچم کشورها

رسول خیراندیش - سیاوش شایان



ریشه‌یابی نام و پرچم کشورها

تألیف:

رسول خیراندیش

سیاوش شایان

تابستان ۱۳۷۰



www.adabestanekave.com



تهران - صندوق پستی ۶۴۹۴ - ۱۵۸۷۵

انتشارات کویر - تلفن ۸۲۵۵۶۶

ریشه‌یابی نام و پرچم کشورها

تألیف: رسول خیراندیش و سیاوش شایان

طرح روی جلد از: مسعود محسن‌زاده

تیراژ: ۵۰۰۰؛ چاپ اول: تابستان ۷۰

حروفچینی: گودرزی؛ لیتوگرافی: آرش؛ چاپ: صدف

صحافی: میخک

کلیه حقوق محفوظ است.

مقدمه

همه‌روزه به طرق گوناگون نام کشورها به گوش ما می‌رسد و یا پرچم آنها در برابر دیدگانمان قرار می‌گیرد. خود ما نیز گاه و بیگاه از نام و پرچم کشورها استفاده می‌کنیم و یا شاهد کاربرد آنها هستیم. مثلاً در میادین ورزشی، دیدارهای سیاسی، مطالب یا مواردی از کتب درسی، مسافرت‌ها، رخدادهای سیاسی، مکاتبات و نظایر آن. در عین حال به دلیل کثرت کاربرد نام و پرچم کشورها کمتر ممکن است به معنا و مفهوم نهفته در آنها توجه نمائیم. این امر نکته‌ای غیرقابل تصور نیست زیرا عموماً به کارگیری نام و پرچم کشورها در خدمت اموری جمعی و یا ارتباطی بوده و در نتیجه نام و پرچم تحت الشعاع کاربرد خود قرار می‌گیرد. اما بسیار نیز اتفاق می‌افتد که شنیدن نام ساده و معمولی کشورها موجب پرسشی عمیق و ملاحظه پرچم آنها موجب جستجویی دقیق می‌گردد. این امر در قدم اول ناشی از کنجکاوی انسان است، چنانکه انگیزه اولیه پرداختن بدین تألیف نیز کنجکاوی بوده است. لیکن چون با تعمق و تفکر کافی بدین کار پرداخته شود، دنیایی از معانی و گنجینه‌ای از دانستنیها در اختیار پژوهشگر قرار می‌گیرد.

نام هر کشور در حقیقت دربردارنده ریشه قومیت، سابقه تاریخی، سرگذشت ملی، ویژگیهای فرهنگی و... است. نام هر کشور مشخص کننده محدوده حاکمیت و قلمرو، شمول کاربرد، مرز خودی از بیگانه، نوع حاکمیت و... می باشد. نام هر کشور مبین نظام اداری، نظام سیاسی، ایدئولوژی، باورها و آرمانها و... در نزد مردم آن کشور به شمار می آید. نام هر کشور نشان دهنده استقلال یا عدم استقلال، تمیز میزان یا چگونگی استقلال و یا وابستگی است و در همان حال بیانگر دیدگاه یک ملت درباره خود و یا تلقی دیگران درباره آن است. به همین جهت همانگونه که در هنگام تولد یک نوزاد، والدین و اطرافیان او سعی و دقت بسیار می نمایند که نامی مناسب، یعنی نامی متناسب با طرز فکر خویش و ارزشهایی که بدان پایبند هستند و یا مقبول جامعه و متداول در آینده باشد و... برایش انتخاب کنند، در طول تاریخ یک ملت یا در برهه ای حساس و سرنوشت ساز نام کشورشان انتخاب و اختراع می گردد. سپس بنابه خواست آن ملت و یا توانایی آنان در حفظ موجودیت خویش، نام کشور سالها و گاه قرنهای پایدار می ماند. بدین ترتیب نام جزئی تفکیک ناشدنی از هر ملت و کشور است و می توان گفت که همه بدان (نام کشور و ملت خویش) تعلق خاطر دارند و بدان تعصب نشان می دهند. حتی برای اعتلا و ارتقای آن می کوشند و جان می بازند.

اهمیت نام برای کشورها تا بدان حد است که گاه حتی کشوری به وجود نیامده یا دارای حاکمیت و استقلال نشده، نام آن به وجود آمده و رواج یافته یا ملتی با وجود داشتن نام و عنوان، نامی افسانه ای و آرمانی برای خویش برمیگزیند و یا کشور و ملت خویش را با عنوانی بیش از آنچه که هست مخاطب می سازد.

پرچم و نشان هر کشور نیز همانند نام آن در شناخت آن کشور مفید و مؤثر است. پرچم هر کشور چکیده و خلاصه ای از طرز تفکر و تلقی یک ملت درباره خود است. پرچم هر کشور نشان دهنده انگیزه ها و آرمانهای یک ملت برای خویش می باشد. پرچم هر کشور بیانگر نحوه تفکر سیاسی، مذهبی و فلسفی یک ملت به شمار می آید. پرچم هر کشور مشخص کننده امکانات بالقوه و بالفعل مادی و معنوی یک ملت محسوب می گردد. پرچم هر کشور مبین شرایط جغرافیایی، ماهیت فرهنگی و وقایع سرنوشت ساز در تاریخ یک ملت است.

هر ملتی در پرچم به اهتزاز درآمده خویش استقلال، آزادی، عزت، سربلندی، افتخار و اقتدار خود را می‌بیند و در سرنگونی آن ذلت، شکست، بردگی، ستم و سلطه بیگانگان را مشاهده می‌نماید. بدین جهت پرچم مظهر حاکمیت و استقلال است و تلاش در برافراشته ماندن آن به منزله کوشش برای حفظ استقلال و آزادی، عزت و شرف و سربلندی و سرافرازی بشمار می‌آید.

نظر به اهمیت خاص پرچم، همگان پرچم را عزیز و محترم می‌شمارند و بدان به دیده حرمت و دل‌بستگی می‌نگرند. آنچنانکه هر کشوری برای به کار بردن و برافراشتن پرچم مراسمی خاص همراه با تشریفات و ترتیبات معین را در نظر می‌گیرد و به تناسب مکان و زمان و موضوع مورد نظر خویش از پرچم به نحو شایسته و بایسته استفاده می‌نماید.

این کتاب گامی در جهت نشان دادن جایگاه واقعی نام و پرچم کشورهاست و از آنجا که تاکنون در این مورد در کشور ما تألیفی مستقل و جامع صورت نگرفته، تحقق آن علیرغم سهولت اولیه با صعوبت فراوان پی‌گیری شد. با این حال شکی نیست که می‌توان آنرا بهتر و کاملتر نمود و شکی نیست که در جهت فراهم آوردن مجموعه کامل و جامع، تذکرات و ارشادات خوانندگان گرانمایه می‌تواند موجب بهبود کمی و کیفی اطلاعات آن گردد.

در اینجا لازم است که خوانندگان ارجمند را بدین نکته توجه دهیم که مطالب این کتاب در مورد نام و پرچم کشورها حاصل مطالعات نویسندگان آن بوده و فاقد سندیت و رسمیت می‌باشد.

ایران (IR)

ایران نامی است مشهور، معروف و قدیمی، چنانکه نام کمتر کشوری را به لحاظ شمول کاربرد و انطباق جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی و استمرار و ثبات و وضوح معنی می‌توان با آن مقایسه کرد.

نام ایران مأخوذ از نام قوم آریاست. آریایی‌ها (آریانه‌ها/آرینه‌ها/آریاها) در هزاره دوم قبل از میلاد به فلات ایران وارد شدند. گروهی از آنان به هند رفتند و گروهی در این سرزمین که به نام آنان ایران نام گرفته، باقی ماندند. بدین معنی که ایر از آریا و آن به عنوان ادات جمع یا مکان می‌باشد.

در مورد معنی کلمه آریا گفته‌اند که به معنی نجیب، اصیل، شریف و شجاع است. گروهی از آریائی‌ها که به هند رفتند آری و گروهی که در ایران ماندند آیری و آیرین شده‌اند.

آریائی‌هایی که در هند مستقر شدند، قلمرو خود را ارت ورت نام گذاشتند که به صورت آریاورته نیز ضبط شده است. آریائی‌هایی که به ایران آمدند طبق قدیمی‌ترین روایات که منقول از اوستاست در سرزمینی به نام ائیریانم وئجو (*air yanam uaejo*) (اوستایی) یا ایرانویج (*eran vej*) (پهلوی) زندگی می‌کرده‌اند. این کلمه به صورت ایران و آج، ایران ویج، ایران وئجه و ایران ویجونیز نوشته شده است. این کلمه از دو کلمه ایران و ویج تشکیل شده است. ویج را بعضی به معنی تخمه و نژاد دانسته‌اند که بیج فارسی و بیضه عربی نیز مأخوذ از آن ذکر شده است. بدین ترتیب ایرانویج به معنای نژاد ایرانی است و چون به مکانی منسوب شود به معنای محل زندگی ایرانیان خواهد بود. بعضی دیگر وجورا به معنای بذر کاه ذکر کرده‌اند و مراد از آن را ساکنین ایران

دانسته‌اند و کلمهٔ ایران را صورتی از آریانه که آن نیز مأخوذ از ایران ویج است، می‌دانند. در مورد محل ایرانویج به طور کلی دو نظریه وجود دارد، بعضی آن را در سرزمین کنونی خوارزم دانسته‌اند و برخی در اران واقع در شمال آذربایجان.

کلمهٔ ایران در زبان اوستایی به صورت ائیریه (*airya*) و در فارسی باستان به صورت اریه (*ariya*) و در سانسکریت (زبان هند باستان) به شکل آریه آمده است. ظاهراً در اوستا آریانه هم به معنای قوم ایرانی و هم محل سکونت آنان بوده است و لغت آریان را نیز صورت جمع آن ذکر کرده‌اند.

در روزگاری که ایرانیان در سرزمین ایران ساکن شدند دیگران یعنی اقوام غیرایرانی را انیران (*aneran*) خواندند که به معنای غیرایرانی و مرکب از دو کلمهٔ ان (*an*) یعنی نه، غیر و ایران می‌باشد.

از روزگار استقرار آریائیها در ایران نکته دیگری نیز قابل توجه است و آن اینکه بنابر روایت‌های کهن، ایران از ایرج آمده است. ایرج و دو برادرش تور و سلم از فرزندان پادشاهی به نام فریدون هستند. این سه برادر به ترتیب در اوستا به صورت ائیریه (*Airya*)، تئیری (*Tuirya*) و سئیریمه (*Sairima*) آمده است. سلم نیای همسایگان غربی ایران، تور نیای همسایگان شرقی ایران و ایرج نیای ایرانیان شمرده شده‌اند.

کلمهٔ (*airya*) بعدها متحول شده و (*er*) در آغاز جمله با ایک ویج ترکیب شده و کلمهٔ اریک در زبان ارمنی و ایرج را در زبان فارسی ساخته‌اند. در بعضی از منابع قدیمی فارسی ایران را نام شخصی افسانه‌ای دانسته‌اند.

فریدون سرزمین اصلی خود را که خونیرس نام داشته و در میانهٔ جهان واقع بوده به ایرج داده است و بدین ترتیب خونیرس همان ایران می‌باشد. از روزگار ایرج که به دست تور کشته شد میان ایرانیان و تورانیان نزاع در گرفت در نتیجه لفظ تورانی بجای انیرانی معنا یافت.

از دورهٔ هخامنشیان لغات چندی که در بردارندهٔ نام ایران است برجای مانده. چنانکه نام پدر بزرگ داریوش، آریارمنه بوده است. مشابه این نام اسامی دیگری نیز وجود دارد. در کتیبهٔ بیستون کلمهٔ آریانا خشاثرام (*Aryana Khshathram*) به معنای سرزمین آریایی‌ها آمده است. در همان حال کلمهٔ ائیریوشینه (*airyo shayana*) را نیز در

فارسی باستان ذکر کرده‌اند که به معنای منزلگاه ایرانیان می‌باشد. در همان روزگار هخامنشیان، مورخان یونانی کلمه آریا را به کار برده‌اند اما مترادف با هریوه که همان هرات در روزگار بعد باشد. دلیل آریا خواندن این قسمت نزد نویسندگان یونانی مبهم است. (لازم به تذکر است که در منابع امروزی نیز در مورد کاربرد کلمه آریا و اقوامی که شامل آن می‌شوند اتفاق نظر کاملی وجود ندارد). در همان حال یونانیان، ایران را پرسیس (*Persis*) نامیده بودند که مأخوذ از نام فارس بود که مسکن پارسیان است. پارسیان در روزگار هخامنشیان حاکمان ایران بودند و بدین جهت یونانیان تمام قلمرو آنان را بدین نام می‌خواندند. بعدها کلمه پرسیس در دیگر زبانهای اروپایی نیز وارد شد و در زبان انگلیسی به صورت پرشیا (*Persia*) و در زبان فرانسوی، پرس (*Pers*) به کار رفت، در زبان چینی قدیم کلمه پوسی به معنای ایران نیز از پارسی گرفته شده است. تا آنکه در دوران اخیر بنابه تقاضای دولت ایران لغت ایران در عرف بین‌الملل رایج گردید. در منابع قدیمی فارس را نام شخصی افسانه‌ای دانسته‌اند.

از کلمه ایران در گوشه و کنار تأثیراتی از نام اقوام و اماکن باقی مانده است چنانکه ایرونی (*Ironi*) نام قومی در جمهوری آسی شوروی است که سرزمین خود را ایرستان (*Iriston*) به معنی ایران می‌نامند. قراباغ کنونی را نیز سابقاً ایران می‌نامیده‌اند. از دوره استقرار زبان فارسی میانه یعنی روزگار اشکانیان و ساسانیان کلمه آریانه قدیم به صورت ایران (*eran*) رایج شد. این کلمه معمولاً همراه با شتر (*shatra*) به معنای شهر و به صورت ایران شتر بکار می‌رفت که معنی آن ایران‌شهر می‌باشد و مراد از آن کشور ایران است. پس ایران‌شهر به معنای کشور ایران و ایران‌شهری یعنی ایرانی. در نزد اعراب معاصر با ساسانیان چون ایرانیان دین زرتشتی (مجوس) داشته‌اند ایرانیان را مجوسان نیز خوانده و نوشته‌اند.

از دوره ساسانیان کلمه اران بصورت ایران تلفظ شده است چنانکه علامه قزوینی نقل می‌کند که لقیط بن یعمر ایادی شاعر عرب روزگار شاپور دوم کلمه ایران، را در اشعار خود آورده است. پس از ورود اسلام به ایران، کلمه ایران (بجای اران) بطور کامل رایج شد. در این دوره کلمه عجم نیز رایج گردید. عجم که در زبان عربی به معنای گنگ است در اصل به تمامی غیر عرب اطلاق می‌گردد اما بخاطر موقعیت ویژه ایرانیان

در تمدن اسلامی، بطور خاص ایرانیان عجم نامیده شده‌اند.

تحول دیگری که در این زمان قابل تأمل است پیدایش لفظ عراق است که تا آغاز دوره اسلامی در تاریخ ایران، رایج نبوده است (— عراق). از آنجا که برخی لغت‌شناسان لغت عراق را معرب شده ایران دانسته‌اند، پیدایش کلمه عراق عرب را که همان عراق کنونی است ناشی از دوره تسلط اعراب بر عراق در روزگار عقب‌نشینی ساسانیان به منطقه کوهستانی زاگرس دانسته‌اند برای مدتی کوتاه، کلمه ایران عرب رایج شد، و سپس به عراق عرب تبدیل شده است (یعنی جریان معرب شدن ایران به عراق). سپس با تصرف نواحی غربی ایران کلمه عراق عجم نیز رایج گردیده که برابر با منطقه جبال در جغرافیای گذشته ایران می‌باشد. اگرچه جریان نامیده شدن منطقه جبال به عراق عجم چندین قرن پس از ورود اسلام به ایران صورت گرفته است.

از دوره اسلامی بویژه پس از مغول، لغت تاجیک نیز در مورد ایرانیان به کار رفته است که معمولاً بصورت ترک و تاجیک استعمال شده است. عده‌ای بر این عقیده‌اند که تاجیک از تاج آمده که عموم محققان آن را رد کرده‌اند و عده‌ای دیگر نیز از کلمه مغولی به معنای مطیع و تابع دانسته‌اند که باتوجه به کاربرد آن قبل از مغول، آن را نیز وارد ندانسته‌اند اما نظریه سوم که صحیح است آنکه تاجیک از لغت تازی و آن نیز از تازی به معنای عربی است و از آنجا که در روزگار تسلط اعراب مسلمان، آنان در مرزهای ایرانی آسیای میانه با کفار ترک به جهاد پرداختند. در نزد ترکان تازیک‌ها/تاجیک‌ها به معنای مسلمانان به کار رفته و سپس این نام به سکنه ایران که عموماً مسلمان بوده‌اند اطلاق شده و به صورت ایرانی به کار رفته است.

ایران در ادبیات به صورت‌های گوناگون نامگذاری شده است مثلاً مُلک ری (شاید بخاطر اهمیت ری)، مملکت قزلباشیه (بخاطر حکومت قزلباش‌ها در دوره صفویه)، مُلک جَم (بخاطر جم پادشاه افسانه‌ای)، مملکت اثنی‌عشریه (بخاطر اعتقاد ایرانیان به تشیع اثنی‌عشری) و...

لازم به تذکر است که در بعضی از منابع عنوان‌هایی چون ایران درونی و بیرونی و... بکار رفته است که مورد پذیرش دانشمندان واقع نشده نیز گاهی کشمیر را ایران کوچک نامیده‌اند که شاید بخاطر نفوذ فرهنگ ایرانی در آنجا باشد.

نام رسمی ایران جمهوری اسلامی ایران (Islamic Republic of Iran) می‌باشد و در عرف بین الملل ایران (IRAN) بکار می‌رود.

پرچم: پرچم ایران از سه رنگ سبز و سفید و سرخ تشکیل شده است. بخش سبز رنگ در بالا و بخش سفید در وسط و بخش سرخ رنگ در پائین قرار گرفته است. اصل هجدهم از قانون اساسی که مخصوص پرچم جمهوری اسلامی است چنین است: «پرچم رسمی ایران به رنگهای سبز و سفید و سرخ با علامت مخصوص جمهوری اسلامی و شعار الله اکبر است.»

تشریح رنگها: در علت انتخاب این سه رنگ برای پرچم، گفته شده است که: رنگ «سبز» نشانه اعتقاد ما به اسلام است، این رنگ در پرچم بیشتر کشورهای اسلامی دیده می‌شود.

«سفید»، نشانه علاقه ما به صلح و آرامش است.
«سرخ» نشانه آن است که ما از استقلال و آزادی و جمهوری اسلامی خود، با نثار خون خویش دفاع خواهیم کرد.

شعار الله اکبر: شعار الله اکبر در پرچم ما در محل اتصال رنگهای سبز و سرخ به رنگ سفید، «بیست و دو بار» با خطی که به خط «بتائی» معروف است تکرار شده است. عدد بیست و دو، یادآوری روز مبارک بیست و دوم بهمن یکهزار و سیصد و پنجاه و هفت است که روز پیروزی انقلاب اسلامی ماست.

شعار «الله اکبر» در پرچم ما نشانه اعتقاد ما به این است که خدا از همه نیروها و قدرتها، برتر و بزرگتر است و در مقابل او هر قدرت دیگری پست و پوچ و باطل است.
انقلاب اسلامی ما که به هیچ یک از قدرتهای بزرگ جهانی تکیه نداشت با همین شعار پیروز شد. ملت ما این کلمه را در پرچم خود ثبت کرده است تا فریادهای «الله اکبر» رزمندگان قهرمان و شهیدان فداکار انقلاب اسلامی را که همواره به گوش می‌رسد همیشه پیش چشم داشته باشد.

تشریح علامت مخصوص جمهوری اسلامی ایران: این علامت در عین سادگی، زیباست، زیبایی آن، بیننده را به یاد «گل لاله» می‌اندازد، لاله سرخی که از خاک

خون‌آلود شهیدان انقلاب سر برآورده است و ما را به ادامهٔ راه آنان دعوت می‌کند. این علامت، بیانگر کلمهٔ «الله» نیز هست که اساس انقلاب ما و هدف نهائی ملت ماست. علامت جمهوری اسلامی دارای «پنج» جزء است که نشانهٔ «پنج اصل اعتقادی» در اسلام است (توحید، نبوت، معاد، عدل و امامت) چهار جزء آن به شکل هلالی است و جزء قائم میانی همراه با تشدید - یادآور شکل «شمشیر» است و چون قائم و ایستاده است، نشانه‌ای از «قدرت و استحکام و ایستادگی» ملت مسلمان ایران است. این پنج قسمت به نحوی ترکیب شده‌اند تا به کلمهٔ توحید یعنی «لا اله الا الله» نیز اشاره داشته باشند و از آنجا که کاملاً قرینهٔ یکدیگرند بیانگر حالت تعادل و توازن و به طور کلی «عدالت» در نظام جمهوری اسلامی است.

www.adabestanekave.com

۱ - رنگهای پرچم ایران (سبز، سفید و قرمز) از سال‌ها قبل رایج و مورد استفاده بوده است و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز تصویب شده و مورد استفاده قرار گرفته است. نخستین بار در متمم قانون اساسی دوره مشروطه مصوب ۲۹ شعبان ۱۳۲۶ ه.ق. رنگهای پرچم ایران تعیین گردید، اما هیچ توضیح و تفسیر رسمی در مورد آنها در قانون بعمل نیامد. در عین حال تلقی رایج چنان بوده که سبز را بمعنی پیروی از اسلام و تشیع (بخاطر شیعی بودن کشور ایران)، سفید را نشانهٔ حاکمیت و صلح و دوستی، و قرمز را بمعنی شجاعت و دلیری در نظر داشته‌اند. در ۱۴ دی ماه ۱۳۳۶ ه.ش. هیئت وزیران وقت طی مصوبه‌ای ترتیب رنگها و ابعاد پرچم را مشخص ساخت، لیکن باز هم تفسیری رسمی از رنگها بعمل نیامد.

از آنجا که این کتاب در بررسی معنا و مفهوم نام کشورها، چگونگی تطور و نیز انواع نامهای آنها را در نظر دارد، بررسی و تشریح سوابق پرچم کشور و تطور و تحولاتی که پرچم یک کشور داشته و نیز انواع پرچم‌های کشورها و علائم آنها به فرصت دیگری موکول گردیده و تنها به تشریح و تعبیر رنگها و علائم کنونی پرچم کشورهای جهان بر اساس آنچه در منابع آمده بسنده شده است.

آرژانتین (RA)

سواحل آرژانتین در اوایل قرن شانزدهم میلادی به وسیله دریانوردان اسپانیایی کشف شد و بدان نام آرژانتین اطلاق گردید. آرژانتین به معنای سرزمین نقره است، زیرا کاشفان اولیه آن با سرخپوستانی برخورد کردند که زیورآلات نقره‌ای فراوان داشتند. در نتیجه این کاشفان فکر کردند که این سرزمین دارای نقره فراوانی است و این نام را بدان اطلاق نمودند در صورتیکه نقره‌های مورد استفاده سرخپوستان بومی این سرزمین از پرو به آرژانتین وارد شده بود.

کشور آرژانتین در قرون گذشته دارای وسعت و موقعیت کنونی نبوده بلکه مجموعه‌ای از ایالات متعدد بود که امروزه آرژانتین و چند کشور همسایه آن را می‌سازند. در سال ۱۷۷۶م. دولت اسپانیا از پیوند بلیوی، پاراگوئه، اوروگوئه و آرژانتین (بجز نواحی جنوبی آن) نایب‌السلطنه‌نشین ریودو لاپلاتا (*Viceroyalty of rio de Laplata*) به وجود آورد که نام آن مأخوذ از رود لاپلاتا بود که در هر چهار کشور جریان داشت. در سال ۱۸۱۰م. با فتح اسپانیا به دست ناپلئون، مردم آرژانتین در صدد کسب استقلال برآمدند. اما پس از چندی پاراگوئه در سال ۱۸۱۱، بلیوی در ۱۸۲۵ و اوروگوئه در ۱۸۲۸م. از ریودو لاپلاتا جدا شدند. این امر باعث تسهیل تشکیل کشور آرژانتین شد چنانکه در سال ۱۸۱۶ به اتحادیه ایالات ریودو لاپلاتا موسوم گردید و سپس در سال ۱۸۲۵ کنفدراسیون آرژانتین نامیده شد. در سال ۱۸۵۳ با تصویب قانون اساسی جدید، این کشور موسوم به جمهوری آرژانتین گردید. از آنجا که استانهای کشور آرژانتین دارای استقلال عمل فراوان بودند تا سال ۱۸۶۰ دولت مرکزی آن قدرت چندانی نداشت. بخصوص ایالت مهم بوئنوس آیرس دارای اختیارات فراوانی بود. سرانجام در سال ۱۸۶۰

با ایجاد تمرکز قوی، اختیارات اسثانها محدود شد و از این سال به کشور آرژانتین متحد (*Argantine Natino*) معروف گردید. در سال ۱۸۷۹ نیز با تصرف سرزمینهای جنوبی موسوم به پاتاگونیا (*Patagonia*)، آرژانتین در حدود فعلی خود قرار گرفت و جمهوری آرژانتین فعلی تکوین یافت.

نام آرژانتین در زبان اسپانیولی که زبان رسمی این کشور است، آرختینا (*Arxentina*) و در عرف بین‌المللی آرجتینا (*Argentina*) می‌باشد. نام رسمی این کشور جمهوری آرژانتین است.

پرچم: در سال ۱۸۱۲ ژنرال مانوئل بلگرانو، در جنگ‌های استقلال علیه اسپانیا از پرچمی دو رنگ استفاده کرد که از سه نوار تشکیل شده بود. نوارهای بالا و پائین پرچم آبی روشن و نوار وسط سفید بود. این پرچم بعدها به صورت پرچم رسمی کشور آرژانتین درآمد. ژنرال بلگرانو رنگ‌های آبی و سفید را از رنگ روبانهای الهام گرفته بود که در تظاهرات عمومی بخاطر استقلال از اسپانیا در میان تظاهرکنندگان به چشم می‌خورد. پرچم آرژانتین با خورشید ماه مه تزئین شده است و این خورشید یادآور آزادی از یوغ اسپانیاست و نشانه آن است که اشعه‌های آزادی در ۲۵ ماه مه سال ۱۸۱۰ میلادی به آرژانتین تابید.

آفریقای جنوبی (ZA)

آفریقای جنوبی در جنوبی‌ترین قسمت قاره آفریقا قرار گرفته و به همین جهت آفریقای جنوبی نام دارد. پیدایش کشور آفریقای جنوبی و نامگذاری آن نیز از جنوبی‌ترین نقطه آفریقا آغاز شده است. در جنوب قاره آفریقا دماغه امید نیک (*Good hope*) قرار دارد که با کشف آن در سال ۱۴۸۸ بوسیله دیاز دریانورد پرتغالی، استعمار مشرق زمین به وسیله اروپائیان آغاز شد. در این سال دیاز پس از طی مسیری طولانی در امتداد ساحل غربی آفریقا و بطرف جنوب به آخرین نقطه جنوبی قاره آفریقا رسید و به دلیل برخورد با توفانهای شدید آنجا را دماغه توفانها یا کابوتورمنتوزو نامید. در سال ۱۶۵۲م. کمپانی هند شرقی هلند جای پرتغالیها را در این دماغه گرفت و سرانجام در سال ۱۸۰۶ انگلستان آن را از چنگ هلندیها بیرون آورد. احتمالاً در دوره پس از پرتغالیها این دماغه نام کاپ یا کیپ (*Cape*) بخود گرفته و معمولاً به صورت ایالت کاپ (*Cape province*) و مستعمره کاپ (*Cape colon*) خوانده شده است. دماغه توفانها در فارسی به صورت امید نیک درآمده که ترجمه (*Good hope*) می‌باشد و نامی است که بعد از کشف اولیه و احتمالاً بخاطر دسترسی اروپائیان به مشرق زمین از طریق آن، بدین دماغه داده شده است. دماغه امید نیک را در زبان فارسی بصورت دماغه امیدواری نیز نوشته‌اند.

پرتغالیها در دوره سیطره خود بر جنوب آفریقا تنها در نواحی ساحلی پیشرفت کردند که از جمله آنها منطقه ای ساحلی بود که به خاطر زیبائیش آن را ناخال یعنی زیبا نامیدند. اما هلندیها شروع به پیشروی به داخل قاره کردند و ایالت‌هایی به نامهای اورانژ (از نام رود اورانژ) و ترانسوال به وجود آوردند. این دسته از هلندیهای مهاجر بوئر (*Boer*) نامیده

می‌شدند. بوئر در زبان هلندی به معنای کشاورز است. انگلستان پس از تسلط بر کاپ شروع به پیشروی به طرف شمال کرده و بتدریج بوئرها را عقب راند. این امر ابتدا موجب توسعه قلمرو اروپائیان در جنوب افریقا گردید (که بعداً منجر به پیدایش کشور افریقای جنوبی شد) و سپس تا سال ۱۹۰۲ م. یعنی پس از جنگ معروف بوئرها که طی آن انگلستان درگیر جنگ سختی با بوئرها شد (۱۸۹۹-۱۹۰۲) منتهی به تسلط کامل انگلستان بر جنوب افریقا شد. از آنجا که بوئرها به‌طور کامل از انگلستان تمکین نمی‌کردند و نیز بخاطر مصالح سیاسی و اداری، در سال ۱۹۱۰ م. از مجموعه ایالت‌های جنوب افریقا، اتحادیهٔ آفریقای جنوبی به‌وجود آمد که بعدها دارای رژیم مستقل از انگلستان در چارچوب کشورهای مشترک‌المنافع گردید.

نام رسمی آفریقای جنوبی، جمهوری آفریقای جنوبی (*South Africa Republic*) است. نام بین‌المللی آن ساوت‌افریکا و نام محلی آن زوید افریکا (*Suid Afrika*) می‌باشد.

آفریقای جنوبی را بخاطر سیاست آپارتاید (تبعیض یا جدایی نژادی)، رژیم آپارتاید، بخاطر سکونت بوئرها، کشور بوئر و بخاطر آنکه مرکزیت اداری آن شهر پرتوریا (*Pretoria*) است رژیم پرتوریا نیز می‌نامند. شهر پرتوریا در سال ۱۸۵۵ به‌وسیلهٔ شخصی بنام پرتوریوس ساخته شد و بنام او پرتوریا نام گرفت. در منابع دوره قاجاریه گاهی نام زولولاند به‌معنای سرزمین زولوها نیز برای این کشور بکار رفته که بخاطر سکونت قوم معروف زولو در این کشور می‌باشد.

پرچم: پرچم کنونی آفریقای جنوبی نشانه‌ای از وقایع تاریخی این کشور است. در وسط نوار سفید این پرچم، پرچم کشورهای هلند و انگلستان دیده می‌شود که زمانی بر این کشور استیلا داشتند به پرچم هلند یک نوار عمودی سبز افزوده شده که نام هلند جوان را در ذهن زنده کند، در حدفاصل پرچم دو کشور مذکور نیز پرچم دیگری دیده می‌شود که پرچم ایالت آزاد اورانژ و پرچم ناحیه ترانسوال به‌شمار می‌آید.

آفریقای مرکزی (CA)

جمهوری آفریقای مرکزی ابتدا بخاطر مجاورت با رود اوبانگی به کشور اوبانگی معروف بوده است که احتمالاً بدلیل وضعیت انسانی و سیاسی، اوبانگی-شاری (*Ubangishari*) نیز نامیده می‌شده است. در قرن نوزدهم با تسلط استعمار فرانسه، این کشور با سیزده کشور دیگر آفریقایی مجموعاً به آفریقای سیاه فرانسه موسوم گشت.

در طول قرن نوزدهم این کشور همراه با چاد و گابن و کنگو به آفریقای استوایی و یا آفریقای استوایی فرانسه معروف بود و بخاطر آنکه در جنوب این مجموعه قرار می‌گرفت به طور خاص بدان آفریقای استوایی جنوبی فرانسه نیز می‌گفته‌اند.

از سال ۱۸۹۱ م. تا ۱۹۱۰ م. به آفریقای مرکزی نام کنگوی فرانسه دادند. در جریان مبارزات استقلال طلبانه مردم این کشور برای نخستین بار نام آفریقای مرکزی برای آن رایج شد چون در مرکز آفریقا واقع شده است. در سال ۱۹۶۰ م. این کشور استقلال خود را بدست آورد و به جمهوری آفریقای مرکزی (*Central African Republic*) موسوم گشت که نام رسمی و بین‌المللی آن نیز می‌باشد.

پرچم: پرچم کشور آفریقای مرکزی را بارتله می‌بوگاندا رئیس‌جمهور این کشور قبل از مرگ خود در سانحه هوایی طرح‌ریزی کرد. وی رنگ‌های آبی و سفید را که در پرچم فرانسه وجود دارد با رنگهای آفریقایی (سبز و زرد و قرمز) درهم آمیخت تا نشانه‌ای از دوستی فرانسه با این کشور باشد. ستاره زرد در این پرچم نشانه نخستین رئیس‌جمهور این کشور یعنی بارتله می‌بوگاندا می‌باشد که بعد از استقلال به ریاست جمهوری انتخاب شد اما پس از طراحی پرچم درگذشت.

آلبانی (AI)

سرزمین کنونی آلبانی در قرون قبل از میلاد جزئی از سرزمین وسیعی به نام ایلیریا (*Illyria/Illiria*) یا ایلوریس (*Illuris*) بوده است که نام آن مأخوذ از نام قوم ایلیری از اقوام هند و اروپایی است که به نواحی شرق شبه‌جزیره بالکان کوچ کرده بودند. در دوره امپراتوری روم این سرزمین تحت سلطه رومیان قرار گرفت و رومیان آن را ایلوریکوم (*Illurikum*) می‌نامیدند (← یوگسلاوی).

مردم آلبانی که از جمله اقوام ایلیری هستند، آلبانی را شکپنی (*Skipni*) یا شکپری می‌نامند ولی عنوان آلبانی نیز رایج است که در داخل و خارج گسترش بیشتری دارد. کلمه آلبانی در یکی از لهجه‌های ساکنان آلبانی به نام گیگی به صورت‌های آربن (*A'reben*)، آربنوئر (*Arbenuer*) و آربنش (*A'rbnes*) به معنای مردم آلبانی بکار رفته است. سرزمین آلبانی نیز به صورت آربنی (*Arbeni*) آمده است هر دو دسته اسامی فوق‌الذکر از ریشه Arb است که در همان زمان معادل با آلب (*Alb*) می‌باشد و از همین ریشه نام آلبانی مشتق گردیده است. چنانکه در عصر امپراتوری بیزانس که بر تمام شبه‌جزیره بالکان حکومت می‌کرد به این سرزمین و ساکنان آن آلبانویی (*Albanoi*) می‌گفتند. در زبان یونانی به ساکنان آلبانویی، آربانتیای گفته می‌شد. پس از آنکه ترکان عثمانی بر سراسر شبه‌جزیره بالکان استیلا یافتند لفظ اخیر را به صورت معرب آن یعنی ارناووط درآوردند که آن را در زبان ترکی به شکل آرنادولق (*Arnaudleq*) یا آرنادوبکار بردند. از آنجا که فرهنگ و زبان ترکی در طول دوران حاکمیت ترکان عثمانی رواج یافت این لفظ نیز تا حدودی رواج گرفت.

در سال ۱۸۰۹ میلادی ناپلئون در مجموعه نقشه‌های جهانگیری خود متوجه بالکان

شد و عنوان ایلیری را بار دیگر برای این سرزمین و نواحی اطراف آن به کار برد، لیکن رواجی نیافت. در سال ۱۹۱۱ که آلبانی استقلال یافت، همین عنوان آلبانی بکار رفت. نام رسمی آلبانی جمهوری سوسیالیستی خلق آلبانی است. و در عرف بین‌الملل به آن آلبانیا (*Albania*) می‌گویند. عناوین کشور آرناوت، اُسکیپریا و اسکیپرنیز در داخل آلبانی رایج است.

پرچم: نقش روی پرچم آلبانی بر این باور استوار شد، که گویند آلبانیایی‌ها از یک عقاب بوجود آمده‌اند. این عقاب به شکل پرنده‌ای با دو سر بر روی رنگ قرمز پرچم این کشور جای داده شده است. بالای سر این پرنده ستاره‌ای وجود دارد که در سال ۱۹۴۵ به پرچم اضافه شد و ستاره کمونیسم می‌باشد.

آلمان (DDR, D)

آلمان‌ها از نژاد ژرمن هستند که از دورهٔ روم باستان در نواحی مرکزی اروپا ساکن شدند و نواحی مرکزی اروپا به نام آنان به ژرمانی (*Germany*) موسوم گردید و عنوان ژرمنی نیز برای این قوم بکار رفت. در زبان انگلیسی امروز لفظ ژرمن و ژرمنی از همین مأخذ می‌باشد.

ژرمن‌ها در طول تاریخ خود در قرون باستان به تدریج از نواحی شمالی و شرقی اروپا به طرف مرکز اروپا فشار آوردند و شعباتی از آنها سرانجام موفق به سرنگونی امپراتوری روم (غربی) گردیدند. با تشکیل امپراتوری فرانک (پس از نابودی امپراتوری روم) اقوام ژرمنی نیز کماکان تابع این امپراتوری بودند و از آنجا که فرانکها (فرانسویان امروز) با ژرمن‌ها و بخصوص با اتحادیه طوایفی از آنان به نام آلامانی (*Alamannie*) یا آله‌مانی (*Alemanni*) مجاور و با آنان درگیر بودند در زبان فرانسه لفظ آلمانی (*Alemagne*) و آلمان (*Aleman*) بکار رفت که به منزلهٔ همان ژرمنی و ژرمانی انگلیسی بود. نام آلمان نیز از طریق منابع فرانسوی وارد ادبیات جغرافیایی ایران گردیده است. چنانکه در دورهٔ مغول، رشیدالدین فضل‌الله، کشور آلمان را آلامانیه (*Alamania*) آورده است. پس از تجزیه و تقسیم امپراتوری فرانک بر اساس معاهدهٔ وردن (*Verdun*) (۸۴۳ م.)، بخشی از آن که بیشتر دربرگیرنده ژرمن‌ها بود به لویی ژرمنی (*The louis*) (*the german*) رسید که پس از وی جانشینانش قلمرو خود را توسعه دادند و بویژه بیشتر این توسعه در قسمت شرق بود. این توسعه در تاریخ و فرهنگ آلمان تأثیر قابل توجه داشته از جمله آنکه لهجهٔ رایج در آن نواحی که موسوم به دویچ (*Deutsch/doyc*) بود نام عمومی مردم ساکن ژرمانیه شد. بعضی از منابع دویچ را در لغت به معنای ملت ذکر کرده‌اند.

هم‌اکنون آلمانها کشور خود را دویچلاند (*Doycland*) می‌نامند که این نام در ادواری که آلمان‌ها صاحب امپراطوری بوده‌اند به صورت دویچس رایش یعنی امپراطوری آلمان به کار می‌رفته است.

نواحی آلمانی‌نشین اروپا در بخش اعظم تاریخ خود امپراطوری مقدس روم (*Holy Roman Empier*) نام داشته است. این نام از آن جهت به این نواحی اطلاق می‌شد که با تسلط شاهان آلمانی بر نواحی مرکزی اروپا و حاکمیت نسبی آنان بر ایتالیا (مهد روم باستان) آنان ادعای تسلط بر تمامی قلمرو روم باستان و ملل مسیحی را داشتند بخصوص آنکه پاپ نیز با آنان همراهی می‌کرد. چنانکه کنراد اول (*Conrad I*) را ابتدا شاه فرانکها و سپس پادشاه روم نامیدند. در ابتدا نام این دولت امپراطوری روم بود و بعدها فردریک اول صفت «مقدس» را نیز بدان افزود و عنوان امپراطوری مقدس روم رایج گردید. از قرن پانزدهم عنوان ملت آلمان نیز به عناوین فوق افزوده شد یعنی امپراطوری مقدس رومی ملت آلمان. این امپراطوری مجموعه‌ای ناهمگون و ناهماهنگ از قدرت پاپ، امپراطور و امرای محلی بود و به همین جهت دانتی شاعر معروف ایتالیایی گفته است که: امپراطوری مقدس روم نه امپراطوری بود، نه مقدس و نه رومی. بهر حال این عنوان تا سال ۱۸۰۶ م. که ناپلئون آلمان را متصرف شد، رسماً به کار می‌رفت. از آغاز تأسیس امپراطوری مقدس روم تا این سال در تاریخ آلمان به رایش اول موسوم می‌باشد. رایش (*Rich*) در لغت به معنای امپراطوری است و مراد از آن امپراطوری آلمانی می‌باشد. آغاز رایش اول را برخی سال ۸۰۰ میلادی، سال تاجگذاری شارلمان (*Charlemagne*) و بعضی سال ۹۶۲ میلادی تاجگذاری اوتوی اول (*Otto I*) دانسته‌اند.

در اوایل قرون جدید در امپراطوری مقدس روم دو واقعه مهم رخ داد. یکی قدرتمند شدن و وسعت یافتن یکی از ایالات جنوبی که بعدها به اتریش (← اتریش) موسوم شد و دیگری قدرت یافتن و توسعه براندنبورگ (*Brandenburg*) از ایالات شمالی آلمان بود. چنانکه تاریخ متأخر امپراطوری مقدس روم، اساساً شرح کشمکش‌های این دو دولت تقریباً مستقل از امپراطوری، جهت تسلط بر تمامی امپراطوری مقدس روم می‌باشد. بعدها دولت براندنبورگ که نامش مأخوذ از شهری به همین نام است در تاریخ آلمان نقش مهمتری ایفا نمود.

چنانکه ذکر شد در طول قرون وسطی اقوام ژرمنی در سمت شرق قلمرو خود را توسعه دادند. یکی از این اقوام که پروس (*Proust/prus*) نامیده می‌شد در شمال لهستان کنونی ساکن گردید و ناحیه سکونتشان به پروسیا (*Prusia*) موسوم گشت. در منابع قدیمی فارسی نام این کشور بصورت پروسیه آمده است. در قرن هفدهم دولت براندنبورگ قلمرو خود را توسعه داده و پروسیا را به خاک خود ملحق نمود و از آن پس دولت براندنبورگ به پروس تغییر نام داد.

برخی از منابع پروس را که صورت آلمانی آن (*Proysen*) است به معنای جدید ذکر نموده و علت آن را به پادشاهی رسیدن حکمران براندنبورگ در سال ۱۷۰۱ م. می‌دانند که مبداء تحول و تاریخ جدیدی در آلمان به شمار آمده است. بهرحال دولت پروس یا براندنبورگ سابق پس از چندی شمال آلمان کنونی را به قلمرو خود منظم ساخت و بدین ترتیب سراسر شمال آلمان به پروس موسوم گردید.

باتوجه به توسعه ارضی و اسمی و باتوجه به تحولاتی که در مورد خاک اصلی پروس در تاریخ اروپا رخ داد، پروس اصلی در شمال لهستان کنونی بعدها به پروس شرقی موسوم گردید درحالیکه نام مطلق پروس به بخش عمده قلمرو آن اطلاق می‌شد. بدین ترتیب سرزمینهای ژرمن نشین اروپا (بیشتر اروپای مرکزی) در قرون جدید شامل پروس، اتریش و امیرنشینهای آلمانی می‌شد که همگی تا سال ۱۸۰۶ م. به امپراطوری مقدس روم موسوم بودند.

ناپلئون بناپارت پس از انحلال امپراطوری مقدس روم، امیرنشینهای آلمانی را در قالب نوینی سازمان داد و به آنان عنوان هم پیمانان راین یا اتحادیه راین داد که این نام مأخوذ از نام رود راین بود و بدین ترتیب مقدرات سیاسی آن از اتریش و پروس جدا گردید. اتحادیه راین تا سال ۱۸۱۳ م. که ناپلئون سقوط کرد به نام امیرنشینهای آلمانی نیز موسوم بود.

پس از سقوط ناپلئون اتحادیه راین به اتحادیه آلمانی (*German Confederation*) یا کنفدراسیون آلمانی یا اتحادیه ژرمنی تبدیل شد که به آلمانی دویچربوند (*Dojcerbund*) خوانده می‌شد و بیشتر زیر نفوذ اتریش بود. در نتیجه بار دیگر سرزمینهای آلمانی نشین عرصه رقابت پروس و اتریش گردید. عنوان اتحادیه آلمانی از ۱۸۱۵ تا ۱۸۵۰ م. و به

قولی تا ۱۸۶۶ م. مرسوم و متداول بود. پس از آن با تفوق یافتن پروس به همت بیسمارک (Bismark) صدراعظم معروف آن کشور، اتحادیه آلمانی منحل شد و به جای آن اتحادیه آلمان شمالی تأسیس گردید که بدین ترتیب امیرنشین‌های آلمانی زیر نفوذ پروس قرار گرفت.

اتحادیه آلمان شمالی تا سال ۱۸۷۱ م. عنوان رسمی پروس و امیرنشین‌های آلمانی بود که دولت واحدی را تشکیل داده بودند. در سال ۱۸۷۱ م. با شکست فرانسه از پروس، عنوان امپراطوری آلمان رایج شد. از سال مذکور تا سال ۱۹۱۸ م. که آلمان در جنگ جهانی اولی شکست خورد به رایش دوم معروف است.

پس از جنگ جهانی اول از سال ۱۹۱۹ تا ۱۹۳۳ م. بخاطر شکل حکومت و قانون اساسی آن که در شهر کوچک وایمار (Weimar) بنا نهاد شده، آلمان به جمهوری وایمار (Weimar republic) مشهور شد اما از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ م. که هیتلر بر مسند قدرت بود آلمان به رایش سوم موسوم گردید.

پس از شکست آلمان در جنگ جهانی دوم خاک آن کشور توسط متفقین اشغال شد. روسها قسمت شرقی آلمان و نیروهای آمریکایی، انگلیسی و فرانسوی قسمت غربی آن را تصرف کردند. به همین نحو شهر برلین که در قسمت شرقی آلمان واقع بود و می‌توان آن را با براندنبورگ سابق الذکر منطبق نمود نیز توسط این چهار کشور تحت تصرف و کنترل درآمد.

در نتیجه وقایعی که پس از جنگ جهانی دوم در روابط بین‌الملل رخ داد و تقسیم جهان به دو بلوک شرق و غرب، در سال ۱۹۴۹ در بخش غربی آلمان و برلین غربی کشور آلمان غربی (West Germany) یا وست دویچلانت (West Deutschland) با عنوان رسمی جمهوری فدرال آلمان و علامت اختصاری (D) تأسیس گردید که در عرف بین‌الملل بدان آلمان غربی می‌گفتند.

در همان سال نیز در بخش شرقی آلمان و بخش شرقی برلین، آلمان شرقی (East Germany) یا اوست دویچلانت (Ost Deutschland) با نام رسمی جمهوری دمکراتیک آلمان و علامت اختصاری DDR تأسیس گردید که در عرف بین‌المللی بدان آلمان شرقی می‌گفتند.

آلمان شرقی دارای مرام کمونیستی بود و در زمره بلوک شرقی محسوب می‌شد ولی مرام آلمان غربی کاپیتالیستی (سرمایه‌داری) بود و در زمره دول غربی (بلوک غربی) بحساب می‌آمد. لازم به تذکر است که در اواخر سال ۹۰ وحدت دو آلمان تحقق یافت ولی تا کنون نام رسمی جدید این کشور مشخص نگردیده است اما انتظار می‌رود که نام جمهوری فدرال آلمان بدان اطلاق گردد.

پرچم: به هنگام تشکیل کنفدراسیون آلمان شمالی در ۱۸۶۶ م. پرچم این کشور بصورت سه رنگ درآمد. این پرچم دارای نوار سیاه در بالا، سفید در وسط و قرمز در پایین بود. در سال ۱۸۷۱ یک عقاب و یک علامت مربوط به دریانوردی به وسط نوار سفید افزوده شد. بعد از جنگ جهانی اول، جمهوری وایمار بوجود آمد و تصمیم گرفت که پرچم آلمان دارای یک نوار سیاه، یک نوار قرمز و یک نوار طلایی باشد و بنابراین پرچم امروزی به وجود آمد. با روی کار آمدن نازی‌ها در سال ۱۹۳۳ پرچم جمهوری وایمار کنار گذاشته شد و ابتدا از پرچم کنفدراسیون آلمان استفاده می‌شد بعدها پرچمی به وجود آمد که زواستیکا (Swastika) نامیده می‌شد که معنای آن صلیب شکسته است. این پرچم، پرچم حزب نازی بود و در زمینه‌ای قرمز یک صلیب شکسته درون یک دایره سفید قرار داشت. صلیب شکسته یکی از قدیمی‌ترین علامتهاست و عبارتست از یک صلیب یونانی (صلیب با بازوی متساوی) که امتداد این صلیب در زوایای راست خم شده و به عنوان سمبل نژاد آریایی پذیرفته شده بود. در پایان جنگ دوم جهانی استفاده از این پرچم بکلی منسوخ شد و پرچم جمهوری وایمار (سیاه-قرمز و طلایی) مجدداً در هردو آلمان مورد استفاده قرار گرفت، با این تفاوت که در سال ۱۹۵۹ جمهوری دمکراتیک آلمان (آلمان شرقی سابق) علامت خاص خود را بدان افزود. این علامت شامل یک پرگار، یک چکش و سنبل‌های گندم بود که بترتیب سمبل روشنفکران، کارگران و کشاورزان شمرده می‌شدند.

آنگولا (PAN)

در قرن پانزدهم میلادی که استعمارگران پرتغالی به سواحل کشور کنونی آنگولا رسیدند آن کشور ندونگونام داشت و در آن پادشاهی بنام نگولا حکومت می‌کرد. پرتغالیها این کشور را به نام پادشاه آن آنگولا نامیده و این اسم را رایج ساختند. در طول استعمار پرتغال بر آنگولا، این کشور را افریقای غربی پرتغال نیز نامیده‌اند. با استقلال آنگولا در سال ۱۹۷۵م. این کشور جمهوری خلق آنگولا نامیده شد که نام رسمی آن می‌باشد. نام بین‌المللی این کشور آنگولا (*Angola*) می‌باشد.

پرچم: پرچم آنگولا در جریان مبارزات منجر به استقلال این کشور مورد استفاده جنبش عمومی برای آزادی آنگولا (*Popular Movement for the Liberation of Angola*) قرار می‌گرفت. این پرچم مرکب از دو رنگ قرمز و سیاه است. قرمز بخاطر خون‌هایی که برای کسب استقلال نثار شد و سیاه به نشانهٔ سیاه‌پوست بودن مردم این کشور.

در زمینهٔ پرچم آنگولا یک نیمه چرخ‌دنده و یک کارد سنگین دیده می‌شوند که همانند داس و چکش موجود در پرچم شوروی یکدیگر را قطع کرده‌اند و در زمینهٔ قرمز این پرچم ستاره زرد رنگی ملاحظه می‌شود.

اتحاد جماهیر شوروی (USSR)

اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی کشوری وسیع با بیش از ۲۲ میلیون کیلومتر مربع مساحت است که از این جهت وسیع‌ترین کشور جهان بشمار می‌آید. این کشور بخش‌های وسیعی از قاره‌های آسیا و اروپا را فرا گرفته و متشکل از سرزمینهایی است که هریک از نظر نام و سوابق تاریخی شرح مفصلی را لازم دارند. مرکز اصلی پیدایش و تکوین این کشور سرزمینهای حدفاصل دریای بالتیک و دریای سیاه بوده است که شهرهایی چون مسکو و کیف در آن واقع شده‌اند و بطور کلی به روسیه اروپایی موسومند. توضیح آنکه جغرافی دانان رشته کوههای اورال را که در شمال دریای خزر از شمال به جنوبی امتداد دارد مرز قاره‌های آسیا و اروپا می‌دانند و بخشی از خاک روسیه که در سمت مشرق اورال قرار دارد به روسیه آسیایی و آن قسمت که در غرب کوههای اورال واقع است به روسیه اروپایی موسوم شده‌اند.

چنانکه ذکر شد روسیه اروپایی خاستگاه اولیه این کشور بوده و طی قرون متمادی بخصوص چند قرن اخیر محدوده این کشور به حالت امروزی درآمد. در فاصله قرون پنجم تا هشتم میلادی قومی بنام اسلاو (Slav) در روسیه اروپایی و بخش‌های وسیعی از اروپای شرقی کنونی تا بالکان ساکن شدند تا آنجا که نه تنها منشأ نژادی تعدادی از ملل اروپای شرقی و بالکان اسلاوها هستند، بلکه نام برخی از کشورهای این مناطق نیز از همین کلمه به وجود آمده است. اسلاو در لغت به معنای شوکت و بلندنامی است. در منابع جغرافیایی اسلامی اسلاوها صقلاب نامیده می‌شوند. برخی از منابع منشأ اسلاوها را از منطقه کارپات در اروپای شرقی دانسته‌اند. اسلاوها شامل سه گروه عمده‌اند: ۱- اسلاوهای غربی شامل لهستانی‌ها، چک‌ها، اسلواک‌ها و... ۲- اسلاوهای شرقی

شامل روسها، اوکرائینی‌ها و روسهای سفید ۳ — اسلاوهای جنوبی شامل صربها، کروآتها، سلوونها، مقدونیه‌ها و بلغارها. لازم به تذکر است که در اوایل تاریخ روسیه، اروپائیان به اسلاوها آنته‌یوس (*Antehyns*) می‌گفتند. آنته‌یوس به معنای غول است. این نامگذاری ممکن است بخاطر جثه بزرگ اسلاوها بوده باشد.

تا قرن نهم میلادی اسلاوها به صورت پراکنده در روسیه اروپایی به سر می‌بردند. در اوایل این قرن اقوامی از اسکاندیناوی که عموماً نورس (*Norse*) و بعضاً وایکینگ (*Viking*) نامیده شده‌اند به این منطقه سرازیر گشتند. اسلاوها این دسته از وایکینگ‌های مهاجم را که بیشتر از سوئد بودند روس (*Rus*) می‌نامیدند که معادل با نورمن در اروپای غربی است. گروهی از مورخان را عقیده بر آنست که واژه زوس از نام ناحیه رودن (*Roden*) مشتق شده که فعلاً روسلاگن نامیده می‌شود. این ناحیه مشتمل بر باریکه‌ای از ساحل و مجمع‌الجزایر واقع در شمال استکلهم در سوئد است. کلمه رودن با لغت سوئدی رو (*Row*) از یک ریشه است که به معنای پارو می‌باشد بنابراین (*Russians*) در لغت به معنای پاروزنان (*Rowers*) است. توضیح آنکه وایکینگها بیشتر از طریق دریا و رودها و با قایق‌های پارویی به سرزمینهای اطراف حمله می‌کردند. نام روس پس از چندی به اسلاوهای شرقی یعنی آن دسته از اسلاوهایی که در روسیه اروپایی کنونی ساکن بودند اطلاق شد. بعدها نام روس به دولتهایی که در کیف و مسکو تشکیل گردیدند داده شد و نام روسیه که برای این سرزمینها به کار می‌رفت مأخوذ از کلمه روس بوده است. در منابع فارسی مانند منابع عصر مغول تا اوایل قاجاریه روس به صورت اروس هم به منزله نام قوم و هم به منزله نام کشور ضبط شده است.

در اواخر قرن نهم چون شهر کیف (*Kiev*) در بین شهرهای روسیه مقام والایی یافت، روسیه این دوره را روسیه کیف یا دولت کیف نامیده‌اند. با افول دولت کیف در اوایل قرن دهم، شهرهای مختلف روسیه که توسط شاهزادگان مختلف اداره می‌شدند بالاستقلال روزگار می‌گذرانیدند و معمولاً منابع از همگی آنها با نام شاهزاده‌نشین‌های روسیه نام می‌برند. در این دوره بخاطر وجود شهرهای بسیار روسیه به سرزمین شهرها معروف شده بود. این وضع تا قرن سیزدهم ادامه یافت. در اوایل این قرن مغولها به روسیه هجوم آوردند و پس از کشتار و غارت فراوان دولتی در آن کشور تأسیس کردند که اردوی

طلایی (Golden Hord) یا تاتارهای زرین نامیده شده است. شاهزاده‌نشین‌های روسیه اگرچه در دوره مغول نیز به حیات خود ادامه دادند اما تسلط مغولها تا قرن پانزدهم میلادی کمابیش ادامه یافت. در اواخر قرن پانزدهم شاهزاده‌نشین مسکو توانست قدرت گیرد و مغولها را شکست دهد و آنگاه دیگر شاهزاده‌نشین‌ها را مطیع خود سازد. روسیه این دوره به روسیه مسکوی یا مسکوی موسوم گردیده است. همچنین در اواخر همین قرن ایوان سوم بر خود لقب تسار (تزار) گذارد که صورت روسی کلمه قیصر (سزار) است. به همین جهت بعدها کلمه روسیه تزاری نیز رایج گردید. دولت مسکوی در زمان ایوان چهارم معروف به ایوان مخوف قدرت و وسعت بیشتر یافت و سرانجام در اوایل قرن هفدهم با به قدرت رسیدن پتر کبیر وارد مرحله تازه‌ای از تاریخ خود گردید.

پتر کبیر بر قدرت و قلمروی روسیه افزود و از زمان او عنوان امپراطوری روسیه رایج شد، عنوان امپراطوری روسیه یا روسیه تا سال ۱۹۱۷ برای این کشور به کار می‌رفت و در کنار این نام بعضاً نامهای دیگری چون روسیه سفید، روسیه صغیر، روسیه کارپاتی و روسیه کبیر نیز مشاهده شده است. روسیه صغیر به منطقه غرب اوکراین و جنوب لهستان در قرن هجدهم اطلاق شده است زیرا در این قرن روسیه توانست در این نواحی قلمرو خود را توسعه دهد. در عوض قسمت عمده روسیه اروپایی را روسیه کبیر می‌نامند. روسیه سفید نام دیگری از جمهوری‌های شوروی بنام بیلوروسی است و روسیه کارپاتی نام دیگر روتنیا می‌باشد.

پس از انقلاب کمونیستی ۱۹۱۷ که رژیم سلطنتی تزاری سرنگون گردید، عنوان روسیه بلشویکی رایج شد که مأخوذ از نام بلشویک‌هایی (Bolshevik) است که حکومت را در دست گرفته بودند. در همان حال به هواداران بلشویک‌ها، روس‌های سرخ و به مخالفین آنان روسهای سفید نیز اطلاق شده است. پس از به قدرت رسیدن بلشویک‌ها عنوان روسیه تزاری برای نامیدن رژیم قبل از سال ۱۹۱۷ استعمال فراوان یافت.

در سال ۱۹۲۲ م. نام روسیه رسماً به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تبدیل گردید که منتج از رژیم سیاسی و اداری آن کشور بود. دولت جدید متشکل از ۱۵ جمهوری بود و یکی از جمهوریه‌ها که شامل صفحات شمالی کشور از جمله سیبری، مسکو... بود به جمهوری فدراتیو روسیه شوروی موسوم گردید. اتحاد شوروی به کشور شوراهانیز

معروف است. نام رسمی آن اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی است و در عرف بین‌المللی مشهور به یونیون سوویت سوسیالیست ریپابلیکس (Union of Soviet Socialist Republics) نامیده می‌شود که علامت اختصاری آن (U.S.S.R.) است و به اختصار سوویت یونیون (Soviet Union) نیز به کار می‌رود. نام محلی این کشور Soviz Sovetskikh Socialistic Skikh Respublik است که علامت اختصاری این نام (S.S.S.R.) است. املاي روسی نام کامل این کشور به شکل زیر است:

CoH3 CoBeT:kNx CouinanNCTN4eckNx Pecnvornk و علامت اختصاری آن (СССР) می‌باشد.

پرچم: در دوران امپراطوری تزاری پرچم این کشور شامل سه نوار افقی سفید، آبی و قرمز بود و علامت تزارهای روسیه یک عقاب دوسر بود که بر روی پرچم نقش شده بود. حزب بلشویک در جریان انقلاب روسیه از پرچم قرمز رنگ استفاده می‌کرد و بعد از سقوط امپراطوری تزارها در سال ۱۹۱۷ پرچم حزب مذکور جایگزین پرچم تزارها شد. پرچم ملی و تجاری اتحاد شوروی یک پرچم قرمز رنگ است که در گوشه سمت چپ بالای آن ستاره‌ای پنج‌پر و طلایی قرار دارد این ستاره نشانه قدرت دولت است و پنج‌پر آن علامت پنج قاره جهان شمرده شده است. در زیر ستاره مذکور داس و چکشی به رنگ طلایی وجود دارد که سمبل کشاورزان و کارگران صنعتی است.

پرچم رسمی و دولتی اتحاد جماهیر شوروی (پرچم تشریفاتی کرملین) زمینه‌ای سفید دارد که در قسمت زیرین آن نواری آبی رنگ دیده می‌شود. ستاره قرمز رنگ و بزرگ کمونیسم در سمت چپ و علامت داس و چکش در سمت راست این پرچم نقش شده است. لازم به تذکر است که هریک از جمهوری‌های شوروی نیز علاوه بر پرچم ملی از پرچم‌های خاص جمهوری خویش استفاده می‌کنند. مثلاً پرچم جمهوری اوکراین پرچم قرمز رنگی با نوار آبی در قسمت پائین آن است که علامت ستاره و داس و چکش در گوشه سمت چپ بالای آن قرار دارد.

• بلشویک در لغت به معنای اکثریت است که در مقابل منشویک (Menshevik) به معنای اقلیت بکار می‌رود. مراد از بلشویک‌ها طرفداران لنین است.

اتریش (A)

اتریش نامی آلمانی است و مأخوذ از دو کلمه اوستر (*Oster*) به معنی شرق و رایش (*Reich*) به معنای قلمرو و امپراطوری ست که در مجموع به معنای قلمرو شرقی می‌باشد. این نام از اواخر قرن هشتم میلادی که شارلمانی امپراطور معروف فرانکها این ناحیه را تصرف کرد بدان داده شد زیرا این سرزمین در شرقی‌ترین قسمت امپراطوری فرانک قرار داشت. قلمرو شرقی در آن زمان شامل دو بخش بود یکی اتریش سفلی (*Nieder Österreich / lower Austria*) و دیگری اتریش علیا (*Ober österreich / Upper Austria*). قبل از قرون وسطی، رومیان اتریش کنونی را نوریکوم (*Noricum*) می‌نامیدند. از دوره شارلمانی نام اتریش باقی ماند چنانکه پس از او نیز آنجا را مرز شرقی (*East Mark*) می‌نامیدند. اما اتریش هویت سیاسی مستقل نداشت زیرا در طول سالیان دراز مورد هجوم اقوام مختلف بوده و وحدت ارضی نیز نداشت. اتریش در طول قرون وسطی جزئی از امپراطوری مقدس روم (*Holy Roman Empire*) به‌شمار می‌آمد که امپراطوری بزرگی در مرکز اروپا بود (— آلمان). در اواخر قرن سیزدهم میلادی شخصی بنام رودلف هابسبورگ (*Hapsburg*) بر اتریش کنونی مسلط شد که سرآغاز دوره نوینی در تاریخ این کشور محسوب می‌شود زیرا با وجود آنکه اتریش یکی از ایالات امپراطوری مقدس روم به‌شمار می‌رفت بخاطر آنکه قدرت فراوان یافت و امپراطور نیز گاهی از آن ایالت انتخاب می‌شد روز بروز اهمیت بیشتر بدست آورد و توانست با پیروزی بر ترکان عثمانی، مجارستان را تصرف کند. در قرن شانزدهم این کشور به پادشاهی اتریش موسوم شد و از قرن هجدهم نام آن به امپراطوری اتریش مبدل گشت. در سال ۱۸۰۶م. امپراطوری مقدس روم منحل شد و با وجود آنکه اتریش عملاً دولت

مستقلی بود اما پیوستگی ظاهری آن به امپراطوری مقدس روم به پایان رسید. در سال ۱۸۶۷ بخاطر آنکه اتباع مجار دارای قدرت فراوانی در داخله امپراطوری بودند نام کشور به پادشاهی اتریش-مجارستان یا سلطنت دوگانه تبدیل شد. این نام تا سال ۱۹۱۸ یعنی پایان جنگ اول جهانی که اتریش در آن شکست خورد ادامه داشت و پس از آن با شکست اتریش و سقوط سلسله هابسبورگ نام اتریش به جمهوری اتریش مبدل شد.

اتریش را در زبان فارسی اطریش نیز می‌نویسند و در زبان انگلیسی اوستریا که هردوی آنها از اوستررایش آمده است. در دوره قاجاریه بدان نمسه نیز می‌گفتند که مأخوذ از زبان روسی و به معنای گنگ است زیرا روسها، ساکنان پادشاهی اتریش-مجارستان را گنگ می‌دانستند.

نام محلی این کشور اوستررایش (*Oster Reich*)، نام بین‌المللی آن اوستریا (*Austria*) است و نام رسمی آن کشور جمهوری اتریش (*Republic of Austria*) می‌باشد. اتریش به کشور جنگلهای کاج (بخاطر جنگلهای فراوان کاج)، سرزمین دانوب (بخاطر عبور رود دانوب از آن)، کشور والسها (بخاطر مجالس موسیقی)، سرزمین هابسبورگ‌ها (بخاطر سلسله هابسبورگ) و کشور امپراطوری (بخاطر دوره طولانی امپراطوران) نیز معروف است.

پرچم: در قرن دوازدهم میلادی دوک لئوپلد، دوک اتریش در نبردی شرکت کرد. او در این نبرد کت سفیدی پوشیده بود. در طول جنگ خون به تمامی قسمت‌های لباس وی پاشیده شد و فقط قسمتی که کمر بند بسته بود بصورت نوار سفیدی باقی ماند. با الهام از این واقعه پرچم اتریش عبارت است از نواری سفیدرنگ در زمینه‌ای قرمز.

اتیوپی (ETH)

تا سال ۱۹۴۱ م. کشور اتیوپی، حبشه نام داشت نام حبشه از حبش گرفته شده بود که نام قوم ساکن در آن کشور است. حبش نیز در کتب قدیمی پسر حام، پسر نوح (ع) دانسته شده است. نام حبشه از قدیم‌الایام بدین کشور اطلاق می‌شد و بیشتر در منابع عربی مورد استفاده قرار می‌گردد. صورت اروپایی کلمه حبشه ابی‌سینیا (*abyssina/abisinia/abyssinie*) است و این نام کمابیش در منابع اروپایی همچنان به کار می‌رود.

در روزگاران گذشته دو نام دیگر نیز برای اتیوپی امروز مورد استفاده قرار می‌گرفت: یکی کوش که گفته‌اند این نام بدلیل آن بوده است که ساکنان اولیه حبشه کوش‌ها بوده‌اند و آنان نیز فرزند شخصی به نام کوش پسر حام پسر نوح بوده‌اند در تورات نام دولت کوش به صورت کوشیت آمده است. نام قدیمی دیگر حبشه اکسوم بوده است که در اصل نام دولتی بوده که از قرن اول تا ششم میلادی در حبشه و قسمتی از سودان حکومت کرده است. بنابر روایاتی اکسوم از نسل ملکه سبا بوده و به همین جهت حبشه را کشور سبا نیز گفته‌اند.

در سال ۱۹۳۶ م. کشور حبشه مورد حمله ایتالیا قرار گرفت و اشغال شد. ایتالیائی‌ها از مجموعه حبشه، اریتره و سومالی ایتالیا واحدی به نام افریقای شرقی ایتالیا به وجود آوردند اما با شکست ایتالیائی‌ها در سال ۱۹۴۱ م. در این منطقه، حبشه بار دیگر مستقل شد و از آن پس نام اتیوپی به وسیله اروپائیان بدان اطلاق شد و رایج گشت.

اتیوپی نامی است که یونانیان باستان به شمال شرقی افریقا (منظور مصر و حبشه) داده بودند و معنای آن سرزمین صورت سوختگان است. اصل این کلمه در لاتین

Aethiops و یونانی آن Aithiops به معنای چهره‌آفتاب سوخته می‌باشد.

نام رسمی این کشور اتیوپی است و در عرف بین‌الملل به صورت اتیوپیا (*Ethiopia*) به کار برده می‌شود. در منابع قدیم فارسی، حبشه را به صورت حبشستان به معنی سرزمین قوم حبش نیز آورده‌اند و بدان نام کشور سیاهان و مملکت سیاهان هم داده شده است.

پرچم: پرچم اتیوپی ابتدا به صورت سه نوار جدای از یکدیگر بود که هریک در بالای دیگری در اهتزاز بود. پرچم مستطیلی کنونی از سال ۱۸۹۷ م. رایج گردیده ولی در ابتدا رنگ قرمز در بالای پرچم قرار داشته و بعدها در سال ۱۹۴۱ م. به پائین مستطیل منتقل شده است. در زمان حکومت امپراطوری در وسط این پرچم تصویر شیری قرار داشت که به نام شیر جودا (Lion of Judah) معروف بوده و بر سر آن تاجی قرار داشت. ولی حکومت جدید اتیوپی تصویر شیر مذکور را از روی پرچم حذف نموده است. رنگ‌های پرچم اتیوپی نشانه‌های ایمان، امید و نیکوکاری شمرده شده‌اند.

اردن (JOR)

اردن هم نام کشور است و هم نام رود. اردن در لغت به معنای وسیلهٔ پالودن و نیز نوعی ابریشم است. با وجود این ابهام معنی، از قدیم کلمهٔ اردن رایج بوده و گاه نیز به صورت کنعان بکار رفته است. روزگاری بدان مملکت مواب، مملکت ادوم و مملکت جلعاد نیز می‌گفته‌اند. در دورهٔ جنگهای صلیبی بدان نام ولایتهای مونترال، کرک و مملکت لاتینی اورشلیم نیز داده شده است.

در روزگار اخیر به واسطهٔ استعمار انگلیس سرنوشت آن با فلسطین توأم بوده است. بدین جهت انگلستان اراضی شرقی رود اردن را ماوراء اردن (*Trans Jordan*) نامگذاری کرد. کشور اردن مدتی تحت الحمایه انگلستان بود تا آنکه مستقل شد. حکومتی که در اردن بر سر کار آمد از خاندان شریف حسین الهاشمی بود، لذا از سال ۱۳۲۸ هـ. ش کشور اردن بنام اردن هاشمی معروف شد. نام رسمی این کشور اردن هاشمی است، و نام بین‌المللی آن اردن می‌باشد.

پرچم: کشور اردن نیز از رنگ‌های سنتی دنیای عرب برای پرچم خویش استفاده کرده است. رنگ‌های سفید و سیاه نشانهٔ خلفای عرب است و رنگ سبز به نشانهٔ پیروی از دین اسلام می‌باشد. علامت ستاره نیز نشانهٔ وحدت بین دول عرب می‌باشد. رنگ قرمز در این پرچم به نشانهٔ حکومت ملک حسین گرفته شده است. طرح این پرچم در سال ۱۹۲۱ م. پذیرفته شده است.

اسپانیا (E)

قدیمی‌ترین نام اسپانیا، ایبری (*Iberia*) است که بخاطر سکونت قومی به همین نام در این سرزمین بوده است. هم‌اکنون شبه‌جزیره‌ای را که اسپانیا و پرتغال در آن واقع شده‌اند شبه‌جزیره ایبری (*Iberian Peninsula*) می‌نامند. در قرون قدیم با ورود سلت‌ها به این سرزمین و امتزاج آنان با ایبری‌ها، ملت «سلتیریان» به وجود آمد که نام عمومی سکنه قدیم اسپانیا بوده است. ظاهراً کلمه ایبری در ابتدا بر شمال شبه‌جزیره ایبری کنونی اطلاق می‌شده و در روزگار باستان جنوب آن را تارزیس می‌نامیده‌اند. با رسیدن فینقی‌ها در هزاره اول قبل از میلاد آنان برای اولین بار این سرزمین را هیسپانیا (*Hispania*) نامیدند.

رومیان نیز بعد از تسلط بر اسپانیای کنونی، «هیسپانیا» را رواج دادند که هم‌اکنون نام اسپانیا مأخوذ از همین کلمه است. در پایان حیات امپراطوری روم غربی، اسپانیا صحنهٔ تاخت و تاز اقوام متعددی چون گوت‌ها، واندال‌ها و... گردید که در نتیجهٔ این حملات پادشاهی گوت در این سرزمین تأسیس شد و قسمتهایی از جنوب آن نیز به نام واندال‌ها (*Vandals*) به واندالوزیا مشهور گردید.

در اواخر قرن اول هجری مسلمانان توانستند پادشاهی گوت اسپانیا را درهم شکسته و آن سرزمین را تصرف نمایند. مسلمانان سرزمین مفتوحهٔ خویش را اندلس (*Andalos*) یا آندلس (*Andolos*) نامیدند که صورت دگرگون شده‌ای از واندالوزیا می‌باشد. این نام به زبان اسپانیولی به صورت آندالوتیا می‌باشد.

نام آندلس که معادل آن اسپانیای مسلمان می‌باشد در طول تاریخ حکومت مسلمانان بر این سرزمین گاهی به تمام اسپانیا و گاهی به قسمتی از جنوب آن اطلاق شده است. این امر ناشی از نوسان قدرت و قلمرو مسلمانان در اسپانیا بوده است زیرا

اقوام و ایالت‌های مسیحی شمال اسپانیا طی سال‌های متمادی به تدریج موفق به تصرف قسمتهایی از اسپانیا شدند. از جمله این ایالت‌ها کاستیل و آراگون بود که در قرن پانزدهم میلادی با اتحاد و ادغام آنها با یکدیگر دولت اسپانیا به وجود آمد و عنوان پادشاهی اسپانیا را یافت.

پادشاهی اسپانیا برای مدت کوتاهی در فاصله جنگ جهانی اول تا دوم به جمهوری اسپانیا تبدیل شد لیکن چندان نپائید.

اسپانیا را در منابع دوره صفوی تا قاجاریه به صورت اسپانیول و اسپانی ضبط کرده‌اند.

اسپانیا بخاطر اهمیت اتحاد دو ایالت کاستیل و آراگون در تأسیس آن به کشور کاستیل و آراگون نیز موسوم می‌باشد. از آنجا که گاو‌بازی از ورزش‌های ملی اسپانیا محسوب می‌شود به این سرزمین، سرزمین گاو‌بازان نیز می‌گویند.

نام رسمی اسپانیا، کشور اسپانیا می‌باشد و در عرف بین الملل بدان اسپاین (*Spain*) و در زبان محلی اسپانیا (*Espana*) می‌گویند.

پرچم: رنگ‌های قرمز و طلایی موجود در پرچم اسپانیا، رنگ‌های مربوط به ایالت آراگون است. با تبدیل شدن اسپانیا به جمهوری در سال ۱۹۳۱ میلادی نوار قرمز رنگ پائین پرچم اسپانیا به رنگ ارغوانی مبدل شد که رنگ مربوط به ایالت کاستیل بود ولی با روی کار آمدن ژنرال فرانکو در سال ۱۹۳۹ پرچم اسپانیا مجدداً بحالت قبلی بازگشت.

در مورد پیدایش پرچم اسپانیا گفته شده که روزگاری یک پادشاه جنگجوی اسپانیایی چنگال خونین خویش را بر سپر زرد رنگی کشید و طرحی که به وجود آمد الهام بخش نخستین پرچم اسپانیا گردید.

در سمت چپ پرچم اسپانیا نشان ملی این کشور نقش بسته است که شامل عقابی است که از دو طرف به وسیله ستون‌های هرکول حمایت می‌شود. ستون‌های هرکول کوه‌های جنوبی ایبری در مجاورت تنگه جبل الطارق است (— جبل الطارق). بر شکم این عقاب نشان کاستیل، لئون، آراگون و ناواره (ایالت‌های قدیمی اسپانیا) نقش بسته است.

استرالیا (AUS)

سرزمین و کشور استرالیا تا اوایل قرون جدید مسکن گروه‌هایی از اقوام ابتدایی بود که بنام بومیان استرالیا (Aborigines) از آنان یاد می‌شود. برخی از گروه‌های این افراد هنوز هم در ایالت قلمرو شمالی (Northern Territories) در این کشور ساکنند. گمان می‌رود که بومیان استرالیا حدود سی هزار سال قبل از جنوب شرقی آسیا به استرالیا وارد شده باشند. نخستین اروپایی که به استرالیا وارد شد دریانورد هلندی ویلیام جانز (William Jansz) بود. هلندی‌ها به این سرزمین نام **هلند جدید** دادند. پس از چندی (۱۷۰۰ م.) کاپیتان جیمز کوک (James Cook) وارد استرالیا شد و این سرزمین تحت سلطه انگلیسی‌ها قرار گرفت و بدان نام استرالیا داده شد که به معنای سرزمین جنوبی است. این نام مأخوذ از دو کلمه (Terra Australis) است که روی هم معنای سرزمین جنوبی را می‌دهد. و در منابع فارسی در ابتدا بصورت استرالی وارد شده است. استرالیا تا سال ۱۸۹۰ م. مستقیماً توسط انگلیس اداره می‌شد و از این سال نام دومینیون استرالیا گرفت. استرالیا سرانجام در سال ۱۹۰۱ م. مستقل شد و در زمره کشورهای مشترک المنافع بریتانیا قرار گرفت. در سال ۱۹۱۱ م. یک حکومت فدرال در استرالیا تشکیل شد.

نام رسمی استرالیا **مشترک المنافع استرالیا** است و در عرف بین‌المللی بدان استرالیا می‌گویند. از آنجا که کشور استرالیا جزیره بسیار بزرگی است که دارای خصوصیات و ویژگی‌های یک قاره است بدان کشور قاره‌ای نیز گفته می‌شود و گاه نام جزیره بزرگ برای آن بکار می‌رود. همچنین به خاطر وجود انواع حیوانات بسیار قدیمی که در سایر نقاط جهان از بین رفته‌اند ولی در استرالیا به حیات خود ادامه می‌دهند بدان نام کشور

سنگواره‌های زنده اطلاق کرده‌اند. جانور شاخص این کشور حیوان پستاندار جهنده‌ای است که کانگورو نام دارد و از این لحاظ به کشور کانگوروها نیز معروف شده است.

پرچم: پرچم استرالیا آبی رنگ است و در یک چهارم بالای سمت چپ آن پرچم انگلستان دیده می‌شود در زیر پرچم انگلستان ستاره بزرگ و درخشان دیده می‌شود که نام «ستاره مشترک المنافع» را بدان داده‌اند. در سمت راست پرچم استرالیا پنج ستاره دیده می‌شوند که نشان‌دهنده موقعیت صورت فلکی «صلیب جنوبی» می‌باشند. در شب صلیب جنوبی در آسمان استرالیا دیده می‌شود.

افغانستان (AFG)

افغانستان از نظر جغرافیایی جزئی از فلات وسیع ایران و فلات پامیر به‌شمار می‌آید و در طول صدها سال همیشه جزئی از ایران یا هند یا دولتهای آسیای مرکزی به‌شمار می‌آمده است. در طول این مدت هر قسمت از افغانستان دارای نام خاصی بوده چون هرات، کابل و... تا آنکه پس از مرگ نادرشاه افشار، طایفه افغان توانست در این کشور قدرت بگیرد. افغان‌ها شامل دو دسته بزرگ غلجزایی و بارکزایی هستند که از دوره افشاریه در آن کشور سلطنت کرده‌اند. به همین جهت نام افغانستان (افغان + ستان) که نام مشترک هردو دسته است به این کشور اطلاق گردیده است.

افغانستان در زمان سلاطین افغان، پادشاهی افغانستان نامیده می‌شد. سپس با کودتای داودخان در سال ۱۹۷۳ در آن کشور جمهوری برقرار شد و به جمهوری افغانستان موسوم گردید. جمهوری افغانستان در سال ۱۹۷۹ با کودتای مارکسیستی سرنگون شد و نام اسمی افغانستان به جمهوری دموکراتیک افغانستان مبدل شد. در مناسبات بین‌المللی به این کشور افغانستان می‌گویند.

پرچم: پرچم افغانستان در جریان تحولات دهه گذشته دستخوش دگرگونی‌هایی شد ولی نهایتاً پرچم سنتی این کشور مجدداً روی کار آمد. رنگ‌های پرچم این کشور نشان‌دهنده گذشته پرآشوب آنست. سیاه نشانه قرن‌ها سختی و آبدیده شدن در گذر حملات و هجوم اقوام خارجی است. رنگ قرمز علامت جنگ بخاطر کسب استقلال است و رنگ سبز نشانه کامکاری و موفقیت است. علامت رسمی این کشور در گوشه سمت چپ بالای پرچم نقش می‌گردد. در درون این علامت قبلاً تصویری از یک مسجد

دیده می‌شد لیکن حکومت کمونیستی افغانستان آن را حذف کرد و بجای آن یک ستارهٔ سرخ را نشانند.

اکوادور (EC)

اکوادور در لغت به معنای «استوا» (*Equator*) می‌باشد که در زبان انگلیسی اکواتر و در زبان اسپانیولی اکوادور تلفظ می‌گردد. اکوادور شامل چندین منطقه است که اولین و مهمترین آنها کیتو (*Quito*) است. به همین جهت نام این کشور در ابتدا کیتو بوده است. کیتو پس از کشف و استعمار توسط اسپانیایی‌ها تا مدتی جزو نایب السلطنه نشین پرو (— پرو) بود و سپس به دلیل الحاق آن به کلمبیای بزرگ نام آن تابع تحولات کلمبیا (— کلمبیا) گردید در دوره الحاق کیتو به کلمبیا آن را حوزه کیتو (*Presidency of Quito*) یا ناحیه جنوبی می‌نامیدند.

در سال ۱۸۳۰ کیتو و چند استان دیگر از کلمبیا جدا و مستقل شدند. این چند استان به دلیل قرار داشتن بر خط استوا عنوان اکوادور بر خود گذاشتند و نام رسمی آن جمهوری اکوادور (*Republic of Ecuador*) قرار داده شد (۱۸۳۵). این نام هنوز نام رسمی این کشور است و در عرف بین‌المللی نیز اکوادور (*Ecuador*) خوانده می‌شود. در زبان فارسی امروزه صورت اکوادور رایج است لیکن در دوره قاجاریه به شکل اکاتور بکار می‌رفته است.

پرچم: تا قبل از ۱۸۳۰ و جدایی اکوادور امروزی از کلمبیای بزرگ و و نزوئلا، پرچم مشترکی برای کشورهای مذکور مورد استفاده بود که آنرا فرانسیسکو میراندا از قهرمانان ملی آن سرزمین (Francisco de Miranda) طراحی کرده بود و نیروهای سیمون بولیوار رهبر استقلال‌طلبان آمریکای لاتین در اوایل قرن نوزدهم از این پرچم برای استقلال کشورهای آمریکای جنوبی استفاده می‌کردند این پرچم شامل رنگ‌های زرد،

آبی و قرمز است ولی پهنای نوار زرد دو برابر رنگ‌های دیگر است. در پرچم رسمی کشور علامت رسمی کشور نیز نقش می‌گردد که شامل یک منظره از ساحل دریا و کوه چیمبورازو (Chimborazo) از کوه‌های کشور پرو و یک کشتی بخاری دور از ساحل است.

الجزایر (DZ)

نام قدیمی الجزایر نومیدیا بوده است که بخاطر سکونت قومی به نام نومیدی در آن، بدان اطلاق می‌شده است. از آنجا که سرزمین مذکور در بخش غربی شمال افریقا قرار دارد، معمولاً همراه با چند کشور همسایه خود به عنوان مغرب نامیده شده است.

مردم الجزایر از بربرها هستند و به همین لحاظ بربرستان نیز نامیده شده است. الجزایر بخاطر صحراهای وسیع به کشور صحرا هم موسوم است و بخاطر وجود کوههای اطلس و نزدیکی به اقیانوس، سرزمین اطلس نیز نامیده می‌شود.

برخی گمان می‌کنند که نام اصلی این سرزمین جزایر بوده و ال تعریف در زبان عربی بر آن افزوده شده و به صورت الجزایر درآمده است.

در عرف بین الملل بدین کشور الجریا (Algeria) گویند و نام رسمی آن جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر/الجمهوریة الجزائریة الیمقراطیة والشعبیة می‌باشد.

پرچم: در طول مبارزات مردم الجزایر برای کسب استقلال از استعمار فرانسه، در سال ۱۹۲۸ م. پرچمی مورد استفاده مبارزان الجزایری بود که بعد از کسب استقلال در سال ۱۹۶۸ م. پرچم رسمی الجزایر شد. این پرچم قدمتی بیش از تاریخ ذکر شده دارد و پرچم میهن پرستان قدیمی الجزایر بوده است.

پرچم الجزایر دارای رنگ‌های سبز و سفید است. رنگ‌های مذکور هریک نیمی از پرچم الجزایر را به خود اختصاص داده‌اند و بین این دو رنگ هلال ماه و ستاره قرمز رنگی به نشانه اعتقاد مردم الجزایر به دین مبین اسلام وجود دارد.

السالوادور (SAL)

سرزمینی که امروزه السالوادور نام دارد، در اوایل ورود کاشفان و فاتحان اسپانیایی کوسکاتلان (*Cuscatlan*) یعنی سرزمین اشیاء گرانبها نام داشت. هنگام ورود اسپانیایی‌ها به این سرزمین چون مصادف با روز تولد سالوادور مقدس (از بزرگان مسیحیت) بود این سرزمین را ال سالوادور نام گذاشتند که معنای لغوی آن نجات‌بخش مقدس است. بعضی از منابع آن را به معنی سرزمین مقدس نیز ذکر کرده‌اند. لازم به تذکر است که پایتخت ال سالوادور شهر سان سالوادور است که در آمریکای لاتین چندین محل بدین نام وجود دارد. این نام در اولین کشف کریستف کلمب برای یکی از جزایر باهاما به نام کواناهانی بکار رفت و وی نام این جزیره را سان سالوادور (سانت سالوادور) نامید که به معنای سرزمین مقدس است که گاه آن را به نام سرزمین آرامش‌بخش مقدس نیز ترجمه کرده‌اند.

السالوادور از هنگام تسلط اسپانیا به ترتیب جزء فرمانداری کل گواتمالا، مکزیک، ایالات متحدهٔ آمریکای مرکزی و کنفدراسیون ایالات متحده آمریکای مرکزی (— هندوراس) بوده و بدین نامها موسوم بوده است که سرانجام در اواسط قرن نوزده به نام جمهوری السالوادور موسوم گردید. نام رسمی این کشور جمهوری السالوادور است و در عرف بین‌المللی بدان السالوادور (*EL SALVADOR*) گویند.

پرچم: با تغییراتی که در پرچم استانهای متحد آمریکای مرکزی (— هندوراس) به وجود آمد در سال ۱۹۱۲ پرچم کشور السالوادور به صورت امروزی درآمد. در این پرچم که از رنگ‌های آبی و سفید به وجود آمده در قسمت سفید علامت رسمی کشور

السالوادور قرار می‌گیرد که در آن سال ۱۸۲۱ به عنوان سال استقلال از اسپانیا نقش گردیده است. همچنین پرچم این کشور دارای کلمات خدا، وحدت، و آزادی است که به زبان اسپانیولی به صورت (Dios uniony liberted) در روی پرچم السالوادور نقش شده است.

امارات متحده عربی (ABU)

امارات متحده عربی متشکل از چندین سرزمین خودمختار است و همانگونه که کشوری جدید بشمار می‌آید، نام آن نیز جدید است. سرزمینی که امارات متحده عربی در آن واقع شده رأس مسندم یا سرزمین مسندم نام دارد و تاریخ آن جزیی از تاریخ شبه جزیره عربستان می‌باشد.

در قرون جدید و معاصر که استعمارگران اروپایی به اقیانوس هند و خلیج فارس وارد شدند سواحل سرزمین مسندم دارای اهمیت خاصی شد، زیرا قبایل عرب که مهمترین آنها «جواسم» (قواسم) بودند در دریا برای استعمارگران اروپایی بویژه انگلیسی‌ها مشکلات فراوانی تولید می‌کردند. به همین جهت اروپائیان به سواحل سرزمین مسندم، عنوان ساحل دریازنان را دادند و مدتها با آنها جنگیدند. انگلستان پس از مدتها کشمکش با ساکنان سواحل مسندم سرانجام با آنان پیمان صلح و آشتی منعقد ساخت. این پیمان که به قولی در سال ۱۸۲۵ و به قولی دیگر در ۱۸۵۳ م. منعقد گردیده است به سواحل سرزمین مسندم عنوان سواحل متصالح (*Trucial Coast*) را داد. بجای سواحل متصالح معمولاً عمان متصالح (*Trucial Oman*) نیز به کار برده شده است زیرا عمان از مستعمرات انگلستان به شمار می‌آمد و سواحل مسندم از نظر جغرافیایی بدان پیوسته بود.

عمان متصالح از نظر اجتماعی مرکب از مجموعه‌ای از قبایل و از نظر سیاسی مشتمل بر تعدادی شیخ‌نشین یا امیرنشین بود. در سال ۱۹۷۱ م. که دولت استعمارگر انگلستان از خلیج فارس خارج شد هفت شیخ‌نشین (امیرنشین) عمان متصالح یعنی ابوظبی، دوبی، فجیره، شارجه، ام‌القوین (ام‌الکونین)، رأس‌الخیمه^۱ و عجمان^۲ با یکدیگر امارات متحده عربی را بوجود آوردند. امارات صورت جمع امارت (امیرنشین) و

متحده صورت نظام سیاسی و عربی مشخص کننده وحدت قومی و نژادی آنهاست.

امارات متحده عربی به شیخ نشین های خلیج فارس، فدراسیون شیخ نشین ها و اتحادیه شیوخ نیز مشهور می باشد. نام رسمی آن امارات متحده عربی است و در عرف بین الملل بدان یونایتد عرب امیراتز (*United Arab Emirates*) می گویند. صورت عربی و محلی نام این کشور الامارات العربیه المتحده می باشد.

پرچم: پرچم امارات متحده عربی در سال ۱۹۷۱ ابداع شده و رنگ های موجود در آن همان رنگ های موجود در بین پرچم کشورهای دیگر عربی است.

www.adabestanekave.com

۱. ظاهراً در زمان نادرشاه سربازان ایرانی در این سرزمین چادر (خیمه) بر پا کرده بوده اند و به همین جهت راس الخیمه نام گرفته است.

۲. ظاهراً بخاطر سکونت ایرانیان در آنجا عجمان نام گرفته است.

اندونزی (RI)

اندونزی کشوری مرکب از جزایر بسیار است (۱۳۰۰۰ جزیره). در قدیم الایام هریک یا چندتا از این جزایر نام خاص خود را داشته و بطور کلی شاید مانند امروزی یک کشور نبوده‌اند مثل جزایر ملوک، جزایر سوماترا و...

در آغاز قرن هفدهم میلادی دولت استعمارگر هلند بر این جزایر تسلط یافت و آن را هند هلند یا به طور کاملتر هند شرقی هلند (*Dutch East Indies*) نامید. لازم به ذکر است که در اوایل قرون جدید اروپائیان درصدد دسترسی به هند بودند و در ابتدا کریستف کلمب با رسیدن به آمریکا تصور می‌کرد به هند رسیده است اما چون این اشتباه آشکار شد آنجا را هند غربی نامیدند بدین ترتیب جزایر دریای کارائیب هند غربی نام گرفت. بعدها با دسترسی هلندی‌ها به جزایر اندونزی امروز آنجا را هند شرقی نامیدند و هلند بدین ترتیب جزایر متصرفی خود را مشخص ساخت و نامگذاری نمود. هلندیها در سال ۱۶۱۹ دژی در محل کنونی جاکارتا ساختند و و بنام کشور خود آن را باتاویا نامیدند (— هلند).

هلندیها هند شرقی هلند را اندونزی (*Indonesia*) نیز می‌گفتند که مرکب از دو کلمه ایندو (*Indo*) به معنای هند و نزی (*nesia*) به معنای مجمع‌الجزایر است، بطوری که جزایر دیگری در اقیانوس آرام نیز از چنین اسامی برخوردارند مثل میکرونزی، پلینزی و ملانزی بدین ترتیب اندونزی نیز به معنای مجمع‌الجزایر هند است.

اندونزی چند قرن در تصرف هلندیها بود تا آنکه در سال ۱۹۴۹ م. با عنوان ممالک متحده اندونزی مستقل گردید و سپس در سال ۱۹۵۰ به جمهوری اندونزی تغییر نام داد.

نام رسمی اندونزی، جمهوری اندونزی است و در عرف بین‌الملل بدان ایندونزی

(Indonesia) می‌گویند. کشور اندونزی بخاطر داشتن جزایر بسیار به نام کشور هزار جزیره و بخاطر تولید فراوان ادویه به جزایر ادویه (*Spice Islands*) مشهور می‌باشد. لازم به تذکر است که چون بهار (*Behar*) به معنای چیزهای خوشبو و ادویه‌جات است هلندیها به اندونزی جزایر بهار نیز می‌گفتند (— هند).

از اندونزی با نام جمهوری باتاویا (*Batavia*) نیز یاد شده است زیرا هلندیها جا کارتا را باتاوی می‌نامیدند.

پرچم: پرچم امروزی اندونزی سابقه‌ای دیرین دارد و نخستین بار در طول امپراطوری مادیوپاهیت در فاصله سالهای ۱۴۷۵-۱۲۰۰ م. به اهتزاز درآمده است. به هنگام تسلط هلندیها بر اندونزی این پرچم همیشه سمبل انقلاب و مقاومت و استقلال بوده و توسط ناسیونالیست‌ها به اهتزاز در می‌آمد تا مقاومت مردم را در مقابل استعمارگران نشان دهد. با استقلال کشور در سال ۱۹۴۹ م. این پرچم بر فراز بیش از ۱۳۰۰۰ جزیره اندونزی که آن را بصورت بزرگترین مجمع‌الجزایر جهان درآورده است به اهتزاز درآمد و به عنوان پرچم ملی کشور برگزیده شد.

انگلستان (GB)

جزیرهٔ بریتانیا در روزگار باستان مسکن قومی بوده که به دلیل شباهت آنها با ساکنان شبه‌جزیرهٔ ایبری و اقوام مدیترانه‌ای به آنان ایبری‌ها گفته‌اند. همچنین در روزگار باستان به این سرزمین و مردم ساکن آن آلبیون (لاتینی *albion* / انگلیسی *albion*) نیز اطلاق شده است. هم‌اکنون البین نام ادبی این کشور است.

از قرن ششم قبل از میلاد اقوام سلت از اروپا به بریتانیا و ایرلند سرازیر شدند. اقوام سلت که در این مناطق ساکن گردیدند شامل دو دستهٔ کلی بودند یکی گویدل (Goydel) یا گال (Gael) که بعدها زبان آنها منشأ زبان مردم ایرلند و قسمتی از اسکاتلند (شمال بریتانیا) گردید و دیگری بریتان‌ها (*Bretons*) با بریتون‌ها (*Brython*) که بعدها زبانشان منشأ زبان ساکنان ویلز (در جنوب غرب بریتانیا) و برتانی (در فرانسه) گردید. سلت‌های ساکن شمال انگلستان به پیکت (*Pict*) موسوم شده‌اند که به معنای مردم رنگ شده است و علت این نامگذاری آن بود که عادت داشتند بدن و موی سر خود را رنگ کنند و رومیان نیز در صورت اسیر کردنشان به رنگ کردن موی سر آنان اقدام می‌نمودند. سلت‌های ساکن جنوب انگلستان به برتون یا بریتون موسوم گشتند که این نام را در اوایل قرن چهارم قبل از میلاد یک کاشف یونانی بنام پیت‌آس (*Pytheas*) به آنان داد و به معنای سرزمین مردم خال کوبیده است. وی در اصل نام پرتانیکای نی‌سوی (*Pertanikai Nesoi*) را به این سرزمین و ساکنانش داده بود که بتدریج مبدل به بریتانیا گردید. از آنجا که در قرن اول قبل از میلاد رومیان بر جنوب جزیرهٔ بریتانیا تسلط یافتند، بریتانیا که مأخوذ از نام قوم بریتون است به تمام جزیره کنونی بریتانیا اطلاق شده است.

رومیان تنها قسمت‌های جنوبی بریتانیا را تصرف کردند و پیکت‌ها مانع از سلطه آنان در شمال جزیره شدند. در نتیجه در این زمان بریتانیا فاقد وحدت سیاسی بود. در قرن هشتم میلادی گروهی از سلت‌های ایرلند به شمال جزیره بریتانیا مهاجرت نمودند و چون موسوم به اسکات بودند این قسمت اسکاتلند (*Eskatland*) یا سرزمین اسکات‌ها نامیده شد که صورت انگلیسی آن Skatland است. این نام در زبان فرانسه به صورت اکوس (*ekos*) آمده و در زبان لاتین به دو صورت سکوتیا (*Skotia*) یا اسکوتیا و کالدونیا (*Kaledonia*) ضبط شده است. بدین ترتیب تفاوت سیاسی جنوب و شمال جزیره بریتانیا و سپس سیر متفاوت تاریخ فرهنگی و اجتماعی آنان برای مدت‌ها همچنان از اتحاد و یکپارچگی این جزیره جلوگیری کرده است.

با انحطاط امپراطوری روم و سقوط تدریجی آن، قسمت جنوبی بریتانیا که بی دفاع بود از قرن پنجم میلادی مورد هجوم اقوام انگل (*Angl*) و ساکسون (*Saxon*) قرار گرفت. این دو قوم که نژاد ژرمنی داشتند و از خاک اروپا به جنوب بریتانیا وارد شده بودند آنچنان وحشتی در دل سلت‌های بریتون ایجاد کردند که تعدادی از آنان به ایالت آرموریکا (*Armorica*) در فرانسه گریختند و از آن پس این ایالت بنام آنان بریتانی (*Brittany*) نامیده شد. انگل‌ها و ساکسون‌ها در جنوب بریتانیا دولتی بنام پادشاهی آنگلوساکسون (*Angelosaxons Kingdom*) بوجود آوردند.

در قرن یازدهم میلادی نورمان‌ها (*Normans*) از شمال فرانسه به جنوبی بریتانیا وارد شده و پس از غلبه بر پادشاهی آنگلوساکسون بر آنجا حاکم شدند. از این زمان عنوان پادشاهی آنگلو-نورمان در منابع بکار رفته که علاوه بر تلفیق دو نام انگل و نورمان، در نامگذاری آن اتحاد سیاسی انگلستان و نورماندی در شمال فرانسه نیز نقش داشته است، لیکن به تدریج عنوان پادشاهی انگلند به معنای سرزمین انگل‌ها رایج شده است که در دوره مغول به زبان فارسی انگلتره یا انگله (*anglater*) و در دوره‌های بعد انگلستان ترجمه شده است. در دوره قاجاریه و زمانی قبل از آن، انگلستان را به صورت انگریز نیز به کار می‌برده‌اند. انگریز صورت تلفظ انگلستان در زبان پرتغالی است و توسط پرتغالی‌ها لفظ انگریز ابتدا در هند و سپس در سایر نقاط مشرق زمین رایج شد لیکن در ایران گسترش چندانی نیافت.

پادشاهی انگلستان در طول بخش عمده‌ای از تاریخ خود تنها شامل قسمت جنوب

غربی بریتانیا با پایتختی لندن بوده است و قسمت‌هایی چون ویلز و اسکاتلند مستقل و مجزا از آن بوده‌اند. تنها پس از فراز و نشیبهای فراوان و تحولات گوناگونی که خارج از حوصله این نوشتار است سراسر جزیره بریتانیا در سال ۱۷۰۷ متحد شده به بریتانیای کبیر (*Great Britain*) موسوم گردید که شامل انگستان، ویلز، و اسکاتلند می‌باشد. علت کبیر نام گرفتن آن نیز بخاطر وحدت آن ذکر شده و بعضی از منابع، متمایز ساختن آن از بریتانی فرانسه را هم در این مورد متذکر شده‌اند که به نظر می‌رسد قول نخست صحیح‌تر باشد.

از سال ۱۸۰۱ م. نیز چون ایرلند به تابعیت دولت بریتانیای کبیر درآمد این عنوان به صورت مملکت متحد بریتانیای کبیر و ایرلند تبدیل گردید.

از آنجا که در طول قرون جدید و معاصر بریتانیا به متصرفات ماوراءبحار و مستعمرات فراوانی دست یافت بدان عنوان امپراطوری بریتانیا (*British Empire*) نیز داده شد. پیدایش این امپراطوری تدریجی بوده و در اوج اقتدار و توسعه شامل یازده کشور زیر بود:

مملکت متحده بریتانیای کبیر، ایرلند شمالی (چون ایرلند جنوبی در سال ۱۹۲۲ م. استقلال یافت مطلقاً نام ایرلند به ایرلند شمالی تغییر کرد)، کانادا، استرالیا، زلاندنو، اتحادیه افریقای جنوبی، هند، پاکستان، سیلان (سریلانکا)، غنا، فدراسیون مالایا و فدراسیون نیجریه.

در سال ۱۹۳۱ عنوان امپراطوری بریتانیا به ملل مشترک المنافع بریتانیا و در سال ۱۹۴۹ به ملل مشترک المنافع (*Commonwealth of Nations*) تغییر یافت.

کلمات انگلیس و انگلیسی که ترجمه *English* و *Englishman* می‌باشند، نام زبان رایج در بخش عمده‌ای از بریتانیا است که معمولاً در زبان فارسی به معنای کشور انگلستان می‌باشد که آن هم به مفهوم بریتانیا بکار برده می‌شود.

ملت انگلستان به جان بول (*John Bull*) معروف می‌باشند. جان بول نام شخصی خیالی است که مشخص ملت انگلستان یا فرد انگلیسی است. این نام را جان آربانت (*John Arbuthent*) (۱۶۶۷-۱۷۳۵) طبیب و ادیب انگلیسی در کتاب طنزآلود خود به نام «تاریخ جان بول» (۱۷۱۲) به یکی از اشخاص داستان که از نظر

اخلاقی نمونه ملت انگلستان قلمداد شده است اطلاق نمود و پس از آن این نام رایج گردید.

انگلستان را به نامهای بریتانیا، بریتانیای کبیر، انگلیس، کشور ماورابحار، کشور جزیره‌ای و سرزمین انگلوساکسون نیز می‌نامند. نام رسمی آن پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی است و در عرف بین‌الملل آن را پادشاهی متحده (United kingdom) یا بریتانیای کبیر و با علامت اختصاری G.B. می‌نامند.

پرچم: قرنهای متمادی پرچم انگلستان پرچم سفید رنگی بود که در روی آن یک صلیب قرمز رنگ نقش بسته بود. این پرچم، پرچم ویژه انگلند بوده و به نام پرچم سن جورج (St. George) معروف بود. با انضمام اسکاتلند به انگلستان پرچم این ناحیه نیز به پرچم انگلند افزوده شد. پرچم اسکاتلند زمینه‌ای آبی داشت که صلیب سفید رنگ سن آندریو (St. Andrew) بر آن نقش بسته بود. ترکیب دو پرچم مذکور نخستین پرچم وحدت (First union flag) را به وجود آورد. بعد از الحاق ایرلند به انگلند و اسکاتلند، صلیب سن پاتریک (St. Patrick) به صلیب‌های موجود در پرچم انگلستان افزوده شد و پرچم امروزی از سال ۱۸۰۱ م. بوجود آمد. بنابراین صلیب‌های مقدس از سه ناحیه انگلند و اسکاتلند و ایرلند در پرچم امروزی انگلستان وجود دارد. سن جورج، سن پاتریک و سن آندریو از مبلغان مسیحیت بوده‌اند.

پرچم دریانوردی انگلستان، پرچم انگلند است که در زمینه‌ای سفید یک صلیب قرمز وجود دارد. در سمت چپ بالای این پرچم، پرچم انگلستان نقش بسته است. این پرچم از سال ۱۸۶۴ م. به عنوان پرچم نیروی دریایی انگلستان پذیرفته شده است.

اوروگوئه (U)

استعمارگران اسپانیایی در قرن هجدهم میلادی این سرزمین را که به پرتغالی آن را ریودو لاپلاتا (*Rio de la plata*) می‌نامیدند به باندا اورنیताल (*Banda oriental*) موسوم ساختند. پرتغالی‌ها این کشور را در سال ۱۵۱۶ کشف کرده بودند. پس از چندی اسپانیایی‌ها آن را جزیی از نایب‌السلطنه‌نشین ریودولاپلاتا نمودند. در اوایل قرن نوزدهم این کشور مستقل شد اما بلافاصله توسط برزیل تصرف گردید. در دوران تسلط برزیل (۱۸۲۳-۱۸۲۸ م.) آن را استان سیس پلاتین می‌نامیدند. از سال ۱۸۲۸ م. کشور اوروگوئه استقلال خود را بدست آورد و بخاطر رود اوروگوئه که از آن می‌گذرد اوروگوئه نامیده شد. این نام در منابع دوره قاجاریه بصورت اروکائی ضبط شده است.

نام رسمی اوروگوئه، جمهوری اوروگوئه می‌باشد و در عرف بین‌المللی بدان اورگوای/یورگوای می‌گویند. نام محلی و اسپانیولی این کشور اورگوئی (*Oroogwi*) می‌باشد و در زبان انگلیسی آن را بصورت (Uruguay) می‌نویسند.

پرچم: نوارهای آبی و سفید و خورشید در پرچم اوروگوئه از پرچم کشور آرژانتین گرفته شده است. نوارهای آبی و سفید در پرچم اوروگوئه شامل ۹ نوار می‌باشد که علامت ۹ استان این کشور است. «خورشید ماه مه» سمبل استقلال کشور اوروگوئه در پرچم این کشور در بالا سمت چپ نقش بسته است. مردم اوروگوئه این پرچم را در سال ۱۸۳۰ م. بعد از استقلال خود از برزیل طراحی کرده و مورد استفاده قرار دادند (نیز معنای پرچم پاراگوئه دیده شود).

اوگاندا

در قرن نوزدهم میلادی که استعمارگران انگلیسی به کشور کنونی اوگاندا وارد شدند در این سرزمین یک حکومت پادشاهی بنام بوگاندا (*Buganda*) وجود داشت و به همین جهت بخش اعظم این سرزمین بوگاندا نامیده می‌شد. بعدها کلمه اوگاندا رایج گردید که از نسبت بین این کلمه و بوگاندا اطلاعی در دست نیست. اوگاندا در دوره استعمار انگلیس به افریقای شرقی انگلیس موسوم بود و به دلیل ثروتهای فراوان جنگلی به برزیل افریقا اشتها داشت.

کشور اوگاندا در سال ۱۹۶۲م. استقلال خویش را بدست آورد. نام رسمی آن جمهوری اوگانداست و در عرف بین الملل بدان اوگاندا یا یوگاندا (*Uganda*) گویند.

پرچم: پرچم امروزی اوگاندا از رنگهایی تشکیل شده که قبلاً در پرچم کنگره خلق اوگاندا مورد استفاده بود و بعد از ۱۹۶۲م. و کسب استقلال از انگلیس در پرچم اوگاندا مورد استفاده قرار گرفت. رنگ سیاه در این پرچم نشانه مردم سیاه پوست کشور، رنگ زرد نشانه خورشید و رنگ قرمز نشانه برادری است. در وسط پرچم اوگاندا تصویری از یک مرغ ماهیخوار دیده می‌شود که پرنده ملی این کشور محسوب می‌گردد.

ایالات متحده آمریکا (USA)

کشور آمریکا (در اصل ایالات متحده آمریکا شمالی) یکی از کشورهای قاره آمریکا است. در سال ۱۴۹۲ م. کریستف کلمب به این قاره رسید اما نتوانست دریابد که به قاره جدیدی رسیده است او می‌پنداشت به سرزمینی در آسیا قدم نهاده است به همین جهت تا مدت‌ها اسپانیایی‌ها و پرتغالی‌ها به این سرزمین هندیان می‌گفتند زیرا تصور می‌کردند سرخپوستان هندی هستند و سرزمینشان هند است. بعدها که این قاره بهتر شناخته شد، به قسمت‌هایی از آن هند غربی می‌گفتند که با هند شرقی (هند آسیا) اشتباه نشود. سرانجام با رسیدن آمریکو وسپوچی (Amerigo Vespucci) به این قاره در سال ۱۵۰۲ م. برای همگان مشخص شد که سرزمین جدیدی کشف شده است. آمریکو وسپوچی این سرزمین را دنیای جدید نامید.

در سال ۱۵۰۷ جغرافیدانی بنام مارتین والدزمولر (Martin waldsmuller) دنیای جدید را بنام آمریکو وسپوچی، آمریکا نامید اما پس از چندی از تصمیم خود منصرف شد و آن را سرزمین ناشناس (*Terra Incognita*) نامید اما نام آمریکا دیگر رایج و معمول شده بود. لازم به ذکر است که چون آمریکو وسپوچی بیشتر سواحل آمریکای جنوبی را جستجو کرده بود نام آمریکا در ابتدا فقط به آمریکای جنوبی کنونی اطلاق می‌شد.

چنانچه ذکر شد چون این قاره اولین بار برای اروپائیان کشف شده بود آن را دنیای جدید، دنیای نو، ارض نو، بر جدید (در مقابل بر قدیم یعنی آسیا، اروپا و آفریقا) نامیدند. همین لغت (دنیای جدید) در زبان ترکی بنی دنیا ترجمه شد که بمرور ایام به ینگه دنیا یا ینگگی

دنیا تبدیل گردید. در بعضی از منابع دوره قاجاریه آن را بصورت اتاثونی ینگی دنیا نیز نوشته‌اند.

پس از کشف قاره آمریکا، مهاجران بسیاری از اروپا به آن سرزمین سرازیر شدند؛ از جمله در سواحل شرقی آن در مجاورت اقیانوس اطلس شمالی تعدادی از مهاجران که بیشتر انگلیسی بودند سکونت گزیدند. سرخپوستان بومی ساکن در این نواحی به همه سفیدپوستان انگلیسی می‌گفتند که در زبان آنان انگلیسی را ینگیز یا ینگیز تلفظ می‌کردند که به مرور به ینکی مبدل شد. تعداد مهاجرنشین‌های انگلیسی در نواحی شرقی شامل ۶ ایالت بود که به آنها نیوانگلند (*New England*) یا انگلستان جدید می‌گفتند. پس از مدتی تعداد این مهاجرنشین‌ها به ۱۳ عدد رسید و به مهاجرنشین‌های سیزده گانه معروف شد. مهاجرنشین‌های سیزده گانه جزو مستعمرات انگلستان محسوب می‌شد و سرانجام در سال ۱۷۷۶ قیام آنان موجب استقلال شد. چون این کشور تازه استقلال یافته مرکب از ۱۳ ایالت بود که در امور داخلی خود مستقل بودند خود را ایالات متحده آمریکا (*United States of America/U.S.A*) یا کشورهای متحده آمریکا نامیدند. فرانسویان همین نام را اتازونی (*Etats-Unis*) ترجمه کردند به همین جهت در بعضی از منابع آن را به همین نام خوانده‌اند، در فارسی نیز اتازونی رایج شد که اصل آن همان اتاتس یونیز (کشورهای متحده) است. در دوره قاجاریه گاهی اتازونی را بصورت اتاثونی نیز می‌نوشتند. تعداد ایالات کشور ایالات متحده آمریکا پس از کسب استقلال به دلیل فتوحاتی که در سمت غرب و جنوب انجام داد به تدریج به ۵۰ ایالت بالغ گردید. در سالهای ۶۵-۱۸۶۱م. جنگهای انفصال در ایالات متحده آمریکا رخ داد. این جنگ بین ایالات جنوبی طرفدار برده‌داری و ایالات شمالی مخالف برده‌داری اتفاق افتاد. در این جنگ دولت مرکزی ایالات متحده آمریکا رهبری ایالات شمالی را برعهده داشت. در نتیجه ایالات جنوبی (کارولینای جنوبی، جئورجیا، لوئیزیانا، میسی‌سی‌پی، فلوریدا، آلاباما و تکزاس که بعداً ارکانزاس و کارولینای جنوبی، ویرجینیا و تنسی نیز به آنان پیوستند) از اطاعت دولت مرکزی خارج شدند و بر خود نام ائتلافیه ایالات آمریکا یا ایالات مؤتلفه آمریکا را نهادند. پس از جنگهای انفصال که با پیروزی دولت مرکزی به پایان رسید بار دیگر نام «ایالات متحده آمریکا» بر تمام قلمرو آن دولت اطلاق شد.

ایالات متحده به کشور عمو سام (*Uncle Sam*) مشهور است و معمولاً بعنوان مظهر آن تصویر پیرمردی باریک اندام با ریش سفید و دراز، کلاه سیلندر ستاره‌دار، شلوار راه‌راه و ژاکت سیاه را ترسیم می‌کنند. این نام (عموسام) از سال ۱۸۱۲ از ایالت نیویورک رواج یافت و احتمالاً مأخوذ از اسم شخصی بنام سموئیل ویلسون می‌باشد که مردم محل به او عمو سام (آنکل سم) می‌گفتند. در جریان جنگ سال ۱۸۱۲ میان امریکا و بریتانیا او مأمور بازرسی گوشت‌هایی بود که به مصرف خوراک سربازان می‌رسید و گوشت‌ها را با مهر *U.S.* (ایالات متحده) مهر می‌کرد. از آنجا که *U.S.* با نام مخفف او *U.S.* (آنکل سم *Uncle Sam*) منطبق بود از آن پس بر سبیل مزاح این کشور به کشور عمو سام ملقب شد.

کشور ایالات متحده آمریکا را امروزه آمریکا و ینگه دنیا نیز می‌نامند با وجود آنکه این نامها در اصل مربوط به تمامی قاره آمریکا است. در منابع فارسی سابق بر این آن را بصورت امریکا می‌نوشتند و آمریکا بعدها رایج شده است. نام رسمی این کشور ایالات متحده آمریکا می‌باشد.

پرچم: در اوایل انقلاب سال ۱۷۷۶ م. مستعمره‌نشینان آمریکایی پرچم خویش را برافراشتند. رنگ پرچم آنها مأخوذ از رنگهای پرچم انگلیس بود که در آن ۱۳ نوار قرمز و سفید ترسیم شده بود (بعنوان سیزده ایالت). در ژوئن ۱۷۷۷ م. کنگره آن را بعنوان پرچم رسمی پذیرفت در گوشه این پرچم در زمینه آبی ستاره‌های سفیدی وجود داشت. در سال ۱۸۱۸ قانون نهایی پرچم مقرر نمود که پرچم شامل ۱۳ نوار و در گوشه آن ۲۰ ستاره باشد که نشانه وحدت ملی بشمار می‌رود. بعد از آن به تدریج هر ایالت جدیدی که پذیرفته شد یک ستاره به تعداد ستاره‌ها افزون گردید. با انضمام هاوایی و آلاسکا به ایالات متحده آمریکا تعداد این ستاره‌ها به پنجاه رسید. نخستین سازنده پرچم آمریکا خانم الیزابت (بتسی) راس *Elizabeth (Betsy) Griscom Ross* بود که گفته می‌شود در سال ۱۷۷۶ با جورج واشنگتن مخفیانه ملاقات کرد و طرح اولیه آن را واشنگتن ریخت و بتسی راس شروع به ساختن پرچم‌ها کرد و تا سال ۱۸۳۶ م. کار تولید پرچم آمریکا را ادامه داد.

ایتالیا (I)

قدیمی‌ترین نامی که از ایتالیا نقل شده اوزونیا (*Ausonia*) است. اوزون (*Auson*) کلمه‌ای یونانی و نام یکی از افراد افسانه‌ای در اعتقادات یونان باستان است. اوزون پسر اودیسه قهرمان معروف یونانی است و چون اوزون نام خود را بر ساکنان اولیه ایتالیا گذاشت، آن سرزمین اوزونیا نامیده شد. در همان روزگار باستان توسط یونانیان نام ایتالیا بر اوزونیا اطلاق گردید. در مورد منشأ نام ایتالیا دو مطلب ذکر شده است:

۱) بر اساس اساطیر یونانی شخصی افسانه‌ای بنام ایتالوس (*Italos*) بر سرزمین کنونی ایتالیا حکومت می‌کرد که چون به عدالت و فرزاندگی حکمرانی می‌نمود و مردم را با قانون و تمدن آشنا ساخت و در این راه کوششهای بسیاری بکار برد، به پاداش این خدمات کشورش را که اوزونیا نام داشت به نام او ایتالیا نامیدند.

۲) بر اساس اساطیر یونانی هرکول قهرمان معروف افسانه‌ای در جریان خوان‌های دوازده گانه خود یکبار مأمور انتقال گاوان گریون (*Geryon*) گردید. در بین راه یکی از گاوان گریخت و از تنگه بین سیسیل و ایتالیای کنونی گذشت و وارد جنوب ایتالیا شد. در زبان لاتین این گاوارا اوتیلوس (*Uitulus*) نامیدند که به معنای گوساله یا گوساله فراری است و کلمه ایتالیا از آن مشتق شده است*.

در هریک از دو نظریه فوق کلمه ایتالیا ابتدا به جنوب شبه جزیره ایتالیای کنونی اطلاق شده و سپس شامل تمامی آن گردیده است. چنانکه در عهد رومیان باستان تا مدتها قسمت شمالی شبه جزیره ایتالیا گل سیزآلپین (*Cisalpine Gaul*) یعنی (گل این سوی آلپ) نام داشته است. (← فرانسه)

به هر حال از هر زمان که نام ایتالیا بر تمامی شبه جزیره و قسمت شمالی ایتالیای

*. بعضی از منابع ایتالیا را از کلمه ویتولی (*Vitali*) یا ایتالی (*Itali*) دانسته‌اند و آن را نام قومی باستانی ذکر کرده‌اند.

کنونی اطلاق شده تا به امروز این سرزمین از نظر جغرافیایی عنوان ثابت ایتالیا را داشته است لیکن به عنوان یک کشور نام سیاسی آن و محدوده اطلاق این نام یکسان نبوده است.

در قرون قبل از میلاد مسیح چون ساکنان شهر رم (رمی‌ها) بر تمامی ایتالیا غلبه کردند بنام آنان، دولت و کشور را رم نامیدند. این نام در اصل مأخوذ از نام رمولوس (Romulus) بنیانگذار افسانه‌ای شهر رم می‌باشد. در قرون پس از میلاد مسیح با به قدرت رسیدن امپراتوران، دولت روم به امپراطوری روم تبدیل شد.

پس از تقسیم امپراطوری روم به دو بخش شرقی و غربی، قسمت شرقی با پایتختی شهر قسطنطنیه به بیزانس (مأخوذ از نام بیزانتیوم نام دهکده‌ای که به شهر قسطنطنیه تبدیل شد) معروف گردید و اصل امپراطوری یعنی ایتالیا با پایتختی رم را امروزه در منابع روم غربی می‌نامند. در دوره تمدن اسلامی به بیزانس رومیه الصغری و به روم غربی رومیه الکبری^۱ اطلاق شده است (← ترکیه).

پس از سقوط روم غربی به دست بربرها، این کشور تا قرن‌ها استقلال سیاسی و وحدت ارضی و مرکزیت سیاسی خود را از دست داد. قسمتی از آن در دست پاپ، قسمتی در دست امپراطوری مقدس روم (← آلمان) و گاه قسمتی از آن تحت سلطه اسپانیا و یا شاهان محلی و... بود. این وضع تا قرن نوزدهم ادامه داشت. اما بطور کلی می‌توان ایتالیا در دوره قرون وسطی را جزو امپراطوری مقدس روم بشمار آورد.

در سال ۱۸۰۲ میلادی ناپلئون به ایتالیا لشکر کشید و با بهم پیوند دادن چند جمهوری کوچک در شمال ایتالیا، آن را جمهوری ایتالیا نامید. سه سال بعد جمهوری ایتالیا به مملکت ایتالیا تغییر نام داد. در اواسط قرن نوزدهم ملیون ایتالیایی برای وحدت کشور و کوتاه کردن دست بیگانگان بپا خاستند و بدین ترتیب در سال ۱۸۶۱ ایتالیا با عنوان پادشاهی ایتالیا متحد و متمرکز شد.

در سال ۱۹۴۵ یا پایان جنگ دوم جهانی و سقوط ایتالیا در جنگ نام آن به جمهوری ایتالیا تغییر یافت. نام رسمی ایتالیا هم اکنون جمهوری ایتالیا می‌باشد و در عرف بین الملل بدان ایتلی (ایتالی) — (Italy) می‌گویند. در زبان محلی این کشور ایتالیا خوانده می‌شود و عناوین مشهور آن سرزمین مسیحیت (بخاطر مقر پاپ در ایتالیا) و کشور

چکمه‌ای (بخاطر شکل چکمه داشتن شبه جزیره ایتالیا) است.

پرچم: به‌هنگام لشکرکشی ناپلئون به ایتالیا، سربازان وی پرچم سه‌رنگی را با رنگ‌های سبز، سفید و قرمز حمل می‌کردند. این پرچم، پرچم تغییر یافته انقلاب فرانسه بود که در طول دوران ناپلئون بر فراز کشور چکمه‌ای ایتالیا در اهتزاز بود. بعدها ایتالیا این پرچم را به‌عنوان سمبل دمکراسی، استقلال و وحدت پذیرفت.

ایرلند (IRL)

نام ایرلند مرکب از دو جزء است: ایر/ایره/ارین که احتمالاً نام گروه نژادی (شاید آریایی) مردم آن است و لند به معنای سرزمین. بدین ترتیب ایرلند به معنای سرزمین ایرهاست. ایرلند را در زبان لاتینی هیرینا (*Hiberina*) می‌گویند و برای آن نام ادبی اینیسفیل ذکر شده است. هیرینا در منابع قدیمی فارسی بصورت ابرنیا (*Ebernia*) وارد شده است. ایرلند پس از چند قرن استقلال، توسط انگلیس تصرف گردید و جزء بریتانیا گردید (— انگلستان). مبارزات طولانی مردم ایرلند موجب شد تا در سال ۱۹۲۱ م. قسمت جنوبی جزیره ایرلند استقلال خود را بازیابد اما قسمت شمالی جزیره که اولستر (*Ulster*) نام دارد همچنان منضم به بریتانیا باقی مانده است. قسمت شمالی ایرلند را ایرلند شمالی می‌نامند و قسمت جنوبی آن به نام ایرلند جنوبی معروف است که نام رسمی آن جمهوری ایرلند می‌باشد. بخاطر سرسبزی ایرلند و پوشیده بودن آن از چمنزارها و مراتع زیبا به آن جزیرهٔ زمرد (*Emerald Isle*) نیز می‌گویند. نام بین‌المللی ایرلند به صورت ایرلند (*Ireland*) می‌باشد و در زبان محلی بدان اری (*Eire*) گویند.

پرچم: جزیره ایرلند پوشیده از چمنزارهای سرسبز و شبدر ایرلندی است که رنگ آنها در پرچم سه رنگ ایرلند آمده است رنگ نارنجی در این پرچم نشانهٔ ایرلند شمالی است که اکنون تحت سلطهٔ انگلستان است و رنگ سفید نشانهٔ صلح و درک این نکته است که دو قسمت ایرلند از یکدیگر جدا هستند. تاریخ پیدایش این پرچم به حرکت‌های استقلال‌طلبانهٔ قرن نوزدهم در این جزیره بازمی‌گردد.

ایسلند (IS)

ایسلند (Iceland) به معنای سرزمین یخ یا یخ‌زار می‌باشد و این نام بخاطر مجاورت آن با قطب شمال و یخبندان‌های طولانی بدان داده شده است. ایسلند در اواسط قرون وسطی^۱ توسط وایکینگ‌ها کشف و تصرف شد و سپس تا مدتی طولانی بخشی از کشور دانمارک بود تا اینکه در سال ۱۹۳۹م. به استقلال رسید، ولی چون در همین احوال جنگ جهانی دوم در گرفت انگلستان ایسلند را تصرف نمود و بالاخره در سال ۱۹۴۴ ایسلند به استقلال دست یافت و جمهوری ایسلند نامیده شد. نام رسمی این کشور، جمهوری ایسلند (*Republic of Iceland*) می‌باشد و در عرف بین‌المللی بدان ایسلند (*Iceland*) می‌گویند. نام محلی آن در زبان ایسلندی، *ایسلانت* (*eslant*) است. بخاطر یخبندانهای طولانی، چشمه‌های آبگرم و آتشفشانهای فعال در ایسلند، به این کشور سرزمین یخهای جاودانی، سرزمین یخبندان، سرزمین چشمه‌های آبگرم و سرزمین آتشفشان نیز می‌گویند.

پرچم: پرچم ایسلند از ویژگیهای طبیعی این سرزمین الهام گرفته است. رنگ آبی در این پرچم نشانه کوهها، سفید نشانه یخچالها و یخ‌زارها و قرمز نشانه آتشفشانهای ایسلند است. علامت صلیب در این پرچم نشانه‌دهنده تعلق مردمان این کشور به دین مسیحی می‌باشد.

بحرین (BRN)

بحرین کشوری متشکل از جزایر متعدد است که دارای یک جزیره اصلی بزرگ و تعدادی جزایر کوچک می‌باشد، این کشور در داخل خلیج فارس و در مجاورت عربستان بوده است. به همین جهت در طول تاریخ نام بحرین (مجمع الجزایر بحرین بعلاوه ساحل مشرف بر آن) گاه دارای نامی واحد و گاهی دارای نام‌های جداگانه بوده‌اند. در این نوشته جزیره بحرین به معنای مجمع الجزایر بحرین یا کشور کنونی بحرین به کار می‌رود و سرزمین بحرین به معنای مجمع الجزایر و ساحل مشرف بر آن یعنی بحرین باستانی می‌باشد.

در روزگاران کهن جزیره بحرین به نامهای تیروس، آرادوس، تیلون، منتوکی، و نی‌دوکساکی نامیده شده است. در زمان مادها این جزیره دیلمون یا دیلون نامیده می‌شد. در زمان هخامنشیان سرزمین بحرین اسپیدگان و جزیره بحرین تی‌لوس نام گرفت. اما در زمان اشکانیان قسمت ساحلی بحرین هجر و قسمت جزیره‌ای نی‌لول نام گرفت. قسمت ساحلی در دوره ساسانیان هجر باقی ماند اما قسمت جزیره‌ای اوآل (Oval) نامیده شده، در دوره بعد از اسلام سرزمین بحرین، ایالت بحرین نام گرفت و قسمت جزیره‌ای همچنان به اوآل موسوم بود.

بحرین مدت‌ها جزء قلمرو ایران بود و سپس بدست انگلستان افتاد و سرانجام در سال ۱۹۷۱ به صورت کشور مستقلی درآمد که تنها شامل مجمع الجزایر بحرین است.

بحرین به عروس خلیج فارس، مروارید خلیج فارس، گوشواره خلیج فارس و بارانداز خلیج فارس معروف است و همه اینها بخاطر شکل و موقعیت آن در خلیج فارس و اهمیت تجاری آنست. همچنین بحرین به اسامی دیگری چون ارض الحیات (سرزمین زندگی) و

جزیره منامه (بدلیل قرار گرفتن منامه پایتخت آن در بزرگترین جزیره این کشور به همین نام) معروف است.

نام رسمی بحرین، دولت بحرین است و در عرف بین‌المللی بدان بحرین (*Bahrain / Bahrein*) می‌گویند.

پرچم: در روزگاران دور تمامی دول سواحل جنوبی خلیج فارس از پرچم‌های قرمز رنگ استفاده می‌کردند. هنگامی که در قرن نوزدهم انگلستان کشتی‌های جنگی خود را به این منطقه گسیل داشت، دول مذکور مجبور شدند رنگ سفید را نیز به پرچم خود بیافزایند تا نشانه آن باشد که این دول با انگلیس در صلح به سر می‌برند. بحرین از دو نوع پرچم استفاده می‌کند، یکی پرچمی است که بین قرمز و سفید آن دندانه‌هایی وجود دارد، و نوع دیگر پرچمی است که بین این دو رنگ خط مستقیم وجود دارد.

برزیل (BR)

این کشور در سال ۱۵۰۰ م. به وسیله یکی از دریانوردان پرتغالی بنام پدرو کابرال (Pedro Cabral) کشف شد. وی تصور می‌کرد که این سرزمین یک جزیره است و بدان نام صلیب راستین و سپس صلیب مقدس (*Tierra de Vera Cruz*) داد. پس از چندی همراهان کابرال به چوب قرمز رنگی دست یافتند که مانند هیزم مشتعل بود و از آن در رنگریزی استفاده می‌شد. این چوب پوبرازیل نام داشت و مقداری از آن به اروپا حمل گردید که به تدریج بر میزان حمل آن افزوده گشت. اروپائیان سرزمینی را که این چوب از آنجا آورده می‌شد برازیل نامیدند و کسانی را که به تجارت آن مشغول بودند برازیل می‌گفتند. بدین ترتیب این کشور به برزیل موسوم گردید که در اصل به معنای چوب قرمز است.

برزیل تا سال ۱۸۲۲ جزیری از قلمرو پرتغال محسوب می‌شد و نایب‌السلطنه‌نشین برزیل (*Viceroyalty of Brazil*) نام داشت. سپس در این سال استقلال یافت و به امپراطوری برزیل (*Empire of Brazil*) موسوم گردید. در سال ۱۸۸۹ م. در این کشور رژیم جمهوری برقرار گردید و با تصویب قانون اساسی جدید این کشور ایالات متحده برزیل (*United States of Brazil*) نامیده شد.

کشور برزیل بخاطر تولید فراوان قهوه به کشور قهوه، بخاطر رودخانه‌های فراوان به کشور هزار رودخانه و بخاطر آنکه رود بزرگ آمازون و شعباتش در آن جریان دارد به سرزمین آمازون موسوم است.

نام رسمی این کشور جمهوری فدراتیو برزیل می‌باشد و در بعضی از منابع آن را ایالات متحده برزیل نیز ذکر کرده‌اند. در عرف بین‌الملل بدان برزیل می‌گویند.

پرچم: گره آبی رنگ در پرچم برزیل مظهر آسمان است که نشانه‌ای از وسعت و شایستگی است. بیست و دو ستاره موجود در این پرچم علامت ۲۱ ایالت و پایتخت آن برازیلیاست و رنگهای زرد و سبز در این پرچم نشانه معادن و ثروت جنگلی آن است.

برمه

قدیمی‌ترین نامی که از برمه موجود است «سووارنابهومی» می‌باشد. این نام را هندیهای باستان به این سرزمین داده بودند. مردم برمه کشور خودشان را میانما (Myanma) می‌نامند. نام برمه احتمالاً مأخوذ از قبایلی موسوم به بورمزبایستی باشد که این نام بیشتر در منابع اروپایی به کار رفته است. برمه متشکل از برمه‌علیا (قسمتهای داخلی) و برمه‌سفلی (قسمتهای ساحلی) می‌باشد. صورت فرانسوی نام برمه بیرمانی (Birman) است که در منابع فرنگی به همین شکل بکار می‌رود. برمه را به صورتهای Berme و Burma نیز تلفظ می‌کنند. در زبان فارسی و در منابع عصر قاجاریه آن را به اشکال بیرما و بیرمن ضبط نموده‌اند.

کشور برمه تا سال ۱۹۴۸ م. تحت سلطه انگلستان بود و در این سال استقلال خود را بدست آورد و مرام جمهوری پذیرفت. نام رسمی این کشور جمهوری سوسیالیستی اتحاد برمه است که در زبان محلی آن کشور بدین صورت بیان می‌شود:

Pyi-Daung-Su-Shay-Lis-Tho-Ma-Da-Myan-Ma-Maing-Ngon-Daw.

نام بین‌المللی این کشور برمه است. لازم به تذکر است که از سال ۱۹۸۹ میلادی/۱۳۶۸ هجری شمسی دولت برمه اعلام نمود که نام رسمی این کشور میانمه می‌باشد ولی این نام هنوز در روابط بین‌الملل رواج نیافته است.

پرچم: پرچمی که امروزه پرچم رسمی کشور برمه را تشکیل می‌دهد از سال ۱۹۷۴ م. که کمونیست‌ها بر این کشور مسلط شدند رواج پیدا کرده است. این پرچم‌ها همانند پرچم اکثر کشورهای سوسیالیستی به رنگ قرمز است که در گوشه بالا و سمت چپ آن بر زمینه‌ای آبی تیره و با رنگ سفید نقشی دیده می‌شود. این نقش حاوی

حلقه‌ای از ۱۴ ستاره است که هریک نشانه‌ی یکی از ایالات این کشورند و یک چرخ دنده را که نشانه‌ی صنعت می‌باشند دربر گرفته‌اند. خوشه‌ای از برنج نیز به نشانه‌ی کشاورزی در وسط چرخ دنده مذکور مشاهده می‌گردد.

بلژیک (B)

نام بلژیک مأخوذ از قوم بلژ (*Beljha*) است (به لاتینی *Belgay*) که دسته‌ای از سلت‌ها هستند. این کشور در دورهٔ امپراطوری روم جزئی از آن امپراطوری و سپس در قرون وسطی بخشی از امپراطوری فرانک‌ها گردید.

بلژیک مدتهای مدید از قرون وسطی جزء قلمرو پادشاهی بورگوندی بود این پادشاهی قسمت‌هایی از فرانسه امروزی را در تصرف داشت. در زمان پادشاهی بورگوندی به بلژیک نیدرلند بورگوندی می‌گفتند. توضیح آنکه نیدرلند (*Netherland*) به معنای سرزمین پست است و ارتفاع بلژیک از سطح دریاهای آزاد پائین‌تر است (— هلند و فرانسه). در اوایل قرون جدید که اسپانیا قدرت فراوان یافت این سرزمین را متصرف گردید و بدان نیدرلند اسپانیا گفته شد. پس از چندی اتریش بر این سرزمین استیلا یافت و به همین جهت به نیدرلند اتریش معروف گشت و سپس تحت نفوذ هلند قرار گرفت. این وضع تا سال ۱۸۳۰ م. ادامه یافت و در این سال مردم بلژیک قیام کردند و کشور پادشاهی بلژیک مستقل بوجود آمد.

به علت آنکه کشورهای بلژیک، هلند و لوکزامبورگ ارتفاعی کمتر از سطح دریاهای آزاد دارند بنام کشورهای ساحل (پست) یا کشورهای بنلوکس (مخفف اول نام این سه کشور) نیز معروفند.

در شمال اروپای غربی بین کشورهای فرانسه و بلژیک دشت وسیعی بنام فلاندر قرار دارد. زبان مردم این ناحیه فلاندري است که در زبان فرانسه بدان فلامان و به انگیسی به آن فلمیش (*FLEMISH*) می‌گویند. سکنه فلاندري زبان بلژیک و فرانسه را فلمینگ (*Fleming*) می‌خوانند. نام رسمی بلژیک، پادشاهی بلژیک است و در عرف

بین الملل بدان بلژیک (*Belgium*) می‌گویند. که صورت رایج آن در زبان فارسی نیز می‌باشد. سابق بر این بلژیک را بعضی از منابع فارسی بصورت بلجینک نیز می‌نوشته‌اند. نام محلی آن به سه زبان رایج است که عبارتند از فرانسه، بلژیک (*Belgique*)؛ آلمانی، بلگین (*Belgien*) و هلندی، بلگیه (*Belgie*).

پرچم: پرچم بلژیک دارای سه نوار عمودی به رنگهای سیاه، زرد و قرمز است. این پرچم بوسیلهٔ دوک برابانت در جنگ علیه اتریشی‌ها در سال ۱۷۸۹م. بکار رفت. بلژیک در سال ۱۹۳۰م. از هلند مستقل گردید.

بلغارستان (BG)

منشأ نژادی مردم بلغارستان تا حدودی مبهم است. آنان را ترک، هون و... نوشته‌اند. همینقدر مشخص است که در قرون اولیه میلادی این قوم بلغار نامیده شدند و تا آن زمان نام بلغار بر آنان اطلاق نمی‌گردید. محتمل است که این نام را آلانی‌ها که از ساکنان قفقاز هستند به بلغارها داده باشند زیرا در زبان آلانی، بلغاریون به معنای کسانی است که در دامنه‌های کوه زندگی می‌کنند. در آن هنگام بلغارها در دامنه‌های شمالی قفقاز تا سواحل دریای سیاه ساکن بودند.

در قرن هفتم میلادی بلغارها در سواحل شمالی دریای سیاه دولتی تشکیل دادند که به خان‌نشین بلغارستان بزرگ موسوم گردید، لیکن پس از چندی از هم پاشید و بلغارها از آن پس در دو محل با دو عنوان روزگار گذرانیدند. بخشی از بلغارها در کنار رود ولگا ساکن شدند (در روسیه فعلی) و به بلغارهای ولگا موسوم گشتند که تا زمان تسلط مغولان بر روسیه (قرن دوازدهم) به حیات خویش ادامه دادند. بخش دیگری از بلغارها در محل کنونی بلغارستان و در مصب رود دانوب ساکن شدند که به بلغارهای دانوب موسوم گشتند.

بلغارهای دانوب در طول تاریخ فراز و نشیب‌های فراوانی را از استقلال تا سلطه بیگانگان بخود دیدند و گاهی بیزانس (— ترکیه) و گاهی شمالی‌ها یا دیگران خاک آنان را اشغال کردند. در ادوار قدرت و استقلال، بلغارستان به نامهای خانات بلغار و امپراطوری غربی بلغار (بخاطر تمایز از بلغارهای ولگا) نامیده می‌شد. در منابع دوره قاجاریه همین مورد را بصورت بلغاری نوشته‌اند.

در طول قرون جدید بلغارستان جزئی از امپراطوری عثمانی بود تا آنکه در سال

۱۹۰۸ بطور کامل مستقل شد و عنوان پادشاهی بلغارستان یافت. قبل از این زمان بلغارستان را در تقسیمات سیاسی عثمانی روملیای شرقی و روملیا می‌نامیدند که پس از خودمختاری یکی شدند و بلغارستان را ساختند و جمهوری خلق بلغارستان نامیده شد. نام رسمی بلغارستان جمهوری خلق بلغارستان است و در عرف بین‌الملل بدان بولگاریا (Bulgaria) می‌گویند.

پرچم: تاریخچه پرچم بلغارستان به سال ۱۸۷۸ میلادی بازمی‌گردد ولی در سال ۱۹۴۷ علامت رسمی جدید کشور بدان افزوده شده است. در این پرچم رنگ سفید نشانه صلح، رنگ سبز نشانه کشاورزی و قرمز به نشانه دلاوری ارتش بکار رفته است. در سمت چپ بالای پرچم این کشور و در زمینه سفید علامت رسمی کشور قرار دارد که شامل شیری زرین است و دور آن را خوشه‌های گندم فرا گرفته‌اند. در بالای سر شیر یک ستاره سرخ به نشانه حزب کمونیست قرار دارد زیر پای شیر یک چرخ به نشانه کارگران صنعتی دیده می‌شود. نوارهایی به رنگ قرمز و سبز علامت رسمی کشور را دربر گرفته‌اند.

بنگلادش (BD)

بنگلادش مأخوذ از نام بنگال (*Bengal*) است که قسمتی از شرق شبه‌قاره هند می‌باشد. سرزمین بنگال در جریان تجزیه شبه‌قاره هند و استقلال کشورهای هند و پاکستان به دو بخش بنگال شرقی و بنگال غربی تقسیم شد. با استقلال یافتن هند و پاکستان، بنگال شرقی به پاکستان تعلق گرفت و به پاکستان شرقی موسوم گردید (— پاکستان). اما از آنجا که میان پاکستان شرقی و غربی از جهات گوناگون اختلاف بروز کرد در سال ۱۹۷۱ پاکستان شرقی مستقل گردید و بنگلادش نام گرفت. بنگلادش به معنای ملت بنگال می‌باشد.

نام رسمی بنگلادش، جمهوری خلق بنگلادش است و در عرف بین‌المللی بدان بنگلادش (*Bangladesh*) می‌گویند و گاه آن را به صورت بنگالادش (*Bangaladesh*) نیز تلفظ می‌کنند.

پرچم: پرچم بنگلادش تا قبل از استقلال این کشور از پاکستان، پرچم پاکستان بود ولی بعد از استقلال در سال ۱۹۷۲ پرچم جدیدی ابداع شد که امروزه نیز مورد استفاده است. در این پرچم دایره زرد رنگ علامت طلوع خورشید استقلال است و رنگ سبز نیز نشانه مسلمان بودن مردم این سرزمین می‌باشد.

بنین (DY)

بنین (*Benin*) نامی است که فرانسویان به متصرفات خود در ساحل گینه (غرب افریقا) و داهومی (*Dahomey*) داده بودند. در این محدوده رودی به نام بنین نیز جریان دارد که محتمل است نام بنین در اصل مأخوذ از نام آن بوده باشد. زیرا از قبل (قرن هفدهم میلادی) اروپائیان آن سرزمین را با نام بنین بزرگ (*Great Benin*) مخاطب می‌ساختند.

قسمت اعظم کشور بنین امروزی را داهومی تشکیل می‌دهد به همین جهت نام سابق آن داهومی قلمداد می‌گردد. نام داهومی از نام یکی از رؤسای باستانی و افسانه‌ای قبایل ساکن در این کشور به نام دا گرفته شده است.

فرانسویان داهومی را داهوما (*Dahoma*) می‌گویند. در سال ۱۸۹۵ م. فرانسویان داهومی را متصرف شده و آن را در سال ۱۹۰۴ جزیری از افریقای غربی فرانسه نمودند. در سال ۱۹۶۰ م. داهومی مستقل شد و نام رسمی جمهوری داهومی را برگزید ولی در سال ۱۹۷۵ م. این نام به جمهوری خلق بنین تغییر یافت که هم‌اکنون نام رسمی آن بشمار می‌آید. نام بین‌المللی این کشور بنین (*Benin*) است.

پرچم: تا قبل از سال ۱۹۷۵ م. پرچم بنین پرچم سه رنگی بود که از رنگ‌های سبز، زرد و قرمز (رنگهای رایج در پرچم کشورهای افریقا) تشکیل شده بود. نوار سبز رنگ در سمت چپ بصورت عمودی و رنگهای زرد و قرمز به صورت افقی در سمت راست پرچم قرار می‌گرفت ولی با تغییر نام این کشور در سال ۱۹۷۵ م. پرچم آن نیز تغییر یافت و به صورت پرچمی با رنگ سبز یکپارچه درآمد که در گوشه بالا و سمت چپ آن ستاره قرمز رنگی نقش شده است. ستاره سرخ نشانه کشورهای به‌شمار می‌رود که حکومت سوسیالیستی یا کمونیستی دارند.

بوتان

بوتان کشوری کوچک در مرز چین و هند می‌باشد و مردم آن شاخه‌ای از مغولهای تبتی می‌باشند که عمدتاً بودایی هستند. در زبان مردم بوتان این کشور Druk-Yul خوانده می‌شود که به معنای سرزمین اژدها می‌باشد.

ارتباط بوتان با دنیای خارج از سال ۱۷۷۲م. آغاز شد که با انگلیس رابطه برقرار کردند. در سال ۱۸۶۳م. ارتباط با انگلیس مذموم شمرده شده و در سال ۱۸۶۵م. به برخورد بین دو کشور منجر گردید و در نهایت انگلیس از آن خارج شد و ضمیمه خاک هند گردید. بالاخره در سال ۱۹۰۷ بوتان تحت سلطه مهاراجه‌های محلی قرار گرفت و به صورت کشوری مستقل درآمد.

نام رسمی این کشور پادشاهی بوتان است و نام بین‌المللی آن بوتان (Bhotan) می‌باشد که به صورت Bhutan نیز نوشته می‌شود.

پرچم: پرچم کشور بوتان شامل دو رنگ زرد و قرمز است که هریک به صورت مثلثی بخشی از پرچم را تشکیل داده‌اند در حدفاصل این دو مثلث یک اژدها نقش شده است که بر این باور استوار می‌باشد که مردم بوتان کشور خود را سرزمین اژدها نامیده‌اند. رنگ زرد در این پرچم نشانه قدرت سلطنت و رنگ قرمز متمایل به نارنجی نشانه قدرت معنوی بودایی می‌باشد.

بوتسوانا (RB)

کشور بوتسوانا سابقاً بچوانالند (*Bechuanaland*) نامیده می‌شد. این کشور بخاطر آنکه در مجاورت صحرای کالاهاری در جنوب افریقا قرار دارد به کشور کالاهاری نیز معروف است. نام رسمی آن جمهوری بوتسواناست و در عرف بین‌المللی بدان بوتسوانا (*Botswana*) می‌گویند.

پرچم: پرچم بوتسوانا در سال ۱۹۶۶ م. و هنگام استقلال این کشور طراحی شده است. رنگ آبی آسمانی نشانه آب است که این کشور برای بقای خویش بدان نیاز مبرم دارد. رنگهای سفید و سیاه (گورخری) نشانه برابری مردم سفیدپوست و سیاه‌پوست ساکن در بوتسوانا می‌باشد.

بورکینافاسو (HV)

کشوری که امروزه بورکینافاسو (*Burkinafaso*) نامیده می‌شود تا سال ۱۹۸۶ م. ولتای علیا (*Upper Volta*) نامیده می‌شد. نام ولتای علیا بخاطر قرار گرفتن در قسمت علیای رود ولتا به این کشور اطلاق می‌شد. نام ولتای علیا را استعمارگران اروپایی به این سرزمین داده بودند. براین اساس نام بین‌المللی آن آپرولتا، نام محلی آن اوت ولتا (*Haut Volta*) و نام رسمی آن جمهوری ولتای علیا بود.

در طول دوره استعمار این کشور به همراهی کشورهای امروزی سنگال و نیجرو... جزء افریقای غربی فرانسه بود. و چون در سال ۱۹۵۹ م. مستقل شد جمهوری ولتای علیا نام گرفت.

در سال ۱۹۸۶ م. نام ولتای علیا کنار گذاشته شد و نام جدید بورکینافاسو به معنای سرزمین مردم نیکوکار برای آن انتخاب شد. سابق براین بدان کشور ولتا نیز می‌گفتند. بخاطر آنکه نقشه این کشور تقریباً به شکل هندسی دوزنقه شبیه است گاه بدان کشور دوزنقه‌ای نیز گفته‌اند.

پرچم: رنگهای موجود در پرچم کشور بورکینافاسو به نشانه سه رود اصلی این کشور است که همگی ولتا نام دارند و ولتای سیاه، ولتای سفید و ولتای قرمز نامیده می‌شوند. این پرچم بعد از استقلال این کشور در سال ۱۹۵۹ م. طراحی شده است.

بولیوی (BOL)

بولیوی تا اوایل قرن هجدهم که به استقلال دست یافت در زمرهٔ سلطنت‌نشین پرواز مستعمرات اسپانیا بود و در آن هنگام بدین جهت آن را پروی علیا (*Upper Peru*) یا آلتوپرو (*Alto Peru*) می‌نامیدند.

در سال ۱۸۲۵ م. سیمون بولیوار (*Simon Bolivar*) قهرمان استقلال آمریکای جنوبی این کشور را آزاد ساخت و به احترام وی و سپاس از او این کشور به نام او بولیوی نامیده شد. پس از بولیوار پرو و بولیوی کنفدراسیونی به نام کنفدراسیون پرو-بولیوی تشکیل دادند که چندان نپائید و از سال ۱۸۳۹ بولیوی مجدداً بصورت کشوری مستقل و موسوم به جمهوری بولیوی درآمد.

نام رسمی بولیوی، جمهوری بولیوی می‌باشد و در عرف بین‌الملل بدان بولیویا (*Bolivia*) می‌گویند. این کشور به یادگار بولیوار (به یادبود بولیوار)، سرزمین کودتا (بخاطر کودتاهای متعدد و بسیار)، سرزمین کوکائین (بخاطر تولید فراوان کوکائین)، سرزمین قهرمان (به یادبود بولیوار) و پروی علیا معروف می‌باشد. در زبان فارسی نام این کشور را با املای بولیوی نیز می‌نویسند.

پرچم: پرچم بلیوی مرکب از سه رنگ قرمز، طلایی و سبز است که رنگ قرمز در آن هم به نشانهٔ شجاعت نیروهای نظامی و هم به معنای منابع حیوانی کشور شمرده شده است. رنگ طلایی نشانهٔ منابع غنی معدنی (منجمه قلع و نقره) و رنگ سبز به نشانهٔ منابع کشاورزی می‌باشد. علامت مخصوص این کشور در وسط پرچم و بر زمینهٔ طلایی نقش می‌گردد که شامل یک لاما (*lama*) یا شتر خاص نواحی کوهستانی آند، یک درخت و یک سنبلهٔ گندم و یک خانه می‌باشد و همگی منابع ثروت کشور بلیوی را در ذهن تداعی می‌کنند.

پاراگوئه (PY)

نام پاراگوئه از نام رودی به همین نام گرفته شده که از برزیل سرچشمه گرفته و وارد پاراگوئه می‌گردد سپس از پاراگوئه وارد آرژانتین شده و در آنجا پارانا نامیده می‌شود. این رود نهایتاً از شهر بوئنوس آیرس (پایتخت آرژانتین) گذشته و وارد اقیانوس اطلس می‌گردد. کشور پاراگوئه مدت‌ها جزئی از مستعمرات اسپانیا بود و ابتدا شامل منطقه لاپلاتا بوده و سپس جزیی از نایب السلطنه نشین بوئنوس آیرس شده است (— آرژانتین). این کشور پس از کسب استقلال پاراگوئه نام گرفت. نام رسمی این کشور جمهوری پاراگوئه می‌باشد و در عرف بین‌المللی آن را پاراگوئه (Paraguay) و در زبان محلی و اسپانیولی پاراگوی (Paragwi) گویند. در منابع دوره قاجاریه این نام را بصورت پاراگای نیز آورده‌اند.

پرچم: پرچم پاراگوئه تنها پرچمی است که پشت و روی آن با هم متفاوت است. رنگهای قرمز، سفید و آبی در هردو روی پرچم یکسان است ولی در روی اصلی پرچم علامت رسمی کشور نقش شده و در روی دیگر آن «ستاره ماه مه» دیده می‌شود که یادآور آزادی پاراگوئه از اسپانیا در ماه مه سال ۱۸۱۱ م. است. ستاره زرد رنگ ماه مه در این پرچم به وسیله دو شاخه زیتون و نخل دربر گرفته شده و همه این علائم به صورت دایره‌ای درآمده‌اند. پرچم امروزی پاراگوئه در سال ۱۸۴۲ م. طراحی شده است.

پاکستان (PAK)

سرزمین کنونی پاکستان شامل قسمت‌هایی از فلات ایران و شبه‌قاره هند است. اگرچه هریک از این دو واحد بزرگ جغرافیایی و نواحی آنها از قدیم دارای اسامی خاص خود بوده‌اند لیکن پاکستان نامی جدید است. نام پاکستان از سال ۱۹۳۱ م. در جریان مبارزات استقلال‌طلبانه مردم مسلمان شبه‌قاره هند علیه استعمار انگلستان و به منظور تأسیس کشوری مستقل از هندوها به وجود آمد.

در سال ۱۹۴۷ م. مبارزات مردم مسلمان به نتیجه رسید و کشور پاکستان به وجود آمد. در مورد معنای کلمه پاکستان (Pakistan) دو نظر وجود دارد یکی آنکه پاکستان به معنای سرزمین پاکان است و ظاهراً از سالها قبل محلات مسلمان‌نشین را در هند محله پاکان می‌نامیده‌اند و دیگر آنکه پاکستان مرکب از قسمتهایی از پنج نام پنجاب، افغان (پشتونستان)، کشمیر، سند و بلوچستان یعنی ایالت‌های تشکیل‌دهنده کشور پاکستان می‌باشد و از خلاصه اسامی این نامها پاکستان ساخته شده است.

پاکستان به هنگام استقلال مرکب از دو بخش بود: پاکستان شرقی که در شرق شبه‌قاره هند قرار داشت و شامل بنگال شرقی و قسمتی از آسام بود و به آن نام بنگال اطلاق می‌شد و پاکستان غربی که شامل سند و پنجاب و بلوچستان و... بود و قسمت پهناور کشور به شمار می‌آمد و پایتخت در آن قرار داشت. پاکستان (پاکستان شرقی و پاکستان غربی) تا سال ۱۹۷۱ م. به صورت کشوری واحد باقی ماند اما در این سال پاکستان شرقی استقلال یافت و نام بنگلادش را بخود گرفت (— بنگلادش) و عنوان پاکستان غربی نیز به پاکستان مبدل شد.

نام رسمی پاکستان جمهوری اسلامی پاکستان است و در عرف بین‌الملل بدان

پاکستان (*Pakistan*) می‌گویند.

پرچم: پاکستان دارای پرچمی دو رنگ است. سبز و سفید، که قسمت اعظم آن را رنگ سبز تشکیل داده و رنگ سفید در سمت چپ رنگ سبز قرار دارد. گفته می‌شود که این دوگانگی رنگ به نشانه تفاوت‌های طبیعی این کشور است (سبز به نشانه ناحیه سند و سفید به نشانه کوه‌های سلیمان). رنگ سبز همچنین نشانه دین اسلام است و رنگ سفید نشانه اقلیت غیرمسلمان این کشور شمرده شده است.

پاناما (PY)

در سال ۱۵۰۱ م. پاناما را کاشفان اسپانیایی کشف کردند و آن را سرزمین وراگوآ (*Veragua*) نامیدند این سرزمین تا اواسط قرن هجدهم میلادی جزو نایب السلطنه نشین پرو بود (← پرو) و پس از آن جزء نایب السلطنه نشین گرانادای جدید شد.

از اوایل قرن هجدهم پاناما و تغییرات نام آن با کشور کلمبیا همراه بود (← کلمبیا) در سال ۱۸۴۰ م. انقلابی استقلال طلبانه در پاناما رخ داد و دولتی بنام حکومت آزاد برزخ در آن تشکیل شد لازم به ذکر است که پاناما کشوری کوچک مابین دو اقیانوس اطلس و آرام می‌باشد و در قسمتی از این کشور برزخی وجود دارد که به طور طبیعی دو اقیانوس را بهم نزدیک می‌کند (برزخ سرزمین باریک بین دو دریا را گویند). در این کشور کانال مشهور پاناما احداث شده که دو اقیانوس اطلس و آرام را بهم پیوند می‌دهد و از این لحاظ دارای اهمیت ارتباطی و استراتژیک مهمی در آمریکای مرکزی است. (تاریخ افتتاح کانال پاناما ماه اوت ۱۹۱۴ میلادی — ۱۲۹۳ هـ. ش است). پاناما سرانجام در سال ۱۹۰۳ از کلمبیا مستقل شد و به جمهوری پاناما (*Panama Republique*) موسوم گردید. پاناما نام کلاهی است که در آمریکای جنوبی و مرکزی از برگهای نوعی نخل بافته می‌شود.

نام رسمی این کشور جمهوری پاناما می‌باشد و در عرف بین الملل بدان پاناما می‌گویند. این کشور به کشور کانال (بخاطر وجود کانال معروف پاناما) نیز معروف می‌باشد. لازم به یادآوری است که کانال پاناما طبق قرارداد مخصوصی که بین ایالات متحده آمریکا و پاناما منعقد شده به طور تساوی برای عبور کشتی‌های تجاری و جنگی باز است ولی کشتی‌ها باید حق عبور از کانال را بپردازند. کشتی‌ها بجای دور زدن

آمریکای جنوبی با عبور از کانال پاناما مسافت زیادی راه را از مسیر خود حذف می‌کنند. (طول کانال از اقیانوس اطلس تا آرام ۶۵ کیلومتر و عمق آن به طور متوسط ۱۲ متر و پهنای متوسط آن ۹۰ متر است).

پرچم: جمهوری پاناما هیچگاه جزو فدراسیون کشورهای آمریکای مرکزی نبوده و بنابراین پرچم آن با پرچم کشورهای آمریکای مرکزی تفاوت اساسی دارد. در سال ۱۹۰۳ (سال استقلال پاناما از کلمبیا) فرزند نخستین رئیس‌جمهوری پاناما پرچم این کشور را طرح‌ریزی کرد. رنگ سفید در این پرچم علامت صلح، قرمز نشانه حزب لیبرال و آبی نشانه حزب محافظه‌کار در این کشور و ستاره‌ها در زمینه‌های سفید نشانه ایمان و قدرت شمرده شده‌اند. احزاب لیبرال و محافظه‌کار از احزاب پاناما در اوایل استقلال بوده‌اند.

پرتغال (P)

تا سال ۱۶۰۴ م. نام و تاریخ پرتغال را باید جزئی از شبه جزیره ایبری دانست (اسپانیا). در روزگار باستان و تا قبل از این تاریخ سرزمین کنونی پرتغال که جزیی از نواحی غربی شبه جزیره ایبری می‌باشد، به لوسیتانیا معروف بود. سپس با تسلط رومیان جزیی از قلمرو روم شد. با اضمحلال امپراطوری روم به دست گوت‌ها بخشی از پادشاهی گوت گردید، تا اینکه با تسلط مسلمانان بر شبه جزیره ایبری در قرن هشتم میلادی جزئی از اندلس به شمار آمد. در قرن یازدهم میلادی که اندلس گرفتار ملوک الطوائفی شد پرتغال جزء قلمرو امارت سویل قرار گرفت. پس از سویل، امارات باداجوز در اواخر قرن یازدهم بر سر کار آمد. این وضع تا سال ۱۰۶۴ میلادی دوام یافت.

در سال ۱۰۶۴ م. فردیناند اول (Ferdinand I) پادشاه مسیحی ایالت کاستیل اسپانیا توانست کویمبرا (Coimbera) واقع در پرتغال امروزی را تصرف نماید. وی در سال ۱۰۹۵ م. هانری دو بورگونی را به حکومت آنجا منسوب کرد و به او لقب کنت کویمبرا داد. پس از چندی این لقب به کنت پورتوکالسنه مبدل گردید. پورت در اینجا به معنای بندر زمینی است و بیشتر منظور محل اخذ عوارض راهداری می‌باشد. کالسنه مأخوذ از کاله نام بندری قدیمی است. شاید بخاطر معروفیت نام این بندر عنوان کنت پورتوکالسنه بکار برده شده است. عنوان پورتوکالسنه بعدها به پرتکال یا پرتگال تبدیل شده است به طوری که در مآخذ اواخر دوره صفویه این کشور را پرتکاله می‌نوشتند و همین نام ابتدا به پرتوغال و سپس به پرتغال یا پرتقال در زبان فارسی مبدل شده است. در گذشته فارسی زبان‌ها این نام را بصورت پرتوغال می‌نوشته‌اند. لازم به تذکر است که در منابع اوایل دوره صفویه پرتغال را سوزیتانیا نوشته‌اند.

کشور پرتغال در سال ۱۱۷۹م. از کاستیل مستقل گردید و شاهزاده‌نشین پرتغال نامیده شد و از اوایل قرن سیزده پادشاهی پرتغال بدان اطلاق گشت. این نام تا سال ۱۹۱۰ رایج بود. در این سال با سقوط سلطنت، نام پرتغال به جمهوری پرتغال تبدیل گردید. نام رسمی این کشور جمهوری پرتغال است و در عرف بین‌الملل بدان پرتغال (Portugal) می‌گویند.

پرچم: پرچم پرتغال دارای دو رنگ قرمز و سبز است که در محل تلاقی این دو رنگ علامت رسمی کشور دیده می‌شود این علامت به هانری دریانورد (Henry the Navigator) نسبت داده شده است. هانری از فرمانروایان معروف پرتغال است که در امر اکتشافات و استعمار تلاش بسیار کرد و پرتغال را بدین ترتیب بسیار نیرومند ساخت. در این علامت سپری قرمز وجود دارد که در کناره‌های آن هفت قصر طلایی وجود دارد. در وسط سپر قرمز رنگ سپری سفید وجود دارد که بر روی آن ۵ سپر آبی رنگ به نشانه پیروزی پادشاه پرتغال بر مسلمانان در قرن دوازدهم نقش بسته است. تمامی نقوش فوق در درون یک کره طلایی قرار دارد که سمبل دنیا است بدین معنا که دریانوردان پرتغالی این جهان را درنوردیده‌اند.

پرو (PE)

پرو تا قرن شانزدهم میلادی جزو قلمرو امپراطوری اینکا بوده است. اینکاها گروهی از سرخپوستان ساکن در آمریکای جنوبی بودند. در اوایل قرن ۱۶، اسپانیایی‌ها به امپراطوری اینکا حمله کردند و پس از تصرف آن را کاستیل جدید نام دادند. کاستیل در اصل نام یکی از ایالات اسپانیا است. اسپانیایی‌ها سپس پرو را نایب‌السلطنه‌نشین پرو نامیدند. در سال ۱۸۱۲م. پرو تحت رهبریهای خوزه سن مارتین (General José de San Martín)، از استقلال‌طلبان آمریکای جنوبی به استقلال خویش دست یافت. نام پرو احتمالاً مأخوذ از نام رود پرو است. نام رسمی این کشور جمهوری پرو (Republic of Peru) می‌باشد و نام بین‌المللی آن پرو (Peru) است. نام محلی و اسپانیولی آن پرو (Paroo) می‌باشد.

پرو را بخاطر سکونت و حکومت قوم قدیمی اینکا، سرزمین اینکاها و بخاطر آنکه در زیر خط استوا در جنوب اکوادور (← اکوادور) قرار گرفته کشور زیر استوا و بخاطر استقرار در مرتفعات کوههای آند، سرزمین آندها می‌نامند.

پرچم: پرچم کشور پرو سه نوار رنگی از رنگهای قرمز و سفید است. طرح این پرچم را خوزه سن مارتین ریخته است. گویند هنگامی که وی با لشکریان خود از جایی عبور می‌کرد دسته‌ای از فلامینگوها از بالای سرش پرواز می‌کردند و پرواز آنها از زیر به صورت ترکیبی از رنگهای قرمز و سفید بود. سن مارتین این رنگها را برای پرچم پرو انتخاب کرد. در داخل پرچم رسمی پرو علامت رسمی کشور نقش می‌گردد. این علامت شامل لاما (شترابی کوهان آمریکای جنوبی) و درخت گنه‌گنه و یک شاخ طلایی است که همگی وفور نعمت را نشان می‌دهند.

پورتوریکو

کشور پورتوریکو شامل جزایری در دریای کارائیب در آمریکای مرکزی است که در فاصله ۱۱۰ کیلومتری مشرق جزیره هیسپانیولا (Hispaniola) قرار گرفته است. این جزیره در نوامبر سال ۱۴۹۳ م. به وسیله کریستف کلمب کشف گردید. تا قبل از وی بومیان ساکن در این جزیره آن را بورنک می‌نامیدند.

دریانورد معروف اسپانیایی کلمب نام این جزیره را به سن خوان (San Juan) تغییر داد که به معنای خوان مقدس است و ریشه در فرهنگ دینی مسیحیان اسپانیایی دارد. تسلط اسپانیایی‌ها بر جزیره سن خوان (پورتوریکوی امروزی) تا سال ۱۸۹۸ م. ادامه یافت و در این سالها نام پورتوریکو نیز برای این جزیره بکار رفت که به صورت Puerto Rico نوشته می‌شد و به معنای بندر ثروتمند بود. معادل انگلیسی این کلمه (Rich Port) می‌باشد. در سال ۱۸۹۸ م. نیروهای آمریکایی در جریان درگیری با اسپانیایی‌ها وارد جزیره پورتوریکو شدند و به تسلط اسپانیایی‌ها به جزیره خاتمه داده و آن را تحت استعمار خویش گرفتند. در سال ۱۹۳۲ م. نام این جزیره رسماً پورتوریکو اعلام شد که به صورت (Porto Rico) نیز نوشته می‌شد. در سال ۱۹۵۲ م. پورتوریکو استقلال نسبی یافت و در امور خارجی جدای از سیاستهای آمریکا عمل می‌کرد. هم‌اکنون پورتوریکو یکی از قلمروهای خارجی ایالات متحده آمریکا محسوب شده و اهالی آن شهروند آمریکایی محسوب می‌شوند. آنان می‌توانند به آمریکا رفت و آمد کنند. دولت آمریکا کمک‌های اقتصادی به پورتوریکو می‌کند.

نام رسمی پورتوریکو مشترک المنافع پورتوریکو می‌باشد و در عرف بین‌الملل بدان پوئرتوریکو (Puerto Rico) یا پورتوریکو (Porto Rico) می‌گویند.

پرچم: پرچم پورتوریکو از رنگ‌هایی شبیه به پرچم کشور کوبا تشکیل شده و طرح آن نیز همانند پرچم کوبا است زیرا در جنگ‌های استقلال طلبانه از اسپانیا، کوبا و پورتوریکو همزمان عمل می‌کردند و بدین لحاظ طرح و رنگ‌های واحدی در پرچم این دو کشور بکار رفته است. پرچم این کشور مرکب از سه نوار قرمز و دو نوار سفید در وسط آن است که شباهت زیادی هم به رنگ‌های پرچم آمریکا دارد. در سمت چپ این پرچم در داخل مثلثی آبی رنگ یک ستاره سفید نقش شده است. در پرچم پورتوریکو مثلث آبی نشانه آزادی شمرده شده است.

تانزانیا (EAT)

تانزانیا (*Tanzania*) را معمولاً به صورت تانگانیکا (*Tanganyika*) می‌نویسند. این کشور شامل چند قسمت عمده چون جزیره زنگبار (*Zanzibar*) و پمبا است. در قرون قبل این کشور با نامهای زنگبار و کیلوا (از شهرهای عمده این کشور در ناحیه ساحلی آن) شناخته می‌شده است. سپس چون سلطان عمان زنگبار را تصرف کرد جزیری از قلمرو مسقط و زنگبار شد. قلمرو این دولت در خاک افریقا محدود به باریکه‌ای از ساحل بود که سرانجام نیز با دخالت انگلستان، زنگبار و باریکه ساحلی از تصرف عمان خارج شد (۱۸۶۱). براساس موافقتنامه سال ۱۸۸۷ آلمان و انگلستان، آلمان صرفنظر از باریکه ده کیلومتری ساحل بقیه کشور تانزانیای کنونی را تصرف کرد و آن را آفریقای شرقی آلمان نامید که شامل رواندا-اروندی نیز بود. در جریان جنگ جهانی اول انگلستان این سرزمین را از تسلط آلمان خارج ساخته و به تصرف خویش درآورد و جزیری از آفریقای شرقی انگلیس نموده و نام آفریقای شرقی آلمان را به تانگانیکا تغییر داد زیرا در آن زمان زنگبار را شامل نمی‌شد و رواندا-اروندی نیز از آن تفکیک و به کنگوی بلژیک منضم گردیده بود. از این زمان به بعد نام تانگانیکا که قبلاً برای دریاچه‌ای در غرب این کشور به کار برده می‌شد رایج گردید. بدین ترتیب محتمل است که نام تانگانیکا و سپس تانزانیا از نام این دریاچه یا شهر بزرگ آن تانگا (*Tanga*) گرفته شده و توسط آلمانها رایج گردیده باشد.

در سال ۱۹۲۰ م. نام تانگانیکا به صورت تحت‌الحمایه تانگانیکا درآمد و سرانجام در سال ۱۹۶۲ م. با کسب استقلال جمهوری تانگانیکا نامیده شد. سپس چون در سال ۱۹۶۴ م. زنگبار بدان پیوست نام رسمی جمهوری متحد تانزانیا را برگزید. نام بین‌المللی

این کشور تانزانیا و نام محلی آن موانگانو و تانزانیا می‌باشد.

پرچم: رنگهای موجود در پرچم کشور تانزانیا شامل رنگهایی است که قبل از اتحاد زنگبار و تانگانیکا در پرچمهای این دو کشور به کار می‌رفت. رنگ‌های سبز و آبی در پرچم تانزانیا به صورت دو مثلث قرار گرفته‌اند. رنگ سبز به نشانه زمینهای کشاورزی و رنگ آبی نشانه دریاها و داخلی و مجاور تانزانیا می‌باشد. در حدفاصل دو مثلث آبی و سبز خط مایل سیاه رنگی دیده می‌شود که به وسیله دو رنگ طلایی از رنگهای سبز و آبی جدا شده‌اند. رنگ سیاه نشانه مردم سیاه‌پوست تانزانیا و رنگ طلایی علامت ثروت معدنی این کشور شمرده شده‌اند.

تایلند (T)

نام تایلند مأخوذ از نام قومی مهاجر از سرزمین چین است به نام تای (*Thai*) که با پسوند مکانی لند (*Land*) به معنای سرزمین تای‌ها می‌باشد.

کشور تایلند در ابتدا سیام نامیده می‌شد که با رواج یافتن کلمه تایلند توسط اروپائیان دیگر این کلمه رایج نیست. لازم به تذکر است که در سال ۱۹۳۸ دولت سیام به امید آنکه مظهر تمامی تای‌ها شمرده شده و بر نواحی اطراف مسلط گردد نام تایلند را پذیرفت. نام رسمی تایلند، پادشاهی تایلند می‌باشد و در عرف بین‌المللی بدان تایلند (*Thailand*) می‌گویند. تایلند دارای دو نام محلی موانگ‌تای و پراتت‌تای می‌باشد. بعلاوه این کشور به نام کشور هزار معبد، و کشور معابد طلایی (بخاطر وجود معابد فراوان بودایی) مشهور می‌باشد. گروهی را عقیده بر آن است که تایلند به معنای ملت آزاد است و از این رو به آن سرزمین آزادی نیز گفته‌اند.

پرچم: کشور تایلند یا سیام سابق را بخاطر آنکه قبلاً در روی پرچم آن یک فیل سفید نقش بسته بود به نام کشور فیل سفید نیز می‌شناختند. نوارهای سفید روی پرچم این کشور نشانه بودائیسیم و نوارهای قرمز آن نشانه ملیت تایلندی است. ابتدا در روی پرچم تایلند نوار آبی رنگ وسط وجود نداشت ولی بعدها به نشانه سلطنت به پرچم آن افزوده شد. در مورد تاریخچه پرچم این کشور گفته شده که پرچم تایلند ابتدا فیل سفیدی بر روی یک زمینه قرمز بود. و یک روستایی نادانسته روزی این پرچم را واژگون برافراشت. پادشاه تایلند در خشم شد و گفت که پرچمی می‌سازم که هیچکس نتواند آن را وارونه برافرازد در نتیجه پرچم امروزی تایلند (بدون نوار آبی در وسط) طراحی شد. بعدها نوار

آبی نیز به پرچم اضافه شد و در پرچم ملی این کشور در وسط نوار آبی رنگ فیلی سفید در داخل دایره‌ای قرمز نقش می‌گردد.

ترکیه (TR)

موقعیت جغرافیایی خاص ترکیه، در طول تاریخ همواره این کشور را با تحولات بسیاری مواجه ساخته است زیرا که ترکیهٔ امروزی مرکب از دو قسمت است: قسمت آسیایی و قسمت اروپایی.

بخش عمدهٔ خاک ترکیه در قسمت آسیایی قرار گرفته لیکن بخش اروپایی با وجود وسعت اندک از نظر سیاسی، نظامی، فرهنگی و تاریخی اهمیت بسیاری دارد. مابین دو قسمت آسیایی و اروپایی ترکیه تنگه‌های بُسفر و داردانل و دریای مرمره قرار گرفته‌اند. اتصال یا انفصال دو بخش آسیایی و اروپایی ترکیه و نیز در اختیار گرفتن کنترل تنگه‌ها در تاریخ ترکیه همواره نقش مهمی ایفا کرده است چنانکه در مورد نامگذاری نیز مؤثر بوده‌اند.

در هزارهٔ دوم قبل از میلاد ترکیهٔ کنونی متشکل از کشورها و اقوامی به نامهای اورارتو، هیتی، کاپادوکیه و نظایر آن بود که هریک به استقلال در قسمتی از این سرزمین و در دوره‌ای از تاریخ آن، حکومت کردند. در اوایل هزارهٔ اول قبل از میلاد با استقرار یونانی‌ها در بالکان (بخش اروپایی ترکیه قسمتی از شبه‌جزیرهٔ بالکان محسوب می‌شود) دو نام مشخص برای بخش آسیایی ترکیه بوجود آمد. یونانی‌ها سرزمین مشرق خویش را آناتولی (*Anatolia*) نامیدند که به معنای محل طلوع آفتاب است (معادل مفهوم خراسان در زبان فارسی). بعدها بخش آسیایی ترکیه آناتولی نام گرفت. یونانیان قسمتی از آناتولی را که در مجاورتشان بوده آسیا (*Asia*) می‌خواندند. کلمهٔ آسیا در دوره‌های بعد به سراسر قارهٔ کنونی آسیا اطلاق گردید و بهمین جهت آناتولی را آسیای صغیر (*Asia minor*) گفتند تا از قارهٔ آسیا متمایز گردد.

آسیای صغیر در زمان هخامنشیان جزئی از قلمرو ایران گردید و سپس مجدداً متشکل از دولتهای متعددی چون ارمنستان، پونت و... شد. تا آنکه سراسر ترکیه کنونی (اعم از بخش آسیایی و اروپایی) به تصرف رومیان درآمد و جزئی از امپراطوری روم شد. در قرن چهارم میلادی با تجزیه امپراطوری روم، ترکیه موطن اصلی امپراطوری روم شرقی شد. از آنجا که پایتخت روم شرقی (کنستانتینوپولیس یا قسطنطنیه یا استانبول کنونی) در آغاز شهر کوچکی بنام بیزانتیوم (*Bizantium*) بود، دولت روم شرقی به بیزانس (*Byzantine*) موسوم گردید. بیزانس در منابع اسلامی به رومیة الصغری معروف می‌باشد.

از سال ۱۰۷۱ م. با شکست روم شرقی از دولت سلجوقیان، مهاجرت عمومی ترکان به آسیای صغیر آغاز شد. در ابتدا دولت سلجوقیان روم در بخش عمده آناتولی تأسیس گردید و سپس دولتهای کوچک دیگری چون قرامان، حمید، منتشا، عثمانی و... به وجود آمدند. همه این دولتها سرانجام از بین رفته و تنها دولت عثمانی برجای ماند و قدرت و وسعت فراوان یافت. عثمانی نام قدیم ترکیه کنونی است.

مؤسس دولت عثمانی، شخصی بنام عثمان از سران قبایل ترک بود. جانشینان عثمان از قرن چهاردهم تا پانزدهم به تدریج آسیای صغیر و سپس بخش اروپایی ترکیه کنونی را تصرف کردند و سرانجام در سال ۱۴۵۳ م. با تصرف قسطنطنیه، حکومت بیزانس را منقرض نمودند. ظاهراً در دوره توسعه قلمرو، جانشینان عثمان قسمتی از قلمرو خود را در آسیا «رومیلی» نامیده بودند لیکن بعدها با تصرف بخش اروپایی، آن قسمت را رومیلی نام داده و آن را مقابل آناتولی که بخش آسیایی بود، قرار دادند. فرمانروایان عثمانی را فرمانروایان شاخ زرین نیز می‌نامند. زیرا پایتخت آنان شهر قسطنطنیه در کنار خلیج زیبای موسوم به شاخ زرین (قرن الذهب / *Golden Horn*) واقع شده است. همچنین به آنان سلاطین باب عالی نیز گفته‌اند که این عنوان، عنوان دولت و دربار عثمانی بوده است.

در سال ۱۹۲۳ م. با برسر کار آمدن مصطفی کمال پاشا، عثمانی به ترکیه و به نظام جمهوری مبدل شد. انتخاب نام ترکیه بر اثر علائق نژادی بود و ترکیه به معنای کشور ترک‌ها است. لازم به تذکر است که در قرن نوزدهم نهضت‌هایی برای احیای قدرت عثمانی که مدتها قبل تضعیف شده بود آغاز گردید. در دوره ضعف و انحطاط، اروپائیان

به عثمانی لقب مرد بیمار اروپا داده بودند که ناشی از ضعف دولت عثمانی و طمع دول اروپایی در تجزیه آن بود.

لازم به تذکر است که از جمله جنبشهای احیای قدرت عثمانی نهضت پان‌ترکیسم و پان‌تورانیسم بود که هردو به نحوی معتقد به ناسیونالیسم ترک بودند. از آنجا که از سال ۱۹۲۳ ناسیونالیست‌های ترک به قدرت رسیدند این کشور ترکیه نام گرفت. شاید دولت جدید در انتخاب نام ترکیه برای این کشور می‌خواسته به اروپائیان نشان دهد که این کشور محل سکونت ترکان است و قصد حکومت بر دیگر اقوام (عرب، اسلاو...) را ندارد. زیرا سلاطین عثمانی بر گروه وسیعی از اقوام غیر ترک حکومت می‌کردند و همین امر موجب شورشهای متعدد و مداخله دول بیگانه می‌گردید. شایان ذکر است که لفظ ترک از نظر معنی صورت روشن و مشخصی ندارد لیکن قدیمی‌ترین اثر بدست آمده از آنان از قرن ششم قبل از میلاد است که به صورت تو-کیوئه ضبط و نقل شده و ظاهراً نام قوم و دولتی در آسیای مرکزی موطن اصلی ترکان بوده است. ترک را بصورت تورک نام کوهی نیز نوشته‌اند و منابع قدیمی از شخصی افسانه‌ای بنام ترک نیز نام برده‌اند.

نام رسمی ترکیه، جمهوری ترکیه است و در عرف بین‌المللی بدان تورکی می‌گویند که ترجمه فارسی آن ترکیه است. در زبان محلی ترکیه، ترکیه جمهوری نامیده می‌شود. پرچم: پرچم ترکیه امروزی یک پرچم قدیمی است که در روی رنگ قرمز آن یک هلال ماه و یک ستاره به رنگ سفید ملاحظه می‌گردد. در مورد وجود هلال ماه بر روی پرچم ترکیه این باور قدیمی وجود دارد که در سال ۳۳۹ قبل از میلاد فیلیپ پدر اسکندر مقدونی قصد حمله به بیزانتیوم که در سطور قبل بدان اشاره شده را داشت اما درخشش شدید هلال ماه در شب حمله وی، فیلیپ را کور کرد و وی موفق به تصرف بیزانتیوم نگردید. هلال ماه سمبل امپراطوری بیزانس بود و بعدها نیز امپراطوران عثمانی آن را بر روی پرچم خود حفظ کردند در اواسط قرن نوزدهم ستاره‌ای نیز به پرچم ترکیه اضافه شد که الهام گرفته از سوره طارق از قرآن کریم است و به معنای ستاره بامدادی می‌باشد. علیرغم تغییر رژیم ترکیه از سلطنتی به جمهوری در سال ۱۹۲۳ پرچم این کشور تغییری نکرد و همان پرچم قدیمی مورد استفاده است.

تونس (TN)

تونس در روزگار قدیم محل حکومت دولتی بنام کارتاژ (Carthage) بوده است و به همین جهت بدان کشور کارتاژی می‌گفتند. این نام را در لاتین کارتاگو (Carthago) و در عربی قرطاجنه (qartaja) و در مواردی قرطاجه نوشته‌اند.

کشور کارتاژ در قرن دوم قبل از میلاد به دست رومیان نابود شد. رومیان چون معمولاً به این کشور آفریقا و به ساکنان آن افری (Afri) نام می‌دادند بعدها به وسیله جغرافیدانان مسلمان به این کشور نیز افریقیه گفته شد و نام کنونی قاره افریقا در اصل از توسعه همین عنوان آمده است.

نام کشور تونس مأخوذ از نام شهری به همین نام (تونس) است که پایتخت کشور را تشکیل می‌دهد و چون کشور کوچکی است نام این پایتخت از چند قرن پیش برای کشور به کار رفته. به کشور تونس گاه تونس الغرب نیز گفته‌اند.

نام بین‌المللی تونس، تونسیا (Tunisia) است و نام رسمی آن جمهوری تونس یا جمهوریة التونسية است.

پرچم: پرچم تونس شباهت زیادی با پرچم کشور ترکیه دارد و این شباهت ناشی از آن است که روزگاری امپراطوری عثمانی بر تونس حاکم بوده است. پرچم تونس در اواخر قرن نوزدهم طراحی شد و شباهت آن به پرچم امپراطوری عثمانی باعث منازعاتی گردید. تفاوت پرچم تونس با ترکیه آن است که تونس علامت ماه و ستاره را در داخل دایره سفیدی قرار داده که این دایره سفید نشانه خورشید شمرده شده است. پرچم مذکور از سال ۱۹۵۷ که تونس استقلال خود را از فرانسه بدست آورد مورد استفاده رسمی قرار گرفته است.

جامائیکا

جزیره جامائیکا که در دریای کارائیب قرار گرفته است در سال ۱۴۹۴ م. به وسیله کریستف کلمب دریانورد اسپانیایی مورد اکتشاف قرار گرفت. بومیان آراواک (Arawak) که نخستین مردمان ساکن این جزیره بودند آن را جزیره ژای‌ماکا (*Xaymaca*) می‌نامیدند که در زبان محلی به معنای سرزمین بهاران است و این نام‌گذاری بخاطر طبیعت زیبای این جزیره بوده است. این جزیره نقش مهمی در دوران تجارت برده از آفریقا به آمریکا برعهده داشته و یک ایستگاه توقف کشتی‌های مملو از برده شمرده می‌شد. در قرن نوزدهم و با لغو برده‌داری این جزیره اهمیت سابق خود را از دست داد. جزیره جامائیکا از سال ۱۶۵۵ میلادی تا ۱۹۵۸ مستعمره انگلیس بود و از سال ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۱ جزء دومینیون‌های انگلستان بشمار می‌رفت. سرانجام در سال ۱۹۶۲ میلادی استقلال خود را بدست آورد.

نام رسمی این کشور جمهوری جامائیکا است و نام بین‌المللی آن جمیکا (*Jamaica*) می‌باشد. در منابع فارسی آن را به صورت‌های ژامائیک و جامائیک نیز ثبت کرده‌اند.

پرچم: در پرچم کشور جامائیکا رنگ زرد نشانه ثروت زیرزمینی این کشور و خورشید است. رنگ سبز نشانه‌ای از کشاورزی و امید به آینده می‌باشد و رنگ سیاه نشانه سختی‌ها و مشقاتی است که مردم جامائیکا در طول تاریخ خود متحمل شده‌اند.

جبل الطارق

در روزگار باستان به قسمت شمالی تنگه جبل الطارق امروزی، ستونهای هرکول می‌گفتند. این قسمت یک منطقه کوهستانی است که از جمله قله آن کوه کالپ می‌باشد. جبل الطارق نام کشور و تنگه‌ای است که مدیترانه را به اقیانوس اطلس متصل می‌کند. در سال ۹۲ هـ. ق/ ۷۱۱ م. طارق ابن زیاد سردار مسلمان از مراکش به قصد فتح اسپانیا وارد منطقه ستونهای هرکول گردید که از آن پس به جبل الطارق موسوم شد.

این سرزمین زمانی جزء قلمرو مسلمانان بود تا آنکه سرانجام به تصرف اسپانیا درآمد ولی در سال ۱۷۱۳ م. انگلستان توانست آن را تصاحب کند و نام مستعمره فرمانگزار جبل الطارق را بر آن اطلاق نماید. جبل الطارق از جمله دومینیون‌های بریتانیا محسوب می‌شود. در عرف بین‌المللی بدان جیبرالتر (*Gibraltar*) گویند.

پرچم: پرچم رسمی جبل الطارق همان پرچم انگلستان (Union flag) است ولی پرچم شهر جبل الطارق دارای نقش ویژه‌ای است که در زمینه‌ای سفید که نوار قرمزی پائین آن قرار گرفته نقش می‌گردد این علامت شامل دروازه و استحکاماتی (سه قلعه) است که نشانه دروازه ورود به مدیترانه می‌باشد. از قلعه میانی کلیدی به رنگ طلایی وارد نوار قرمز شده است که نشانه کلید ورود به دریای مدیترانه می‌باشد. در علامت رسمی جبل الطارق شعار لاتینی *Montis Insicnia Calpe* دیدم می‌شود که به معنای «سمبل کوه کالپ» می‌باشد، کالپ نام قدیمی کوه جبل الطارق است.

جیبوتی (FS)

کشور کنونی جیبوتی در اصل عفار و عیسی نام داشته که مأخوذ از نام دو قبیله عفار و عیسی می‌باشد. با تسلط فرانسه بر این سرزمین بدان نام ساحل فرانسوی سومالی داده شد و سرانجام در سال ۱۹۶۷ م. سرزمین فرانسوی عفار و ایساس (*Afars and Issas*) نام گرفت.

با کسب استقلال در سال ۱۹۷۷ م. نام جیبوتی بدان داده شد. نام رسمی این کشور جمهوری جیبوتی (*Djibouti Republic*) و نام بین‌المللی آن جیبوتی است. نام این کشور را با دو املا *Jibuti* و *Djibouti* می‌نویسند.

پرچم: پرچم کشور جیبوتی در سال ۱۹۷۲ م. یعنی زمانی که در آرزوی استقلال بود ابداع گشت ولی در سال ۱۹۷۷ با کسب استقلال از فرانسه پرچم رسمی کشور گردید. پرچم جیبوتی مرکب از سه رنگ آبی، سبز و سفید است. که رنگ‌های آبی و سبز بصورت دو نوار در کنار یکدیگر قرار دارند و رنگ سفید به صورت مثلثی آنها را قطع می‌کند. در وسط مثلث سفید، ستاره قرمزی نقش بسته است.

چاد

چاد کشوری است در منطقه صحرای بزرگ شمال افریقا. در این کشور دریاچه بزرگی وجود دارد در زبان محلی این کشور، چاد به معنای دریاچه است بنابراین چاد یعنی دریاچه.

چاد مدتها تحت سلطه استعمارگران فرانسوی بود و جزئی از افریقای استوایی فرانسه به‌شمار می‌آمد و از سال ۱۸۹۱ م. تا ۱۹۱۰ م. چاد با چند کشور دیگر مستعمره فرانسه (گابون، کنگو، افریقای مرکزی)، کنگوی فرانسه را تشکیل می‌داد.

چاد بخاطر قرار گرفتن دریاچه معروف آن به کشور دریاچه نیز معروف است. پس از کسب استقلال در سال ۱۹۶۰ م. به جمهوری چاد معروف شد که نام رسمی آن نیز می‌باشد. نام بین‌المللی این کشور چد (چاد) (*Chad*) و نام محلی آن چاد (*Tchad*) می‌باشد.

پرچم: پرچم چاد از سه نوار عمودی آبی، طلایی (زرد) و قرمز تشکیل شده است. رنگ آبی نشانه رنگ آبی آسمان، جویبارها و امید است و رنگ زرد به نشانه خورشید و بیابان (صحرا) می‌باشد. رنگ قرمز نیز نشانه فداکاری مردم چاد شمرده شده است. مجلس نمایندگان چاد از بین پرچمهایی که قبلاً در این کشور مورد استفاده قرار می‌گرفت، سه رنگ ویژه کشورهای افریقایی یعنی قرمز، زرد و سبز را برگزید ولی با واکنش‌هایی مواجه شد زیرا رنگ سبز خاص کشورهای اسلامی می‌باشد بنابراین مجلس نمایندگان بجای سبز رنگ آبی را برگزید و پرچم امروزی چاد به وجود آمد.

چکسلواکی (ČS)

سرزمین کنونی چکسلواکی در شرق اروپا واقع است این امر باعث شده که در طول تاریخ محل عبور و اسکان اقوام بسیاری گردد. از جمله دسته‌هایی از اسلاوهای غربی در آن ساکن شدند که مهمترین آنها سلواک‌ها (Slovakian) و چک‌ها (Czech) بودند. سرزمین محل سکونت این دو قوم معمولاً بوهم یا بوهemia (Bohemia) و موراوی (Moravia) نامیده می‌شود. علیرغم استقلال طلبی چک‌ها و اسلاواک‌ها این منطقه مدت مدیدی زیر دست سلاطین همسایه بود. از جمله در دورهٔ امپراطوری مقدس روم، بوهم به پادشاهی بوم و موراوی به مرزبانی موراوی موسوم بودند.

سرانجام در سال ۱۹۱۸ این کشور از سلطهٔ امپراطوری اتریش-مجارستان رهایی یافت و به نام دو قوم چک و اسلاواک، چکسلواکی نام گرفت که به صورت فدراسیون و جمهوری اداره می‌شد. پس از جنگ دوم جهانی چکسلواکی جزء بلوک شرق گردید و نام جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی بر آن اطلاق شد. در پی تحولات اخیر در بلوک شرق در اوایل اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۹ پارلمان چکسلواکی نام رسمی این کشور را جمهوری فدراتیو چک و اسلاواک قرار داد. ظرف یک ماه این سومین نامی بود که به این کشور داده می‌شد، قبل از این نام رسمی چکسلواکی، جمهوری سوسیالیستی چکسلواکی بود. در عرف بین‌المللی بدان چکسلواکی می‌گویند.

پرچم: پرچم چکسلواکی از سه رنگ سفید و قرمز و آبی تشکیل شده که رنگ آبی در آن به شکل مثلثی در سمت چپ پرچم رنگهای سفید و قرمز را قطع می‌کند. رنگ سفید و قرمز نشانهٔ وحدت بوهم و موراوی است، این رنگ‌ها از قرن سیزدهم سمبل این دو ناحیه بوده‌اند. مثلث آبی رنگ در این پرچم نشانهٔ ناحیهٔ تپه مهوری اسلاواکی است.

چین | چین کمونیست (TJ) و چین ملی (RC) |

نام چین مأخوذ از نام سلسله‌ای بنام چه‌این (*Ch, In*) یا تسین (*TS, IN*) است. این سلسله در قرن سوم پیش از میلاد در چین به قدرت رسید و مؤسسين آن از قومی به همین نام بودند. با وجودیکه قبل از سلسله مذکور، سلسله‌های دیگری در چین حکومت می‌کردند، لیکن نام این سلسله بعدها بر سرزمین چین اطلاق گردید. چنانکه اعراب آن را به صورت صین، ایرانیان چین و اروپائیان چاینا (*China*) به کار بردند.

خاستگاه اولیه کشور چین نواحی شرقی کشور امروزی چین یعنی مصب رودهای هوانگهو (رود زرد) و یانگ‌تسه (رود آبی) بوده است. از آنجا که طی ادوار مختلف نواحی اطراف نیز به تصرف پادشاهان چین درآمد، سرزمین اصلی چین به چین خاص موسوم گردید و نامهای دیگر نواحی متصرفی به همان صورت نخستین خود باقی ماند مانند سین کیانگ (ترکستان چین — ترکسان شرقی)، منچوری و... بدلیل آنکه ایرانیان با مرزهای غربی قلمرو گسترش یافته چین در همسایگی و ارتباط بودند در بسیاری از موارد در منابع قدیمی فارسی چین به معنای صفحات شرقی آن کشور یعنی ترکستان شرقی به کار رفته و در چنین حالتی آن را با ماچین همراه کرده‌اند و به صورت چین و ماچین به کار برده‌اند. ماچین در اصل به صورت مهاچین بوده که لغتی از زبان سانسکریت است و به معنای چین بزرگ، چین نیز در اینجا همان چین خاص می‌باشد. گاهی لغت چینستان نیز در ادبیات فارسی به کار رفته که معادل با چین و ماچین مذکور در فوق است. در منابع قدیمی فارسی چین و ماچین را نام دو شخص افسانه‌ای نیز ذکر کرده‌اند.

از آنجا که نام چین در ادبیات فارسی در مواضع بسیار متنوع به کار گرفته شده

معمولاً از نظر تاریخی و جغرافیایی دارای دقت ویژه خویش نیست. چنانکه لغت ختا و ختن نیز گاهی با تساهل مترادف با چین منظور شده است.

خُتن در اصل نام شهری در ترکستان چین است و از نظر کاربرد لغت گاهی تمامی ترکستان چین نیز به این نام نامیده شده است. ختا صفحات شمالی چین بوده است که چون گروهی از ترکان در آنجا دولتی تشکیل دادند ولایتی از ترکان محسوب گردیده است. ختا را که در اصل بایستی چین شمالی نامید به صورت خطا و خطان نیز ضبط کرده‌اند. بخاطر تماس ایرانیان با ختا (چین شمالی) در روزگار دولت ختا آن را معادل با چین در منابع فارسی می‌یابیم. ختا را در زبان انگلیسی بصورت کاتای (Cathay) می‌نویسند که با ختای فارسی هردو از کلمه خیتان (Khitan) آمده است که نام قومی صحراگرد بوده است شاید خیونان (هون‌ها) در ادبیات فارسی همین قوم بوده باشد.

گروهی از مردم ختا بعدها در قسمتی از ترکستان دولتی تأسیس کردند دولتشان قراختای نامیده شد. در دوره تسلط مغول بر چین نامهای جورچن و چین منزی و تنکیاس نیز تا حدودی رواج یافته است. منظور از چین منزی شبه جزیره کره، جورچن شرق چین و تنکیاس جنوبی چین بوده است.

کشور چین علیرغم تغییرات سلسله‌ای بسیار و تحولات ارضی متعدد همواره به صورت چین یا گاهی امپراطوری چین نامیده شده است. در سال ۱۹۱۱ م. با پیروزی جمهوریخواهان به آن عنوان جمهوری چین اطلاق گردید.

در سال ۱۹۴۹ م. با پیروزی کمونیست‌ها در این کشور، کشور جمهوری خلق چین به وجود آمد، و در عوض نیروهای دولت مرکزی سابق به جزیره تایوان رفتند و در آنجا دولت و کشوری تأسیس کردند که به چین ملی موسوم گردید.

چین ملی به دو صورت تایوان و فرمز معروف گردیده است. فرمز به معنای زیبا می‌باشد و نامی است که استعمارگران پرتغالی پس از تصرف آنجا از سال ۱۵۹۰ بدان داده‌اند. تایوان ممکن است مأخوذ از نام قوم تایی باشد که در جنوب شرقی آسیا پراکنده هستند (— تایلند). ضبط نام این کشور در دو زبان فرانسه و انگلیسی بدین صورت است: فرانسه *Taiwan/Formoze* و انگلیسی *Taiwan/Formosa*. تایوان به چین

زرد (در مقابل چین سرخ)، چین فرمز، چین تایوان، چین تایپه (بخاطر نام پایتخت آن تایپه)، چین کوچک (در مقابل چین بزرگ) و چین ملی (بخاطر حاکمیت حزب ناسیونالیست کثومین تانگ) مشهور می‌باشد. نام رسمی تایوان، جمهوری چین با علامت اختصاری (RC) می‌باشد و در عرف بین الملل بدان تایوان می‌گویند.

نام رسمی چین کمونیست، جمهوری خلق چین (Peopels Republic of China) با علامت اختصاری (TJ) است و در عرف بین الملل به آن چاینا (China) می‌گویند. مردم چین کشور خود را چونگ هوا (Chong Hua) می‌نامند و معمولاً بخاطر آنکه خاک اصلی چین را در اختیار دارد کلمه چین به تنهایی برای آن بکار می‌رود.

چین در طول تاریخ به کشور امپراطوری آسمانی (به دلیل ادعای داشتن نسب آسمانی توسط امپراطوران)، چین بزرگ (به دلیل تمایز آن از چین ملی)، چین سرخ یا چین کمونیست (به دلیل حاکمیت رژیم کمونیستی) و چین پکن (بخاطر پکن پایتخت آن) نیز معروف می‌باشد.

پرچم: الف: تایوان (فرمز)، احتمالاً چین نخستین کشوری بوده که از پرچم استفاده می‌کرده است پرچمهای اولیه چینی دارای نقش‌هایی از اژدها بود — اژدها موجودی هراس‌آور در اساطیر چینی نیست بلکه به عنوان مشاور و عاقل‌مند از آن نام برده شده است. هنگامی که در سال ۱۹۱۲ چین به جمهوری چین مبدل شد نقش اژدها از پرچم حذف شد و شامل ۵ نوار رنگی شد که رنگهای پرچم اولیه چین عبارت بودند از قرمز، زرد، آبی، سفید و سیاه که این رنگ نشانه چهار استان چین و مردم مسلمان ساکن چین بود. در سال ۱۹۲۸ م. حکومت ناسیونالیست روی کار آمد ولی نهایتاً به جزیره فرمز (تایوان) محدود گردید و پرچمی که انتخاب کرد پرچم امروزی تایوان است که در متنی سرخ رنگ و در گوشه سمت چپ بالا در زمینه‌ای آبی یک خورشید سفید با ۱۲ اشعه قرار دارد و نشان‌دهنده آرزوی چین ملی (تایوان) به گسترش این خورشید بر تمامی خاک چین است. این پرچم را سونیات سن بنیان‌گذار جمهوری چین ابداع کرد.

ب: چین کمونیست: رنگ قرمز، رنگ رایج در بین کشورهای کمونیست است و در سال ۱۹۴۹ پرچم امروزی چین کمونیست به وجود آمد، که در متنی سرخ، یک ستاره

بزرگ طلایی و چهار ستاره کوچکتر بچشم می‌خورد. ستاره بزرگ‌تر نشانه برنامه‌های حزب کمونیست است و ستاره‌های کوچک به نشانه کارگران، روستائیان، خرده‌بورژواها و سرمایه‌داران میهن‌پرست است که با حزب کمونیست چین ائتلاف کرده‌اند.

دانمارک (DK)

ژوتلند (*Jutland*) از قدیمی‌ترین اسامی دانمارک است. ژوتلند به معنای سرزمین ژوتها می‌باشد. ژوت‌ها یا جوت‌ها دسته‌ای از قبایل ژرمنی بوده‌اند که در قرن پنجم میلادی وارد دانمارک شدند، از آن پس سرزمین و کشور آنها ژوتلند نام گرفت. امروزه به شبه جزیره‌ای که دانمارک در آن واقع است ژوتلند می‌گویند.

در همان قرن پنجم میلادی قومی به نام «دان» در صفحات شمالی اروپا و بیشتر در نواحی جنوب سوئد امروزی ظاهر شدند. یک قرن بعد یعنی در قرن ششم میلادی دان‌ها بر شبه جزیره ژوتلند مسلط شد و از آن پس به نام آنان این سرزمین دانمارک نامیده شد. لازم به تذکر است که مارک (*Mark*) به معنای زمین و ملک می‌باشد ولی منظور از آن سرزمینی است که دارای موقعیت مرزی و دفاعی باشد که از نظر اقتصادی متکی به خود قلمداد شود. در اینجا می‌توان با اندکی تسامح آن را مشابه (*Land*) در اسامی انگلند، هلند و... دانست.

دان‌ها در دانمارک نظام پادشاهی به وجود آوردند و به همین جهت کشورشان پادشاهی دانمارک نام گرفت. پادشاهی دانمارک در قرن یازدهم میلادی وسعت فراوان یافت و قسمت اعظم اسکاندیناوی و بریتانیا را متصرف شد به همین سبب عنوان امپراطوری دانمارک یافت. با از دست رفتن متصرفات دانمارک بار دیگر این کشور به عنوان پادشاهی دانمارک معروف گردید.

از آنجا که دانمارک در مدخل دریای بالتیک واقع شده است بدان لقب کلید دریای بالتیک داده‌اند. نام رسمی این کشور پادشاهی دانمارک است و در عرف بین‌الملل به صورت دنمارک (*Denmark*) رایج می‌باشد.

پرچم: پرچم دانمارک «دانبروگ» یا «قدرت دانمارک» نامیده می‌شود. دانبروگ یک آئین شوالیه‌گری دانمارکی است که ملهم شجاعت و قهرمانی است. گمان می‌رود که پرچم دانمارک یکی از قدیمی‌ترین پرچم‌هایی است که مداوماً مورد استفاده قرار گرفته است. در مورد پرچم دانمارک گفته‌اند که چون در سال ۱۲۱۹ ولادیمیر دوم (Waldemar II) از استونی‌ها شکست خورد دانبروگ یا پرچم کنونی دانمارک از آسمان به زمین آمد. همچنین گفته‌اند که ولادیمیر دوم در میدان جنگ صلیب سفیدی را بر زمینه سرخ در آسمان دید و همین امر الهام‌بخش پرچم دانمارک شد. لازم به تذکر است که ولادیمیر دوم ملقب به فاتح از پادشاهان معروف دانمارک است که در سواحل دریای بالتیک از جمله در استونی فتوحاتی داشته است. این پرچم همانند پرچم انگلستان است ولی رنگ‌های آن وارونه‌اند یعنی صلیب سفیدی بر روی یک زمینه قرمز است.

گرینلند

گرینلند نام جزیره بزرگی در شمال اقیانوس اطلس است، این جزیره بزرگ متعلق به کشور دانمارک می‌باشد. نام آن از دو کلمه گرین (سبز) و لند (سرزمین) ساخته شده و رویهمرفته به معنای سرزمین سبز است. در زبان محلی بدان کالاتد لیت نونات (*Kalatd Lit Nondt*) و در زبان دانمارکی به آن گرون لان (*Gron Land*) گفته می‌شود.

پرچم: اهالی گرینلند بخاطر آنکه این جزیره جزئی از کشور دانمارک محسوب می‌شود از پرچم آن کشور استفاده می‌کنند. ر. ک. (— پرچم دانمارک).

دومینیکن (DOM)

دریانوردان اسپانیایی در اوایل عصر اکتشافات جغرافیایی (اواخر قرن پانزدهم میلادی)، دومینیکن را کشف کردند و آن را به احترام و یادبود یکی از بزرگان مسیحیت سن دومینیک (*Saint Dominic*)، دومینیکن نامگذاری نمودند. سن دومینیکن صورت فرانسوی این نام است و صورت اسپانیولی آن سانتودومینگو می‌باشد.

سن دومینیک (دومینیک مقدس) در قرن ۱۳ میلادی می‌زیست و برای گسترش مسیحیت تلاش بسیاری به عمل آورد. بعدها پیروان او فرقه تبلیغی مهمی بنام دومینیکن به وجود آوردند. اسپانیایی‌ها که در اوایل گسترش استعمار خویش در عصر اکتشافات به سرزمینهای ناشناخته وارد می‌شدند ادعای گسترش مسیحیت داشتند، بهمین لحاظ از نام سن دومینیک برای نامگذاری این جزیره استفاده کردند.

نام رسمی دومینیکن، جمهوری دومینیکن (*Dominican Republic*) و نام بین‌المللی آن دومینیکن (*Dominican*) و نام محلی آن دومینیکانا (*Dominicana*) می‌باشد.

پرچم: پرچم کشور دومینیکن از سه رنگ آبی، قرمز و سفید تشکیل شده است. رنگ سفید به صورت صلیبی در این پرچم قرار گرفته و چهار گوشه‌ای که ایجاد شده به وسیله رنگهای آبی و قرمز پر شده است. رنگ سفید نشانه نجات و رستگاری، رنگ قرمز نشانه خون قهرمانان و آبی علامت آزادی می‌باشد. پرچم این کشور از پرچم کشور هائیتی (*Haiti*) مشتق شده زیر زمانی جزیری از قلمرو هائیتی بود (از ۱۸۲۲ تا ۱۸۴۴م). هائیتی از رنگهای پرچم فرانسه در پرچم خود استفاده می‌کرد و بنابراین پرچم دومینیکن نیز در اصل حاوی رنگهای پرچم فرانسه می‌باشد.

رومانی (R)

رومانی کنونی در روزگار باستان تقریباً منطبق با داکیا/داسیا (*Dacia*) و نواحی اطراف آن بوده است. داسیا و نواحی اطراف آن از ایالات امپراطوری روم بوده و برخلاف دیگر قسمت‌های امپراطوری روم باستان که به تدریج در پرتو تسلط اقوام و ملتهای ادوار بعدی تغییر زبان داده‌اند، این سرزمین زبان اصلی خود را که زبان رومی است حفظ کرده و مردم آن نیز خود را از نسل رومیان می‌دانند. به همین جهت در سال ۱۸۸۱ م. پس از آنکه استقلال طلبان داسیا، ملداوی، ماوالاشی و... توانستند استقلال خود را از دولت عثمانی کسب کرده و به سلطه چند قرنه این امپراطوری خاتمه دهند برای کشور خویش نام رومانی را انتخاب کردند و علت این امر انتساب زبانی و نژادی به روم ذکر شده است.

نام رسمی رومانی تا سال ۱۹۸۹ م. جمهوری سوسیالیستی خلق رومانی بود ولی با پایان حکومت چائوشسکو در این سال نام کشور به جمهوری رومانی تغییر یافت. نام این کشور در عرف بین‌المللی رمانیا است که به دو صورت (*Romania*) و یا (*Rumania*) نوشته می‌شود.

پرچم: پرچم رومانی شامل ۳ نوار رنگی عمودی است که از رنگهای آبی، طلایی و قرمز تشکیل شده است رنگ آبی نشانه آسمان، رنگ زرد نشانه ثروت و غنای خاک کشور رومانی و رنگ قرمز نشانه شجاعت و دلاوری مردم رومانی است.

تا قبل از سال ۱۹۹۰ م. در زمینه رنگ طلایی این پرچم آرم کشور رومانی نیز نقش می‌گردید. این آرم شامل یک پرچم کوچک رومانی، جنگلها، کوهها و خورشیدی در حال

طلوع بود که دو شاخه گندم از کناره‌ها آن جنگلها و کوهها و خورشید را در بر می‌گرفت. در بالای این آرم ستاره سرخ یا نشانه کمونیست بودن کشور دیده می‌شد ولی در سال مذکور آرم رسمی کشور از روی پرچم حذف شد و اکنون فقط سه نوار آبی، طلایی و قرمز پرچم رسمی کشور را نشان می‌دهند.

زامبیا (Z)

نام زامبیا مأخوذ از رود زامبی می‌باشد. این رود در جنوب کشور زامبیا جریان دارد. در گذشته به این کشور رودزیای شمالی می‌گفتند. این نام در مقابل رودزیای جنوبی وضع شده بود که هردو از نام سیسیل رودس، از سران استعمار انگلیس در افریقا گرفته شده است.

زامبیا در سال ۱۹۶۴ مستقل شد که نام رسمی آن جمهوری زامبیا می‌باشد. نام بین‌المللی این کشور زامبیا (*Zambia*) است. زامبیا به نام سرزمین زامبز نیز مشهور می‌باشد.

پرچم: پرچم زامبیا در سال ۱۹۶۴ بعد از استقلال آن مورد استفاده قرار گرفت و نقش عقاب در حال پرواز در آن، نشانه آزادی است. رنگ‌های این پرچم مربوط به حزبی است که در این کشور نبرد استقلال طلبانه را برعهده داشت. رنگ سبز در زمینه پرچم نشانه ثروت طبیعی کشور است و قرمز و سیاه و نارنجی به ترتیب نشانه نبرد برای استقلال، مردم سیاه‌پوست زامبیا و محصول عمده معدنی این کشور (مس) می‌باشد.

زلاندنو (NZ)

کشور امروزی زلاندنو یا نیوزیلند در سال ۱۶۴۲ م. به وسیله آبل تاسمان (Abel Tasman) کاشف و دریانورد هلندی کشف و بخاطر شباهتی که میان این سرزمین و زیلند (Zeeland) در قسمتی از هلند وجود داشت آن را نیوزیلند یا زلاندنو نامیدند که امروزه آن را با املاهای متفاوتی چون نیوزیلند، زیلند جدید، زلاند جدید، زلاندنو، نیوزلاند، و زیلندنو در فارسی می‌نویسند. در گذشته آن را در منابع فارسی بصورت نوول زلاند می‌نوشته‌اند. صورت تحریری آن در زبان هلندی Neiuwzealand است. قبل از آنکه هلندیها در قرن هفدهم به این سرزمین برسند در قرن چهاردهم میلادی بومیانی از جزایر اطراف به آنجا مهاجرت کرده بودند. آنان این سرزمین را ابر سفید دراز نامگذاری کرده بودند. این نامگذاری بخاطر ابرهای عجیب‌الشکلی است که آسمان زلاندنو را می‌پوشاند.

زیمبابوه (RSR)

کشور زیمبابوه امروزی تا سال ۱۹۸۰ م. رودزیا خوانده می‌شد و این نام از سال ۱۸۹۴ م. به این کشور داده شده بود. رودزیا مأخوذ از نام یکی از استعمارگران اروپایی به نام سیسیل رودس بود که اولین بار این سرزمین را برای انگلستان تصرف کرد. از سال ۱۹۲۳ م. رودزیا در امتداد رود زامبزی به دو قسمت تقسیم شد. شمال آن را رودزیای شمالی (زامبی امروز) و جنوب آن را رودزیای جنوبی (زیمبابوه کنونی) می‌نامیدند که بیشتر به رودزیا معروف بود. در سال ۱۹۵۳ م. با پیوستن نیاسالند (مالاوی کنونی) به رودزیا، اتحادیه رودزیا و نیاسالند تشکیل شد و از سال ۱۹۶۲ م. این کشور به دومیتون رودزیای جنوبی موسوم شد و سپس با کسب استقلال در سال ۱۹۸۰ م. نام رودزیا کنار گذاشته شد و نام باستانی زیمبابوه که در قدیم به این سرزمین اطلاق می‌شد احیاء گردید. زیمبابوه در قدیم کشوری وسیع بود که شامل زیمبابوه صغیر و زیمبابوه کبیر بوده است. نام رسمی زیمبابوه، جمهوری زیمبابوه *Republic of Zimbabwe* است و در روابط بین‌المللی بدان زیمبابوه (*Zimbabwe*) گویند.

پرچم: پرچم قدیمی زیمبابوه (هنگامی که رودزیا خوانده می‌شد) شامل نوارهای سبز و سفید بود که در زمینه سفید علامت رسمی کشور نقش شده بود. با استقلال زیمبابوه در سال ۱۹۸۰ م. پرچم جدیدی برای این کشور طراحی شد که اغلب رنگهای موجود در پرچم کشورهای آفریقایی در آن بکار رفته است. پرچم کنونی زیمبابوه از پرچم جنبش‌های استقلال‌طلبانه این کشور گرفته شده است و دارای رنگهای سبز، زرد و قرمز است این رنگها به طور معکوس یکبار دیگر از پائین به بالا در پرچم زیمبابوه تکرار شده و

خط سیاهی که نشانه مردم سیاه‌پوست این کشور است دو رنگ قرمز را در وسط از هم جدا کرده است.

مثلث سفید در پرچم زیمبابوه نشانهٔ اقلیت سفیدپوست ساکن در کشور است که از نسل مهاجران اروپایی می‌باشند و در وسط مثلث سفید پرنده‌ای زردرنگ بر روی سطلی از صابون نشسته است! در همین مثلث سفید، پرندهٔ زرد در زمینهٔ یک ستاره سرخ که نشانه حرکت آزادیخواهانه و استقلال‌طلبانهٔ مردم زیمبابوه است نقش شده است.

زئیر (CGO)

در قرن پانزدهم (اوایل دوران گسترش استعمارگری پرتغالی‌ها) رود کنگو زئیر (Zaire) / زئیرز نامیده می‌شد. به همین جهت با وجود آنکه سالها بدان کنگو اطلاق می‌گشت از سال ۱۹۷۱ م. نام «زئیر» دوباره احیا شد (← کنگو).

با تصرف کشور کنونی زئیر به وسیله کاشفان اروپائی برای لئوپولد پادشاه بلژیک (قرن نوزدهم) این سرزمین به صورت ملک خصوصی وی درآمد و به همین جهت بدان کنگوی آزاد می‌گفتند. اما چون اداره آن منتهی به رسوایی‌های بزرگ شد، دولت بلژیک اداره آن را برعهده گرفت و در نتیجه به کنگوی بلژیک موسوم شد. کنگوی بلژیک شامل رواندا و اروندی نیز بود و در همان حال بخاطر پایتخت قرار دادن لئوپولدویل به کنگوی لئوپولدویل نیز معروف شد. (نام لئوپولدویل نیز از نام لئوپولد پادشاه بلژیک اخذ شده بود).

کنگوی لئوپولدویل در سال ۱۹۶۰ م. مستقل شد و لئوپولدویل به کینشازا تغییر نام داد در نتیجه نام کنگوی کینشازا اشتهار یافت و نام رسمی آن کشور جمهوری دموکراتیک کنگو قرار داده شد.

در سال ۱۹۷۱ م. بار دیگر نام کشور عوض شد و عنوان جمهوری دموکراتیک زئیر رایج گشت. هم‌اکنون نام رسمی زئیر، جمهوری زئیر (Zair Republic) است و در عرف بین‌الملل بدان زئیر می‌گویند. این کشور به جمهوری کینشازا نیز معروف می‌باشد.

پرچم: پرچمی که در حال حاضر در زئیر پرچم رسمی شمرده می‌شود از سال ۱۹۷۱ م. مورد استفاده قرار گرفته و قبل از آن پرچم دیگری رایج بود که منسوخ گردید. رنگهای رایج در پرچم کشورهای آفریقایی (سبز، زرد و قرمز) در این پرچم وجود دارد.

ولی طرز قرار گرفتن آنها به صورت نوارهای افقی نمی‌باشد. پرچم زئیر از رنگ سبز روشن تشکیل شده که نشانه وحدت شمرده شده است. در وسط این پرچم دایره زردی دیده می‌شود که در آن دستی یک مشعل فروزان را نگهداشته است و رنگ شعله‌های مشعل قرمز است. این آرم، قبلاً در جنبش عمومی (Popular Movement) مردم زئیر برای استقلال مورد استفاده قرار می‌گرفت و بعدها در پرچم آن کشور به عنوان علام رسمی پذیرفته شد. مشعل فروزان با شعله‌های قرمز در درون یک دایره زرد رنگ سمبل روح انقلاب و یادآور شهدای انقلاب و استقلال شمرده شده است و دستی که مشعل را نگهداشته نشانه انقلاب در حال پیشرفت می‌باشد.

ژاپن (J)

از آنجا که مردم ژاپن خود و خاندان امپراتور را از نسل نیهون شوکی (*Nihon-Shoki*) نوۀ الهه آفتاب آماتراسو اومیکامی (*Amaterasu omikami*) می‌دانند، کشور خود را نیهون (*Nihon*) یا نیپون (*Nipon*) به معنای سرزمین آفتاب تابان یا سرچشمه آفتاب می‌نامند. در بعضی از منابع این نام را سرزمین آفتاب طالع نیز ترجمه کرده‌اند.

نام نیپون را یکی از امپراتوران ژاپن به نام کوتوکو (*Kotoko*) برگزیده است. ژاپنی‌ها کشور خود را دای نیپون به معنای نیپون بزرگ یا ژاپن بزرگ نیز می‌نامند.

ژاپن را یاماتو (*Yamato*) نیز نام داده‌اند که برای آن دو منشأ ذکر شده است: اول آنکه یاماتو نام گروه نژادی ژاپنی‌های باستان بوده است، توضیح این مطلب آنست که قدیمی‌ترین مردمان ساکن ژاپن آینو (*Ainu*) نام دارند و پس از آن ژاپنی‌های کنونی که نژاد مغولی دارند وارد این کشور شده‌اند و یاماتو نام همین گروه بوده است. دوم آنکه یاماتو نام قسمتی از جزیره هنشو (یکی از چهار جزیره بزرگ ژاپن) بوده که اولین حکمرانان ژاپن از آن برخاسته‌اند. این نام بعدها به سراسر کشور ژاپن اطلاق شده است.

در مورد اینکه کدامیک از اسامی یا موتو یا نیهون قدیمی‌تر هستند منابع اتفاق نظر ندارند. با توجه به آنچه ذکر شد، نیهون بلحاظ اساطیر قومی منشأ قدیمی‌تری بایستی داشته باشد اما نقل هم شده است که یکی از امپراتوران چین طی نامه‌ای، پادشاهی ژاپن را امپراتورتای، نیه، پونگ، کوک نامید که به معنای امپراتور سرزمین بزرگ خورشید طالع است. پس از آن ژاپنی‌ها کشور خود را نیهون که صورت ژاپنی همان کلمات است، نامیده‌اند. با این وجود نامی که امپراتور چین برای ژاپن در نظر گرفت بعدها در خارج ژاپن اشتهار بیشتری یافت زیرا چند قرن بعد مارکوپولو سیاح معروف اروپایی کلمه

نیه-پونگ-کوک را به صورت چی پان گویا ژی پان گویا زی پان گویا سپانکو ضبط کرد و دو بخش اول همین کلمه اخیر (چی پان) بعدها در زبانهای اروپایی به شکل ژاپن (*Japan*) درآمد و در سراسر جهان رایج گردید. بنابراین نام کنونی ژاپن، مرهون مارکوپولوست. لازم به تذکر است که کلمه ژی پانگو را بصورت سپانکو نیز در منابع آورده‌اند.

نام رسمی ژاپن، نیهون (*Nihon*) است و در عرف بین‌الملل بدان ژاپن یا جپن (*Japan*) گویند. نام محلی ژاپن، نیپون (*Nippon*) می‌باشد. در زبان فارسی آن را به دو صورت ژاپن و ژاپون می‌نویسند. املاي ژاپون سابقاً رایج بوده لیکن اکنون منزوی شده است.

پرچم: پرچم امروزی ژاپن اگرچه در سال ۱۸۷۰ به عنوان پرچم رسمی کشور برگزیده شد ولی مدتها قبل از آن مورد استفاده امپراتوران ژاپن بوده است*. از آنجایی که خاندان امپراتور ژاپن از نسل نوئه الهه آفتاب شمرده می‌شود، خورشید طالع همیشه الهام‌بخش ژاپنی‌ها بوده و در پرچم این کشور نیز جای گرفته است. سال ۱۸۷۰ میلادی نشان‌دهنده عصر جدیدی در تاریخ ژاپن است و از این لحاظ در همین سال نیز پرچم امپراتوران قدیمی ژاپن به عنوان پرچم رسمی کشور برگزیده شده است. لازم به تذکر است که گاهی در طول تاریخ این کشور پرچم ژاپن به صورت دایره قرمزی به نشانه خورشید بوده است که شانزده شعاع قرمز رنگ از این خورشید بر زمینه سفید پرچم نقش می‌شد ولی امپراطوری ژاپن در قرن شانزدهم میلادی اشعه‌های خورشید را حذف کردند و سپس دایره‌ای قرمز در مشی سفید پرچم ژاپن را تشکیل داد که امروزه نیز از این پرچم استفاده می‌گردد، اما در مواردی بندرت همان پرچم قدیمی نیز بکار رفته است.

۵. در سال ۱۸۶۷ ژاپن طی مجموعه تحولاتی که به انقلاب میجی (*Meiji*) معروف شده است بسوی صنعتی شدن گام برداشت. سال ۱۸۷۰ نیز در دنباله همین تحولات که جریان اساسی آن پذیرش تمدن غرب همراه با اصلاحات داخلی بود دوره قابل ملاحظه‌ای در تاریخ ژاپن بشمار می‌آید. اصلاحات داخلی ژاپن در جهت افزایش قدرت امپراتور و حذف قدرتهای محلی بوده است و الهام‌بخش ژاپنی‌ها در این مورد منشاء افسانه‌ای امپراتوران قدیم ژاپن بوده است.

ساحل عاج (CI)

ساحل عاج (Ivory Coast) قسمتی از ساحل گینه (— گینه) است که اروپائیان در عصر استعمار بر آن استیلا یافتند. احتمالاً بخاطر وجود فیل‌های فراوان که عاج فراوانی از آنها نصیب اروپائیان می‌شد این کشور به ساحل عاج معروف شد. اشتهار این سرزمین به ساحل عاج از سال ۱۸۴۰ با تهاجم فرانسه آغاز گشت.

ساحل عاج در سال ۱۸۸۶ م. به تصرف کامل فرانسه درآمد و تحت الحمايه آن قرار گرفت و در سال ۱۸۹۳ م. به مستعمره ساحل عاج موسوم گردید و در همان حال جزیری از افریقای غربی فرانسه شد. این کشور در سال ۱۹۶۰ م. مستقل شد و نام رسمی جمهوری ساحل عاج را برگزید. نام بین‌المللی آن آیوری کوست است و در زبان محلی آن را کوت دیوآر می‌نامند که صورت فرانسوی ساحل عاج است.

ساحل عاج را بخاطر فیل‌های فراوان، کشور فیل‌ها نیز می‌گویند.

پرچم: همانند سایر کشورهایی که قبلاً در افریقا مستعمره فرانسه بوده‌اند (مثل گینه، سنگال، مالی و کامرون) ساحل عاج نیز پس از کسب استقلال خویش پرچم فرانسه را الگو قرار داده و رنگ‌ها در آن به صورت نوارهای عمودی درآمدند. در پرچم ساحل عاج رنگ‌های نارنجی، سفید و سبز مشاهده می‌شود. رنگ نارنجی نشانه ساوانهای^۱ شمال ساحل عاج است و رنگ سبز علامت جنگل‌های جنوبی این کشور می‌باشد رنگ سفید نیز علامت وحدت بین آنها به‌شمار می‌رود علاوه بر این رنگ‌های فوق نشانه پیشرفت، امید و خلوص مردم ساحل عاج نیز شمرده شده‌اند. این پرچم در سال ۱۹۵۹ م. ابداع شده است.

۱. نوعی پوشش گیاهی به صورت درختچه‌های تُک و با فاصله از یکدیگر که در فاصله درختان بوته‌هایی می‌رویند.

ساموآ

جزایر ساموآ در اقیانوس آرام و در طول جغرافیایی ۱۷۳ درجه غربی در نیمکره جنوبی قرار گرفته‌اند. نام این جزیره از قوم ساموآ (*Samoa*) گرفته شده که در آن ساکنند. مدت‌ها در جزیره ساموآ یک حکومت سلطنتی برقرار بود. تا اینکه در سال ۱۷۲۲ م. بوسیله یک هلندی بنام ژاکوب روگوین (*Jacob Roggeveen*) کشف گردید. در سال ۱۷۶۸ م. لویی بوگنویل (*Louis de Bougainville*) به آن وارد شد و آن را جزایر دریانوردان (*Navigators Islands*) نامید. در اواخر قرن نوزدهم میلادی آمریکا در آنجا پایگاه‌های دریایی مستقر کرد و قوای انگلیس و آلمان نیز بعدها پایگاه‌های دریایی نظامی در آنجا دایر کردند که این امر موجب بروز برخوردهایی بین نظامیان سه کشور مذکور گردید. بالاخره در سال ۱۹۸۹ م. طبق توافقی که بین انگلیس و آلمان به وجود آمد انگلیس از آنجا بیرون رفت و جزیره به دو قسمت تقسیم گردید که یک قسمت تحت نفوذ آمریکا و قسمت دیگر تحت سلطه آلمان قرار گرفت. قسمت آمریکایی ساموآ به نام ساموآی آمریکا موسوم گردید و قسمت تحت نفوذ آلمان، به نام ساموآی آلمان نامگذاری شد. در سال ۱۹۱۹ م. ساموآی آلمان تحت سیطره نیوزیلند قرار گرفت و سپس در سال ۱۹۴۶ تحت قیمومت سازمان ملل قرار گرفت و بالاخره در سال ۱۹۶۲ به صورت کشوری مستقل درآمد و بنام ساموآی غربی معروف گردید. ساموآی آمریکا همچنان تحت سیطره آمریکاست ولی در امور داخلی استقلال نسبی یافته است (۱۹۶۰) و در حال حاضر دو ساموآ موجودیت دارند، ساموآی غربی (*Western Samoa*) و ساموآی آمریکا (*American Samoa*). در زبان محلی به ساموآ (*Samia o sisifo*) گفته می‌شود.

پرچم: الف ساموآی غربی:

پرچم ساموآی غربی قرمز رنگ است و در گوشه سمت چپ بالای آن در یک کادر آبی تیره پنج ستاره که نشانه صورت فلکی صلیب جنوبی است مشاهده می شود. صورت فلکی مذکور در اغلب پرچم های کشورهای اقیانوسیه دیده می شود و این نقش از زمان تسلط زلاندنو بر کشور ساموآی غربی بر جای مانده است.

ب: ساموآی آمریکا:

پرچم ساموآی آمریکا از سال ۱۹۶۰ که استقلال نسبی یافت مورد استفاده قرار گرفته و شامل سه مثلث است که یکی از آنها سفید و دو مثلث دیگر آبی هستند مثلث سفید به وسیله نواری قرمز رنگ از مثلث های آبی جدا شده اند. در زمینه مثلث سفید علامتی دیده می شود که مربوط به رؤسای قبایل ساموآیی بوده است و عقابی را نشان می دهد که یک کارد را در چنگال خود گرفته است.

سان مارینو

سان مارینو (San Marino) شهر و کشوری کوچک به مساحت ۶۱ کیلومتر مربع در داخل کشور ایتالیا است. این کشور در داخل کوه‌های پناین (Penin) در مشرق ایتالیا و در نزدیکی دریای آدریاتیک قرار گرفته و به علت کم وسعت بودن آن، آنرا کوچکترین جمهوری جهان نامیده‌اند.

در سال ۳۰۱ میلادی (قرن چهارم) شخصی بنام سان مارینو (مارینوس مقدس) که از بزرگان دین عیسوی است به همراهی پیروان خویش به این محل که مونت تیتانو (Mount Titano) نامیده می‌شد مهاجرت کرد و در آنجا اساس قدیمی‌ترین جمهوری دنیای امروز را نهاد، از آن پس این شهر که به مثابه دولت کوچکی بود به نام او سان مارینو خوانده شد.

نام رسمی این کشور جمهوری سان مارینو است و در عرف بین‌المللی بدان سان مارینومی‌گویند.

پرچم: پرچم کشور سان مارینو مرکب از دو نوار سفید و آبی است که هردو از طبیعت این کشور الهام گرفته‌اند. رنگ سفید نشانه کوه‌های پربرف سان مارینو (کوه‌های پناین) و رنگ آبی نشانه آسمان می‌باشد.

سری لانکا (CL)

نام سری لانکا یا سیلان مأخوذ از نام قوم ساکن در آن کشور به نام سینهالی‌ها یا سیلانی‌ها می‌باشد. سیلان را به دو صورت Seylan و ceylon نوشته‌اند. در زبان سانسکریت (زبان هند باستان) آن را بصورت سینهاله (*Sinhala*) نقل کرده‌اند. در عین حال در همان زبان سانسکریت آن را به صورت لنکه یا لنکا (*Lanka*) نیز آورده‌اند.

یونانیان باستان سیلان را تاپروبانه (*Taprobane*) می‌خواندند اما مسلمین بدان سراندیب (*Sarandib*) می‌گفتند. از آنجا که بعضی را عقیده بر این بوده است که سراندیب محل هبوط آدم (ع) می‌باشد، در ادبیات اسلامی این معنی اهمیت بسیاری داشته است. سیلان به گوشواره هندوستان معروف است زیرا جزیره سیلان در کناره هندوستان و در اقیانوس هند به مانند گوشواره‌ای در گوش است.

سیلان در سال ۱۹۴۸ م. از استعمار انگلیس رهایی یافت و مستقل شد. نام رسمی آن جمهوری دمکراتیک سوسیالیستی سری لانکا است و در عرف بین‌المللی بدان سری لانکا (*SRI LANKA*) می‌گویند.

پرچم: پرچم سری لانکا مأخوذ از پرچم پادشاهان باستانی این کشور «کاندی» (*Candy*) است که یک شیر به رنگ زرد در درون یک مربع زعفرانی رنگ می‌باشد.

در چهار گوشه پرچم سری لانکا چهار نوک تیزپیکان سینهالی وجود دارد. در سال ۱۹۵۰ دو نوار سبز و زرد به نشانه دو گروه دینی ساکن در این کشور یعنی مسلمانان و هندوها به پرچم سری لانکا افزوده شد. لازم به یادآوری است که قبل از استقلال سیلان در سال ۱۹۴۸، پرچم این کشور، پرچم آبی رنگ انگلیس بود که در آن یک فیل در مقابل یک معبد بودایی نقش شده بود.

سنگاپور (SGP)

سنگاپور کشور شهر کوچکی است که در منتهی‌الیه جنوبی شبه‌جزیره مالایا در جنوب شرقی آسیا قرار گرفته است. سنگاپور (*Singapura*) کلمه‌ای مالایایی به معنای شهر شیر می‌باشد. این کشور در دوره استعمارگری بریتانیا جزئی از قلمرو آن دولت بشمار می‌آمد و مستعمره سلطنتی بریتانیا (*British Crown Colony*) نامیده می‌شد^۱. در همان حال چون این کشور در محل تنگه مالاکا قرار دارد که اقیانوس‌های هند و آرام را به یکدیگر متصل می‌کند و موقعیتی استراتژیکی دارد بدان تقاطع شرق دور نیز گفته‌اند.

از سال ۱۹۳۶ م. تا ۱۹۶۵ م. سنگاپور جزئی از فدراسیون مالایا بود و سپس در سال ۱۹۶۵ م. استقلال یافت و عنوان رسمی جمهوری سنگاپور به خود گرفت. نام بین‌المللی این کشور سنگاپور (*Singapore*) است.

پرچم: پرچم سنگاپور از سال ۱۹۵۹ م. که این کشور دارای حکومت خودگردان شد رواج یافت. هلال ماه در پرچم کشور سنگاپور نشانه جوانی کشور است و ستاره‌ها نشانه وجود دموکراسی، صلح، پیشرفت، عدالت و برابری می‌باشند. هلال ماه و ستاره‌ها در زمینه قرمز پرچم کشور سنگاپور نقش شده‌اند و نیمه دیگر پرچم این کشور سفید است. رنگ قرمز زمینه پرچم نشانه برادری و برابری و رنگ سفید نشانه خلوص و فضیلت شمرده شده‌اند.

۱. آن دسته از مستعمرات انگلستان که مستقیماً زیر نظر مقام سلطنت اداره می‌شدند به *Crown colony* نامیده می‌شدند.

سنگال (SN)

نام سنگال از نام قبیله‌ای موسوم به نکا یا سسنگا گرفته شده است. این قبیله از موریتانی به این کشور مهاجرت کرده‌اند و سنگال از تغییر نام آن به وجود آمده است. در دوره حاکمیت استعمار، سنگال جزئی از افریقای غربی فرانسه بود. این کشور در سال ۱۹۶۰ م. تحت عنوان جمهوری سنگال (*Republic of Senegal*) که نام رسمی آن است استقلال خویش را بدست آورد.

در عرف بین‌المللی به این کشور سنگال (*Senegal*) می‌گویند. بخاطر پیوستگی تاریخی و طبیعی کشور سنگال با کشور گامبیا آنها را رویهم سنگامبیا نیز گفته‌اند (گامبیا).

پرچم: پرچم کشور سنگال مرکب از رنگهای سبز، زرد و قرمز است که این رنگها در پرچم کشورهای افریقای غربی رایج است. پرچم سنگال با پرچم مالی از لحاظ رنگ‌ها و ترتیب قرار گرفتن آنها تفاوتی ندارد و فقط یک ستاره پنج پر سبز رنگ در زمینه رنگ زرد پرچم سنگال را از پرچم مالی متمایز می‌سازد. در پرچم سنگال ستاره پنج پر به معنای امید می‌باشد و سه رنگ پرچم نشانه سه حزب سیاسی کشور نیز تلقی می‌شود.

سوازیلند

نام سوازیلند مأخوذ از نام قومی بنام سووازی (*Swazi*) می‌باشد که در این کشور سکونت دارند و بدین لحاظ سوازیلند یا سرزمین سوازی‌ها خوانده می‌شود. در زبان محلی مردم سوازیلند را انگوا (نگ‌وان) می‌خوانند که احتمالاً نام قدیمی آن کشور بوده است. نام رسمی این کشور پادشاهی سوازیلند (*Swaziland*) است و در عرف بین‌المللی بدان سوازیلند گویند.

پرچم: پرچم کشور سوازیلند نخستین بار در سال ۱۹۶۸ م. و بعد از استقلال این کشور به اهتزاز درآمده است و پرچم نیروهای پیشگام آزادی از قبیله سوازی بوده است. در وسط این پرچم علامتی وجود دارد که شامل سلاحهای یک جنگجوی قبیله سوازی است یعنی یک سپر از پوست گاو، دو زوبین (نیزه پرتابی) و یک عصای جنگی که بخش قرمز رنگ پرچم سوازیلند را زینت داده‌اند.

سودان (SUD)

سودان که همسایه جنوبی مصر و سرچشمه بخشی از نیل (نیل سفید) است در روزگار فراعنه در عصر باستان نوبه یا نوبی نامیده می‌شد. نوبی در آن زمان شامل نوبی سفلی^۱ یا سرزمین اواوات (*Ouaouat*) و نوبی علیا یا سرزمین کوش بود. سرزمین کوش که شامل قسمتی از اتیوپی امروزی نیز می‌شد (— اتیوپی) همان سودان کنونی است.

سودان نامی است که اعراب بدین سرزمین داده‌اند و بیشتر به صورت بلاد السودان به کار رفته است و بمعنای سرزمین سیاهان می‌باشد. عنوان سودان در گذشته مفهومی وسیع‌تر از کشور سودان کنونی را دربرمی‌گرفته است و از ساحل غربی آفریقا تا کوههای حبشه را شامل می‌شده است. چاد و نیجر علیا سودان غربی و حوزه نیل علیا سودان شرقی خوانده می‌شد. لازم به تذکر است که نیل علیا از نزارهای باتلاقی صعب‌العبوری که سود Sudd خوانده می‌شود می‌گذرد و جزء سودان می‌باشد لیکن دلیلی بر ساخته شدن کلمه سودان از آن مشاهده نشده است. در روزگار استعمار فرانسه در آفریقا کشوری بنام سودانی *Soudanaise/Sudani* در غرب آفریقا وجود داشت که مشتمل بر بخشی از صحرا در شمال و بخش فوقانی دره‌های سنگال و نیجریه در جنوب بابا یعنی با ما کو بود (— مالی).

سودان از سال ۱۸۸۹ م. تا کسب استقلال مشترکاً بوسیله مصر و انگلیس تحت سلطه بود. در این دوره نام این کشور سودان مصر و انگلیس بود. پس از استقلال، سودان به جمهوری سودان معروف گشت و بعداً جمهوری دموکراتیک سودان نامیده شد که هم‌اکنون نام رسمی آن کشور است. نام بین‌المللی این کشور سودان (*Sudan*) می‌باشد و

به کشور سرچشمه نیل نیز مشهور می‌باشد.

پرچم: پرچم کشور سودان از هنگام استقلال تا سال ۱۹۶۹م. مشتمل بر سه نوار رنگی آبی، زرد و سبز بود که رنگ آبی در آن نشانه رود نیل، زرد نشانه صحرا و سبز نشانه زمینهای کشاورزی بود. در سال ۱۹۶۹م. پرچم سودان تغییر یافت به شکل امروزی درآمد رنگهای این پرچم شباهت زیادی به پرچم کشورهای اسلامی دارد و مشتمل بر سه نوار قرمز، سفید و سیاه است که مثلث سبز رنگی در سمت چپ پرچم این سه نوار را قطع می‌کند.

سوریه (SYR)

قدیمی‌ترین نامی که برای کشور سوریه ذکر شده است «مملکت ابلا» (Ebla) می‌باشد. این نام مأخوذ از نام محلی موسوم به ابلا می‌باشد که در آن آثاری متعلق به هزاره سوم قبل از میلاد کشف شده است. به همین جهت کشور سوریه در هزاره سوم قبل از میلاد را مملکت ابلا نامیده‌اند.

در حقیقت اطلاعات ما از نام کشور امروزی سوریه در سه هزار سال قبل از میلاد دقیق نیست و ابلا نامی است که اکنون به وسیله آن، دوران مذکور را می‌شناسیم. اما از هزاره دوم قبل از میلاد کشور سوریه دارای اسم ضبط شده مشخصی می‌باشد و آن هنگامی بوده که آن را مملکت آرامی می‌نامیده‌اند. آرام نام قومی از مجموعه اقوام سامی است و نقل شده که آرام از فرزندان سام بن نوح بوده است و آرامی‌ها به او منسوبند. لازم به تذکر است که آرام کلمه‌ای عبری است و کاربرد مملکت آرامی نیز از تورات و انجیل بوده است. تورات مملکت آرامی را شامل سوریه امروزی و بین‌النهرین دانسته لیکن انجیل تنها سوریه کنونی را آرامی ذکر کرده است.

آرامی‌ها قومی با تمدن و فرهنگ درخشان بوده‌اند. بخصوص آنکه در زمینه کتابت و علوم پیشرفت فراوان داشته‌اند و به همین جهت زبان آرامی و نویسندگان آن نقش مهمی در تمدن جهان ایفاء کرده و اشتهار فراوان داشته‌اند.

در هزاره اول قبل از میلاد مشهورترین شعبه زبانهای آرامی، شعبه شرقی آن بود که به زبان سریانی معروف بود و طولی نکشید که این زبان بسیار مشهور گسترده شد و در همین احوال عنوان سوریه نیز رایج گردید. اما در مورد اینکه سریانی منسوب به سوریه است یا سوریه مأخوذ از سریانی اتفاق نظر وجود ندارد. همینقدر مشخص است که میان

سوریه و سریانی رابطه لغوی وجود دارد. سوریه در برخی از منابع قدیم سورستان (عراق) نیز آورده شده است. چنانکه گذشت آرامی‌ها از گروه اقوام سامی هستند و دیگر همسایگان آنان چون فنیقی‌ها و اعراب و... نیز سامی می‌باشند. اقوام سامی در زمانی که بر ما مشخص نشده است سوریه را شام نیز نامیده‌اند.

ظاهراً شام بایستی سرزمینی وسیع‌تر از سوریه کنونی بوده باشد و سوریه را باید قسمتی از آن قلمداد نمود. با این حال از قدیم‌الایام لغت‌شناسان نیز رایج بوده است که جمع شام است و مراد از آن کشورهای کنونی سوریه، لبنان، فلسطین و اردن می‌باشد. توضیح این نکته شاید خالی از لطف نباشد که فردوسی سراینده شاهنامه در یکی از ابیات خویش از مازندران شام را مراد نموده است: چنانکه گفته است: تو مازندران شام را دان و بس. از آنجا که اشاره فردوسی به این مورد در رابطه با مسئله دیوان و آموختن خط و گشتن دیوان است، این می‌تواند نکته‌ای ظریف و دقیق در افسانه‌ها و تواریخ باشد. در مورد معنی شام روایات متعدد است. بعضی آن را تحریفی از کلمه سام به شام دانسته و برخی آن را با استنباط از عبارت الید الشؤمی به معنای چپ دانسته‌اند لیکن این قول چندان مورد اعتنا واقع نشده است. نظریه سومی نیز وجود دارد که شام را از شاهه به معنای خال دانسته‌اند و مراد از آن زمین به رنگ‌های سرخ و سفید و سیاه می‌باشد و این مورد اخیر بیشتر مقرون به صحت می‌نماید.

از آنجا که در طول قرون متمادی خاورمیانه صحنه تشکیل دولتهای بزرگ بوده است، در هر زمانی سوریه جزئی از یکی از این دولت‌های بزرگ به‌شمار می‌آمده است. بعد از جنگ جهانی اول این کشور را فرانسه از عثمانی تصاحب نموده و سرانجام چون در سال ۱۹۴۴ به استقلال رسید جمهوری سوریه نامیده شد. کمی پس از استقلال نام سوریه بزرگ در مطبوعات و اصطلاحات سیاسی رایج شد که مراد از آن لبنان و فلسطین و اردن بود. به موازات عنوان سوریه بزرگ اصطلاح هلال خصیب (هلال حاصلخیز) نیز مطرح شد که منظور از آن سرزمین هلالی شکلی از بین‌النهرین تا سوریه و لبنان و فلسطین بود. این اصطلاحات هرچند که جنبه‌های سیاسی یا علمی هردو را داشته‌اند برای مدتی نام سوریه را تحت شعاع خود قرار دادند.

در سال ۱۹۵۸ سوریه با مصر متحد شد و دو کشور متحد، جمهوری متحده عرب

نامیده شدند. از این زمان به سوریه به طور خاص اقلیم شمالی اطلاق می‌شد که در مقابل اقلیم جنوبی یعنی مصر قرار داشت. پس از چندی یمن شمالی نیز به این دو کشور پیوست و عنوان جمهوری متحده عرب به کشورهای متحده عرب تغییر یافت. سرانجام با وقوع کودتا در سال ۱۹۶۱ در سوریه، کشورهای متحده عرب منحل گردید و این کشور جمهوری عربی سوریه نام گرفت. جمهوری عربی سوریه، نام رسمی این کشور است و در عرف بین الملل بدان سوریه (SYRIA) می‌گویند.

پرچم: در زمان اتحاد دو کشور مصر و سوریه و تشکیل جمهوری متحده عرب این دو کشور از یک پرچم استفاده می‌کردند. در حال حاضر پرچم سوریه شامل رنگ‌های رایج در بین کشورهای عربی است در قسمت بالای آن نوار قرمز، در وسط سفید و در پائین نوار سیاه قرار دارد. در وسط رنگ سفید نیز تصویر عقابی با رنگ طلایی مشاهده می‌شود.

سومالی (SP)

نام سومالی مأخوذ از نام قومی به نام سومال است که اکثریت سکنه این کشور را تشکیل می‌دهند. سومال در زبان ساکنان این کشور به معنای شیر است و گفته‌اند چون این مردم از میهمانان با عطر و شیر استقبال می‌کردند این نام به آنان داده شده. به همین جهت سومالی به سرزمین عطر و شیر مشهور شده است. در روزگار باستان چون مصریان منشاء خدایان خود را از سومالی می‌دانستند بدان نام سرزمین خدایان داده بودند. در دوره استعمار اروپائیان خاک سومالی به وسیله کشورهای انگلیس، فرانسه و ایتالیا تصرف شد و به همین جهت متصرفات هریک به نام خودشان مشهور شد. مثلاً سومالی انگلیس، سومالی فرانسه....

در سال ۱۹۳۶م. با تسلط ایتالیا بر حبشه، اریتره و سومالی، قلمروی موسوم به افریقای شرقی ایتالیا به وجود آمد که در سال ۱۹۴۱م. با شکست ایتالیا از انگلیس عمر آن به سر آمد.

سومالی در سال ۱۹۶۰م. استقلال یافت و با بهم پیوستن قسمتهای مختلف آن کشور واحدی به وجود آمد. سومالی را سومالی لند نیز می‌گویند و در عربی آن را به صورت الصومال می‌نویسند. نام رسمی آن جمهوری دموکراتیک سومالی است و در عرف بین‌المللی به سومالیا (Somalia) مشهور است.

پرچم: پرچمی که اکنون در سومالی مورد استفاده است قبلاً پرچم رسمی منطقه جنوبی سومالی بود که بعد از اتحاد سومالی انگلیس با خاک اصلی سومالی پرچم

رسمی کشور سومالی شد. رنگ این پرچم عمداً همانند پرچم سازمان ملل متحد انتخاب شده و آبی یک دست است. در وسط این پرچم به نشانه اتحاد دو سومالی قبلی، ستاره سفیدی نقش بسته است.

سوئد (S)

نام سوئد مأخوذ از قوم سوئار (*Svear*) است. در دوره روم باستان این قوم را سویونی (*Svioni*) و سوئی یون نیز نامیده‌اند. در قرون نخستین میلادی کشور کنونی سوئد شامل قسمتهای متعددی چون لاپلاند در شمال (— فنلاند)، گوتلند در جنوب و... بود و در بخش مرکزی آن سوئالند (*Svealand*) قرار داشت. در اوایل قرون وسطی سوئالند توانست در سرزمین کنونی سوئد قوت گیرد و از آن پس تمامی آن سرزمین به سوئد موسوم گردید که در منابع قدیمی فارسی بصورت سویتیه (*Svitia*) وارد شده است.

ناحیه اسکاندیناوی (که سوئد یکی از کشورهای آن است) در تاریخ اروپا بخاطر صدور اقوام و جمعیت‌های بسیار مشهور است. این اقوام شامل وایکینگ‌ها، نورس‌ها، گوت‌ها و... بوده‌اند. نه از نظر نژادشناسی و نه از نظر زبانی مرز دقیقی میان این گروه‌های خاص نمی‌توان قایل شد در زمانی اقوامی از اسکاندیناوی به روسیه سرازیر شده‌اند که مهمترین آنها وایکینگ‌ها بوده‌اند (← اتحاد شوروی). از سوئدیه‌ها نیز گروه‌هایی به روسیه هجوم آورده‌اند که به وارانگیان معروف شده‌اند.

سوئد در طول قرون وسطی و قرون جدید فراز و نشیب‌های فراوانی را از توسعه قلمرو تا انزوا و ضعف تجربه کرده لیکن همیشه بنام پادشاهی سوئد موسوم بوده است.

نام رسمی سوئد، پادشاهی سوئد می‌باشد و در عرف بین‌المللی بدان سوئد (*Sweden*) اطلاق شود. در زبان محلی بدان سوریه (*Sverige*) می‌گویند.

بخاطر تعداد زیاد باسوادان سوئد به کشور باسوادان معروف شده است.

پرچم: پرچم سوئد طرحی همانند طرح پرچم سایر کشورهای اسکاندیناوی دارد.

در زمینه‌ای آبی، یک صلیب طلایی پرچم سوئد را به وجود آورده است. تاریخ این پرچم به قرن دوازدهم میلادی بازمی‌گردد که در سال ۱۹۰۵ م. مجدداً به صورت پرچم ملی کشور پذیرفته شد در این سال اتحادیه سوئد و نروژ از هم گسیخت. در تقاطع صلیب طلایی رنگ علامت سلطنتی کشور سوئد نقش می‌گردد. گفته می‌شود هنگامی که در قرن دوازدهم اریک نهم پادشاه سوئد قبل از شروع جنگی به دعا مشغول بود وی در آسمان یک صلیب زرد را دید که از تابش اشعه‌های خورشید بر آسمان آبی به وجود آمده بود و این امر باعث شد که پرچم این کشور به رنگ آبی و دارای یک صلیب طلایی باشد.

سوئیس (CH)

قدیمی‌ترین نامی که از کشور سوئیس در دست است راشیا (*Rhaetia*) است که توسط اتروسک‌ها وضع گردید. اتروسک‌ها قومی قدیمی بودند که قبل از رومیان در ایتالیا حکومت داشتند. نام راشیا تنها شامل قسمتی از جنوبی سوئیس امروزی بود. پس از به قدرت رسیدن رومیان، سوئیس راشیا پریما (*Rhaetia prima*) نامیده شد. پس از آنکه رومیان توانستند سراسر سوئیس کنونی را تصرف نمایند بدان هلوشیا (*Helvetia*) نام دادند که به معنای کشور تپه‌ای است. هلوشیا را به صورت هلوتیا و هلوسیا نیز به فارسی برگردانیده‌اند و اکنون صورت لاتینی نام سوئیس به شمار می‌آید. هلوشیا سرزمینی کوهستانی است و مسکن اقوام گوناگونی با زبانهای متنوع می‌باشد.

سوئیس مدتهای مدید تحت سلطه سلاطین کشورهای همسایه بوده است تا آنکه در سال ۱۲۹۱ م. سه ایالت از ایالات کنونی سوئیس با یکدیگر بر علیه بیگانگان متحد شدند. یکی از این سه ایالت، ایالت شویز (*Schwyz*) بود. از نام همین ایالت، نام اتحادیه‌ای که توسط ایالات مذکور تشکیل شده بود به وجود آمد. یعنی اتحاد ایالات شویز.

کلمه شویز در زبان آلمانی شوائتس (*Schweiz*)، در ایتالیایی سویسترا (*Svizzera*) و در فرانسه سویز (*Suisse*) برگردانیده شده است. همین نام اخیر یعنی صورت فرانسوی سویز به زبان فارسی وارد شده و بصورت سویس یا سوئیس متداول گردیده است.

از آنجایی که سوئیس به صورت اتحادیه‌ای از ایالات با نظام جمهوری است، کنفدراسیون سوئیس نامیده می‌شود. از سال ۱۶۴۸ م. دول اروپایی استقلال این کشور را که در قلب اروپا واقع شده به رسمیت شناخته‌اند. کشور سوئیس نیز همیشه روش بیطرفی

را در مسائل سیاسی رعایت کرده و جالب آن است که برای رعایت همین بیطرفی حتی عضو سازمان ملل متحد نیز نیست و نگهبانان واتیکان و پاپ در ایتالیا نیز سوئیس می‌باشند. سوئیس بخاطر نظام جمهوری خاص خود به جمهوری هلوتیک مشهور می‌باشد. همچنین سوئیس به خاطر ساخت ساعتهای زیبا و دقیق به کشور ساعت معروف است. بیشتر معروفیت سوئیس بخاطر کوهستانهای آن می‌باشد. این کشور سراسر کوهستانی است و به نام کشور هزار کوه، معبد کوهنوردان، کشور قله‌ها و بام اروپا اشتهار یافته. بعلاوه چون در قلب اروپا و مابین تعدادی از کشورهای اروپایی واقع است به چهارراه اروپا ملقب شده است. سوئیس به دلیل مناظر زیبای کوهستانی به بهشت اروپا نیز معروف است.

نام رسمی سوئیس کنفدراسیون سوئیس است و در عرف بین‌المللی بدان سویتزلند (Switzerland) می‌گویند که صورت انگلیسی سوئیس است. صورت محلی نام سوئیس به علت تکلم ساکنان آن به زبانهای گوناگون به شکل شواتس (آلمانی)، سوئیس (فرانسوی) سوئیسرا (ایتالیایی) و هلوتیا (لاتینی) است. لازم به تذکر است که در میان کشورهای اروپایی سوئیس از لحاظ زبانی دارای یک حالت استثنایی است. در این کشور به چهار زبان تکلم می‌شود. ۷۰ درصد مردم آلمانی، ۱۹ درصد فرانسوی، ۱۰ درصد ایتالیایی و یک درصد مردم این کشور به زبان رمانش سخن می‌گویند.

پرچم: پرچم ملی کشور سوئیس دارای یک صلیب سفید رنگ بر یک زمینه قرمز است. پرچم ملی سوئیس به شکل مربع و پرچم تجاری آن مستطیلی است. این پرچم، پرچم نیروهای مسلحی است که بر علیه تسلط بیگانگان بر کشور سوئیس پیا خاستند. در سال ۱۳۳۹ م. این پرچم به عنوان پرچم ملی کشور سوئیس به رسمیت شناخته شد.

سیرالئون (WAL)

در سال ۱۴۶۲ م. یکی از کاشفان پرتغالی هنگام سیاحت در سواحل غربی آفریقا به سواحل کشور کنونی سیرالئون (Sierra Leone) رسید و آنجا را سیرالئون نامید که به معنای کوههای شیر می‌باشد. این کشور بعدها به تصرف انگلستان درآمد و جزئی از قلمرو آفریقای غربی بریتانیا شد. در طول دوره استعمار از سال ۱۸۰۸ م. عنوان مستعمره فرمانگزار و از سال ۱۸۹۶ م. عنوان تحت‌الحمایه بدان اطلاق شد. در سال ۱۹۶۱ م. سیرالئون استقلال یافت و پس از استقلال جمهوری سیرالئون نامیده شد که نام رسمی آن نیز می‌باشد.

کشور سیرالئون بخاطر شکل دایره ماندش به کشور مدور نیز معروف است و نام بین‌المللی آن سیرالئون (Sierra Leone) می‌باشد.

پرچم: رنگ سبز در پرچم سیرالئون نشانه کشاورزی و کوههایی است که نام این کشور از آنها اخذ شده است. رنگ سفید علامت عدالت و وحدت در سیرالئون است و برای رنگ آبی تیره دو مطلب عنوان شده است یکی آنکه این رنگ نشانه اقیانوس اطلس است که امواج آن سواحل سیرالئون را در می‌نوردد و دیگر آنکه این رنگ نشانه فری‌تاون (Freetown) (شهر آزاد) پایتخت این کشور است که یکی از لنگرگاههای طبیعی در سواحل غربی آفریقا می‌باشد. این پرچم با کسب استقلال سیرالئون از انگلستان در سال ۱۹۶۲ م. ابداع گردیده است.

سیشل (SY)

سیشل نام مجموعه جزایری در اقیانوس هند، در مشرق آفریقا و در شمال جزیره ماداگاسکار است. در نیمه دوم قرن هجدهم شخصی فرانسوی بنام موره دومیشل در این جزایر مقیم و فعال بود و در نتیجه این جزایر به نام سیشل معروف شد که صورت تحریف یافته دومیشل است. کشور سیشل در سال ۱۹۷۶ استقلال خود را از فرانسه کسب کرد و نام رسمی جمهوری سیشل را برگزید. نام بین‌المللی آن سیشلز (Seychelles) می‌باشد.

پرچم: پرچم سیشل مرکب از سه رنگ قرمز، سفید و سبز است و این رنگها به صورت نوار نبوده بلکه موجدار به نظر می‌آیند. موجدار بودن رنگ‌ها امواج دریا را در نظر مجسم می‌سازد و گفته می‌شود منظور از این دریا، اقیانوس هند است که جزایر سیشل در آن قرار گرفته‌اند. پرچم سیشل یک سال بعد از استقلال این کشور یعنی در سال ۱۹۷۷ طراحی شد و مورد استفاده قرار گرفت.

در علامت رسمی این کشور نیز جزیره‌ای بودن آن مورد تأکید قرار گرفته است بدین صورت که در علامت رسمی سیشل یک جزیره با یک لاک‌پشت و درخت نارگیل دیده می‌شود که در دریایی احاطه شده‌اند. در فاصله دور از ساحل نیز یک کشتی و جزایر صخره‌ای قابل رؤیت می‌باشند.

شیلی (RCH)

تا اوایل قرون جدید ساکنان کشور شیلی امروزی را بومیان سرخپوست تشکیل می‌دادند تا آنکه همانند بسیاری از نقاط قاره آمریکا این سرزمین نیز توسط اسپانیایی‌ها کشف گردید. اسپانیا سرزمین شیلی را جزء نایب السلطنه نشین پرو (← پرو) نمود و این وضع تا سال ۱۸۱۸ م، سال استقلال کشور شیلی همچنان ادامه داشت. از آن پس بجای نایب السلطنه نشین پرو، نام شیلی رواج یافت.

در طول دوره استعمار نام شیلی بر این سرزمین اطلاق می‌شد اما به صورت نامی محلی زیرا قبلاً نیز بومیان این سرزمین را شیلی می‌خواندند. شیلی (Chilli) در زبان بومیان آن کشور به معنای جایی یا سرزمینی است که خشکی در آن به پایان می‌رسد و دریا آغاز می‌گردد. قابل توجه است که شیلی در سمت غربی قاره آمریکای جنوبی و در ساحل اقیانوس آرام واقع شده است.

کلمه شیلی از زبان بومیان به زبان اسپانیایی وارد شده و به دو صورت بکار رفته است اول آنکه به معنای بند کفش می‌باشد که شاید کنایه از دراز و باریک بودن آن کشور به مانند بند کفش باشد (شیلی کشوری باریک و دراز به درازای حدود ۴۰۰۰ کیلومتر است). دوم آنکه Chili نام نوعی درختچه در منطقه حاره آمریکای مرکزی است که آن را در زبان اسپانیولی به صورت Chile بکار می‌برند و املای کشور شیلی مطابق آن است. با این احوال معنای اصلی و صحیح شیلی آن است که جایی (سرزمینی) که در آن خشکی به پایان می‌رسد.

شیلی پس از استقلال در دو سمت شمال و جنوب خاک خود را توسعه داد و به همین جهت بیش از پیش به صورت کشوری باریک و دراز درآمد به همین جهت به

کشور دراز معروف شده است.

نام رسمی این کشور جمهوری شیلی (Republic of Chile) است و در عرف بین‌الملل آن را چیلی (Chile) و در زبان محلی چ یله (Chile) گویند.

پرچم: رنگهای موجود در پرچم کشور شیلی همان رنگ‌های پرچم ایالات متحده آمریکا است این پرچم در خلال نبردهای استقلال طلبانه‌ای که بالاخره در سال ۱۸۱۷ م. به استقلال شیلی انجامید مورد استفاده قرار می‌گرفت. رنگ سفید در پرچم شیلی نشانه برفهای رشته کوههای مرتفع آند است و رنگ آبی نشانه آسمان می‌باشد. رنگ قرمز نیز نشانه خونهایی است که مردم شیلی برای کسب آزادی خود نثار کرده‌اند.

علامت تک ستاره از قدیم در پرچم بومیان شیلی وجود داشت و نشانه سرنوشت (تقدیر) کشور شیلی می‌باشد.

صحرای غربی

کشور صحرا در منتهی الیه غربی صحرای بزرگ آفریقا قرار گرفته است. در گذشته که سراسر نواحی غربی شمال آفریقا (شامل تونس، مراکش، الجزایر و...) مغرب نامیده می‌شدند کشور صحرا نیز جزیی از مغرب به‌شمار می‌آمد که همراه با چند منطقه دیگر ساحل اقیانوس اطلس در آن ناحیه مغرب الاقصی^۱ نامیده می‌شد.

کشور کنونی صحرا مرکب از دو منطقه ساقیه الحمرا و وادی الخضرا می‌باشد. در سال ۱۸۴۴م. این کشور به تصرف دولت استعمارگر اسپانیا درآمد و صحرای اسپانیا نامیده شد. اطلاق نام صحرا بخاطر مطلقاً صحرایی بودن این کشور است. اسپانیایی‌ها این کشور را ریودوارو نیز می‌نامیدند. در همان حال عنوان صحرای غربی نیز برای آن بکار می‌رفت. اگرچه اصطلاح صحرای شرقی در مقابل صحرای غربی معمول نیست لیکن اطلاق صحرای غربی فقط بخاطر موقعیت آن در غرب صحرای بزرگ آفریقا است.

در سال ۱۹۷۶م. اسپانیا از صحرا بیرون رفت و متعاقب آن مراکش قسمت شمالی و موریتانی قسمت جنوبی صحرا را تصرف کردند. چون جبهه استقلال‌طلبان صحرا موسوم به پولیساریو^۱ به مبارزه با مراکش و موریتانی پرداخت عنوان صحرای پولیساریو نیز رایج گشت.

کشور موریتانی پس از چندی از صحرا خارج شد ولی قسمت شمالی آن همچنان در تصرف مراکش است. جبهه پولیساریو تشکیل دولت جمهوری دمکراتیک عربی صحرا را اعلام کرده است که نام رسمی آن نیز می‌باشد و نام بین‌المللی این کشور صحرا (Sahara) است.

۱. جبهه آزادیبخش مردمی ساقیه الحمرا و ریودوارو

عراق (IRQ)

قدیمی‌ترین نامی که برای عراق امروزی به کار رفته «سومر» است که در هزاره پنجم تا سوم قبل از میلاد نام دولت و ملتی در جنوب عراق کنونی بوده است. پس از آن به ترتیب دولت‌های آکد در مرکز و جنوب، آشور در شمال و بابل در جنوب آن تأسیس گردید که به همین جهت به قسمتهایی از آن مملکت آشور، مملکت اکد، و مملکت بابل نیز گفته‌اند.

به دلیل جریان دو رود دجله و فرات، عراق را از قدیم بین‌النهرین نامیده‌اند و بر همین اساس یونانی‌ها آن را مزوپوتامی (*Mesopotamia*) گفته‌اند. لغات میان‌دورود، و رافدین یا ارض‌الرافدین نیز به همین معنا می‌باشد.

در ایران باستان عراق را سورستان می‌گفته‌اند که شاید بخاطر اتصال و امتداد آن به طرف سوریه بوده است. کلمه عراق به این ترتیب پس از فتح ایران بدست مسلمین وضع و رایج گردیده است. لازم به ذکر است که اعراب قسمت شمالی بین‌النهرین را که کوهستانی است جزیره می‌نامیدند و قسمت جنوبی آن را که به صورت دشت می‌باشد عراق می‌گفتند. همین قسمت جنوبی (عراق) در منابع قدیم در بسیاری از موارد به سواد موسوم بوده زیرا پس از بیابانهای وسیع عربستان چشم‌انداز درختان عراق آن را به صورت سیاهی دوردستی نشان داده و به همین جهت اعراب بدان سواد نام داده‌اند. به دلیل وجود درخت بسیار که کلمه سواد را موجب شده عده‌ای عقیده دارند که نام عراق از عرق (*erq*) به معنای ریشه گرفته شده است.

گروه دیگری از لغت‌شناسان عراق را به معنای زمین ساحلی دانسته‌اند. یادآوری می‌شود که عراق را در ابتدا به جنوب بین‌النهرین می‌گفته‌اند که مجاور خلیج فارس

است. برهمین اساس بعضی عراق را معرب کلمهٔ فارسی ایراه به معنای کرانه ذکر کرده‌اند و سرانجام آنکه برخی محققان عراق را صورت تغییریافته‌ای از ایران دانسته‌اند (← ایران).

به موازات کلمهٔ عراق، عراقین نیز در منابع به کرات ذکر شده است که منظور از آن در ابتدا دو شهر کوفه و بصره بوده که هردو در جنوب بین‌النهرین واقع شده‌اند. از دورهٔ سلجوقیان عراقین به دو صورت عراق عرب (منظور دو عراق فوق‌الذکر یعنی کوفه و بصره) و عراق عجم (منظور منطقهٔ کوهستانی غرب ایران) به کار رفته است. عراقین را به صورت عراقان نیز نوشته‌اند.

عراق در طول تاریخ خود همواره جزئی از قلمرو دولتهای ایرانی، عربی و عثمانی بوده است تا آنکه در سال ۱۹۲۰ م. با به قدرت رسیدن ملک فیصل اول این کشور پادشاهی عراق نام گرفت سپس در سال ۱۹۵۸ م. با سرنگوی رژیم سلطنتی و تأسیس جمهوری به جمهوری عراق موسوم گردید. عراق با به قدرت رسیدن بعثیون در سال ۱۹۶۸ به جمهوری دمکراتیک خلق عراق تغییر نام داد که نام رسمی آن کشور نیز به شمار می‌آید. در عرق بین‌المللی این کشور را عراق (IRAQ) نامند و صورت عربی اسم رسمی آن الجمهورية العراقية الديمقراطية الشعبية می‌باشد.

پرچم: در سال ۱۹۵۸ و تأسیس شدن جمهوری عراق پرچم این کشور شامل رنگهای سیاه، سفید و سبز بود که در وسط آن دایره‌ای طلایی با ستاره‌ای قرمز وجود داشت. پرچم امروزی عراق از سال ۱۹۶۳ رایج شده است که شامل نوارهای رنگی قرمز، سفید و سیاه است که برای جمهوری متحد عربی طراحی شده بود. (این جمهوری قرار بود از ادغام عراق، سوریه و مصر تشکیل شود در نوار سفید رنگ وسط این پرچم سه ستارهٔ سبز رنگ وجود دارد که نشانه سه کشور فوق است ولی اتحاد این کشورها فقط جنبهٔ تبلیغاتی داشت و هیچگاه جامعهٔ عمل نپوشید. (— سوریه)

عربستان (KSA)

عربستان به معنای سرزمین عرب نشین است (عرب + ستان). در مورد کلمه عرب و معنای آن در فرهنگ‌ها اتفاق نظر وجود ندارد و برای آن معانی مختلف ذکر شده است اما از نظر تاریخی دو نظریه حائز اهمیت است: اول آنکه بعضی عرب را از نسل شخصی بنام **عرب بن قحطان** از نوادگان **سام بن نوح** دانسته‌اند و کلمه عرب را مشتق از نام **عرب** می‌دانند و دوم آنکه برخی عرب را منشأ گرفته از زمینی به همین نام در نزدیکی مدینه امروزی دانسته‌اند و عرب نامیده شدن را نیز انتساب به آن زمین فرض کرده‌اند.

لازم به ذکر است* که عرب اسم مفرد است و صورت جمع آن اعراب نمی‌باشد زیرا اعراب و یا اعرابی به معنای عرب بادیه نشین است و صورت جمع عرب را عرب‌ها یا عربون بایستی ذکر کرد. همچنین شایان ذکر است که عرب به دسته‌های چندی تقسیم‌بندی شده است مثل عرب بائده یعنی عرب نابود شده، عرب باقیه یعنی عرب باقی مانده، عرب عاربه یعنی عرب اصیل، عرب مستعربه یعنی عرب شده‌ها، عرب بدوی یعنی عرب بیابان نشین، عرب حضری یعنی عرب شهرنشین.

عرب کلمه‌ای قدیمی است و بابلی‌ها آن را به صورت اربی (*arabi*) و ایرانیان دوره هخامنشی به صورت اریه (*arabaya*) به کار برده‌اند. آرامی‌های ساکن سوریه به عرب **تایایو** (*Tayayo*) گفته‌اند که برگرفته شده از نام قبیله طی از قبایل عرب مجاور آنان می‌باشد. کلمه تازی نیز که در زبان فارسی به عرب‌ها اطلاق می‌شود از نام همین قبیله (طی) مأخوذ می‌باشد. زیرا در زبان فارسی همانگونه که اهل ری را رازی گویند افراد قبیله طی را نیز تازی گفته‌اند و همین عنوان به کلیه عرب‌ها اطلاق شده است.

عربستان را در زبان عربی **جزیره العرب** نامند. در مورد حدود **جزیره العرب** منابع

دارای اتفاق نظر نیستند به طوریکه کشور عربستان به علاوه شیخ نشین های خلیج فارس و عمان و یمن شمالی و جنوبی را تمامی منابع جزیره العرب نامیده اند لیکن در مورد شام و عراق دچار اختلاف نظر شده اند بهر حال جزیره العرب سرزمین وسیعی است که هر بخش آن دارای نامی خاص و مشهور است مثل حجاز، یمن و... که گاه با عناوین عربستان سعید (یمن)، عربستان سنگلاخ (حجاز) و... مشخص شده اند.

کشور کنونی عربستان قسمتی از جزیره العرب یا شبه جزیره عربستان را دربرمی گیرد و اگرچه در طول تاریخ حکومت های مختلفی بر آن فرمان رانده اند اما نام آن تغییری نکرده است.

در سال ۱۹۲۳ م. با تصرف سراسر کشور عربستان توسط آل سعود نام عربستان، پادشاهی عربستان سعودی گذارده شد که نام رسمی آن نیز می باشد. در عرف بین الملل به این کشور سعودی عربیا (Saudi Arabia) می گویند که صورت عربی آن المملكة العربیة السعودیه می باشد.

پرچم: پرچم کشور عربستان از پرچم سایر کشورهای عربی متمایز است. پرچم این کشور سبزرنگ است و در وسط آن به خط عربی کلمات لا اله الا الله، محمداً رسول الله به رنگ سفید نوشته شده است. در زیر کلمات فوق تصویر یک شمشیر دیده می شود که آن نیز به رنگ سفید است. این پرچم در سال ۱۹۳۸ طراحی شده و دوطرفه است بطوری که کلمات فوق از هر دو طرف قابل قرائت است.

لازم به یادآوری است که پرچم دریانوردی عربستان به شکل مثلث است و در روی آن کلمات فوق دیده نمی شود بلکه دو شمشیر متقاطع و یک لنگر کشتی بر آن نقش بسته است.

عمان (MAS)

عمان کشوری در جنوب شرقی شبه‌جزیره عربستان است که در کنار اقیانوس هند و دریای عمان قرار دارد. نام عمان بخاطر انتساب آن به شخصی بنام عمان است که اورا فرزند قحطان (— عربستان) یا از نوادگان ابراهیم (ع) می‌دانند. عمان از سالها قبل از طلوع اسلام به این نام موسوم شده است. البته در هزاره دوم قبل از میلاد بدین سرزمین نام مگن (*Magan*) داده شده که از معنا و محدوده کاربرد آن اطلاعی در دست نیست. برای برخی قسمت‌های آن از اسامی دیگری چون ظفار، حضرموت، مسقط و... استفاده می‌شود که از آن میان تنها مسقط نام سیاسی و تاریخی مستمری بوده است. به خاطر اهمیت یافتن مسقط که همراه با تسلط بر جزایر زنگبار بوده است نام دولت و قلمرو آن سلطان‌نشین مسقط زنگبار بوده است. این نام از ۱۰۶۰ هـ.ق تا ۱۲۷۳ هـ.ق رایج بود و با جدا شدن زنگبار نام سلطان‌نشین مسقط و عمان رواج یافت که مدت‌ها عنوان رسمی آن نیز به شمار می‌آمد. در همان حال نام سلطان‌نشین عمان نیز به کار می‌رفت. در سال ۱۹۷۰ این کشور استقلال خود را از انگلیس بدست آورد و نام رسمی پادشاهی عمان (سلطنة عمان) را یافت. در عرف بین‌الملل به این کشور عمان (*Oman*) گویند.

پرچم: پرچم مسقط و عمان تا قبل از استقلال این کشور (۱۹۷۰) کاملاً قرمز بود و در سال ۱۹۷۰ بعد از استقلال عمان علامت رسمی شمشیر و خنجر نیز بر این پرچم افزوده شد و دو نوار سفید و سبز نیز در بالا پایین آن قرار داده شد که نشانه وحدت مسقط و عمان در ایجاد کشور عمان است.

غنا (GH)

قرنها قبل در غرب افریقا دولت بزرگی وجود داشت که غانه/غانا/گانه/گانا نام داشت. در قرن چهاردهم میلادی این دولت به کشورهای بنامهای داکومبا، مامپروسی، گنی و والا تقسیم و تبدیل شد. تا آنکه در عصر استعمار این کشور بدست استعمارگران افتاد و هر قسمت آن سرنوشتی جداگانه پیدا کرد. قسمت ساحلی آن ظاهراً بخاطر جستجوی طلا توسط اروپائیان ساحل طلا نامیده شد. ساحل طلا مدتها جزء افریقای غربی بریتانیا بود و اختصاصاً مستعمره فرمانگزار ساحل طلا نامیده می‌شد.

در سال ۱۹۲۸ م. برای مدتی کوتاه نام آنگالند مطرح شد. آنگان نام یک گروه زبانی در آن سرزمین است. اما از سال ۱۹۳۰ م. نام غنای نو مطرح گردید که رواجی نیافت.

در سال ۱۹۵۷ م. کشور غنا با بهم پیوستن سرزمینهایی با نام آشانتی، ساحل طلا، توگولند... بصورت مستقل بوجود آمد و غنا نامیده شد که در حقیقت به منظور احیای نام باستانی آن کشور قبل از استعمار این نام بدان داده شد.

در سال ۱۹۵۹ م. غنا با گینه اتحادی تشکیل داد که نام اتحادیه ممالک مستقل افریقایی داشت.

نام رسمی غنا، جمهوری غنا است و در عرف بین‌المللی بدان گانا (Ghana) می‌گویند.

پرچم: پرچم غنا در زمان استعمار انگلیس، پرچم انگلستان بود ولی در آن عبارات GC. بچشم می‌خورد که حروف اختصاری ساحل طلا (Gold Coast) بود. در

پرچم امروزی غنا که رنگهای آن ابتدا -ر سال ۱۸۹۴م. در پرچم کشور اتیوپی به کار رفته و بعدها از سوی کشورهای دیگر آفریقایی مورد استفاده قرار گرفته، نوار قرمز نشانه استقلال، نوار زرد به معنای ثروت و رنگ سبز نشانه جنگل‌ها و کشتزارهای این کشور است. در داخل نوار زرد یک ستاره سیاه به چشم می‌خورد که نشانه ستاره راهنمای آزادی کشورهای آفریقایی محسوب می‌شود. طرح این پرچم به سال ۱۹۵۷م. و استقلال غنا مربوط می‌شود.

فرانسه (F)

در روزگار باستان سرزمین کنونی فرانسه و اطراف آن مسکن قومی بنام سلت (Celt) بود. بطور کلی سلت‌ها در روزگار باستان در بسیاری از نواحی اروپا ساکن بودند. رومیان سلت‌ها و بخصوص سلت‌های ساکن فرانسهٔ امروزی را گال یا گُل (Gaul) می‌نامیده و سرزمین آنان نیز به همین نام موسوم بود. از آنجا که تعدادی از گُل‌ها در شمال ایتالیا نیز ساکن بودند رومیان به شمال ایتالیا و دامنه‌های جنوبی آلپ گُل این سوی آلپ (*Cisalpine Gaul*) می‌گفتند و بر همین اساس دامنه‌های غربی و شمال آلپ در خاک کنونی فرانسه را گُل آنسوی آلپ (*Transalpine Gaul*) می‌نامیدند. بخاطر گیس‌دار بودن بعضی از گُل‌ها آنان را گُل گیسودار نیز می‌گفته‌اند. با انتشار مسیحیت در روم به تبعیت از استانهای رومی، اسقف‌نشین‌های مسیحی نیز تأسیس شد. از جمله این اسقف‌نشین‌ها، اسقف‌نشین گُل (*Diocese of Gaul*) بود که به زبان لاتینی رایج در اوایل قرون وسطی گالیا (*Gaulia*) نیز خوانده شده است.

از قرن سوم میلادی، قوم فرانک که یکی از اقوام ژرمنی به‌شمار می‌آید به قلمرو امپراتوری روم در گُل، هجوم آورد. این قوم که در کنار رود راین سکونت داشتند به دو دسته تقسیم می‌شوند یکی فرانکهای سالیان (*Salian*) یا فرانکهای سالایی (منسوب به رود سال) و فرانکهای ریپوئر (*Ripuer*) به معنای فرانکهای ساحلی. در اواسط قرن سوم میلادی فرانکها موفق شدند بر گُل تسلط یابند و نام کنونی کشور فرانسه یا فرانکونی (در زبان آلمانی) از نام همین قوم گرفته شده است.

در اوایل قرون وسطی فرانکها امپراتوری بزرگی تشکیل دادند و چون در اوایل قرن هشتم میلادی این امپراتوری سه قسمت شد، قسمت غربی آن را که تقریباً منطبق با

فرانسه کنونی است به پادشاهی غربی فرانک (*West Frankish Kingdom*) موسوم ساختند که چون بعد از چندی پادشاهی فرانک‌ها منحصر به فرانسه کنونی شد به پادشاهی فرانک یا پادشاهی فرانسه معروف گردید.

پادشاهی فرانسه در طول قرون وسطی فراز و نشیب‌های فراوانی را برای اعمال حاکمیت بر تمامی خاک فرانسه کنونی به خود دید زیرا دو پادشاهی بورگوندی در غرب فرانسه و انگلستان در جنوب و شمال در زمانهایی بخش‌هایی از فرانسه را در اختیار داشتند. به نظر می‌آید که بخاطر همین فراز و نشیب‌ها تا پاسی از قرون وسطی نام گل در کنار نام فرانسه برای اطلاق بر تمامی سرزمین فرانسه معمول بوده است زیرا اعراب مسلمان که در اواخر نیمه اول قرون وسطی به اروپا رسیدند، این سرزمین را *غالیس* (*Galis*) می‌نامیده‌اند.

در اواخر نیمه اول قرون وسطی با تصرف اسپانیا بوسیله مسلمانان و رسیدن آنان به خاک فرانسه و نیز با آغاز و ادامه جنگ‌های صلیبی در اوایل نیمه دوم قرون وسطی کلمات *افرنج* (*Efranj*) یا *افرنجه* (*Efranja*) یا *فرنج* (*Faranj*) در بین اعراب رایج شد. این کلمات که معنای واحدی داشت مأخوذ از کلمه فرانک بود و چون در مرزهای شمالی اسپانیا مسلمانان تنها با فرانکها سروکار داشتند و عموم جنگجویان اولیه جنگ‌های صلیبی از فرانکها و کشور فرانسه بودند برای مسلمانان کلمه فرنج معادل با تمامی مردم اروپا گردید بطوری که یاقوت حموی جغرافیدان مسلمان، اروپائیان را از نسل شخصی بنام *افرنجش* می‌داند.

لغت فرنج در فارسی بصورت *فرنگ* درآمد و ایرانیان نیز تا این اواخر *فرنگ* را معادل با کلمه اروپا به کار می‌بردند بطوریکه *فرنگی* به معنای اروپائی و *فرنگستان* به معنای اروپا بود. اگرچه در استعمال کلمه *فرنگ* بدین معنای نبایستی از آشنایی ایرانیان با فرانسویان قبل از دیگر ملل اروپایی غافل بود لیکن شق اول صحیح‌تر می‌نماید. لازم به تذکر است که نام فرانسه بصورت *افرنسه* (*Afransa*) نیز در منابع قدیمی فارسی آمده است.

در قرون معاصر همیشه نام فرانسه برای این کشور متداول بوده است لیکن بر اثر تحول در رژیم سیاسی تغییراتی در نام آن وارد می‌شده است. در سال ۱۷۹۲ م. بدنبال انقلاب ۱۷۸۹ م. (انقلاب کبیر فرانسه) رژیم سلطنتی فرانسه سرنگون و رژیم جمهوری

برقرار گردید. این جمهوری که بعدها به جمهوری اول فرانسه معروف گردید از سال ۱۷۹۲ تا ۱۸۰۴ م. بطول انجامید. سپس با روی کار آمدن ناپلئون بناپارت، امپراطوری فرانسه تأسیس گردید که از سال ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۴ م. مستقر بود. از سال ۱۸۱۵ م. بخاطر بازگشت سلطنت به فرانسه بار دیگر این کشور به پادشاهی فرانسه موسوم شد. اما با انقلاب سال ۱۸۴۸ م. مجدداً رژیم فرانسه جمهوری شد و این جمهوری به جمهوری دوم فرانسه موسوم گردید تا سال ۱۸۵۲ دوام آورد. با به قدرت رسیدن لویی ناپلئون، برادرزاده ناپلئون بناپارت در فرانسه از سال ۱۸۵۲ تا ۱۸۷۱ رژیم فرانسه امپراطوری اعلام شد که به امپراطوری دوم فرانسه معروف است. چون بخش اعظم این امپراطوری شامل مستعمرات فرانسه بود برای تشخیص فرانسه از مستعمرات آن در دوران امپراطوری به آن فرانسه مادر (*Metropolitan France*) نیز می‌گفتند. با سرنگونی امپراطوری فرانسه در سال ۱۸۷۱ بوسیله آلمان، بار دیگر رژیم فرانسه جمهوری شد که این جمهوری تا سال ۱۹۱۸ دوام یافت و به جمهوری سوم فرانسه معروف شد.

در آغاز جنگ جهانی دوم فرانسه مغلوب آلمان شد. در نتیجه از سال ۱۹۴۰ این کشور دو قسمت شد. قسمت شمالی را آلمانها مستقیماً اداره می‌کردند که به فرانسه اشغالی موسوم گردید و بخش جنوبی را دولت فرانسوی مطیع آلمان اداره می‌کرد که چون مرکز آن شهر ویشی بود به فرانسه ویشی معروف گردید. در این زمان فرانسویان مخالف و مبارز در انگلستان دولتی در تبعید را به رهبری ژنرال دوگل بوجود آورده و کشور خود را به نام فرانسه آزاد و حکومت خویش را دولت آزاد فرانسه خواندند. تا پایان جنگ جهانی دوم، آلمان سراسر خاک فرانسه را اشغال نمود لیکن پس از شکست آلمان و آزادی فرانسه نام این کشور مجدداً جمهوری فرانسه شد و چون از سال ۱۹۴۶ م. جمهوری جدیدی تأسیس شد از ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۸ به جمهوری چهارم فرانسه و از آن سال تا کنون به جمهوری پنجم فرانسه معروف می‌باشد. اعلام جمهوریهای چهارم و پنجم فرانسه در اصل ناشی از مسائل داخلی این کشور می‌باشد.

نام رسمی کشور فرانسه، جمهوری فرانسه است و در عرف بین الملل فرنس (فرانس) نامیده می‌شود. فرانسویان کشور خود را فرانسیز (*Francaise*) می‌گویند.

پرچم: پرچم فرانسه از رنگ‌های آبی، سفید و قرمز تشکیل شده و تنها تفاوت آنها

با پرچم هلند اینست که در پرچم فرانسه رنگ‌های مذکور به صورت نوارهای عمودی قرار می‌گیرند نه افقی. رنگ‌های موجود در پرچم فرانسه از رنگ کلاههایی گرفته شده که در جریان انقلاب فرانسه مورد استفاده بود. این رنگ‌ها در سال ۱۷۸۹ پذیرفته شده و در سال ۱۷۹۰ در پرچم فرانسه به کار رفتند.

لازم به یادآوری است که این پرچم جایگزین پرچم سلطنتی فرانسه (Fleurs-de-lis) شد و سمبل انقلاب و حقوق بشر به‌شمار می‌آید. در سال ۱۷۹۴ میلادی فرمانی رسمی منتشر شد که براساس آن اعلام گردید که پرچم فرانسه باید طوری ساخته شود که مربع باشد و نه مستطیل. اما بخاطر بهتر دیده شدن پرچمهای مستطیل در دریاها، دریانوردان از پرچم مستطیل استفاده می‌کنند ولی پرچم رسمی کشور به شکل مربع است.

در سال ۱۹۴۶ میلادی نیز مربع بودن پرچم فرانسه مجدداً مورد تأکید قرار گرفت. در جریان جنگ دوم جهانی، کشتی‌های فرانسوی که در خدمت نیروهای فرانسه آزاد بودند از پرچم آبی و سفیدی استفاده می‌کردند که در زمینه سفید آن علامت صلیبی به نام صلیب لورن (Lorraine Cross) نقش شده بود.

فنلاند (SF)

نام کشور فنلاند از فن (*Finns*) یا فین گرفته شده است. این قوم در قرون اولیه میلادی به سرزمین کنونی فنلاند وارد شده‌اند. قبل از فن‌ها، قومی در این کشور ساکن بود که چون در مقابل فشار فن‌ها که از جنوب وارد فنلاند شده بودند به نواحی شمالی رانده شدند به لاپ‌ها (*Laps*) موسوم شدند. لاپ به معنای اخراج شده است. سرزمینی که لاپ‌ها به آن رانده شدند یعنی شمال فنلاند و قسمتی از سوئد و نروژ کنونی که هم مرز فنلاند می‌باشد، به همین خاطر لاپلاند (*Lapland* سرزمین لاپ‌ها) نامیده شد. لازم به تذکر است که لاپلاند نروژ را فین مارک (*Finmark*) می‌نامند. در عین حال با وجود آنکه لاپلاند در شمال فنلاند واقع است بخاطر اختلاط و آمیختگی فن‌ها با لاپ‌ها گاهی به فنلاند، لاپلاند نیز اطلاق شده است.

فین‌های مهاجر و مهاجم به سرزمین فنلاند امروزی، سرزمین جدید خود را سوئومی می‌خواندند. زیرا سوئو (*Suo*) به معنای مرداب است و در فنلاند بیش از ۶۰ هزار دریاچه (مرداب، آبگیر) وجود دارد. این نام گرچه ابتدا به جنوب غربی فنلاند کنونی داده شد اما بعدها به سراسر کشور اطلاق گردید.

فنلاند در طول بخش مهمی از تاریخ خود به دوک‌نشین فنلاند یا گراندوک فنلاند موسوم بود زیرا در طول قرون وسطی تابع سوئد بود و یکی از استانهای آن به حساب می‌آمد. از سال ۱۳۹۷ م. تا ۱۵۲۱ م. نیز علیرغم آنکه سوئد تحت سلطه دانمارک قرار گرفت ولی باز هم فنلاند دوک‌نشین تابع سوئد بود و حتی در فاصله سالهای ۱۳۸۸ م. تا ۱۴۱۲ م. که سه کشور سوئد، نروژ و فنلاند زیر لوای یک حکومت رفت فنلاند همچنان دوک‌نشین بود. از سال ۱۸۱۲ م. فنلاند تابع روسیه شد و سرانجام در پایان جنگ جهانی

اول استقلال خود را بدست آورد.

نام رسمی فنلاند، جمهوری فنلاند است و در عرف بین‌الملل بدان فنلاند (Finland) می‌گویند. نام محلی آن سوئومی یا سوئومن تاساوالتا (Suomen Tasavalta) است. فنلاند بخاطر وجود دریاچه‌های فراوان به کشور دریاچه‌ها و یا کشور هزار دریاچه مشهور است.

پرچم: پرچم فنلاند بعد از کسب استقلال این کشور از روسیه در سال ۱۹۱۷ میلادی به وجود آمد. رنگ این پرچم سفید و دارای یک صلیب با رنگ آبی روشن است. صلیب آبی نشانه دریاچه‌های بیشمار و راههای آبی داخل فنلاند است و رنگ سفید نشانه برفهای فراوان و زمستانهای طولانی آن است. علامت رسمی کشور فنلاند در محل تقاطع صلیب به رنگ قرمز و زرد نقش شده که دارای تصویر یک اسب به رنگ طلایی است.

فیجی

فیجی مرکب از ۸۴۴ جزیره کوچک است که در جنوب اقیانوس آرام و در گروه جزایر پولینزی (Polynesia) در ۱۸ درجه عرض جنوبی قرار گرفته است. بدلیل موقعیت مهم ارتباطی جزایر فیجی آن را چهارراه اقیانوس آرام نیز خوانده‌اند. این جزایر نخستین بار در سال ۱۶۴۳ م. به وسیله دریانورد هلندی بنام آبل تاسمان (Tasman) کشف شد و در سال ۱۷۷۴ م. مورد بازدید کاپیتان کوک (Cook) قرار گرفت در سال ۱۸۴۰ م. چارلز ویلکز (Charles Wikes) آمریکایی بدان وارد شد. در سال ۱۸۵۸ میلادی به انگلیس ملحق شد و در سال ۱۹۷۰ به صورت کشوری مستقل درآمد.

نام رسمی این کشور فیجی (Fiji) است و در عرف بین‌الملل نیز به همین نام معروف است. نام دیگر جزایر فیجی، ویتی (Viti) می‌باشد.

پرچم: پرچم کنونی فیجی در سال ۱۹۷۰ طراحی شده است و قبل از آن از پرچم انگلیس استفاده می‌شد. در پرچم امروزی فیجی نشانه‌هایی از استعمار انگلیس به چشم می‌خورد. در گوشه بالا و سمت چپ آن پرچم انگلیس نقش شده است و در آرم روی پرچم شیری وجود دارد که آنهم از انگلیس گرفته شده است. یک شاخه نیشکر، یک درخت نارگیل، یک درخت موز نیز در آرم این کشور در داخل پرچم نقش شده است.

فیلیپین (PI)

مجمع الجزایر فیلیپین از روزگار باستان مسکن اقوام بومی و مهاجری بوده است که هیچگاه دارای چهره‌ی سیاسی واحدی نبوده‌اند. تا قرن شانزدهم میلادی پیروان دین مبین اسلام و آئین بودایی ساکنان عمده‌ی این کشور را تشکیل می‌دادند. تا قبل از قرن شانزدهم میلادی (آغاز تهاجم استعمارگران اسپانیایی) کشور فیلیپین کنونی که مرکب از جزایر بیشماری است شامل سه کشور مسلمان بود. این سه کشور عبارت بودند از سولو، ماگوئینداناگو (Mayuindanao) و مانیلاد. با تهاجم استعمارگران این کشورها سقوط کردند و تنها سولو تا قرن بیستم به مقاومت خود ادامه داد. در طول دوره استعمار مسلمانان به لزوم وحدت سیاسی میان خویش بیش از گذشته واقف شدند. از رهگذر این تحول نام بانگسامورو نیز رواج یافت. بانگ‌مورو نامی است که مسلمانان فیلیپین به کشور خود داده‌اند. این نام اگرچه حاکمیت و رسمیتی نیافته است اما مورد پذیرش و استفاده مسلمانان فیلیپین می‌باشد.

در سال ۱۵۲۱ م. مارٹلان دریانورد اسپانیایی به مجمع الجزایر فیلیپین رسید و آن را سنت لازارو نامید. این نام تا سال ۱۵۴۳ م. باقی بود. پس از آن به نام فیلیپ دوم پادشاه معروف اسپانیا فیلیپین نامیده شد که تا امروزه این نام باقی است. از آنجا که اسپانیایی‌ها مبلغین مسیحی بسیاری به فیلیپین اعزام کردند تعدادی از مردم این کشور به دین مسیحیت درآمدند. این گروه مسیحی شده را فیلیپینو (*Filipino*) نام داده‌اند.

فیلیپین طی چندین قرن بترتیب تحت سلطه‌ی اسپانیا، آمریکا و ژاپن بود و سرانجام در سال ۱۹۴۶ م. با عنوان جمهوری فیلیپین مستقل گردید.

نام رسمی این کشور جمهوری فیلیپین است و در عرف بین‌المللی بدان فیلیپین (*Philippines*) و در زبان محلی فیلیپیناس (*Filipinas*) می‌گویند. بخاطر جزایر بسیار، این کشور به کشور جزیره‌ها و بخاطر استقلال آن در چهارم ژوئیه ۱۹۴۶ م. به کشور چهارم ژوئیه نیز مشهور می‌باشد.

پرچم: پرچم فیلیپین مرکب از سه رنگ است، آبی، قرمز و سفید. قسمت سفید رنگ این پرچم به شکل مثلثی است که قاعده آن ضلع سمت چپ مستطیل را تشکیل می‌دهد و رأس آن به داخل دو رنگ آبی و قرمز پیش رفته است. این پرچم در قسمت سفید مزین به خورشیدی با هشت اشعه است که نشانه «به سوی آزادی» است و علامت نخستین استان این کشور نیز می‌باشد که استقلال خویش را از اسپانیا بدست آورد. سه ستاره نشان‌دهنده تقسیمات کشوری فیلیپین یعنی لوزان، ویزایاس و مینداناو می‌باشد. طراحی این پرچم در سال ۱۸۹۸ میلادی صورت گرفته ولی در سال ۱۹۲۰ میلادی به تصویب رسیده است. لازم به ذکر است که در هنگام جنگ جای رنگهای قرمز و آبی عوض شده و رنگ قرمز در بالای رنگ آبی قرار می‌گیرد.

قبرس

جزیره قبرس از قدیم الایام محل استخراج و صدور مس بوده است و یونانی‌ها آن را کوپروس (*Kuprosi*) می‌نامیدند یعنی مس و اکنون نیز در زبان انگلیسی کوپر (*Copper*) به معنای مس می‌باشد. کلمه کوپروس در زبان عربی به صورت قبرس (*qobros*) درآمده و صورت فارسی آن قبرس (*qebres*) می‌باشد.

جزیره قبرس در سال ۱۹۶۰ م. از سلطه استعماری انگلیس رهایی یافت و جمهوری قبرس نام گرفت که نام رسمی آن نیز می‌باشد. در زبان محلی مردم ترک زبان ساکن قبرس آن را به صورت (*Kibris*) و مردم یونانی زبان (*kiprus*) می‌گویند. در عرف بین‌المللی آن را سایپروس (*Cyprus*) می‌نامند. بخاطر سابقه استخراج مس از جزیره قبرس به نام جزیره مس نیز معروف است.

پرچم: در زمان تسلط استعماری انگلیس بر جزیره قبرس، پرچم انگلیس مورد استفاده قرار می‌گرفت ولی در گوشه آن در داخل یک دایره سفید دوشیر به رنگ قرمز قرار داشت. بعد از کسب استقلال بخاطر وحدت یافتن دو جامعه ترک و یونانی قبرس پرچم جدید طرحی شد که در زمینه‌ای سفید، نقشه‌ای از قبرس با رنگ طلایی دیده می‌شود که دو شاخه سبز زیتون به نشانه صلح در زیر نقشه به چشم می‌خورد. در حال حاضر دو جامعه ترک و یونانی قبرس هریک از پرچم کشورهای ترکیه و یا یونان نیز استفاده می‌کنند.

کامبوج

در قرن اول میلادی کشور کامبوج امروزی به امپراطوری فونان موسوم بود که بخاطر استقرار دولتی به همین نام در آن اسم بکار می‌رفت. در قرن چهارم میلادی قوم *خِمر* (*Xemer*) به کامبوج وارد شدند و این کشور امپراطوری *خِمر* نامیده شد. امپراطوری *خِمر* ده قرن دوام یافت. در قرن نوزدهم میلادی فرانسویان کامبوج را تصرف کردند و آن را به همین نام موسوم ساختند. صورت فرانسوی این نام کامبوج (*Cambodje*) نیز به فارسی وارد شده است. صورت انگلیسی کامبوج، کامبودیا (*Cambodia*) می‌باشد. در منابع فارسی عصر قاجار نام کامبوج به صورت کامبیج ضبط شده است.

نام رسمی این کشور جمهوری خلق کامبوج است و در عرف بین‌المللی بدان کامبودیا می‌گویند. در زبان محلی این کلمه را به صورت کامپوچیا (*Kampuchea*) به کار می‌برند.

پرچم: پرچم کامبوج به رنگ قرمز است که در وسط آن تصویری از معبد معروف و بزرگ آنگکورات (*Angkor Wat*) دیده می‌شود. رنگ قرمز، رنگ رایج در پرچم کشورهای کمونیست است. معبد آنگکورات یکی از بزرگترین پرستشگاههای مذهبی در جهان شمرده می‌شود که در سال ۱۱۷۷ م. بر اثر حمله چامها (*chams*) (— ویتنام) به پایتخت آنروز کامبوج یعنی آنگکور به صورت ویرانه‌ای درآمد. تصویر این معبد در پرچم کامبوج تا قبل از روی کار آمدن کمونیست‌ها به رنگ سفید بود و با وضوح بیشتری معماری آن را تصویر می‌کرد ولی با روی کار آمدن کمونیست‌ها فقط سایه‌ای زرد رنگ از این معبد بر پرچم کامبوج تصویر گردید. در پرچم قبلی، کامبوج

دو نوار آبی در بالا و پائین نوار قرمز مشاهده می‌شد که با روی کار آمدن کمونیست‌ها این دو نوار آبی از روی پرچم کامبوج حذف گردید.

کامرون (TC)

کامرون (*Cameroon*) نام رشته کوه ورودی در سواحل غربی افریقا است که نام کشور کامرون مأخوذ از آن می‌باشد. از آنجا که این رشته کوه فاکو (*Fako*) نیز نامیده می‌شود احتمالاً نام کامرون به وسیله پرتغالیان بدان داده شده است. در زبان پرتغالی کامرون را کامروش (*Cameroes*) می‌گویند. استعمارگران بعدی چون آلمانی‌ها آن را کامرون (*Kamerun*) و فرانسویان کامرون (*Cameroun*) و انگلیسی‌ها کامرون (*Cameroon*) می‌نویسند.

کامرون در سال ۱۸۸۴ م. به تصرف آلمان درآمد و تحت‌الحمایه کامرون نامیده شد. در جریان جنگ جهانی اول این کشور به تصرف انگلستان و فرانسه درآمد و میان آن دو تقسیم شد و یک قسمت کامرون فرانسه و قسمتی دیگر از آن به کامرون بریتانیا موسوم گردید. بریتانیا قسمت متصرفی خود را جزوی از قلمرو افریقای غربی بریتانیا نموده و فرانسه آن را از نظر اداری منضم به افریقای استوایی فرانسه کرد.

کامرون فرانسه در سال ۱۹۶۰ م. مستقل شد و سال بعد با پیوستن کامرون بریتانیا کامرون مستقل گردید نام رسمی جمهوری متحد کامرون بدان اطلاق گشت. نام بین‌المللی این کشور کامرون است و بخاطر قرار گرفتن در انتهای خلیج گینه آن را کشور انتهای خلیج گینه نیز می‌گویند.

پرچم: رنگهای موجود در پرچم کشور کامرون همان رنگهای رایج در پرچم سایر کشورهای افریقایی است. رنگ سبز معمولاً در افریقا نشانه کشاورزی و زمین‌های حاصلخیز و یا جنگل‌هاست و رنگ قرمز نشانه خونی که برای آزادی نثار کرده‌اند و یا حاضرند در دفاع از آن نثار نمایند و رنگ زرد نیز نشانه ثروت‌های معدنی این

کشورهاست. در پرچم کامرون سبز به معنای جنگلهای جنوب، قرمز نشانه قدرت و حاکمیت و زرد نشانه تابش آفتاب یک ملت جدید آفریقایی می‌باشد. در سال ۱۹۷۵ با پیوستن دو بخش کامرون به یکدیگر جمهوری متحد کامرون به وجود آمد. قبل از آن کامرون شامل بخش استقلال‌یافته کامرون فرانسه بود و با اتحاد بخش کامرون انگلیس در زمینه نوار سبز پرچم دو ستاره طلایی به نشانه این دو بخش قرار داشت ولی بعدها دو ستاره مذکور حذف شده و به نشانه کامرون متحد و یکپارچه فقط یک ستاره طلایی در زمینه نوار قرمز در پرچم این کشور نقش گردید که هم‌اکنون پرچم رسمی این کشور را زینت داده است.

کانادا (CDN)

نخستین بار کلمه کانادا را ژاک کارتیه کاشف آن سرزمین در قرن شانزدهم میلادی به کار برد. این کلمه در اصل به صورت کاناتا است که در نزد بومیان آن کشور به معنای دهکده و جامعه می‌باشد. این نام که در ابتدا به آبادی‌های سرخپوست نشین کانادا اطلاق می‌شد بعدها توسط اروپائیان برای تمامی آن کشور رایج گردید.

از آنجا که از مجموع اروپائیان که به کانادا مهاجرت کردند فرانسویان و انگلیسی‌ها از همه مهمتر بودند در سال ۱۷۹۱ م. قانونی در پارلمان انگلستان به تصویب رسید که براساس آن کانادا شامل دو بخش: کانادای علیا (انگلیسی زبان) و کانادای سفلی (فرانسوی زبان) گردید.

بخاطر آنکه کانادا در زمره متصرفات انگلستان بوده است معمولاً آن را آمریکای شمالی انگلیس نیز نامیده‌اند. بخصوص آنکه در سال ۱۸۴۰ دو بخش کانادای علیا و سفلی به یکدیگر ملحق شدند لذا به منظور استقلال آن در امور داخلی بدان خودمختاری داده شد و عنوان دومینیون کانادا (*Dominion of Canada*) یافت. دومینیون به معنای تحت‌الحمایه است ولی منظور از آن استقلال در امور داخلی و تابعیت از انگلیس در امور خارجی است. بعدها کانادا مستقل گردید و مقام عالی آن یعنی فرماندار کل از جانب ملکه انگلیس حکم خود را دریافت می‌کرد. نام رسمی این کشور، کانادا می‌باشد و در عرف بین‌الملل بدان کندا (*Canada*) می‌گویند. کانادا به سرزمین برگ چنار (بخاطر شباهت نقشه این کشور به برگ چنار)، ارض جدید و انبار غله دنیا (بخاطر تولید فراوان غله) مشهور می‌باشد.

پرچم: کانادا نخستین منطقهٔ ماورأ دریاها است که انگلیس‌ها در سال ۱۸۶۹ م. بدان اجازه دادند از علامت خاص خویش استفاده کند. این علامت شامل سپری با چهار قسمت بود که هریک نشانهٔ یکی از استانهای وقت کانادا (اونتاریو، کبک، نواسکاتیا و نیوبرونزویک) بود. در سال ۱۹۲۱ علامت دیگری جایگزین علامت قبلی شد که در آن یک شیر انگلیس، شیر اسکاتلند، چنگ ایرلند و بنفشه‌های فرانسوی و نیز برگ چنار کانادا بچشم می‌خورد.

در سال ۱۹۶۵ پرچم جدید کانادا با برگ چنار قرمز رنگی بر زمینهٔ سفید و دو نوار قرمز در جوانب رنگ سفید ابداع شد و مورد استفاده قرار گرفت.

در سال ۱۹۶۱ نیز پرچم شخص ملکهٔ انگلیس برای کانادا به تصویب رسید که در وسط آرم رسمی این کشور حلقهٔ گلی قرار می‌گرفت که در زمینهٔ آبی آن تاج ملکهٔ الیزابت و حرف (E) لاتین به رنگ طلایی دیده می‌شود. لازم به تذکر است که هریک از ایالات کانادا (کبک، نواسکاتیا، نیوبرونزویک، پرنس ادوارد آیلند، نیوفوندلند، اونتاریو، مانیتوبا، ساسکاچوان، آلبرتا و بریتیش کلمبیا و نیز قلمرو شمال غربی و یوگون) دارای علائم و پرچمهای ویژه خود می‌باشند که تاریخ ثبت پرچم آنها به شرح زیر است:

آلبرتا (۱۹۶۸)، بریتیش کلمبیا (۱۹۶۰)، نیوفوندلند (۱۹۷۹)، نواسکاتیا (۱۹۲۹)، مانیتوبا (۱۹۶۶)، نیوبرونزویک (۱۹۶۵)، قلمرو شمال غربی (۱۹۶۴)، پرنس ادوارد آیلند (۱۹۶۴)، اونتاریو (۱۹۶۵)، کبک (۱۹۴۸)، ساسکاچوان (۱۹۶۹)، یوگون (۱۹۶۸).

لازم به تذکر است که برگ چنار بیش از یک قرن است که سمبل کشور کانادا بشمار می‌آید.

کره

در هزارهٔ دوم قبل از میلاد اقوامی به نام پوپو به شبه‌جزیرهٔ کره مهاجرت کردند و کشوری برای خویش تأسیس کردند. این کشور چوزن نام داشت که به معنای سرزمین صبح آرام یا سرزمین آرامش بامدادی است. در زبان کره‌ای چوزن را به صورت چوسون (*Choson*) و در زبان ژاپنی چوسن (*Chosen*) یا تیوسن (*Tyosen*) به کار برده‌اند.

کره در طول تاریخ خود اعصار متعددی را از استقلال تا تسلط بیگانگان از سر گذرانیده چنانکه چینی‌ها مدتهای طولانی بر آن حکومت کردند. در طول قرن هشتم میلادی قسمتی از شبه‌جزیره کره در سمت جنوب، سیلا (*Silla*) نامیده شد و قسمت‌هایی از شمال آن به پوهایی (*Po Hai*) موسوم گردید.

در قرن دهم میلادی سلسله‌ای به نام کوریو در این کشور قدرت را به دست گرفت. همین نام از آن پس به وسیلهٔ اروپائیان به عنوان نام این سرزمین بکار گرفته شده و لغت کره‌آ (*Korea*) از آن ساخته شده است. در زبان فارسی امروزه آن را بصورت کره می‌نویسند و در گذشته به شکل کوره می‌نوشته‌اند.

در قرن هفدهم کره به زیر سلطهٔ چین رفت و به مملکت منزوی موسوم گردید. لازم به تذکر است که منزوی در روزگار تسلط مغولان بر چین به صفحات جنوبی چین اطلاق می‌شده است.

ر سال ۱۹۴۸ م. در پی تحولات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی، بخش شمالی کره دارای مرام سوسیالیستی شد و جمهوری دمکراتیک خلق کره نام گرفت. این کشور که دارای عنوان رسمی جمهوری دمکراتیک خلق کره می‌باشد در عرف بین‌الملل به کره شمالی (North Korea) مشهور شده و در زبان لاتین بدان نورکره آ (Norkorea) گویند. در زبان محلی چوسون مینچوچویی (Choson Minchuchui) یا چویی اینمن کونگ هوا (chui Inmn Kong Hwa) نامیده می‌شود. کره شمالی به کشور بالای مدار نیز معروف است زیرا در بالای مدار ۳۸ درجه شمالی قرار گرفته و در امتداد این مدار از کره جنوبی جدا می‌شود.

در همان سال ۱۹۴۸ م. به دلایلی که ذکر شد جمهوری کره نیز به وجود آمد. این کشور که به طور رسمی جمهوری کره نامیده می‌شود در عرف بین‌الملل به کره جنوبی (South Korea) موسوم است و نام محلی آن چوسون وتائه هان مین گوک (Tae Min Gok) می‌باشد. در زبان لاتین کره جنوبی را سود کره آ (Sud Korea) می‌گویند و مشهور به کشور زیر مدار است زیرا در پائین مدار ۳۸ درجه شمالی قرار گرفته است.

پرچم: الف: کره شمالی — پرچم کره شمالی دارای رنگهای باستانی کشور کره است این پرچم دارای دو نوار آبی در بالا و پائین و یک نوار قرمز پهن در وسط است که احتمالاً نشانه دمکراسی است. نوار قرمز بوسیله دو حاشیه سفید از رنگهای آبی جدا شده و در سمت چپ نوار قرمز در داخل دایره‌ای سفید ستاره‌ای قرمز رنگ وجود دارد که علامت حزب کمونیست در کره شمالی است. این پرچم در سال ۱۹۴۸ تصویب شده است.

ب: کره جنوبی — پرچم ملی کره جنوبی (تای گوکی) دارای مفاهیم فلسفی و عقیدتی مردم کره است. زمینه این پرچم سفید و نشانه صلح است. علامتی که در وسط پرچم دیده می‌شود از دو رنگ قرمز و آبی تشیل شده و تای گوک نام دارد. کره‌ای‌ها گاهی پرچم خود را تای گوک نیز می‌نامند. دایره وسط این پرچم به دو قسمت کاملاً برابر تقسیم شده و قسمت بالای آن یانگ (Yang) و قسمت پائین آن آم (Um) نام دارد. این دو قسمت سمبل دوگانگی در جهان می‌باشد که مضامینی از قبیل خوبی و بدی، زن و مرد، شب و روز، مرگ و زندگی، بودن و نبودن و غیره را در بر می‌گیرد. این

دایره سمبل حرکت پایدار در بیکرانگیها شمرده شده است. تای گوک در لغت به معنای ابدیت و جاودانگی می‌باشد.

در قسمت بالای پرچم (Yang) و سمت چپ سه نوار ممتد وجود دارد که سمبل آسمان است و در سمت راست دو نوار شکسته و یک نوار ممتد در وسط سمبل آتش است. در قسمت پائین پرچم (Um) در سمت راست سه نوار شکسته وجود دارد که سمبل زمین می‌باشد و در سمت چپ دو نوار ممتد و یک نوار شکسته در وسط سمبل آب است بنابراین آسمان و آتش در بالا و زمین و آب در پائین قرار می‌گیرند. نشان تای گوک رویهمرفته حامل مفهوم زیر است: جاودانگی از ناشناخته‌ها و دگرگونی‌ها از جاودانگی پدیدار می‌شوند. این پرچم در سال ۱۹۵۰ میلادی تصویب شده است.

کستاریکا (CR)

سرزمین کستاریکا به وسیله کریستف کلمب کشف گردید. همراهان اسپانیایی کلمب که سخت در جستجوی طلا و جواهرات بودند این سرزمین را کستاریکا نامیدند که به معنای ساحل ثروتمند است. کستاریکا پس از کشف و استقرار مهاجران اسپانیایی به ترتیب فرمانداری کل گواتمالا، مکزیک، ایالات متحد آمریکای مرکزی بوده (— هندوراس) و در اواسط قرن نوزدهم با نام جمهوری کستاریکا مستقل و مجزا شده است. نام رسمی این کشور جمهوری کستاریکا است. این کشور را کوستاریکا و کاستاریکا نیز می‌نویسند. نام بین‌المللی آن کستاریکا (*Costa Rica*) می‌باشد.

پرچم: در سال ۱۸۲۳ پنج کشور آمریکای مرکزی رنگ‌های آبی و سفید را به عنوان رنگ پرچمهای خود پذیرفتند (دیگر کشورها عبارت بودند از السالوادور، گواتمالا، هندوراس و نیکاراگوا). کشور کستاریکا بعدها برای تمایز خود از کشورهای مذکور نوار قرمز رنگی را به رنگهای فوق افزود و بدین ترتیب رنگهای پرچم کستاریکا از بالا به پائین آبی، سفید، قرمز، سفید و آبی است ولی پهنای نوار قرمز ۲ برابر رنگهای دیگر است.

کلمبیا (CO)

نام کلمبیا از نام کاشف معروف قاره آمریکا کریستف کلمب گرفته شده است. از آنجا که کریستف کلمب تا پایان عمر خویش متوجه کشف قاره جدید نشده بود و آن را هند و یا یکی از سرزمینهای آسیایی می‌دانست قاره جدید به نام امریکو و سپوچی آمریکا نامیده شد که قبل از همه متوجه این مسئله شده بود. (← ایالات متحده آمریکا) اما در همان اوایل امر گروهی بر این باور بودند که نامگذاری قاره جدید سزاوار کلمب است اما دیگر دیر شده بود و کلمه آمریکا رایج شد. بعدها مهاجران اسپانیایی علاقمند به کلمب، قسمتی از آمریکای جنوبی را بنام کلمب، کلمبیا نامیدند. در منابع دوره قاجاریه این نام بصورت کلمبی و کلومبی ضبط شده است.

کلمبیا در اوایل تاریخ خود جزء نایب السلطنه نشین (فرمانداری) گرانادی جدید بود. گرانادا (غرناطه) نام یکی از مناطق کشور اسپانیا است. فاتحان و مهاجران اسپانیایی، شمال آمریکای جنوبی را که شامل ونزوئلا، پاناما، کلمبیا و گاهی اکوادور کنونی می‌شده به نام گرانادای جدید می‌نامیده‌اند.

در اوایل قرن نوزدهم با مساعی سیمون بولیوار (Simon Bolivar) که معروف به پدر استقلال آمریکای لاتین است، فرمانداری گرانادای جدید پایان گرفت و کشور گرانادای جدید بصورت مستقل تأسیس شد که بزرگتر از کلمبیای امروزی بوده و این کشور (کلمبیا) با نام پادشاهی گرانادای جدید بخشی از قلمرو آن بشمار می‌رفت. در سال ۱۸۱۹ میلادی، گرانادی جدید، جمهوری کلمبیا نامیده شد.

جمهوری کلمبیا چند سال بعد با تصرف اکوادور توسعه یافت و نام آن به جمهوری کلمبیای بزرگ تغییر داده شد (۱۸۲۱ م.). عمر جمهوری کلمبیای بزرگ کوتاه بود و

کشورهای ونزوئلا، اکوادور، و پاناما به ترتیب از آن جدا شدند در نتیجه در نام این کشور نیز تغییراتی رخ داد بطوری که در سال ۱۸۵۸ م. به کنفدراسیون گرانادا (*Granada Confederation*) و در سال ۱۸۶۳ به ایالات متحده کلمبیا (*United States of Colombia*) و سرانجام در سال ۱۸۸۵ م. به جمهوری کلمبیا (*Republic of Colombia*) موسوم گردید. نام رسمی کلمبیا جمهوری کلمبیا می‌باشد و در عرف بین الملل بدان کلمبیا گویند. این کشور به کشور کلمب و گرانادا نیز مشهور می‌باشد. در زبان فارسی آن را بصورت کولومبیا نیز نوشته‌اند.

پرچم: پرچم کلمبیا در سال ۱۸۰۶ م. و در جریان مبارزات استقلال طلبانه مردم کلمبیا از حاکمیت اسپانیا طراحی شده است و رنگ‌های آن نیز حکایت از این مبارزات دارد. طراح این پرچم فرانسیسکو د میراندا (*Fransisco de Miranda*) از قهرمانان امریکای لاتین بود. در این پرچم رنگ زرد به نشانه ملت کلمبیا، رنگ آبی نشانه دریا و رنگ قرمز نشانه حاکمان تشنه‌بخون اسپانیایی است که به وسیله رنگ آبی دریا از ملت کلمبیا جدا شده است. پهنای نوار زرد رنگ دو برابر رنگ آبی و قرمز است و در پرچم رسمی این کشور یک ستاره سفید که در داخل یک بیضی آبی رنگ قرار گرفته در وسط پرچم نقش می‌گردد.

کنگو (RCB)

کنگو نام رودی بزرگ در افریقا است که از شرق این قاره سرچشمه گرفته و در غرب آن به اقیانوس اطلس می‌ریزد، معمولاً زمینهای اطراف این رود را کنگومی نامند احتمالاً کنگو در اصل به معنای ساکنان اطراف این رود بود، زیرا کلمه با کنگو که در منابع تاریخ افریقا به کار می‌رود به معنای کنگویی‌ها است با در زبان محلی مردم آن سرزمینها ازادات جمع می‌باشد.

کنگو تا قبل از استعمار اروپائیان کشوری بزرگ و مقتدر بود به طوری که علاوه بر نواحی اطراف رود کنگو، تا حوالی آنگولا را نیز دربرمی‌گرفت. فرانسه در قرن هفدهم کنگو را تصرف کرد و بهمین جهت این کشور به نام کنگوی فرانسه موسوم گشت. پس از چندی آن را کنگوی وسطای فرانسه نامیدند که این نام تا سال ۱۹۵۸ م. رایج بود. از سال ۱۹۱۰ که افریقای استوایی فرانسه مرکب از چند کشور افریقایی به وجود آمد کنگو نیز جزو آن بود.

کشور کنگو در سال ۱۹۵۸ م. استقلال خویش را کسب نمود و جمهوری کنگو نامیده شد، سپس در سال ۱۹۶۱ نام آن به جمهوری خلق کنگو تغییر یافت. کنگو را کنگوی برازاویل (بخاطر نام پایتخت آن برازاویل)، کشور جنگلی (بخاطر وجود جنگلهای وسیع)، کنگوی وسطی و کنگوی میانه نیز گفته‌اند.

نام رسمی کنگو، جمهوری خلق کنگو است و بهمین جهت به نام کنگوی خلق نیز مشهور است. نام بین‌المللی این کشور کانگو (کنگو/Congo) است.

پرچم: پرچم کنگو در سال ۱۹۵۸ م. شامل دو مثلث سبز و قرمز بود که یک نوار طلایی این دو مثلث را از یکدیگر جدا می‌ساخت.

در سال ۱۹۶۱ کشور کنگو به جمهوری خلق کنگو تغییر نام داد و با استفاده از

رنگهای پرچم قبلی و پرچم کشورهای افریقایی یک پرچم جدید را انتخاب کرد که شباهتی با پرچم کشورهای کمونیستی داشته باشد. پرچم این کشور در حال حاضر از یک رنگ قرمز زمینه تشکیل شده که در بالای سمت چپ آن دو خوشه گندم سبزرنگ قرار دارند. بالای این خوشه‌های گندم ستاره زرد (به نشانه کمونیسم) و در پایین آن چکش و کج بیل نقش شده که چکش نشانه صنعت و کج بیل نشانه کشاورزی می‌باشد.

کنیا (EAK)

نام کنیا خود از نام کوه کنیاست که از کوه‌های مرتفع در مشرق افریقا می‌باشد. در طول قرون متمادی کنیا از نظر نام و حکومت جزئی از دولتهای ساحل شرقی افریقا چون زنگبار بوده است و از سال ۱۹۲۰ بود که نام کنیا رواج یافت. چون کشور کنیا در چند قرن اخیر مستعمره انگلستان بود، و بهمین جهت نیز جزئی از افریقای شرقی انگلیس به‌شمار می‌رفته است. کشور کنیا در سال ۱۹۶۳ م. استقلال خود را پس از مبارزه‌ای سخت با استعمار انگلیس بدست آورد.

کشور کنیا بخاطر وجود کوه‌های متعدد و از جمله کوه‌های کنیا به کشور کوهستان معروف است. همچنین به‌خاطر جنبش ضد استعماری مائوماو (Mao Mao) در طول سالهای مبارزه برای کسب استقلال، به کشور مائوماو نیز اشتهار یافته است.

نام رسمی کنیا، جمهوری کنیا (Republic of Kenia) است و در عرف بین‌الملل آن را کینیا/کنیا (Kenia) می‌نامند.

پرچم: پرچم کنیا براساس پرچم اتحادیه ملی آفریقائی کنیا (The Kenya African National Union) طراحی شده. این حزب رهبری مبارزات استقلال طلبانه کنیا را برعهده داشته است. پرچم حزب مذکور در سال ۱۹۵۱ طراحی شده بود. رنگ سیاه در این پرچم نشانه مردم سیاه‌پوست کشور، قرمز نشانه خون ایتار شده برای استقلال و سبز نشانه زمین است. رنگ سفید نشانه وحدت شمرده شده است.

در وسط پرچم کنیا یک سپر جنگجویان ماسایی (Masai) از مردم کنیا دیده می‌شود و دو نیزه در کنار این سپر نشانه دفاع از آزادی می‌باشد.

کوبا (C)

جزیرهٔ امروزی کوبا در سال ۱۴۹۲ م. به وسیلهٔ کریستف کلمب برای اسپانیا کشف شد و وی آن را جزیرهٔ جوانا (*Juana*) نامید که احتمالاً بخاطر جوانا، دختر پادشاه اسپانیا این نامگذاری صورت گرفته است. نام این کشور در سال ۱۵۰۸ م. رسماً تغییر یافت و فرناندینا (*Fernandina*) نامیده شد، این نام بخاطر بزرگداشت فردیناند پنجم پادشاه اسپانیا بدان داده شد. اما به زودی نام کوبا رواج یافت که کوتاه شدهٔ نام شهری بنام سانتیاگو کوبا (*Santiago de Cuba*) می‌باشد.

کوبا پس از قرن‌ها تسلط اسپانیا و ایالات متحدهٔ آمریکا در سال ۱۹۰۲ م. استقلال یافت و جمهوری کوبا نام گرفت که نام امروزی و رسمی آن است. نام بین‌المللی این کشور کوبا (*Cuba*) است که در زبان محلی اسپانیایی آن را کووا (*Coova*) می‌گویند. کشور کوبا را بخاطر تولید زیاد سیگار برگ، کشور سیگار برگ و بخاطر اهمیت اقتصادی در دریای آنتیل مروارید آنتیل یا مروارید جزایر آنتیل گویند. چون کشور کوبا در داخل دریای کارائیب همچون گوشواره‌ای به نظر می‌رسد آن را گوشوارهٔ کارائیب نیز گفته‌اند.

پرچم: در سال ۱۸۴۹ م. و قبل از جنگ ایالات متحده آمریکا با اسپانیا بر سر تسلط بر کوبا، یک میهن‌پرست کوبایی تبعیدی، برای پرچم کشور خود یک تک ستاره را در نظر گرفت که در آمریکای مرکزی می‌درخشد. او پرچم این کشور را طراحی نمود ولی تا قبل از سال ۱۹۰۲ م. و کسب استقلال کوبا این پرچم رواج عمومی نیافت. مثلث قرمز در پرچم کشور کوبا نشانهٔ آزادی می‌باشد و تک ستاره نشانهٔ شکوه و جلال و استقلال شمرده شده است.

کومور

کومور مجموعه جزایری در افریقای شرقی در میان تنگه موزامبیک است که در حدفاصل جزیره ماداگاسکار و کشور موزامبیک قرار گرفته است. کشور کومور مرکب از سه جزیره اصلی به نامهای کومور، موهللی و آنژون می‌باشد. جزایر مذکور در سال ۱۹۷۵ میلادی از قید استعمار رهایی یافته و با نام جمهوری اسلامی کومور استقلال یافتند. اطلاق کومور به این کشور تازه استقلال یافته بخاطر جزیره کومور بوده است. نام رسمی کومور، جمهوری فدرال اسلامی کومور (*Comor Islands*)، است و در عرف بین‌المللی بدان کامور ایلندز (مجمع‌الجزایر کومور) می‌گویند. این کشور را به صورت‌های کوموروس (*Comoros*) و کومورو (*Comoro*) نیز نوشته‌اند.

پرچم: پرچم کومور بعد از استقلال این کشور از فرانسه در سال ۱۹۷۵ طراحی شده و نشاندهنده مسلمان بودن مردم این کشور است زیرا در آن از رنگ سبز که در پرچم کشورهای اسلامی به کار می‌رود و علائم ماه و ستاره استفاده شده است. ستاره‌های چهارگانه نشانه چهار جزیره کومور است. لازم به تذکر است علاوه بر سه جزیره عمده‌ای که قبلاً نام برده شد جزیره مایوت (*Mayotte*) نیز در گروه جزایر کومور قرار می‌گیرند که هنوز تحت استعمار فرانسه است و همراه با سه جزیره کومور مستقل نشده است.

کویت (KT)

کویت به معنای قلعه (دژ) کوچک است و مأخوذ از کلمه کوت می‌باشد که تصغیر شده و به صورت کویت درآمده است. در مورد اینکه کلمه کوت عربی است یا هندی منابع متفق نیستند. در نواحی اطراف خلیج فارس اسامی برخی مکانها دارای کلمه کوت است مثل کوت العماره، کوت عبدالله. در هند نیز چنین مواردی به چشم می‌خورد مثل کالی کوت، سیال کوت و...

کویت به معنای قلعه کوچک از زمانی به این سرزمین اطلاق شد که کمپانی هند شرقی انگلیس، به منظور حفاظت و گسترش تجارت خود در خلیج فارس اقدام به ساختن قلعه‌ای در محل شهر کویت امروزی کرد. این امر در سال ۱۷۱۶ صورت گرفت. بدین جهت بیشتر احتمال داده می‌شود اصل این کلمه هندی باشد. سرزمینی که از آن زمان کویت نامیده شد در طول تاریخ جزئی از قلمروهای سیاسی و طبیعی شمال شبه جزیره عربستان بوده است. با انعقاد معاهدات سیاسی میان نمایندگان انگلستان و امیران کویت هویت سیاسی و ارضی این کشور مشخص شده و سرانجام در سال ۱۹۶۱ کویت استقلال یافت. نام رسمی آن دولة الكويت است که در عرف بین‌المللی بدان کویت (Kuwait) می‌گویند.

پرچم: رنگ‌های پرچم کویت همان رنگهای رایج بین کشورهای عربی یعنی سبز، سفید و قرمز است و در کناره سمت چپ آن رنگ سیاه بین نوارهای سه رنگ فوق قرار می‌گیرد.

گابون (GAB)

گابون کشوری آفریقایی است که بر روی خط فرضی استوا قرار گرفته و رود گابون تقریباً سراسر آن را مشروب می‌سازد. نام کشور گابون از همین رود گرفته شده است. گابون در اواخر قرن پانزدهم به وسیله پرتغالیها کشف شد. و بعداً به تصرف فرانسه درآمد. بدین ترتیب در دوره استعمار فرانسه گابون از جمله مستعمرات آن کشور بود و در فاصله سالهای ۱۸۹۱م. تا ۱۹۱۰م. با کنگوی فرانسه، چاد و آفریقای مرکزی مجموعاً آفریقای استوایی فرانسه را تشکیل می‌داد.

کشور گابون باضافه کشورهای یاد شده و دو کشور توگو و کامرون و نیز هشت کشور دیگر مستعمره فرانسه در آفریقای غربی، آفریقای سیاه فرانسه نیز نامیده می‌شدند. گابون در سال ۱۹۶۰م. مستقل شد و جمهوری گابون (*Republique Gabonaise*) نام گرفت که نام رسمی آن بزبان فرانسوی است. نام بین‌المللی این کشور گابون (*Gabon*) است که به صورتهای *Gabun* و *Gaboon* نیز نوشته می‌شود. بخاطر قرار رفتن کشور گابون در روی خط استوا و گرمای دایمی آن را کشور گرم نیز نام داده‌اند.

پرچم: پرچم کشور گابون موقعیت جغرافیایی این کشور را نیز نشان می‌دهد. پرچم این کشور مشتمل بر سه نوار رنگی سبز، زرد و آبی است که نوار زرد در آن نشانه خط استوا است که از میان جنگلهای سبز (نوار سبز بالایی) و آبهای عمیق (نوار آبی پایینی) می‌گذرد. این پرچم در سال ۱۹۶۰ و با استقلال گابون از فرانسه طراحی شده است.

گامبیا (WAG)

نام کشور گامبیا از رود گامبی (گامبیا) گرفته شده است، این رود از سراسر خاک گامبیا می‌گذرد و کشور گامبیا به صورت باریکه‌ای در دو طرف کناره‌های این رود قرار گرفته است.

کشور گامبیا در طول دوره استعمار همراه با نیجر، کامرون، غنا و سیرالئون به افریقای غربی بریتانیا موسوم بود. در همان حال از سال ۱۸۸۸ م. تا ۱۹۶۵ م. بدان مستعمره فرمانگزار گامبیا اطلاق می‌گردید. کشور گامبیا در سال ۱۹۶۵ م. استقلال خویش را کسب نمود و در سال ۱۹۷۰ م. به جمهوری گامبیا (Gambia) موسوم گشت. گامبیا بخاطر شکل طویل و باریک آن به سرزمین دراز مشهور است. همچنین بخاطر پیوستگی سرزمین و تاریخ گامبیا با سنگال، بدان سنگامبیا (Senegambia) نیز گفته‌اند.

نام رسمی آن جمهوری گامبیاست و در عرف بین‌المللی بدان گامبیا می‌گویند.
پرچم: پرچم گامبیا در سال ۱۹۶۵ م. به اهتزاز درآمد. این پرچم مرکب از رنگ‌های قرمز، آبی، سبز و سفید است. رنگ آبی در بین رنگهای قرمز و سبز قرار گرفته و نشانه رود گامبیا (Gambia River) است که از میان این کشور جریان دارد. رنگ آبی به وسیله دو نوار باریک سفید از رنگهای قرمز و سفید جدا شده است.

گواتمالا (GCA)

گواتمالا در اوایل قرن شانزدهم بوسیله دریانوردان اسپانیایی کشف شد. کلمه گواتمالا از نام (Guatuso) گرفته شده که نام قبیله‌ای در این کشور می‌باشد که کاشفان اسپانیایی با آنها روبرو شدند. این کشور ابتدا جزئی از فرمانداری کل گواتمالا بود بعد به ترتیب جزء مکزیک و استانهای متحد آمریکای مرکزی شد و به همین نامها نیز موسوم بود (— هندوراس) تا آنکه در اوایل قرن نوزدهم مجزا و مستقل شد (۱۸۲۱ میلادی).

نام رسمی گواتمالا، جمهوری گواتمالا می‌باشد و در عرف بین‌الملل آن را گواته‌مالا می‌خوانند. گواتمالا به کشور یوکاتان (بخاطر قرار گرفتن در شبه جزیره یوکاتان)، کشور رابط (بخاطر قرار گرفتن بین آمریکای مرکزی و جنوبی) و کشور کودتاها (بخاطر وقوع کودتاهای متعدد) نیز مشهور می‌باشد.

پرچم: گواتمالا نیز از رنگهای رایج در پرچم کشورهای آمریکای مرکزی (آبی و سفید) استفاده می‌کند ولی تفاوت آن با پرچم کشورهای مذکور در این است که رنگهای آبی و سفید به صورت عمودی قرار می‌گیرند. طرح این پرچم به صورت کنونی مربوط به سال ۱۹۷۱ میلادی است. در نوار سفید وسط پرچم گواتمالا نشان رسمی این کشور نقش می‌گردد که شامل تصویر کوتزال (پرنده زیبای آمریکای مرکزی) با دم دراز است که سمبل آزادی می‌باشد. رنگ پرهای این پرنده زرد، قرمز و سبز است. این پرنده بر بالای لوحه استقلال گواتمالا از اسپانیا نشسته و در روی این لوح تاریخ استقلال این کشور (۱۵ سپتامبر ۱۸۲۱) نوشته شده است. حلقه‌های گل و دو تفنگ نیز جزو نشان رسمی گواتمالا می‌باشند.

گینه

کلمهٔ «گینه» در نام چندین کشور (جمهوری انقلابی گینه، گینهٔ استوایی، گینه بیسائو، گینه نو) وجود دارد.

کلمهٔ گینه تا قرن پانزدهم میلادی رایج نبوده و از این قرن توسط پرتغالیها رواج پیدا کرد و سپس توسط دیگر اروپائیان نیز به کار برده شده است چنانکه انگلیسی‌ها آن را گینی (Guinea)، فرانسویان گنا (Guinee)، اسپانیایی‌ها گنی (Guinea) و پرتغالیها گنا (Guine) می‌گویند.

پرتغالی‌ها اولین گروه از اروپائیان بودند که در امر اکتشافات جغرافیایی پیشقدم شدند و از اواسط قرن پانزدهم میلادی در امتداد سواحل غربی آفریقا به منظور دور زدن آفریقا و رسیدن به مشرق‌زمین شروع به حرکت کردند. آنان سواحل غربی آفریقا از دهانهٔ رود گامبیا تا رود گابون را گینه می‌نامیدند. از سال ۱۴۴۱ م. پرتغالیان اکتشاف سواحل غربی آفریقا را آغاز کردند و تا سال ۱۴۷۲ م. سواحل حدفاصل گامبیا تا گابون را کشف نمودند. سواحلی که در قسمت شمالی دهانهٔ رود گامبیا قرار داشت به واسطهٔ تماسها و برخوردهای پرتغالیها با اعراب و بربرهای آفریقای شمالی برایشان مکشوف و معلوم بود. سواحلی که در جنوب دهانهٔ رود گابون قرار داشت نیز پس از سالهای ۱۴۷۲ م. کشف شد که بخاطر وجود پادشاهی‌های کنگو و آنگولا (— کنگو و آنگولا) آخرالامر بر آنها نامهای کنگو، آنگولا و... اطلاق شد اما تا مدتی نام گینه نیز به آنها داده می‌شد. لذا سواحلی غربی آفریقا موسوم به گینه از نخستین اکتشافات اروپائیان و خصوصاً پرتغالیان بوده است که در عین حال مرموز و ناشناخته بود ولی منبع ثروت و برده نیز محسوب می‌شد. ظاهراً پرتغالیان نام گینه را از پادشاهی قدیمی این قسمت اخذ

کرده‌اند آنچنانکه بعدها در مورد نامگذاری آنگولا و کنگو نیز این امر تحقق یافت. اما به‌درستی معلوم نیست که پادشاهی گینه در کدام قسمت از سواحل غربی آفریقا در حدفاصل دهانه رود گامبیا تا دهانه رود گابون استقرار داشته که خصوصاً و مقدمتاً نام گینه بر آن اطلاق شده است. به همین جهت کاربرد لغت گینه در نزد اروپائیان بیشتر صورت ساحل ناشناخته را داشته است چنانکه اغلب آن را به صورت ساحل گینه به کار می‌برند و حتی نه‌تنها در مورد قسمتی از غرب آفریقا بلکه در مناطقی دیگر از جهان نیز آن را به کار برده‌اند.* کاربرد کلمه گینه به صورت اشاره به جایی مبهم و آنسوی دریاها آشکال دیگری نیز دارد چنانکه در ایالات متحده آمریکا، ایتالیایی‌های مهاجر را گینه‌ای می‌نامند و در انگلستان پول خرد را گینی (*Guinee*) می‌خوانند زیرا این نوع پول از سال ۱۵۵۳ م. در انگلستان رایج شد و آن هنگامی بود که تجار انگلیسی محموله‌ای قابل توجه از طلا را از سواحل گینه در غرب آفریقا به انگلستان بردند و با آن این سکه‌ها را ضرب نمودند.

گفتیم که در عصر استعمار سواحل غربی آفریقا حدفاصل دهانه رود گامبیا تا دهانه رود گابون، گینه و به عبارت صحیح‌تر ساحل گینه نامیده شد. ساحل گینه خود شامل دو بخش عمده بود. از گامبیا تا کامرون گینه علیا (*Upper Guinea*) از کامرون و تا جنوب آنگولا گینه سفلی (*Lower Guinea*) نامیده می‌شد. بعدها طی تحولات تاریخ استعمار، ساحل گینه (اعم از علیا و سفلی) نامهای خاص به خود گرفت مثل ساحل عاج، ساحل طلا، ساحل برده، گینه پرتغال، گینه فرانسه، گینه اسپانیا، گینه بیسائو، کامرون و... اروپائیان ساکنان سیاه‌پوست ساحل گینه را که منبع اصلی تهیه برده طی چند قرن به شمار می‌آمد، گینه‌ای می‌نامیدند.

* مثلاً گینه نو در اقیانوس هند و یا در مورد گویان. گویان در شمال شرقی آمریکای جنوبی و در ساحل اقیانوس اطلس قرار دارد. اسپانیایی‌ها در سال ۱۴۹۹ م. گویان را کشف کردند و تا مدت‌ها حقیقت اراضی کشف شده در غرب اقیانوس اطلس را نمی‌دانستند. آنان قسمتهایی از این سواحل را گایان/گان (*Guiana*) می‌خواندند که شباهت املاء و تلفظ آن با گینه (*Guinea*) قابل توجه است. از سال ۱۹۶۶ م. گایان به صورت گویان (*Guyana*) یا گیانه رایج شده است.

جمهوری گینه (RG)

این کشور در ساحل غربی افریقا قرار دارد و همسایگان آن در شمال سنگال و از شمال و شمال شرقی مالی، از شرق و جنوب شرق ساحل عاج و از جنوب و جنوب شرقی لیبیا و سیرالئون هستند. جمهوری گینه را سابقاً گینه فرانسه (*Guinee Francaise/French Guinea*) می‌گفتند و از مستعمرات فرانسه به‌شمار می‌آمد. در روزگار قبل از استعمار جمهوری گینه امروزی جزئی از سنگال بود که در آن هنگام آن را رودهای جنوبی می‌نامیدند زیرا رودهای جنوبی سنگال از آنجا سرچشمه می‌گرفتند و به همین جهت آن را کشور سرچشمه نیز گفته‌اند. در قرن نوزدهم فرانسویان موفق شدند این سرزمین را تصرف کنند و از سال ۱۸۹۳ م. آن را مستعمره گینه فرانسه می‌نامیدند. مستعمره گینه فرانسه از سال ۱۹۰۴ م. جزئی از افریقای غربی فرانسه محسوب می‌شد. سرانجام در سال ۱۹۶۰ م. کشور گینه استقلال یافت و عنوان جمهوری انقلابی خلق گینه نام رسمی آن انتخاب شد. در فاصله سالهای ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۰ این کشور با مالی و غنا اتحادیه‌هایی را به وجود آورد که دوامی نیافت. نام بین‌المللی این کشور گینی (*Guinea*) می‌باشد.

پرچم: رنگهای پرچم گینه قرمز، زرد و سبز است ولی طرز قرار گرفتن این سه رنگ به شکل عمودی بوده و خلاف پرچمهای مالی و سنگال می‌باشد. قانون اساسی گینه در سال ۱۹۵۸ رنگهای پرچم کشور گینه را بدین صورت توصیف کرده است: قرمز سمبل فداکاری و کار، زرد نشانه ثروت و عدالت و خورشید و سبز علامت جنگل و وحدت مردم گینه می‌باشد.

لازم به یادآوری است که رنگهای مذکور علامت پان‌افریکانیسم (وحدت افریقائی) نیز می‌باشد.

گینه استوایی (E)

این کشور در غرب قاره آفریقا و در مجاورت خط استوا قرار گرفته است و همسایگان آن از شمال کامرون و از جنوب و جنوب شرق گابون می‌باشند در غرب گینه استوایی نیز اقیانوس اطلس قرار دارد که خلیج گینه دریایی از پیشرفتگی اقیانوس مذکور در داخل قاره آفریقا محسوب می‌شود.

کشور گینه استوایی مدتها از مستعمرات اسپانیا به شمار می‌آمد و نام آن گینه اسپانیا (*Spanish Guinea*) و یا به عبارت دیگر مستعمره اسپانیایی خلیج گینه (*Territorios Espanoles del Golf de Guinea*) بوده است. پس از کسب استقلال در سال ۱۹۶۸ نام رسمی این کشور جمهوری گینه استوایی شده است. نام بین‌المللی این کشور اکاتوریال گینی (*Equatorial Guinea*) و نام محلی آن گینا اکاتوریال (*Guinea Equatorial*) می‌باشد.

پرچم: پرچم گینه در سال ۱۹۶۸ معمول شده و شامل سه نوار افقی به رنگ سبز، سفید و قرمز بوده و یک مثلث آبی در سمت چپ این سه نوار افقی قرار گرفته است. رنگ سبز در پرچم کشور گینه استوایی نشانه منابع طبیعی و سرزمینهای حاصلخیز است، رنگ سفید نشانه صلح و رنگ قرمز نشانه نبرد ملت گینه استوایی برای کسب استقلال می‌باشد. مثلث آبی رنگ در پرچم گینه استوایی نشانه دریاست زیرا که این کشور در مجاورت اقیانوس اطلس قرار گرفته است.

گینه بیسائو (PG)

کشور گینه بیسائو در غرب آفریقا و در ساحل اقیانوس اطلس قرار دارد و از شمال با سنگال و از جنوب با گینه همسایه است.

کشور گینه بیسائو، از سال ۱۴۴۶ م. مستعمره پرتغال بود و به‌مین جهت آن را گینه پرتغال می‌نامیدند. چون در سال ۱۹۷۳ م. استقلال یافت بخاطر تمایز آن از جمهوری گینه، آن را گینه بیسائو نامیدند. بیسائو نام پایتخت این کشور می‌باشد. نام رسمی این کشور گینه بیسائو و نام بین‌المللی آن گینی بیسائو (*Guinea-Bissau*) است.

پرچم: پرچم گینه بیسائو مرکب از رنگهای رایج بین پرچم کشورهای آفریقایی است و با استقلال این کشور از پرتغال در سال ۱۹۷۳ تصویب شده است ولی از سال ۱۹۶۱ در این کشور رایج و متداول بود و جنبش آزادیخواه این کشور از این پرچم استفاده می‌کرد. ستاره سیاه در پرچم این کشور آفریقایی نشانه امید سیاه‌پوستان به آینده‌ای روشن محسوب می‌شود.

گینه نوپاپوآ (PNG)

گینه نو (New Guinea) نام جزیره‌ای است در شمال استرالیا و در همسایگی اندونزی در داخل اقیانوس آرام که شکل ظاهری آن را به طوطی تشبیه کرده‌اند این جزیره در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی به وسیله دریانوردان پرتغالی و اسپانیایی کشف گردید و گینه نو نامیده شد. پس از چندی انگلیسی‌ها، هلندی‌ها و دیگران نیز به این جزیره وارد شدند لذا به قسمت‌های متعدد تقسیم شد و بخشی را گینه جدید غربی نامیدند که چون از مستعمرات هلند بود آن را گینه نوهلند نیز می‌گفتند. این قسمت از سال ۱۹۶۳ م. جزو قلمرو اندونزی قرار گرفت و از آن پس نام ایریان غربی (*West Irian*) به خود گرفت.

بخش دیگری از جزیره گینه جدید را مستعمره گینه جدید نامیدند، این بخش در تصرف انگلستان بود. این قسمت از جزیره را که در قسمت شرقی گینه جدید قرار داشت گینه جدید بریتانیا و مستعمره پاپوآ نیز می‌گفتند. در سال ۱۹۷۱ م. این سرزمین استقلال خود را بدست آورد و گینه جدید پاپوآ نام گرفت. پاپوآ نام مردم سیاه‌پوست ساکن این سرزمین است که دارای موی مجعد می‌باشند در زبان این مردم پاپوآ به معنای موی مجعد می‌باشد لذا سرزمینشان نیز به همین نام خوانده شده است.

نام رسمی و بین‌المللی این کشور پاپوآ نیوگینی (*Papua New Guinea*) می‌باشد.
پرچم: پرچم کشور گینه جدید پاپوآ مشتمل بر دو رنگ قرمز و سیاه است، این دو رنگ رنگهای سنتی رایج در این جزیره‌اند و در پرچم کشور نیز به صورت دو مثلث به کار رفته‌اند. در مثلث قرمز رنگ تصویر پرندۀ بهشت با رنگ طلایی دیده می‌شود این پرندۀ مدت مدیدی سمبل ملی گینه جدید پاپوآ بوده است. در مثلث سیاه رنگ نیز صورت فلکی صلیب جنوبی به چشم می‌خورد که شامل پنج ستاره درخشان به رنگ سفید است.

چون این کشور در نیمکره جنوبی قرار دارد. شاخص جهت‌یابی در شب صلیب جنوبی است که تقریباً در امتداد جهت جنوب قرار گرفته است. گینه جدید پاپوآ از صلیب جنوبی در پرچم خویش بهره گرفته تا بدینوسیله هم موقعیت جغرافیایی خویش را بیان کند و هم نشانه‌ای از تسلط استرالیا در گذشته بر این جزیره بوده است زیرا صلیب جنوبی در پرچم استرالیا نیز وجود دارد.

لائوس (LAO)

نام لائوس مأخوذ از نام قوم لائومی باشد. لائوها شعبه‌ای از اقوام تایی هستند که از نواحی جنوبی چین به جنوب شرقی آسیا مهاجرت کردند. لائوها در قرن سیزدهم میلادی از منطقه یونان (یونان) در جنوب چین به سرزمین کنونی لائوس وارد شدند. در آن زمان خاک لائوس جزئی از امپراطوری خمر (کامبوج) بود. این امپراطوری تا قرن پانزدهم دوام داشت. از آن پس لائوس به تدریج هویت مستقل سیاسی یافت. کشور لائوس را بخاطر قدرت و نفوذی که شاهزادگان خاندان سلطنتی آن داشته‌اند کشور شاهزادگان و بخاطر نقش حساس آن در مسائل استراتژیک هندوچین، به پل هندوچین ملقب ساخته‌اند.

نام رسمی لائوس جمهوری دمکراتیک خلق لائوس (*Peopels Democratique*) / *Republic of LAOS* و نام بین‌المللی آن لائوس (*Laos*) می‌باشد. در زبان محلی آن را لائو (*Lao*) گویند.

پرچم: پرچم جنبش پات لائو (*Pathet Lao*) در سال ۱۹۷۹ و به‌هنگامی که لائوس یک جمهوری کمونیست گردید به‌عنوان پرچم کشور برگزیده شد. رنگ آبی در این پرچم نشانه رود مکونگ (*Mekong*) است (رود مهم این کشور) و دایره سفید نشانه ماه می‌باشد. رنگ قرمز نیز نشانه وحدت مردم لائوس شمرده شده است.

لبنان (RL)

قدیمی‌ترین نامی که برای کشور امروزی لبنان ذکر شده فنیقیه (*Feniqiyye/Phoenicia*) است. فنیقی‌ها قومی دریانورد و تجارت‌پیشه بودند که حدود ۳۵۰۰ سال قبل به سواحل لبنان کنونی مهاجرت کردند. مهمترین فعالیت اقتصادی فنیقی‌ها تهیه رنگ قرمز ارغوانی زیبایی بود که از نوعی صدف دریایی تهیه می‌کردند و این رنگ برای رنگ‌آمیزی لباس و بخصوص شل به کار می‌رفت. نام فنیقیه را یونانی‌ها به این مردم داده بودند که هم به معنای رنگ ارغوانی و هم نام صدفی است که از آن رنگ ارغوانی به دست می‌آمد.

در همان دوران باستان کلمه لبنان نیز رایج شد. لبنان کلمه‌ای آرامی (سوریه) است که به معنای سرزمین سپید می‌باشد و احتمالاً بخاطر سفیدپوش شدن کوههای لبنان بر اثر نزول برفهای زمستانی نام لبنان به این سرزمین اطلاق شده است. در زبان لاتینی، لبنان را به صورت لیبانوس (*Libanus*) و در فرانسوی لیبان (*Liban*) و در زبان انگلیسی به صورت‌های لبنان (*Lobanan*) و لبانن (*Lebanon*) می‌نویسند.

لبنان چون در طول تاریخ خود تابع شام (سوریه امروزی) بوده تحت عنوان کلی شامات نیز نامیده شده است. در طول دوره حاکمیت عثمانی بر این سرزمین بخاطر وضعیت سیاسی آن، لبنان را سرزمین خودمختار لبنان نامیدند و در سال ۱۹۲۰ م. یعنی در زمان حاکمیت استعمار فرانسه به لبنان بزرگ موسوم شد. با استقلال یافتن این کشور از فرانسه در ۲۱ نوامبر ۱۹۴۱، جمهوری لبنان (جمهوریه اللبنانيه) به وجود آمد که هم‌اکنون نام رسمی آن می‌باشد. در عرف بین‌المللی بدان لبنن یا لبانن (*Lebanon*) می‌گویند.

پرچم: رنگهای قرمز و سفید موجود در پرچم لبنان یادگاری از قیمومت فرانسه بر سرزمین لبنان به‌شمار می‌آید که در آن زمان لبنان پرچم فرانسه را برمی‌افراشت. در وسط رنگ سفید یک درخت سدر دیده می‌شود که گفته می‌شود این درخت از زمان پادشاهی حضرت سلیمان در این سرزمین می‌روید. تصویر این درخت در سال ۱۹۴۳ به پرچم لبنان افزوده شد.

لوکزامبورگ (L)

نام کشور لوکزامبورگ مأخوذ از نام یکی از دوکهای اروپایی به نام لوکزامبورگ می‌باشد. خاندان لوکزامبورگ از قرن سیزدهم میلادی بر این سرزمین مسلط شدند و به همین جهت آن را مهبین دوک‌نشین لوکزامبورگ (*Luxembourg 'Grand Duchy*) نامیدند که هم‌اکنون نام رسمی آن کشور است. نام بین‌المللی آن لوکسامبورگ و نام محلی لوکسامبور است. ظاهراً در گذشته لوکزامبورگ را به صورت لوتسلبورگ بکار می‌برده‌اند. در انگلیسی آن را بصورت *Luxemburg/Luxembourg*، در فرانسه به صورت *Luksanboor* و در آلمانی به صورت *Looksemboork* می‌نویسند.

پرچم: رنگهای پرچم کشور لوکزامبورگ از علامت رسمی دوک بزرگ این کشور در سال ۱۲۳۵م. گرفته شده‌اند. علامت رسمی دوک یک شیر قرمز رنگ بر زمینه‌ای سفید بود که نواری آبی کنار آن قرار داشت. پرچم این کشور شباهت زیادی به پرچم هلند دارد و بخاطر متمایز ساختن آندو از یکدیگر در سال ۱۸۹۰م. رنگ آبی در پرچم لوکزامبورگ به آبی روشن تغییر یافت و به صورت کنونی درآمد.

لهستان (PL)

در زبانهای اروپایی این کشور را پولاند (*Poland*) می‌گویند که به معنی سرزمین پل‌ها (*Pole*) است. پل‌ها از نژاد اسلاو هستند. این مردم در قرن دهم میلادی کشوری به نام پادشاهی لهستان به وجود آوردند. نام پولاند در زبان فارسی و در عصر مغول به شکل پولا وارد شد و در اوایل دوره قاجاریه پولاند در منابع فارسی به شکل پولونی و در موادی پولونیا ضبط شده است.

و اما در مورد کلمه لهستان گفته‌اند که در قرن ششم میلادی اقوام اسلاو میان سه برادر تقسیم شدند یکی از این برادران له یا لخ (*Lekh*) نام داشت. بدین جهت قلمرو متعلق به این شخص را لهستان یا لازستان نامیدند که این نام بیشتر در مشرق زمین مطرح و متداول شده است.

لهستان در طول قرون وسطی کشوری بزرگ بود. در قرن پانزدهم پادشاهی لهستان با کشور همسایه خویش لیتوانی متحد گردید و پادشاهی لهستان و لیتوانی نامیده شد. لیکن پس از چندی با جدایی لیتوانی بار دیگر به پادشاهی لهستان موسوم گردید.

در قرن هجدهم سه دولت روسیه، اتریش و پروس به تدریج لهستان را که ضعیف شده بود میان خود تقسیم کردند و بدین ترتیب اگرچه نام لهستان باقی ماند اما حیات سیاسی آن خاتمه یافت. در اوایل قرن نوزدهم ناپلئون امپراتور فرانسه قسمتی از لهستان را با نام گراندوک ورشو احیاء کرد. اما پس از ناپلئون این عنوان حذف شد و بجای آن روسیه در بخش متصرفی خود پادشاهی لهستان را به وجود آورد که تابع روسیه بود.

در زبان فارسی از دوره صفویه به پولاند، لهستان گفته‌اند. این نام معمولاً همراه با روس و به صورت له‌واروس به کار رفته است. له که در اینجا نام قومی می‌باشد تا حدودی

مجهول است. عقیده بر آن است که آنان دسته‌ای از مردم لهستان بوده‌اند و از طریق عثمانی این نام به ایران رسیده و بدین ترتیب کشورشان لهستان یعنی سرزمین له‌ها نامیده شده است.

پس از جنگ جهانی اول لهستان استقلال خود را بازیافت و به شکل جمهوری درآمد. طی جنگ جهانی دوم آلمان و شوروی بار دیگر آن را تقسیم کردند. پس از جنگ جهانی دوم بار دیگر لهستان مستقل شد و در زمره بلوک شرق عنوان جمهوری خلق لهستان یافت. نام رسمی لهستان، جمهوری خلق لهستان است و در عرف بین‌المللی بدان پولاند (*Poland*) می‌گویند. نام محلی آن پولسکا (*Polska*) می‌باشد و زبان مردم آن را پولیش (*Polish*) می‌نامند.

پرچم: پرچم لهستان شامل دو قسمت است، بالا سفید و پائین قرمز. در پرچ رسمی این کشور علامت رسمی آن که یک عقاب سفید بر روی یک سپر قرمز رنگ است نقش می‌گردد. عقاب سفید مذکور نشانه پایتخت لهستان شهر ورشو است. این عقاب در حال فرود بر یک درخت می‌باشد. پرچم لهستان از سال ۱۹۱۹ رسمیت یافته است.

لیبریا (LB)

سیاهانی که اکنون در آمریکا به سر می‌برند از نسل بردگانی هستند که از سواحل غربی آفریقا ربوده یا خریداری شده و به آمریکا برده شده‌اند. از اواخر قرن هجدهم میلادی که نهضت‌های ضدبردگی آغاز شد اندیشه بازگشت بردگان سیاه آزاد شده به موطن خویش یعنی سواحل غربی آفریقا مطرح گردید. در سال ۱۸۰۸م. انگلستان تعدادی از سیاهان آزاد شده را در ساحل غربی آفریقا سکونت داد که شهر فری‌تاون (شهر آزادی) مرکز سیرالئون یادگاری از آن ایام است. سپس با گسترش مبارزه با بردگی، در ایالات متحده آمریکا نیز اندیشه بازگشت سیاهان آزاد شده اوج گرفت لذا با کوشش انجمن آمریکایی کوچ‌نیشنی در سال ۱۸۲۲م. در ساحل غربی آفریقا شهری بنام مونرویا (Monrovia) ساخته شد که احتمالاً اراضی اطراف آن ابتدا (Afro-American Settlement) یا سکونتگاه سیاهان آفریقایی-آمریکایی نامیده می‌شد. بعدها شهر مونرویا و اراضی اطراف آن لیبریا (Liberia) یعنی سرزمین آزادی نامیده شد. در سال ۱۸۴۷م. لیبریا به صورت کشوری مستقل از ایالات متحده آمریکا با نام جمهوری لیبریا (Republic of Liberia) درآمد که در آن زمان و بعدها تنها کشور مستقل سیاه‌پوست در آفریقا به شمار می‌آمد.

لیبریا به سرزمین سیاهان، آمریکای سیاه، آمریکای آفریقا، سرزمین آزادشدگان و هدیه آمریکا نیز معروف می‌باشد. نام رسمی آن جمهوری لیبریاست و در روابط بین‌المللی بدان لیبریه (Liberia) می‌گویند.

پرچم: پرچم کنونی کشور لیبریا در سال ۱۸۴۷م. مورد استفاده قرار گرفته است و رنگها و طرح آن یادآور پرچم ایالات متحده آمریکا است. وجود یک ستاره در پرچم

این کشور نشانه وجود فقط یک دولت سیاه آزاد در آفریقا می‌باشد. یازده نوار سفید و قرمز در این پرچم یادآور یازده امضاء کننده منشور استقلال لیبریاست و همچنین وجود سه رنگ سفید، قرمز و آبی نشانه وجود سه منطقه جغرافیایی در کشور لیبریا می‌باشد.

لیبی (LAR)

کلمهٔ لیبی از نام قومی بنام لبو (Lebu) گرفته شده که گاه به صورت ربو (Rebu) نیز نگاشته شده است. لبو لغتی است از مصر باستان برای نامیدن این قوم. این لغت را یونانی‌ها در هزاره دوم قبل از میلاد به کلیه اقوامی اطلاق می‌کردند که در شمال افریقا بجز مصر سکونت داشتند. معمولاً در مورد محدودهٔ کاربرد این نام منابع یا به سراسر شمال افریقا و یا به حدفاصل مصر و الجزایر کنونی نظر دارند. یونانیان باستان منطقهٔ مورد نظر در فوق را لیبی و آن قسمت از شمال شرقی افریقا را که شامل مصر تا حبشه کنونی بود اتیوپی می‌نامیدند. به عقیدهٔ آنان بربرها یعنی ساکنان اصلی شمال افریقا از نسل قوم لبو هستند.

کشور امروزی لیبی مرکب از سه استان قدیمی بنامهای سیرنائیک، طرابلس و فزان است. این سه قسمت از نظر نامگذاری در طول تاریخ همواره سرنوشت بهم پیوسته‌ای نداشته‌اند. در دورهٔ حکومت جانشینان اسکندر، بخاطر آنکه در این سرزمین پنج شهر مهم وجود داشت به پنتاپولیس موسوم گشت و در دورهٔ رومیان بخاطر شهر سیرنائیک (برقه امروزی) به ایالت سیرنائیک مشهور شد.

در همان دوره رومیان سیرنائیک به لیبی علیا و اراضی واقع در مشرق آن که مارماریکا نام داشتند به لیبی سفلی موسوم شدند. هر دو قسمت سیرنائیک و مارماریکا در شرق لیبی کنونی قرار دارند. قسمت غربی لیبی را بخاطر وجود سه شهر مهم که در آنجا وجود داشته تری‌پولیس یا تری‌پولیتانیا (Tripolitania) می‌نامیدند. همین نام بعدها به طرابلس تبدیل شد که بخاطر وجود شهری به همین نام در لبنان و تمایز آنها طرابلس لیبی را طرابلس غرب می‌نامیدند.

در سال ۱۹۳۴م. استعمارگران ایتالیایی که لیبی را اشغال کرده بودند ایالات سیرنائیک، طرابلس و بعدها فزان را بهم پیوسته و آنها را لیبی نامیدند و بدین ترتیب این نام قدیمی را مجدداً رایج ساختند. پس از مبارزات طولانی در سال ۱۹۵۰م. کشور لیبی استقلال خویش را از ایتالیا بدست آورد والمملكة الليبية المتحدة نامیده شد. این اقدام طی اطلاعیه‌ای از سوی سازمان ملل صورت گرفت که لیبی را کشور مستقل با نظام فدرال دانست. بدین ترتیب در سال ۱۹۵۱ پادشاهی فدرال لیبی تأسیس شد. لیکن در سال ۱۹۶۳ کلمه فدرال حذف و عنوان کشور پادشاهی لیبی قرار داده شد. در سال ۱۹۶۹م. نظامی پادشاهی در لیبی منقرض گردید و با تأسیس جمهوری این کشور جماهیر عربی مردمی سوسیالیستی لیبی نامیده شد. در اوایل تأسیس رژیم جدید نام کشور جمهوری سوسیالیستی لیبی اعلام گردید و سپس در سال ۱۹۷۷ بود که عنوان جماهیر عربی مردمی لیبی رواج و رسمیت یافت.

به دلیل وسعت صحراها و قرار گرفتن بخش وسیعی از صحرای بزرگ افریقا داخل این کشور، لیبی به کشور صحراها مشهور است. نام رسمی لیبی جماهیر عربی سوسیالیستی خلق لیبی می‌باشد و در عرف بین‌المللی بدان لیبیا (Libya) گویند.

پرچم: با استقلال کشور لیبی در سال ۱۹۵۱م. پرچم سه رنگ قرمز، سیاه و سبز در این کشور پرچم رسمی قرار داده شد که هریک از رنگهای مذکور نماینده استانهای فزان، سیرنائیک و تریپولی (طرابلس) بود که در وسط نوار سیاه ماه و ستاره‌ای قرار داشت. ولی در سال ۱۹۷۷م. پرچم لیبی به صورت یک پرچم از رنگ سبز یکپارچه درآمد و علت آن امید مردم کشور لیبی به انقلاب سبز در کشاورزی عنوان شد.

لیختن اشتاین (FL)

لیختن اشتاین کشوری بسیار کوچک (با مساحت ۱۶۰ کیلومتر مربع) در حدفاصل دو کشور سوئیس و اتریش است. نام این کشور از نام خاندانی اتریشی بنام لیشتناشتین (*Liechtenstein*) گرفته شده که از سال ۱۷۱۹ میلادی بر این سرزمین حاکم شدند. نام رسمی این کشور شاهزاده‌نشین لیختن اشتاین با علامت اختصاری (FL) می‌باشد. نام بین‌المللی آن لیختن اشتاین ست که به صورت لیشتین اشتاین (*Liechtenstein*) نیز به کار می‌رود.

پرچم: پرچم لیختن اشتاین هم می‌تواند به صورت افقی و هم به صورت عمودی آویخته شود. نوار آبی بالای نوار قرمز قرار می‌گیرد و در گوشه زمینه آبی آن تاجی قرار دارد که بالای آن یک صلیب وجود دارد. این پرچم در سال ۱۹۲۱ پذیرفته شده و در سال ۱۹۳۷ علامت تاج زرد رنگ بدان افزوده شد تا با پرچم آن موقع‌هایی‌تی اشتباه نشود. رنگ آبی در این پرچم نشانه رنگ آبی آسمان و رنگ قرمز نشانه آتش اجاق است. وجود تاج در پرچم این کشور، نشانه علاقه مردم آن به ملکه کشورشان ذکر شده است.

مالاگاشی (RM)

جزیره‌ای که امروزه ماداگاسکار نامیده می‌شود سابق براین به جزیره ماه موسوم بود. در قرن هجدهم میلادی گروه قابل توجهی از مردم سرزمین مالایا (در آسیای جنوب شرقی) که ماله‌ای خوانده می‌شود به این جزیره مهاجرت کردند و دولتی بنام مرینی (*Merina*) در آنجا به وجود آوردند. بدین جهت تا مدت‌ها نام سیاسی این جزیره سلطنت مرینی بود. در قرن نوزدهم میلادی جزیره ماداگاسکار به تصرف استعمارگران فرانسوی درآمد و سرانجام پس از مدتی مقاومت پادشاهی مرینی از میان رفت.

از آنجا که بخاطر سکونت ماله‌ای‌ها این سرزمین به مالاگاشی موسوم شده بود فرانسویان صورت تغییر یافته مالاگاش یا مالاگاس (در زبان محلی) را به شکل ماداگاسکار (*Madagascar*) به عنوان نام جزیره رایج ساختند.

ماداگاسکار در سال ۱۹۶۰ م. از قید استعمار فرانسویان رهایی یافت و از آن پس کلمه ماداگاسکار برای نامیدن جزیره به صورت یک واحد طبیعی مشخص بکار رفت و عنوان سیاسی کشور مستقر در جزیره ماداگاسکار، مالاگاشی شد. در حال حاضر نام رسمی این کشور جمهوری دموکراتیک مالاگاشی است و در عرف بین الملل بدان جمهوری مالاگاسی می‌گویند و گاه قدسکر نیز به کار می‌برند.

ماداگاسکار به دلیل آنکه به صورت جزیره‌ای منفرد در شرق افریقا است به کشور تنها مشهور شده است.

پرچم: مردمی که در ماداگاسکار امروز به سر می‌برند از جنوب شرقی آسیا بدانجا مهاجرت کرده و رنگهای پرچم‌های خویش را نیز با خود بدین جزیره آورده‌اند. پرچم ماداگاسکار از سه نوار سفید، قرمز و سبز تشکیل شده است. رنگ قرمز و سبز به صورت

افقی قرار گرفته‌اند و رنگ سفید در سمت چپ پرچم به صورت عمودی قرار دارد. سفید سمبل خلوص، قرمز نشانه قدرت و سبز نشانه امید در پرچم ماداگاسکار است. طراحی پرچم این کشور در سال ۱۹۶۰ به مسابقه گذاشته شد و یک معلم برنده مسابقه طراحی پرچم گردید.

مالاوی (MW)

نام سابق کشور مالاوی امروزی «نیاسالند» یا سرزمین نیاسا بوده است. این کشور تا قبل از استقلال کامل خود، بخاطر اتحاد با رودزیای جنوبی عنوان «اتحادیه رودزیا و نیاسالند» را داشت. در سال ۱۹۶۱ میلادی پس از کسب استقلال نام رسمی جمهوری مالاوی را برگزید. مالاوی نام دریاچه‌ای در این کشور است. در عرف بین‌الملل به این کشور مالاوی (Malawi) گویند.

پرچم: پرچم کشور مالاوی پرچمی است که طی مبارزات استقلال‌طلبانه این کشور به وسیله حزب کنگره مالاوی مورد استفاده قرار می‌گرفت و بعد از کسب استقلال به عنوان پرچم رسمی کشور پذیرفته شد. خورشید قرمز رنگ در این پرچم نشانه آغاز دوره جدیدی در تاریخ مالاوی است و رنگ سیاه در آن نشانه مردم سیاه‌پوست این کشور، رنگ قرمز علامت خونی است که مردم مالاوی برای کسب استقلال نثار کردند و رنگ سبز نشانه ثروت طبیعی آن است. لازم به تذکر است که علامت خورشید بعدها به پرچم اضافه شده و در پرچم حزب کنگره مالاوی وجود نداشته است.

مالت

مالت جزیره‌ای کم‌وسعت در دریای مدیترانه می‌باشد که در فاصله یکصد کیلومتری جنوب جزیره سیسیل ایتالیا قرار گرفته است. مردم جزیره مالت کشور خود را مالتس (*Maltese*) می‌گویند که این لغت احتمالاً ریشه ایتالیایی یا عربی دارد که در این مورد اختلاف است. نام قدیمی این جزیره ملیتا (*Melita*) بوده است و از لحاظ موقعیت خاص خویش در دریای مدیترانه همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده بوسیله فنیقی‌ها، کارتاژها، رومی‌ها، نورمانها، ترکها، فرانسوی‌ها (در زمان ناپلئون) فتح شده، بالاخره تحت نفوذ انگلیسی‌ها قرار گرفته است و بالاخره در سال ۱۹۶۴ استقلال خویش را بدست آورد. در حال حاضر این کشور به صورت جمهوری درآمد. و نام رسمی آن جمهوری مالت است. نام بین‌المللی این کشور مالتا (*Malta*) می‌باشد. جزیره مالت بخاطر شکل و موقعیت آن در دریای مدیترانه به گوشواره مدیترانه نیز معروف است.

پرچم: پرچم دو رنگ مالت مرکب از رنگهای سفید و قرمز است که رنگ‌های سنتی مالت را تشکیل می‌دهد. این پرچم احتمالاً به وسیله کنت سیسیل راجر اول در سال ۱۰۹۰ م. ابداع شده است. به نشانه قهرمانی‌های مردم مالت در جریان جنگ دوم جهانی، صلیب جرج در سال ۱۹۴۳ به پرچم مالت اضافه شده است. طرح امروزی پرچم به سال ۱۹۶۴ م. و بعد از کسب استقلال از انگلیس باز می‌گردد.

مالزی (MAL)

نام قدیم مالزی کورسونسوس آئورا (*Chersonesos Aurea*) بوده است که آن را در زبان انگلیسی گلدن کورسونسوس (*Golden Chersonesos*) نوشته‌اند که به معنای شبه‌جزیره طلایی است. در زمان باستان یکی از جغرافیدانان آن را سرزمین طلا نام داده بود. ممکن است کلمه طلا به‌همراه صورت انگلیسی کورسونسوس از همین بابت بوده باشد. نام کنونی آن مأخوذ از نام قوم ماله است.

در زبان هلندی، مالزی را به صورت مالاکا، و در زبان لاتین مالایا، مالزیا و مالایان به کار برده‌اند. همچنین آن را به صورت فدراسیون مالزی نیز می‌نویسند. این کشور سالها تحت استعمار انگلیس بود تا آنکه در سال ۱۹۵۰م. ابتدا به صورت اتحادیه مالایا و سپس به صورت فدراسیون مالایا درآمد و در سال ۱۹۵۷م. استقلال خود را بدست آورد و با پیوستن سنگاپور بدان فدراسیون مالزیا نامیده شد. دو سال بعد سنگاپور از فدراسیون خارج شد و هم‌اکنون دارای ۱۳ ایالت است و نام رسمی آن فدراسیون مالزی (*Federation of Malaysia*) است. در عرف بین‌المللی آن را ملیزه/مالزه (*Malaysia*) می‌نامند.

پرچم: پرچم کشور فدراسیون مالزی مرکب از هفت نوار سفید و هفت نوار قرمز است که نشانه ۱۳ ایالت این کشور و پایتخت آن کوالا لامپور (*Kuala Lumpur*) است. ماه و ستاره در پرچم کشور مالزی نشانه اعتقاد مردم آن به دین اسلام می‌باشد. ماه و ستاره به رنگ طلایی بوده و ستاره ۱۴ پَر می‌باشد که نشانه ایالت‌ها و پایتخت کشور می‌باشد.

مالی (RMM)

کشور کنونی مالی (*Mali*) جزیی از بلاد السوودان (← سودان) بوده است و به همین جهت در عصر استعمار فرانسه به سودان فرانسه (*Sudan Francais*) موسوم بود. مالی از سال ۱۸۹۹ م. که مستعمرهٔ فرانسه شد تا سال ۱۹۵۸ م. که استقلال یافت عموماً جزیی از قلمروهای متصرفی فرانسه در افریقای غربی و در زمرهٔ افریقای غربی فرانسه بشمار می‌آمد. در سال ۱۹۵۸ م. پس از کسب استقلال، جمهوری سودان نامیده شد و سال بعد با سنگال متحد گردید و نام فدراسیون مالی را برگزید. این اتحاد در سال ۱۹۶۰ م. منحل شد و از آن پس این کشور مالی نام گرفت.

نام رسمی این کشور جمهوری مالی (*Republic of Mali*) و نام بین‌المللی آن مالی است.

پرچم: پرچم دو کشور مالی و سنگال تنها یک تفاوت با هم دارند و آن وجود یک ستارهٔ سبز در زمینهٔ طلایی رنگ پرچم سنگال است. پرچم مالی نیز از پرچم فرانسه الهام گرفته و نوارهای سبز، طلایی، و قرمز در آن بحالت عمودی قرار گرفته‌اند. رنگ سبز نشانهٔ کشاورزی، رنگ زرد ثروت‌های زیرزمینی و رنگ قرمز نشانهٔ خونهایی است که برای کسب آزادی و استقلال از فرانسه نثار شده است. این رنگ‌ها از رنگ پرچم حزب دمکراتیک آفریقایی (*African Democratic Rally*) گرفته شده است که رهبری مبارزات استقلال‌طلبانه را برعهده داشت. در وسط نوار طلایی رنگ پرچم مالی قبلاً تصویری از یک انسان سیاه‌پوست آفریقایی وجود داشت که با پاهای گشاده دستهای خویش را به‌سوی آسمان دراز کرده بود و نشانه‌ای از اعتقاد به زمین بود ولی بعدها این تصویر از پرچم کشور مالی حذف گردید.

مجارستان (H)

سرزمین کنونی مجارستان در اوایل قرون وسطی جزء قلمرو دولتی به نام خانات آوار بود که نام آن مأخوذ از نام قومی به نام آوار بوده است. در قرن هشتم میلادی بلغارها به این سرزمین وارد شدند بدین جهت «خانات بلغارها» نامیده شد. از قرن نهم مجارها یا مگارها از اقوام مهاجم به اروپا، به مجارستان کنونی وارد شدند در نتیجه از آن پس این سرزمین مجارستان (سرزمین مجارها) نامیده شد.

قبل از مجارها قومی بنام هون به اروپا وحشیانه هجوم آورده بود. در ابتدای حمله مجارها (مگارها) نیز چون آنان وحشت فراوانی ایجاد کردند اروپائیان از ترکیب نام آنان با هون‌ها (که خاطره تهاجمشان هنوز در یادها زنده بود) لغت هونگار را ساختند. این لغت بعدها به هنگری تبدیل شد، بدین جهت در زبانهای اروپایی مجارستان را هنگری (Hungary) می‌نامند.

مجارها در طول قرون وسطی دولتی به نام پادشاهی مجارستان (پادشاهی هنگری) داشتند تا اینکه در اواخر قرن شانزدهم ترکان عثمانی به تدریج این کشور را تصرف کردند. از آنجایی که در جریان تصرف مجارستان و سپس اتریش، امپراطوری اتریش با عثمانی درگیر شد، پس از دهها سال جنگ سرانجام قسمت‌هایی از مجارستان به دست اتریشی‌ها افتاد. اگرچه بعد از این واقعه مجارها دارای پادشاهی شدند و معمولاً نام پادشاهی مجارستان بر آنان اطلاق می‌شد لیکن جزیی از امپراطوری اتریش بودند (← اتریش) و از این امر ناراضی بودند. سرانجام نارضایتی و مخالفت مجارها باعث شد تا در سال ۱۸۴۸ مجارها دست به شورش بزنند. برای مدت کوتاهی با تأسیس نظام جمهوری این کشور جمهوری مجارستان نام گرفت. عمر این جمهوری کوتاه بود و با احیاء

پادشاهی، مجارستان همچنان جزیی از پادشاهی اتریش باقی ماند. اما بدلیل استقلال‌طلبی مجارها اتریش ناچار شد تغییراتی در اداره کشور بدهد و نام کشور را هم به پادشاهی اتریش-مجارستان تغییر دهد که به سلطنت دوگانه (*dual Monarchy*) نیز معروف بود. مجارستان پس از جنگ جهانی اول و اضمحلال امپراطوری اتریش مجارستان، با رژیم پادشاهی مستقل گردید. پس از جنگ جهانی دوم در زمره دول بلوک شرق درآمد و عنوان جمهوری خلق مجارستان یافت.

نام رسمی مجارستان جمهوری خلق مجارستان است و در عرف بین‌المللی بدان هنگری می‌گویند. در زبان محلی مجارستان به آن نام مجاراورساگ (*Magyarország*) اطلاق می‌گردد.

پرچم: رنگهای قرمز، سفید و سبز از قرن هفدهم میلادی در پرچم پادشاهی مجارستان وجود داشته است. پس از برقراری حکومت کمونیستی در این کشور در سال ۱۹۴۹ یک علامت سوسیالیستی را بر نوار سفید نقش کردند. در این علامت ستاره‌ای سرخ، دو شاخه ذرت، یک چکش، یک سنبله گندم و پرچم مجارستان با رنگهای قرمز، سفید و سبز دیده می‌شد. ستاره سرخ نشانه پیشتازی، چکش نشانه کارگران صنعتی و سنبله گندم نشانه کشاورزان بود. در سال ۱۹۵۶ این نشانه سوسیالیستی از پرچم مجارستان حذف گردید و پرچم کنونی آن همان پرچم سه رنگ قرمز، سفید و سبز (بعکس رنگهای پرچم جمهوری اسلامی ایران) است.

مصر

کشور مصر را در روابط بین الملل، اجیپت (*Egypt*) می‌نامند. اجیپت که آن را به صورتهای اکوپت و اغوپت نیز نوشته‌اند کلمه‌ای یونانی است و در اصل به صورت اگیپتوس (*aigiptios/aygiptos*) و به معنای خاک سیاه بوده است. یونانیان باستان این نام را به مصر داده بودند زیرا نیل به هنگام طغیان خاک سیاه رنگ و حاصلخیزی را در دوسوی بستر خود می‌گسترده. این خاک بدون شخم زدن قابل کشت بود. نیل تنها منبع تهیه آب برای سرزمین مصر است که از جنوب تا شمال این سرزمین گرم و خشک را آبیاری می‌کند، (نیل به معنای رود می‌باشد). بخاطر اهمیت فراوان نیل، مصریها در مورد آن افسانه‌ها ساخته بودند و حتی معروف شده بود که مصر زاده نیل می‌باشد. بهر حال بجز آب نیل، خاک سیاه رنگ اطراف آن عامل مهمی در تهیه غذای مردم این کشور بوده و بهمین جهت یونانیان آن را خاک سیاه (اجیپت) نامگذاری نمودند. این نام بعدها به وسیله اروپائیان در سراسر جهان منتشر شد و این کشور بنام اجیپت (*Egypt*) معروف گردید.

مصریان باستان خود خاک سیاه رنگ اطراف نیل را کِمِت (*Kemet*) می‌گفتند که به معنای زمین سیاه است. زمین سیاه شامل دره نیل و دلتای نیل بوده است که همین دو قسمت تنها نواحی آباد و مسکونی مصر را تشکیل می‌داده است. زمین سیاه در مقابل زمین سرخ (*Desheret*) به کار برده شده که منظور از آن بیابانهای اطراف نیل بوده است و بنابراین کلمه (*Desert*) که برای بیابان بکار می‌رود نیز کلمه‌ای مصری می‌باشد و از *Desheret* گرفته شده است.

در روزگار باستان در زمین سیاه، فراعنه حکومت می‌کردند که برای خود هرمهای

بزرگ ساخته بودند. این هرمها برای دفن فراعنه بنا می شدند.

ساکنان قدیمی مصر و زبان آنان را قبطی می نامند. قبطی که آن را در زبانهای اروپایی به صورت های *Copts/Coptic/qebti* می نویسند احتمالاً مأخوذ از همان لغت یونانی اگپتوس و یا لغت مصری کیمت است و برخی از کتب قدیمی آن را مأخوذ از نام قبط پسر حام، پسر نوح دانسته اند.

در فارسی باستان که در زمان هخامنشیان رایج بود و از جمله در کتیبه بیستون، کشور مصر به صورت مودرای آمده است.

در زمان خلافت عمر خلیفه دوم مسلمین که مصر فتح گردید بعثت آنکه قوای مسلمین مدتها در بیابانها راه پیمایی کرده بودند وقتی به مرزهای مصر رسیدند و از دور شهری را مشاهده کردند فریاد برآوردند مصر، مصر. مصر در زبان عربی به معنای شهر است و از آن پس این سرزمین مصر نامیده شد. نخستین شهری که اعراب مسلمان در مصر ساختند فسطاط بود که هم اکنون قاهره نام گرفته است. در شهر قاهره کنونی محله ای وجود دارد که مصر العتیق نامیده می شود و یادگاری از تاریخ مصر در هنگام ورود مسلمین می باشد.

در سال ۱۹۵۲ م. پادشاهی مصر سرنگون گردید و جمهوری عربی مصر به وجود آمد. با اتحاد مصر و سوریه در سال ۱۹۵۸ م. این دو کشور جمهوری متحده عرب نام گرفتند که در آن مصر را اقلیم جنوبی می نامیدند. سپس با پیوستن یمن بدانها، هر سه کشور به کشورهای متحده عربی موسوم گشتند. با اضمحلال این اتحادیه در سال ۱۹۶۱ م. بار دیگر نام رسمی مصر، جمهوری عربی مصر شد. مصر به سرزمین نیل، سرزمین فراعنه (بخاطر حکومت فراعنه در دوران باستان) و سرزمین اهرام (بخاطر وجود اهرام بزرگ عجیب متعلق به فراعنه) مشهور می باشد.

نام رسمی مصر جمهوری عربی مصر است و در عرف بین المللی بدان ایجیپت می گویند.

پرچم: هنگامی که در سال ۱۹۵۲ م. حکومت سلطنتی در مصر ساقط گردید، جنبش آزادیخواهی در این کشور پرچمی را به کار می برد که مرکب از نوارهای قرمز، سفید و سیاه بود و در نوار سفید آن عقابی طلایی بچشم می خورد. این پرچم، طرح اولیه

پرچم جمهوری متحده عربی بین سالهای ۷۱-۱۹۵۸ م. بود. در سال ۱۹۷۲ م. شاهینی بر پرچم مصر نقش گردید که شاهین قریش (قبیلهٔ پیامبر اکرم ص) بود. در حال حاضر پرچم این کشور فاقد علامت است و مرکب از رنگهای قرمز، سفید و سیاه است.

مغرب (مراکش) (MA)

مغرب نامی بوده است که مسلمانان به قسمت شمال غربی آفریقا اطلاق می‌کردند و معمولاً کشور مغرب (مراکش) را مغرب الاقصی می‌نامیدند زیرا در غربی‌ترین نقطه آفریقا قرار داشت. این کشور مدت‌ها نام مراکش را داشت تا آنکه اخیراً نام مغرب را انتخاب کرد که زمانی این عنوان شامل الجزایر و تونس نیز بوده است. مسلمانان از قرن دوم هجری برای این قسمت مسلط شدند. قبل از آن و در دوره رومیان، آنان مغرب را بربری می‌نامیدند. رومیان قسمتهایی از بربری را که منطبق با آفریقای غربی است موریتانی می‌خواندند که بخاطر مور نامیدن ساکنان آن بود.

نام مراکش مأخوذ از مور (*Moor*) است و آن نامی است که رومیان باستان بر ساکنان قسمت غربی شمال آفریقا اطلاق می‌کردند. چنانکه آنان کشور مغرب را موریتانی می‌نامیدند. البته این کشور بسیار وسیع‌تر از امروز بوده است (— موریتانی). اروپائیان، اعراب مسلمان را که از طریق مراکش (مغرب) وارد اسپانیا شده بودند نیز مور می‌نامیدند. در نتیجه مور در زبانهای اروپایی هم به معنای مسلمان و هم به معنای عرب است و بدین جهت مغرب را که مسکن اعراب مسلمان بود مورا کو یعنی کشور مورها نامیدند که نام مراکش نیز از آن آمده است. مراکش بدو نام یکی از شهرهای این کشور است که بعداً به تمامی کشور اطلاق گردیده و آن را در منابع قدیمی فارسی بصورت مارک نیز نوشته‌اند.

مراکش در آغاز قرن بیستم زیر سلطه استعماری فرانسه و اسپانیا رفت. به همین جهت قسمت مغربی فرانسه به مراکش فرانسه *French Morocco* و قسمت مغربی اسپانیا به مراکش اسپانیا *Spanish Morocco* موسوم گردید با استقلال این کشور در سال ۱۹۵۶

عنوان مراکش به تمامی آن اطلاق شد. مراکش را در زبان انگلیسی بصورت (*Morocco*)، فرانسه *Moroc* و اسپانیایی *Marruecos* می‌نویسند. مدتی پس از کسب استقلال عنوان مراکش به مغرب تغییر یافت.

نام رسمی مغرب، پادشاهی مغرب است و در عرف بین‌الملل بدان *موراگو* (*Morocco*) می‌گویند. نام محلی و عربی آن *مملكة المغربية* می‌باشد.

پرچم: پرچم مغرب تا زمان تسلط استعمار فرانسه بر آن شامل رنگ قرمز بود که ستاره پنج پر و سبز رنگی به نام نقش حضرت سلیمان در وسط آن وجود داشت و در گوشه بالای سمت چپ آن پرچم سه رنگ فرانسه به چشم می‌خورد با استقلال مغرب در سال ۱۹۵۹م. و از بین رفتن سلطه استعماری فرانسه و اسپانیا این علامت استعماری از پرچم مغرب حذف گردید.

مغولستان

نام مغولستان از قوم مغول گرفته شده که ساکنان آن کشور هستند. مغول را در لغت به معنای دلیر و جنگاور آورده‌اند. مغولها از قرن هفتم هجری/سیزدهم میلادی در تاریخ مشهور شدند و آن زمانی بود که با پادشاهی چنگیزخان مشهور به جهانگشایی پرداختند. تا قبل از این زمان آنان را همراه با اقوام شناخته یا ناشناخته نواحی شمالی آسیا تحت عنوان کلی یاجوج و ماجوج می‌نامیدند. یاجوج و ماجوج نام اقوامی هستند که دارای قیافه و اندام عجیب و غریب و رفتار نامعقول و بسیار وحشتناک و ویرانگر بودند. اگرچه در کتب تاریخی و جغرافیایی قدیم اطلاعات دقیق و موثقی در مورد یاجوج و ماجوج نیامده اما ظاهراً اعتقاد به وجود آنان شایع بوده است. از آنجا که در اقوال مربوط به آنان از سدی برای جلوگیری از هجوم آنان به جهان متمدن سخن به میان آمده که توسط اسکندریا ذوالقرنین ساخته شده، لذا استحکامات دربند (باب الابواب) قفقاز همان سد شمرده شده در نتیجه اقوام شمال این ناحیه گاه یاجوج و ماجوج به حساب آمده‌اند. دیوار چین که مغولها را از هجوم به چین مانع می‌شد نیز بنوان این سد گرفته شده و لذا مغولها همان یاجوج و ماجوج محسوب شده‌اند. آنچه که مردمان درباره یاجوج و ماجوج شنیده بودند چون با شیوه‌های جهانگشایی و اعمال غیر معمول مغولان شباهت داشت موجب شد تا در اوایل جهانگیری آنان، مغولان را همگان قوم یاجوج و ماجوج قلمداد کنند و به آنان این نام را اطلاق نمایند.

اندکی قبل از حملات مغولان به جهان آباد، کلمه تاتار (*Tatar*) رواج بسیار یافت و لذا مسکن آنان تاتارستان نامیده شد. تاتاریها یکی از اقوام ساکن در صحرای گبی بودند که کشور مغولستان در آن واقع شده است. این قوم در مجاورت مرز چین استقرار داشتند و

بعدها (قبل از حمله مغول) گروهی از آنان در مجاورت مرز ایران، دولت فراختایی را تشکیل دادند. اینان چون جنگاور و کشورگشا بودند بسیار معروف گشتند لذا منابع چینی که قدیمی‌ترین منابع درباره مغولان بشمار می‌روند معمولاً همه اقوام صحراگرد شمال چین واقع در بیابان گبی و اطراف آن را تاتار نامیده و آنان را به تاتارهای سفید و... تقسیم می‌کردند. در منابع متقدم اسلامی عصر مغول نیز بیشتر کلمه تاتار به کار رفته است. این کاربرد به لحاظ شمول و معنا مشابه کلمه مغول در سالهای بعد بوده است به طوری که در ابتدای جهانگیری مغولان آنان را تاتار می‌نامیدند که در منابع اسلامی به صورت قتر نیز آمده است. در همان زمان در اروپا نیز کلمه تارتار (*Tartar*) رواج یافت زیرا اروپائیان از فرط وحشت و ترس از مغولان، آنان را با تارتار که در یونان باستان به معنای زیرزمین تاریک و وحشتناک یا بطور کلی جهنم بوده یکی می‌دانستند، لذا بجای کلمه تاتار در اروپا، تارتار به کار رفت.

با قدرت یافتن چنگیزخان در اواخر قرن ششم هجری قمری بتدریج کلمه مغول رواج و اشتهار یافت. زیرا چنگیز خود از قبیله مغول بود. لازم به تذکر است که مغول فقط نام یک قبیله بوده و تا آن زمان به دیگر قبایل ساکن در مغولستان چون کرائیت‌ها، نایمان و... مغول نمی‌گفتند. اما چون چنگیزخان با فرماندهی خود و به کمک قبیله و متحدانش توانست اقوام صحراگرد صحرای گبی و مجاور آن را به زیر فرمان خویش درآورد، همه آنان مغول نامیده شدند. از این زمان به بعد در تواریخ رسمی مغول دو عنوان جدید رواج پیدا کرد که به دلیل ارتباط آن با اغراض و منافع سیاسی آن زمان در مورد اصالت این کلمات باید تردید نمود. این دو عنوان یکی مغول نیرون (خالص) و دیگری مغول درلکین (مغول غیرخالص) است. مقصود از مغول خالص قبیله چنگیزخان و وابستگان آن و منظور از مغول غیرخالص قبایلی است که به چنگیزخان پیوستند و یا مجبور به اطاعت از او شدند. از آنجا که این مجموعه (مغول) مرکب از اقوام دارای زبانهای ترک و مغول بود لذا در تواریخ متأخر مغول همه این اقوام ترک پنداشته شده و مغولان دسته‌ای از ترکان محسوب می‌شدند. اگرچه این ادعا نیز خالی از اغراض سیاسی روزگار خود نبوده لیکن در ادوار بعدی با وجود تفاوت نژادی و به صرف تشابه زبانی اصطلاح اورال-آلتایی برای مجموعه زبانی و نژادی ترک و مغول رایج گردید. لازم به

ذکر است که مغول (مغول خان) نام یکی از اجداد چنگیز نیز بوده است اما همانطور که گفته شد مغول در لغت به معنای جنگجو و دلیر آمده است. در فارسی آن را به صورت مغل نیز نوشته‌اند. در زبانهای اروپایی آن را به صورت منگل (*Mongol*) ضبط کرده‌اند.

در اینجا لازم به تذکر است که دولتی توسط نوادگان تیمور در هند از قرن شانزدهم تا اواسط قرن نوزدهم میلادی وجود داشته که آنان را گورکانیان نامیده‌اند (بخاطر لقب تیمور گورکانی) و نیز بدانان مغولان کبیر (بخاطر ادعای تیمور بر نسب مغولی خود) می‌گفته‌اند. این دولت را بخاطر آنکه با دولتها و اقوام دیگر مغول اشتباه نشود، مغولان کبیر نامیده‌اند و در منابع اروپایی به صورت مغال (*Mongol*) می‌نویسند.

پس از چنگیزخان سرزمین و کشور مغولان دارای تحولات سیاسی فراوان بوده که اگرچه عنوانهای سیاسی و سلسله‌ای متعددی بخود گرفته اما هیچکدام به‌تنهایی جای عنوان مغولستان را نگرفته است. مغولستان در دوره تزارها به تصرف روسیه درآمد و سرانجام پس از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷ نام جمهوری خلق مغولستان را اتخاذ کرد که نام رسمی آن نیز می‌باشد. نام بین‌المللی مغولستان، مونگولیا (*Mongolia*) است و در زبان محلی بدان مونگول آرد اولس (*Mongol Ard Uls*) می‌گویند.

مغولستان را بخاطر قرار گرفتن در صحرای گبی به کشور گبی، سرزمین صحراها یا بیابانها نیز گویند. همچنین بخاطر آنکه قسمتی از مغولستان در خاک چین قرار دارد آن قسمت را مغولستان داخلی و کشور مغولستان را مغولستان خارجی می‌نامند.

پرچم: پرچم مغولستان از نوارهای عمودی آبی و قرمز تشکیل شده است. رنگ قرمز رنگ رایج در پرچم کشورهای کمونیستی است. در رنگ قرمز سمت چپ این پرچم ستاره طلایی رنگ کمونیسم بر بالای سمبل سنتی مغولستان نقش بسته است. نام این سمبل سویونبو (*Soyonbo*) است که سمبل آزادی و استقلال شمرده می‌شود. این پرچم در سال ۱۹۴۴ طرح شده است.

مکزیک (MEX)

در اوایل قرن شانزدهم میلادی سرداران و کاشفان اسپانیایی طی اکتشافات و فتوحات خود در قاره آمریکا به سرزمینی رسیدند که بخاطر شباهت قسمتهایی از آن با سرزمین اسپانیا آنجا را اسپانیای نو نامیدند. مهاجمان اسپانیایی بخاطر تشابه نقاط سرسبز این سرزمین با وطن خویش چنین عنوانی را به سرزمین نویافته دادند و چون نایب السلطنه‌ای از جانب پادشاه اسپانیا بر آن حکومت می‌کرد رسماً آنجا را نایب السلطنه نشین اسپانیای نو (*Viceroyalty of New Spain*) نامیدند.

ساکنان اصلی اسپانیای نو سرخپوستان قدیمی موسوم به آزتک‌ها (*Aztecs*) بودند که سرزمین خویش را مکزیک (*Mexico*) می‌نامیدند و این نام مأخوذ از نام مکزیتلی (*Mexitli*) از خدایان مورد پرستش آنها بود که خدای جنگ شمرده می‌شد. محدوده اطلاق نام مکزیک مبهم است زیرا در همان زمان آزتک‌ها قسمتی از جنوب مکزیک را به دلیل دریاچه‌های بسیاری که در آن بود آناهواک (*Anahvac*) می‌نامیدند که به معنای سرزمین کرانه آب است ولی چون نخستین فتوحات اسپانیایی‌ها در محل فعلی شهر مکزیکو بود اسپانیای جدید مقدماً معادل با مکزیک و سپس تمامی امریکای مرکزی قرار داده شد. با اینحال چون استقلال‌طلبی ساکنان مکزیک اعم از بومیان باقیمانده یا اسپانیاییهای مهاجر در مقابل دولت مرکزی اسپانیا امری مستمر و همراه با تأکید بر فرهنگ باستانی بود نام مکزیک همچنان باقی ماند و عنوان اسپانیای جدید یا اسپانیای نورواجی نیافت.

در اوایل قرن نوزدهم میلادی (۱۸۲۱م) مکزیک از سلطه اسپانیا رهایی یافت و مستقل شد و با عنوان امپراطوری مکزیک استقلال خود را آغاز کرد. این امپراطوری در سال ۱۸۲۲م. تأسیس یافت اما بیش از یک سال دوام نکرد زیرا در نتیجه مساعی

جمهوریخواهان از سال ۱۸۲۳ تا ۱۸۶۲ م. این کشور به جمهوری مکزیک مبدل گردید. از سال ۱۸۶۲ تا ۱۸۶۷ مکزیک بار دیگر عنوان امپراطوری بخود دید زیرا در این هنگام اشغالگران فرانسوی یکی از شاهزادگان اتریشی را طی اشغال مکزیک بدان کشور تحمیل نمودند. از سال ۱۸۶۷ م. تا کنون مکزیک بصورت یک کشور جمهوری درآمده و همواره شاهد شورش‌ها، انقلابات و دیکتاتوری‌های بسیار بوده است.

مکزیک بدلیل سکونت قوم آزتک به کشور آزتک مشهور می‌باشد. در دوره قاجاریه املای نام آن به صورت مکسیک ثبت شده است. نام این کشور در عرف بین‌الملل مکسیکو (Mexico) می‌باشد و نام رسمی آن ایالات متحده مکزیک است. در زبان محلی مکزیک بصورت مخیکو (Mejico) خوانده می‌شود.

پرچم: رنگ‌های پرچم مکزیک از سال ۱۸۲۱ م. انتخاب شده است و شامل سه رنگ سبز، سفید و قرمز است که بصورت عمودی قرار گرفته‌اند در وسط نوار سفید رنگ آرم کشور مکزیک نقش می‌گردد که حکایت از یک باور قدیمی مکزیکی دارد. این آرم نشان‌دهنده عقابی است که یک مار را در منقار خویش گرفته است و در حال فرود آمدن بر یک شاخه کاکتوس است. آزتک‌های قدیمی براین عقیده بودند که این عقاب با ماری که در منقار خویش دارد مکانی را برای فرود انتخاب می‌کند که بعدها در آن شهر بزرگ مکزیکو بنیاد می‌گیرد. نام قدیمی این شهر در زبان آزتک‌ها تنوختیلان (Tenochtilan) بود که اکنون بدان مکزیکو اطلاق می‌گردد. رنگ‌های سبز، سفید و قرمز در پرچم مکزیک نشانه استقلال، مذهب و وحدت بشمار می‌آیند. لازم به یادآوری است که عقاب، مار، سنگ و کاکتوس از علائم مکزیک در زمان آزتک‌ها بوده‌اند و اکنون نیز در جابجای این کشور در بناهای قدیمی و جدید و آثار هنری می‌توان این علائم را مشاهده نمود. آرم رسمی مکزیک از سال ۱۹۶۸ رسماً در روی پرچم این کشور نقش شده است و قبل از آن این آرم در روی پرچم مکزیک مشاهده نمی‌شود.

موریتانی

در جهان باستان سراسر سواحل شمالی افریقا از مصر تا ساحل اقیانوس اطلس را بربری (*Barbary*) می‌نامیدند. این نامگذاری بخاطر سکونت اقوام بربر در آن نواحی بود. قسمت غربی بربری را که شامل قسمتی از الجزایر و تمامی مراکش کنونی است رومیان مورتانی (*Mauretania*) یا موریتانی (*Mauritania*) می‌نامیدند. اروپائیان این نام را که احتمالاً از ساکنان شمال غربی افریقا که مور نامیده می‌شدند اخذ کرده بودند بعدها به مسلمانانی اطلاق کردند که از طریق شمال غربی افریقا وارد اروپا شده بودند.

موریتانی باستانی علاوه بر اراضی فوق‌الذکر به سمت جنوب نیز ادامه می‌یافت و شامل کشورهای فعلی صحرای باختری و موریتانی نیز می‌شد. چون موریتانیای باستانی به تصرف رومیان درآمد آن را به دو بخش شرقی و غربی تقسیم نمودند. بخش شرقی را موریتانیا سزارینوس (*Mauritania Caesariensis*) و بخش غربی را موریتانیا تینجیتانا (*Mauritania Tingitana*) نامگذاری کردند. تهاجمات واندال‌ها و سپس مسلمانان در قرون اولیه اسلامی به حیات موریتانی پایان بخشید و قسمتهای مختلف آن نامهای جدیدی پیدا کرد و موریتانی کنونی بخاطر مرکزیت نواکشوت به موریتانی نواکشوت موسوم گردید.

در اوایل دوران اکتشافات جغرافیایی اروپاییان، سواحل موریتانی مورد تعرض پرتغالیان واقع شد و سرانجام این کشور در قرن نوزدهم به تصرف فرانسه درآمد. فرانسویان با احیای نام موریتانی باستانی که به زبان فرانسوی موریتانی (*Mauritanie*) خوانده می‌شد آن را جزیی از سنگال نموده و از سال ۱۹۰۳م. آن را به صورت تحت‌الحمایه موریتانی درآوردند. از سال ۱۹۰۴م. موریتانی جزء قلمرو افریقای غربی

فرانسه شد. تحت الحمايه موریتانی در پی یک رشته تحولات سیاسی و نظامی در سال ۱۹۲۰م. بصورت مستعمره موریتانی درآمد. سپس از سال ۱۹۴۶م. به قلمرو موریتانی تغییر نام داد. این کشور در سال ۱۹۶۰م. مستقل گردید و نام رسمی جمهوری اسلامی موریتانی را برگزید که آن را به صورت‌های الجمهورية الاسلامیه الموریتانیایی و الجمهورية المسلمیه الموریتانی می‌نویسند. نام بین‌المللی این کشور موریتانیاست. موریتانی صورت فرانسوی نام کشور موریتانیاست که از همین زبان (فرانسوی) وارد زبان فارسی شده است.

پرچم: پرچم موریتانی در سال ۱۹۵۹ یعنی یک سال قبل از استقلال این کشور از فرانسه طراحی شده است و حکایت از اسلامی بودن کشور موریتانی دارد. رنگ سبز به نشانه آنست که اکثریت مردم موریتانی مسلمان هستند و علائم ماه و ستاره نیز از علایم رایج در پرچم برخی کشورهای مسلمان نظیر ترکیه، پاکستان، تونس، الجزایر، کومور، و... می‌باشد.

موزامبیک (MOC)

موزامبیک (*Mozambique*) که آن را به صورت موسامبیک و موزامبک (*Mozambek*) نیز می‌نویسند در اوایل استعمارگری پرتغالیان با نام بندرهای مهم آن سوفالا (*Sofala*) و موزامبیک شناخته می‌شد. در ابتدا چون در این سرزمین پرتغالی‌ها با پادشاهی بنام موانا موتاپا روبرو شدند به این کشور نام الموانا موتاپا دادند. این نام چندان کاربردی نیافت زیرا در قرن شانزدهم پرتغالیان شهر موزامبیک را در آن کشور توسعه دادند که در زبان پرتغالی آن را موسامبیک (*Mocambique*) می‌نامیدند. این نام برگرفته از نام پادشاه بنیانگذار این شهر موسی السامبیک بود که پرتغالیان بصورت موسامبیک و سپس موزامبیک درآوردند.

موزامبیک در دوره استعمار پرتغال به آفریقای شرقی پرتغال یا آفریقای خاوری پرتغال معروف بود که شامل دو بخش قلمرو کمپانی موزامبیک و قلمرو تحت اداره دولت پرتغال بود. در سال ۱۹۴۲ م. هر دو بخش بهم پیوستند و تحت نظر دولت پرتغال اداره شدند.

موزامبیک در سال ۱۹۷۵ م. استقلال خود را بدست آورد و نام رسمی جمهوری خلق موزامبیک را برگزید. نام بین‌المللی این کشور موزامبیک (*Mozambique*) است.

پرچم: پرچم موزامبیک از لحاظ قرار گرفتن رنگها با پرچم سایر کشورها تفاوت اساسی دارد. رنگهای سبز، قرمز، سیاه و زرد که معمولاً در پرچم کشورهای آفریقایی وجود دارند و نشانه زمین، انقلاب برای استقلال، سیاه‌پوست بودن مردم و ثروت معدنی این کشورهاست در پرچم موزامبیک از یک نقطه در بالا سمت چپ پرچم آغاز شده و همچون اشعه‌های خورشید به طرفین پرچم کشیده شده‌اند و در حدفاصل رنگهای مذکور، رنگ سفید آنها را از یکدیگر جدا می‌کند.

در بالای سمت چپ پرچم کشور موزامبیک علامت رسمی این کشور دیده می‌شود که در داخل یک چرخ‌دنده یک تفنگ، یک کج‌بیل، یک کتاب و یک ستاره قرمز مشاهده می‌گردد. در پرچم موزامبیک چرخ‌دنده نشانه صنایع کشور است و تفنگ نشانه دفاع می‌باشد، کج‌بیل برای کشاورزی بکار رفته و کتاب نشانه آموزش و پرورش می‌باشد. این پرچم، پرچم جبهه آزادیبخش موزامبیک بنام فره‌لیمو (FRELIMO) بوده است که در سال ۱۹۷۵ م. بعد از کسب استقلال به‌عنوان پرچم رسمی کشور پذیرفته شده است.

مونا کو (MC)

نام مونا کو (*Monaco*) مأخوذ از نام شهری به همین ام است. این کشور کوچک از اواخر قرن دهم میلادی (سال ۹۸۰ م. به صورت یک کشور مستقل درآمد است. برای ریشه لغت مونا کو دو احتمال وجود دارد. اول آنکه چون اکثریت مردم مونا کو را قومی موسوم به مونگاسکو (*Monegasques*) تشکیل می‌دهند ممکن است که مونا کو مأخوذ از آن باشد. دوم آنکه چون محل فعلی شهر مونا کو سکونتگاه گروهی راهبان (*Monk/مونک*) بوده ممکن است مونا کو از مونک گرفته شده باشد. نام رسمی آن شاهزاده‌نشین مونا کو و نام بین‌المللی آن مونا کو (*Monaco*) می‌باشد. این کشور را بخاطر وجود قمارخانه‌های فراوان در آن، کشور قمارخانه‌ها نامیده‌اند.

پرچم: رنگهای پرچم کشور کوچک مونا کو برعکس رنگهای پرچم کشور لهستان است. نوار قرمز در بالا و نوار سفید در پائین قرار گرفته است این پرچم در سال ۱۸۸۱ م. طراحی شده و از آن هنگام تا کنون در مونا کو مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نامیبیا

نام کشور نامیبیا از نامیب (Namib) گرفته شده که نام بیابانی در سواحل غربی این کشور در امتداد اقیانوس اطلس است. در سال ۱۸۹۲ م. آلمان آنجا را تصرف کرد و بدین جهت افریقای جنوبی غربی نامیده شد. پس از شکست آلمان در جنگ جهانی اول نام افریقای جنوب غربی روی آن باقی ماند که بخاطر حاکمیت انگلیس بر آن گاهی به نام افریقای جنوب غربی انگلیس نیز نامیده می‌شد. این کشور سالهای متمادی زیر سلطه کشور آفریقای جنوبی بسر می‌برد* تا اینکه در سال ۱۹۸۹ م. با دخالت سازمان ملل متحد و نظارت این سازمان انتخابات آزاد در این منطقه انجام شد و مردم آن استقلال را بر استعمار کشور آفریقای جنوبی ترجیح داده و به صورت کشور مستقلی درآمد. در برخی منابع خارجی از آن به عنوان دامارالند نیز نام برده شده است.

پرچم: پرچم کشور جدید الاستقلال نامیبیا از سالها قبل طراحی شده و در جریان مبارزات استقلال طلبانه مردم نامیبیا مورد استفاده بوده است. این پرچم مرکب از سه رنگ قرمز، سفید و بنفش است که درباره فلسفه این رنگها مطالبی در دست نیست. هنگامی که کشور نامیبیا آفریقای جنوب غربی نامیده می‌شد در وسط نوار سفید رنگ این کشور علامتی شامل سه پرچم از کشورهای که بر این سرزمین حکمرانی می‌کرده‌اند بچشم می‌خورد ولی بعد از استقلال نامیبیا این علامت از پرچم کشور نامیبیا حذف شده است.

*. پس از جنگ جهانی اول اداره نامیبیا به افریقای جنوبی واگذار شد.

نیپال

کلمه نیپال (*Nihpawl*) از سال ۴۰۰ میلادی به بعد رواج یافته است و نام بین‌المللی این کشور نیز می‌باشد. ریشه این کلمه چندان روشن نمی‌باشد. بخاطر رژیم پادشاهی حاکم بر نیپال نام رسمی این کشور پادشاهی نیپال (*Nepal*) است. نیپال بخاطر قرار گرفتن در منطقه کوهستانی هیمالیا به کشور هیمالیا، سرزمین کوه، و کعبه کوهنوردان مشهور شده است. عبارت کعبه کوهنوردان بدان خاطر بکار می‌رود که حصول به قله معروف اورست (۸۸۴۸ متر) که در نیپال به صورت ساگارماتا (*Sagarmatha*) نامیده می‌شود از طریق کشور نیپال امکان‌پذیر است و کوهنوردان باید از دولت نیپال اجازه صعود به این قله معروف جهان را کسب کنند.

پرچم: در میان پرچم کشورهای مختلف جهان پرچم نیپال یک پرچم غیرعادی و غیرمعمول شمرده می‌شود زیرا شکل هندسی آن با همه پرچمهای جهان متفاوت است. پرچم نیپال به شکل دو مثلث برهم سوار شده است و از قرن نوزدهم معمول شده است. حاشیه این دو مثلث به رنگ آبی تیره به شکل نوار درآمده و وسط آنها رنگ زعفرانی دارد. در مثلث بالایی تصویری از ماه و در مثلث پائینی تصویری از خورشید دیده می‌شود. تا قبل از سال ۱۹۶۲ میلادی ماه و خورشید در روی این پرچم به شکل چهره‌هایی بود که در آنها چشم و دهان وجود داشت ولی از این سال به بعد علایم کنونی جای چهره‌ها را گرفت.

نروژ (N)

در قرن نهم میلادی تهاجم اقوام شمالی به صفحات شمالی اروپا از اسکاندیناوی تا گرینلند و ایسلند انجام گردید. این قوم را منابع اروپایی نورس (*Norse*) و نوردیک نوشته‌اند. بدین ترتیب سراسر سواحل غربی شبه‌جزیره اسکاندیناوی مورد تعرض و سپس تصاحب این قوم واقع گردید. سواحل اسکاندیناوی در این قسمت‌ها دارای بریدگیهای بسیار و خلیج‌های متعدد است که موسوم به فیورد می‌باشند. این سواحل برای اقوام مهاجم که دریانورد بودند شرایط بسیاری مساعدی را بوجود می‌آورد.

نوردیک و نورس خود مأخوذ از نوردیکوس (*Nordicus*) می‌باشد که لغتی است از زبان لاتین و به معنای شمال. چنانکه نورث (*North*) در زبان انگلیسی به معنای شمال است. بدین ترتیب نروژ یعنی شمالی. لازم به تذکر است که فنلاندی‌ها و دانمارکی‌ها نیز از اقوام شمالی هستند.

نام نروژ از نام همین اقوام (نورس یا نوردیک) گرفته شده است. نورس‌ها در قرن نهم میلادی کشوری به وجود آوردند که پادشاهای نروژ نامیده می‌شد. در اواخر قرون وسطی چون دانمارک بر نروژ استیلا یافت این کشور جزیری از پادشاهی دانمارک به شمار آمد. سپس چون در اوایل قرون جدید سوئد در منطقه اسکاندیناوی قدرت یافت، نروژ با سوئد بهم پیوستند و پادشاهی سوئد-نروژ را به وجود آوردند. در اوایل قرون معاصر بار دیگر سرنوشت نروژ و دانمارک به یکدیگر پیوند خورد و از اتحاد آن دو پادشاهی نروژ و دانمارک به وجود آمد که چند سالی بیش دوام نداشت و مجدداً سوئد و نروژ به یکدیگر نزدیک شده و پادشاهی سوئد-نروژ را به وجود آوردند. اتحاد دو کشور تا سال ۱۹۰۵ م. ادامه

یافت و از آن سال به بعد نروژ تحت عنوان پادشاهی نروژ به صورت کشوری واحد و مستقل درآمد.

نام رسمی نروژ، پادشاهی نروژ می‌باشد و در روابط بین‌المللی آن را نروژی (*Norway*) و در زبان نروژی آن را نورگه (*Norge*) می‌گویند. نروژ را بخاطر قرار داشتن در غرب اسکاندیناوی، غرب اسکاندیناویا نیز می‌نامند و بخاطر داشتن خلیج‌های فراوان به کشور هزار خلیج ملقب ساخته‌اند. در منابع قدیمی فارسی آن را بصورت نورویگه (*norvigia*) نیز نوشته‌اند

پرچم: پرچم کشور نروژ همانند سایر کشورهای اسکاندیناوی به صورت پرچم صلیب‌دار است. از سال ۱۳۸۱ م. تا ۱۸۱۴ م. نروژی‌ها پرچم دانمارک را به کار می‌بردند که دارای صلیبی سفید بر زمینه‌ای قرمز است. با استقلال نروژ در سال ۱۹۰۵ م. نروژی‌ها بر پرچم دانمارک یک صلیب آبی رنگ نیز افزودند تا هم حاکمیت خویش را نشان دهند و هم از پرچم دانمارک متمایز باشد.

نیجر

نام نیجر احتمالاً صورت تبدیل یافته کلمه اسپانیایی نگرو (*Negro*) است که به معنای تیره و تاریک است. در زبان لاتین نیز نیجر (*Niger*) تیره و تاریک معنی می‌دهد و اطلاق کلمه نیجر به این کشور به خاطر سیاه‌پوست بودن ساکنان آن است.

نیجر چون مدت‌ها مستعمره فرانسه بود جزئی از افریقای غربی فرانسه به‌شمار می‌آمد. این کشور در سال ۱۹۶۰ استقلال خویش را بدست آورد و نام جمهوری نیجر را برگزید که نام رسمی آن می‌باشد. در عرف بین‌المللی این کشور را نایجر (*Niger*) می‌گویند.

پرچم: ابداع پرچم کشور نیجر به سال ۱۹۵۹ یعنی یکسال قبل از استقلال باز می‌گردد و متشکل از رنگ‌های نارنجی، سفید و سبز است. در وسط رنگ سفید یک دایره نارنجی به چشم می‌خورد که نشانه خورشید است. نوار نارنجی در این پرچم نشانه بیابانهای این کشور در شمال و سفید نشانه خلوص و رنگ سبز نشانه علفهای سبز رنگ بخش جنوبی کشور شمرده می‌شود.

نیجریه

نام نیجریه برگرفته از رود نیجر (Niger) است (← نیجر). این رود در سراسر این کشور جریان دارد. در روزگار گذشته سرزمینهای اطراف این رود دولت و تمدنی بنام کانم (Kanem) را در خود جای می‌داده است. این دولت در قرن یازدهم میلادی قدرت و آوازه‌ای داشت. نام این دولت بعدها بر اثر غلبه اقوام سونگهای (Songhai) یا سونقه به سونگهای تغییر یافت و چون این دولت تجزیه شد بجای آن دو فرمانروایی بورنو و کبی به وجود آمد. در قرن هجدهم میلادی و در آستانه ورود استعمار به نیجریه به دلیل تسلط قبایل فولانی این کشور بنام این قبایل موسوم بود.

در آستانه یورش استعمارگران به نیجریه کاشفانی چون مونگوپارک (Mungo Park) رود نیجر و کناره‌های آن را سیاحت کرده بودند. از آنجا که نیجر به معنای سیاه/زنگی است به خاطر سکونت مردم سیاه‌پوست در اطراف این رود سرزمین آنان نیجریه یا سرزمین سیاهان نامیده شد که معادل کلمه زنگبار است.

با هجوم و غلبه انگلیس بر نیجریه در سال ۱۸۸۴ م. و تأسیس کمپانی پادشاهی نیجریه نام نیجریه به طور رسمی رواج یافت. سپس در سال ۱۹۰۰ م. انگلستان بخش جنوبی این کشور را تحت الحمايه نیجریه جنوبی نامید. آنگاه چون بر نواحی شمالی نیز مسلط گشت (۱۹۰۶ م)، این قسمت را تحت الحمايه نیجریه شمالی نامگذاری کرد. در سال ۱۹۱۲ م. انگلستان دو بخش شمالی و جنوبی را متحد ساخت و آن را کشور نیجریه نامید که به آن آفریقای غربی بریتانیا نیز می‌گفتند.

نیجریه در سال ۱۹۶۰ م. از قید استعمار رهایی یافت و به صورت کشوری فدرال درآمد. عنوان فدرال به خاطر پیوستن استانهای مختلف آن به یکدیگر بوده است. نام

رسمی این کشور جمهوری فدرال نیجریه است و در روابط بین‌المللی بدان نایجریا (Nigeria) می‌گویند.

پرچم: بعد از رهایی نیجریه از قید استعمار انگلیس طراحی پرچم این کشور به مسابقه گذاشته شد که طرح‌های مختلفی در این زمینه ارائه گردید. سرانجام طرح ارائه شده از سوی یک جوان ۲۲ ساله دانشجو از آن میان برنده شناخته شد. پرچم ملی نیجریه مرکب از دو نوار سبز رنگ و یک نوار سفید رنگ است که بصورت عمودی قرار می‌گیرند و نوار سفید در وسط دو نوار سبز قرار گرفته است. سبز در این پرچم نشانه کشاورزی و جنگل‌های نیجریه است و رنگ سفید در آن نشانه وحدت و صلح می‌باشد.

نیکاراگوا (NIC)

در سال ۱۹۲۴ م. کاشفان اسپانیایی این کشور را کشف کردند و آن را نیکاراگوا نامیدند. نیکارائو (Nicarao) نام رئیس یک قبیله بومی بنام قبیله ناهواتلان (Nahuatlán) بود و اسپانیایی‌ها این کشور را به نام رئیس قبیله نیکاراگوا نام نهادند. نیکاراگوا پس از تصرف به وسیله اسپانیایی‌ها جزء فرمانداری کل گواتمالا، مکزیک، ایالات متحده آمریکا مرکزی و کنفدراسیون ایالات متحده آمریکا مرکزی بود و به این نامها نیز موسوم بوده است (← هندوراس).

در اواسط قرن نوزدهم میلادی (۱۸۲۱ م.)، کشور نیکاراگوا استقلال خود را بدست آورد و جمهوری نیکاراگوا نامیده شد که هم‌اکنون نیز نام رسمی این کشور است. در عرف بین‌المللی بدان کشور نیکراگوئه می‌گویند و به صورت نیکاراگوئه و نیکاراگا نیز می‌نویسند.

پرچم: پرچم کنونی نیکاراگوا در سال ۱۹۰۸ م. ابداع شد و یادآور پرچمی است که برای فدراسیون قدیمی ایالات متحده آمریکا مرکزی بکار می‌رفت. در وسط نوار سفید رنگ پرچم این کشور آرم رسمی نیکاراگوا نقش می‌گردد که شامل ۵ کوه آتشفشانی، یک کلاه آزادی و یک رنگین کمان است. در اطراف این اشکال، شعار: جمهوری نیکاراگوا، آمریکای مرکزی (Republic de Nicaragua, American Central) به صورت یک مثلث نوشته شده است.

واتیکان (SCU)

واتیکان کشوری کوچک در کنار شهر رم در ایتالیا است. نام واتیکان مأخوذ از واتیکانو (در زبان لاتین Vaticanus) می‌باشد و آن نام یکی از تپه‌های هفتگانه شهر رم می‌باشد. لازم به تذکر است که شهر رم در روزگار باستان بر روی هفت تپه در ساحل رود تیبر (Tiber) بنا شده بود. در محل تپه واتیکانو نخستین مراکز تجمع مسیحیان در امپراطوری روم و در شهر رم بوجود آمد و چون بعدها محل استقرار پاپ‌ها شد به صورت قلعه‌ای درآمد بخصوص آنکه بر اثر تهاجمات اقوام و تحولات سیاسی شهر رم مکرراً ویران و تاراج می‌گردید به همین جهت قلعه واتیکان به عنوان مقر و مرکز استقرار پاپ‌ها باقی ماند و مدتها به صورت مرکزی معنوی و دنیوی بر قسمت‌های وسیعی از ایتالیا حکومت کرد تا آنکه در سال ۱۹۲۹ طی موافقت‌نامه‌ای با دولت ایتالیا در حدود و موقعیت فعلی شکل گرفت و استقلال یافت و با نام کشور شهر واتیکان به رسمیت شناخته شد زیرا واتیکان با وجود آنکه دولتی بشمار می‌آید لیکن از حد یک شهر بیشتر وسعت ندارد و بسیاری از امور آن را نیز دولت ایتالیا متقبل شده است. لازم به یادآوری است که حفاظت و امنیت واتیکان بر عهده یک گروه کوچک از محافظان سوئیسی است و واتیکان بلحاظ حفظ آثار معتبر و مشهور معماری و نقاشی همه ساله عده بسیاری جهانگرد را بسوی خود جلب می‌کند و از این راه عوایدی را کسب می‌کند. قسمت‌های مختلف قلعه واتیکان امروزی شامل آثاری از پاپ‌هایی است که در آن حکمرانی کرده و مسیحیان کاتولیک جهان را رهبری می‌کرده‌اند.

نام بین‌المللی این کشور واتیکن سیتی (Vatican City) است و در زبان محلی آن را چیتادال واتیکانو/قلعه واتیکان (Citadel Vaticano) می‌گویند. در منابع دوره قاجاریه

به واتیکان نام پاپ رم نیز اطلاق شده اگرچه این نام در اصل خطاب به شخص است تا نامیدن یک کشور.

پرچم: پرچم کشور شهر واتیکان به شکل مربع است و شامل دو رنگ سفید و زرد می‌باشد رنگهای مذکور از پرچم اولیه رهبر جنگهای صلیبی گودفری (Godfrey) گرفته شده است. در زمینه سفید رنگ پرچم واتیکان علامت رسمی واتیکان نقش شده است. در این علامت رسمی می‌توان تاج پاپ را مشاهده کرد که در زیر آن دو کلید دیده می‌شود. گفته می‌شود که کلیدهای مذکور کلیدهای آسمان است که به سن پتر (St. Peter) ماتئوی نوزدهم (Matthew 19) داده شده است. پرچم واتیکان یک پرچم قدیمی است که بعد از استقلال آن در سال ۱۹۲۹ میلادی به صورت رسمی پرچم این کشور گردید.

ونزوئلا (YV)

هنگامی که در اوایل قرن شانزدهم میلادی کاشفان اسپانیایی به سواحل شمالی آمریکای جنوبی رسیدند خانه‌هایی را دیدند که بر روی تیرهای چوبی در آب دریا ساخته شده بود. این منظره آنان را به یاد شهر ونیز در ایتالیا انداخت که بر آب بنا شده است به همین جهت آن را ونزوئلا (*Venezuela*) یعنی ونیز کوچک نامیدند و این نام بر روی این کشور باقی ماند. این نام را در منابع گذشته فارسی بصورت ونه‌زوالا می‌نوشته‌اند.

لازم به تذکر است که در زبان ایتالیایی ونیز را بصورت ونتسیا و در زبان لاتین بصورت ونسیا بکار می‌برند و نیز صورت فرانسوی این نام است. در متون گذشته فارسی آنرا بصورت وندیک می‌نوشته‌اند. کلمه ونیز مأخوذ از نام قومی به اسم ونت (*Venet*) یا هنت (*Henet*) می‌باشد. این قوم از ساکنان قدیمی شهر ونیز بوده‌اند.

(*Venezuela*) می‌گویند. این کشور به ونیز آمریکا، ونیز کوچک و سرزمین نفت (بخاطر معادن فراوان نفت) نیز موسوم می‌باشد.

پرچم: رنگهای پرچم ونزوئلا نخستین بار در سال ۱۸۰۶ م. به وسیله سیمون بولیوار ابداع شد و به وسیله اتحادیه آمریکای جنوبی مورد استفاده قرار گرفت. رنگهای پرچم آن کشور همانند پرچم اکوادور است ولی پهنای نوارهای آن با یکدیگر برابر است و در وسط نوار آبی آن هفت ستاره سفید به چشم می‌خورد. این هفت ستاره سمبل هفت استان اصلی کشور ونزوئلاست.

در پرچم رسمی این کشور علامت رسمی ونزوئلا در گوشه بالای سمت چپ نقش می‌گردد که به شکل سپری است که خوشه‌های گندم آن نشان‌دهنده کشاورزی است و تصویر لائو (دشت‌های وسیع) و یک اسب سفید نیز در آن به چشم می‌خورد.

ویتنام

کشور کنونی ویتنام در اصل شامل سه قسمت است که علاوه بر آنکه به طور طبیعی از یکدیگر متمایزند از نظر سوابق سیاسی و تاریخی نیز مدتها از یکدیگر مجزا بوده‌اند. این سه قسمت عبارتند از: تونکن (*Tonkin*) در شمال، آنام (*Annam*) در مرکز و کوشین‌شین (*Cochin China*) در جنوب. این سه قسمت را به ترتیب بآء کی (*Baeky*)، ترونک کی (*Trungky*)، و نام کی (*Namky*) نیز نامیده‌اند لیکن صورت غالب و رایج اسامی آنها همان موارد قبل است.

عنوان ویت نام (*Vietnam*) برای نخستین بار در سال ۲۰۸ قبل از میلاد توسط چینی‌ها رایج گردید. از آنجا که قسمت‌های شمالی و مرکزی ویتنام کنونی در آن زمان جزء متصرفات امپراطوری چین بود آنان عنوان ویتنام را به صورت نام ویت (*Nam viet*) به متصرفات خود در این بخش از هندوچین دادند. در این دوران چینی‌ها تونکن را جیاوشی (*Ciaochi*) و قسمت شمالی آنام را کوشان (*Couchan*) می‌نامیدند.

در سال ۲۶۴ میلادی چینی‌ها عنوان آنام (*Annam*) را رایج ساختند که به معنای جنوب آرام است و به قسمت‌های مرکزی ویتنام کنونی اطلاق می‌شد.

در دوره قرون وسطی کشور کنونی ویتنام صورت دیگری بخود گرفت، زیرا درحالیکه بخش شمالی آن آنام نامیده می‌شد قسمت جنوبی یعنی کوشین‌شین جزء امپراطوری کامبوج بود و قسمت میانی را دولتی بنام چامپا در اختیار داشت. دولت اخیر به وسیله قومی بنام چام به وجود آمده بود و آنان نام خود را نیز به این دولت داده بودند. در اواخر قرون وسطی آنام توانست رقبای خود یعنی دولت‌های چامپا و کامبوج را شکست دهد و قسمت‌های وسیعی از هندوچین را متصرف گردد. به دنبال این تحول امپراطور آنام در

سال ۱۵۰۴م. این کشور را دای ویت (Daiviet) نامید. اما این دولت سرانجام با فشاری که از سوی کامبوج و امپراطوری چین متحمل شد ضعیف گردید. چینی‌ها که قسمت اعظم آنام را متصرف شده بودند در سال ۱۸۰۲م. نام کشور را ویتنام قرار دادند و در قرن نوزدهم مواجه با کشورگشایی استعمارگران فرانسوی شدند. در نتیجه قسمت‌هایی از ویتنام بدست فرانسه افتاد و بدین لحاظ به هندوچین فرانسه معروف گردید.

به نظر می‌رسد که در دوره تهاجمات اخیر چینی‌ها و فرانسویان عنوان ویتنام رواجی مجدد و وسیع یافته باشد.

فرانسه که بجز ویتنام قسمت‌های دیگری از هندوچین را نیز متصرف شده بود پس از جنگ دوم جهانی و زیر فشار تمایلات و اقدامات استقلال‌طلبانه مردم ویتنام مجبور به عقب‌نشینی از این سرزمین گردید. اما در همان حال، فعالیت دو جناح کاپیتالیستی و کمونیستی موجب تجزیه ویتنام گردید. در نتیجه در سال ۱۹۵۴م. بخش شمالی ویتنام (در اصل تونکن) تحت عنوان جمهوری سوسیالیستی ویتنام مجزا و مستقل گردید که بیشتر به ویتنام شمالی معروف بود. قسمت جنوبی نیز با عنوان جمهوری ویتنام تشکیل دولتی مستقل داد که بیشتر به ویتنام جنوبی معروفیت یافت.

از سال ۱۹۵۴م. تا ۱۹۷۵م. در سراسر خاک ویتنام مبارزات سختی میان دو کشور در جریان بود که مداخلات بیگانگان بویژه امریکاییان و روسها و چینی‌ها بر شدت و دامنه آن می‌افزود. سرانجام در سال ۱۹۷۵م. با سقوط شهر سایگون پایتخت ویتنام جنوبی سراسر کشور ویتنام بدست نیروهای جمهوری سوسیالیستی ویتنام افتاد و این کشور با کسب وحدت سیاسی نام جمهوری سوسیالیستی ویتنام را بر تمام خاک خود اطلاق نمود که هم‌اکنون نام رسمی آن نیز می‌باشد. نام بین‌المللی این کشور ویتنام است.

پرچم: پرچم کشور ویتنام همانند سایر کشورهای کمونیستی جهان به رنگ قرمز است. این پرچم از سال ۱۹۴۵م. مورد استفاده ویتنام شمالی بود که در سال ۱۹۷۵م. پرچم جمهوری سوسیالیستی ویتنام گردید. در وسط زمینه قرمز پرچم ویتنام ستاره طلایی پنج‌پری نقش شده است که نشانه پیشتازی شمرده شده است.

هائیتی

هائیتی کشوری کوچک است که جزیری از جزیره هیسپانیولا (*Hispaniola*) می‌باشد. جزیره مذکور از گروه جزایر آنتیل در دریای کارائیب در آمریکای مرکزی بشمار می‌آید.

هائیتی نام اصلی و بومی این جزیره است که به صورت هیتی (*Hiti*) نیز نوشته شده است. هنگامی که در اواخر قرن پانزدهم میلادی کریستف کلمب دریانورد معروف از طرف اسپانیا این جزیره را کشف نمود آن را هیسپانیولا نامید که به معنای اسپانیای کوچک است. این نام به صورت اسپانیولا نیز نوشته شده است. علیرغم تشکیل کشور هائیتی (*Haiti*) در محل جزیره هائیتی سابق نام هیسپانیولا همچنان محفوظ مانده است. نام رسمی این کشور جمهوری هائیتی و نام بین‌المللی آن هائیتی است.

پرچم: پرچم هائیتی یک پرچم قدیمی است که در سال ۱۸۰۵ میلادی به وسیله ژاک ژان و سالین (امپراتور ژاک ژان اول) طراحی شده است ولی تا سال ۱۹۶۴ میلادی که هائیتی استقلال خود را از فرانسه کسب نمود از این پرچم استفاده نمی‌شد. هائیتی پس از کسب استقلال مجدداً پرچم قدیمی دوزنگ خویش را به اهتزاز درآورد این دوزنگ قرمز و سیاه است که در آن رنگ سیاه نشانه‌ای از این حقیقت است که مردم هائیتی در ابتدا از آفریقا به این جزیره آمده و در آن سکونت یافته‌اند برای رنگ قرمز این پرچم توضیحی داده نشده است.

هلند (NL)

سرزمین امروزی هلند در روزگار باستان فرسیا (*Fersia*) یا فریزی نامیده می‌شد. در حال حاضر فریزی نام یکی از ایالات هلند است. در دوره قرون وسطی به سرزمین پست موسوم گردید که معادل آن در زبانهای اروپایی عبارتست از نیدرلند (*Netherland*)، انگلیسی)، ندرلند (*Nederland*، آلمانی)، ندرلند (*Nederlande*، فرانسوی) و پی‌با (*Pay-bas*) که همگی به معنای همان سرزمین پست است. زیرا بخش عمده‌ای از اراضی این کشور پایین‌تر از سطح دریا قرار گرفته و معمولاً به وسیله خشک کردن اراضی و عقب زدن دریا به وسیله سدها و کانالهایی ایجاد شده است. به این سرزمین‌های از دریا گرفته شده پلدر (*Polder*) گفته می‌شود.

در طول قرون وسطی هلند جزئی از امپراتوری مقدس روم بود و سپس با تسلط پادشاهی بورگوندی (این پادشاهی در غرب فرانسه امروزی قرار داشت و امروزه وجود خارجی ندارد) به نیدرلند بورگوندی (اراضی سفلی بورگوندی) موسوم گردید. در همان حال بخشی از این سرزمین که جزو اراضی سفلی به‌شمار نمی‌آمد به نام اراضی آن سوی (*Les pays de par deca*) معروف گشتند. در اواخر قرن پانزدهم هلند به تصرف اسپانیا درآمد و به نیدرلند اسپانیا معروف شد اما در آغاز قرن هفدهم هلندیها علم استقلال طلبی برافراشتند و قسمتی از این کشور مستقل شد که به ایالات متحد (*United Provinces*) موسوم شد زیرا متشکل از اتحادیه‌ای از ایالات بود. ایالات متحد به جمهوری نیدرلند نیز موسوم بود زیرا نظام جمهوری داشت. قسمت باقیمانده هلند همچنان به نیدرلند اسپانیا معروف بود. در قرن هجدهم نیدرلند اسپانیا به اتریش رسید و نام نیدرلند اتریش گرفت. پس از آن بود که هلند اراضی خود را بطور کامل بدست آورد و پس از چندی که نظام جمهوری بخود دید،

پادشاهی نیدرلند نامیده شد.

در اواخر قرن هجدهم فرانسویان بر هلند غلبه یافتند و آن را به جمهوری تبدیل کردند که جمهوری باتاوا (*Batava Republic*) نامیده شد. در سال ۱۸۰۶م. ناپلئون امپراتور فرانسه این نام را به مملکت هلندیا جمهوری هلند تبدیل کرد. توضیح آنکه هلند نام یکی از ایالات نیدرلند است و همین نام نیز در فارسی همانند فرانسه به عنوان کل کشور نیدرلند استعمال گردیده است. در زبان فارسی هلند را با املای هولاند نیز نگاشته‌اند. در منابع عصر قاجار آن را بصورت ولندیز هم نوشته‌اند.

پس از سقوط ناپلئون بار دیگر نظام پادشاهی در هلند برقرار گردید و این کشور پادشاهی هلند نامیده شد. به هلند داچ (*Dutch*) نیز می‌گویند که صورت دیگری از کلمهٔ دویچ آلمانی است و آن را هم برای زبان و هم برای ملت و کشور هلند استفاده می‌کنند و دلیل آن قرابت نژادی و زبانی هلندیها با آلمانی‌هاست. توضیح آنکه دویچ هم نام بومی آلمان است و هم نام لهجه‌ای از مردم آلمان و ظاهراً به معنای ملت بوده است (— آلمان).

نام رسمی هلند، پادشاهی هلند است و در عرف بین‌الملل بدان ندرلندز (*Netherlands*) و در زبان محلی ندرلاند (*Nederland*) می‌گویند. بعضی از منابع هلند را کیکرلاند (*Kikerland*) به معنای سرزمین قورباغه نامیده‌اند و علت این نامگذاری وجود آب و رطوبت بسیار در این کشور است. هلند به کشور هزارسد (بخاطر سدهای فراوانی که جلوی دریا بسته‌اند)، کشور آسیاهای بادی (بخاطر استفاده از آسیاهای بادی و تخلیهٔ کانالهای آب با استفاده از چرخش پره‌های این آسیاها)، کشور گل لاله (بخاطر پرورش فراوان گل‌های لاله و سایر گل‌ها در فاصلهٔ آمستردام تا هارلم)، کشور زیر دریا (بخاطر پایین بودن اراضی آن از سطح دریا) و کشور زمینهای پست نیز معروف است.

کشور هلند با بلژیک و لوکزامبورگ به کشورهای سافل (*Low Countries*) یا کشورهای پست و کشورهای بنلوکس (*Benelux*) نیز معروف‌اند. علت این نامگذاری استفاده از حروف اول نام این کشورها است (*Belgium, Netherlands, Luxembourg*) آنها یک پیمان همکاری اقتصادی را میان خود امضاء کرده بودند.

پرچم: در اوایل قرن هفدهم میلادی مردم هلند با رهبری ویلیام اورنج (William of orange) علم استقلال از اسپانیا برافراشتند و در این طغیان بر علیه اسپانیایی‌ها از پرچمی استفاده کردند که شامل سه رنگ نارنجی، سفید و آبی بود. بعدها رنگ نارنجی به رنگ قرمز تبدیل شد زیرا رنگ قرمز در دریاها برای کشتیرانی مناسب‌تر و قابل رؤیت‌تر از رنگ نارنجی بود، رنگ‌های قرمز، سفید و آبی در پرچم کشور هلند سمبل آزادی به‌شمار می‌آیند.

هند (IND)

تا قبل از ورود آریائیها در هزارهٔ دوم قبل از میلاد به سرزمین کنونی هند، نام خاصی به این سرزمین اطلاق نمی‌شد. پس از آن این سرزمین دارای نام خاص گردید. هندوها کشور خود را بهار، بهارات بهاراتاوارشا می‌نامند. بهارات نام سرزمین و کشوری افسانه‌ای و طلایی در عقاید هندوهاست که بهار از آن مشتق شده، گاهی بهارات را به صورت مهابهارات به معنای بهار بزرگ نیز به کار برده‌اند و معادل‌هایی چون براهماوارتا، آریاوارتا (— ایران) نیز برای آن بکار برده شده است.

لازم به تذکر است که بهار (بیهار) نام یکی از قبایل آریایی مهاجر به هند است. کتاب حماسی هندوها بنام مهابهارات نیز شرح جنگها و قهرمانیهای این قوم است. چون هند بخاطر عطر و ادویه نیز مشهور است گاهی بهار به معنای ادویه و چیزهای خوشبو نیز بکار رفته (— اندونزی).

قسمت غربی سرزمین هند یعنی درهٔ رود سند در مجاورت ایران بوده و علاوه بر ایرانیها، اعراب و اروپائیان نیز از قدیم الایام با این قسمت از سرزمین هند آشنا بوده‌اند. در نتیجه با وجود آنکه دیگر نواحی هند دارای نامهای خاص خود بوده‌اند (مانند دکن و بنگال و...) نام عمومی هند مأخوذ از نام قسمت غربی آن یعنی درهٔ رود سند می‌باشد. رود سند را ایندو و یا سندهو نامیده‌اند و در زبان یونانی و لاتینی آن را به صورت ایندوس بکار برده‌اند. از این لغت فرانسویان *Inde* و انگلیسی‌ها *India* را ساخته و بکار برده‌اند.

ایرانیان از لغت سیندهو، لغت هندو را ساخته‌اند و با پسوند «ستان» به این کشور هندوستان گفته‌اند. لازم به ذکر است که پسوند مکانی «ستان» که در فارسی رایج است احتمالاً ریشهٔ سانسکریت دارد. امروزه لغت هندوستان برای تمامی شبه‌جزیرهٔ

هندوستان بکار می‌رود که کشور هند بخشی از آن است و پاکستان و بنگلادش دیگر کشورهای این شبه‌جزیره‌اند. در منابع جدید هندوستان را به صورت شبه‌قاره هند بکار برده‌اند که ترجمه *Subcontinent* می‌باشد.

در زبان فارسی باستان و در زمان هخامنشیان هند را به صورت «هیندوش» ذکر کرده و در مواردی به صورت هند نیز آورده‌اند.

قابل ذکر است که لغت بهارچین در ادب فارسی معادل با بهشت گنگ می‌باشد که به معنی بهشت روی زمین است. این بهشت زمینی در شمال رود سیحون و در کشور توران تصور می‌شده است. نکته مهم در اینجا است که در متون قدیمی سه هند را می‌شناخته‌اند: یکی هند معروف، دیگری حبشه و سوم آسیای مرکزی. مورد سوم در ادبیات و تاریخ بسیار وارد شده و گاهی ساکنان آسیای مرکزی را هندو نیز می‌نامیده‌اند. چنانکه خاقانی در شعر معروف ایوان مداین می‌گوید «دیلیم ملک بابل هندوشه ترکستان». و فردوسی نیز در داستان سفر مخفیانه گیو در آسیای مرکزی (ترکستان) برای یافتن کیخسرو می‌نویسد که او جامه خود را عوض کرد تا شکل ساکنان آنجا (هندوان) درآید.

کمندی بفتراک و اسبی دوان پرند آور و جامه هندوان

از آنجا که در حماسه‌های ایرانی گنگ دژ در خاک توران ماوای سیاوش می‌باشد از یک سو این امر مبین پیوستگی تاریخی ایرانیان و هندوها در روزگار قبل از ورود به ایران و هند است و از سوی دیگر منشاء داشتن بهار بعنوان سرزمینی افسانه‌ای یا واقعی در گذشته‌های دور هندوها. در زبان فارسی سکنه هند را هندی و هندوی نامند، هندورا به معنای پیرو آئین هندوئیسم نیز بکار می‌برد. صورت جمع هندی و هندو در فارسی گاهی بصورت هنود نیز بکار رفته است.

هند به دلیل سلطه استعماری انگلیس در قرون جدید گاهی هند انگلیس نام گرفته در همان حال چون کاشفان و استعمارگران اروپایی در جستجوی هند به غلط قسمتهایی از قاره آمریکا را هند تصور می‌کردند برای سرزمین هندوستان نام هند شرقی نیز رواج یافت علت این امر آن بود که پس از آنکه مدتی قسمتهایی از بر جدید هند نامیده شد اروپائیان پی به اشتباه خود بردند. بدین جهت کشفیات خود را در قاره آمریکا را هند

غربی^۱ نامیدند و هند اصلی در قاره آسیا را هند شرقی. حتی شرکتهای تجاری اروپایی که با هند معامله می‌کردند به همین ترتیب نامگذاری شدند مانند کمپانی هند شرقی انگلیس. در طول دوره استعمار چون پرتغال و فرانسه نیز هریک در زمانهایی قسمتهایی از هند را در زیر سلطه داشتند مستعمره آنها در این سرزمین بترتیب هند شرقی پرتغال و هند شرقی فرانسه نامگذاری شده بود. نامهای هند انگلیس، هند شرقی فرانسه و هند شرقی پرتغال در دوره اخیر با استقلال هند متروکه شد (— اندونزی، هند شرقی هلند). هند پس از استقلال (۱۹۴۷ م.) جمهوری متحد هند نامیده شد.

نام رسمی این کشور جمهوری متحد هند است و در عرف بین‌المللی بدان ایندیا می‌گویند. نام محلی هند بهارات است و بدان هندوستان، کشور هفتاد و دو ملت (بخاطر تنوع مذاهب)، کشور عجایب (بدلیل دیدنیهای انسانی عجیب) و جمهوری بهارات نیز گفته‌اند.

پرچم: پرچم کشور هند مرکب از سه رنگ زعفرانی، سفید و سبز است. این پرچم، پرچم حزب کنگره در جریان مبارزات استقلال طلبانه هند از انگلیس بود. بعد از استقلال این کشور از انگلیس در سال ۱۹۴۷ م. پرچم حزب کنگره به عنوان پرچم ملی هند پذیرفته شد. در این پرچم، نوار زعفرانی رنگ نشانه رشادت و فداکاری، سفید نشانه حقیقت و سبز علامت ایمان و جوانمردی است. در قسمت وسط نوار سفید رنگ یک چرخ میله‌دار نخ‌ریسی نقش شده است، این چرخ علامت فرهنگ باستانی هند است و در جریان مبارزات استقلال طلبانه نشانه مقاومت سیاسی و اقتصادی بر علیه سلطه استعمارگران محسوب می‌شد. چرخ نخ‌ریسی مذکور به رنگ سورمه‌ای می‌باشد. لازم به تذکر است که گاندی رهبر مبارزات استقلال طلبانه هند در بخشی از مبارزات خود برای تحریم پارچه‌های بافت انگلستان از چرخ نخ‌ریسی برای خود لباس ساخت و دیگران نیز از او تقلید کردند.

۱. هند غربی West. Indies امروزه شامل آنتیل‌های کوچک، آنتیل‌های بزرگ و یاماهاست.

هندوراس (HON)

هندوراس نیز همانند دیگر کشورهای آمریکای مرکزی در اوایل قرن شانزدهم میلادی کشف شد. کاشفان این سرزمین را بخاطر سواحل عمیقش هندوراس نامیدند که به معنای اعماق می‌باشد.

هندوراس تا قرن نوزدهم جزء فرمانداری کل گواتمالا بود (شامل گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوا، کاستاریکا و السالوادور). سپس چون اسپانیای جدید با نام مکزیک تشکیل شد (— مکزیک) جزو قلمرو مکزیک بشمار آمد. در سال ۱۸۲۲ م. مردم آمریکای مرکزی خواهان استقلال شدند و همان فرمانداری کل گواتمالای سابق را با نام استانهای متحد آمریکای مرکزی (و شامل همان کشورها) احیاء کردند که تا سال ۱۸۴۲ م. دوام کرد. پس از آن بدلیل مشکلاتی که میان آنها پیدا شد تبدیل به کنفدراسیون آمریکای مرکزی (شامل السالوادور، هندوراس و نیکاراگوا) گردید که این کنفدراسیون نیز در سال ۱۸۶۴ منحل و هندوراس طریق استقلال در پیش گرفت. نام رسمی هندوراس، جمهوری هندوراس می‌باشد که در عرف بین‌الملل به هندوراس معروف است. آن را هندوراس (*Honduras*) نیز می‌نویسند.

پرچم: کشور هندوراس هنوز از پرچمی استفاده می‌کند که در سال ۱۸۲۲ م. در جریان تشکیل استانهای متحد آمریکای مرکزی ابداع شد و در زمینه سفید وسط آن پنج ستاره آبی رنگ به نشانه کشورهای تشکیل‌دهنده استانهای متحد آمریکای مرکزی (گواتمالا، هندوراس، نیکاراگوا، کاستاریکا و السالوادور) قرار دارد. استفاده از این پرچم نشان‌دهنده امید هندوراس به اتحاد مجدد کشورهای مذکور می‌باشد.

یمن (YMN)

یمن نام سرزمینی در جنوب شبه‌جزیرهٔ عربستان است. برعکس سراسر عربستان که گرم و خشک و سوزان می‌باشد یمن دارای هوای مرطوب‌تر و رویش‌های گیاهی قابل توجه است. به همین جهت این قسمت از شبه‌جزیرهٔ عربستان را یمن نامیده‌اند که معنای لغوی آن خوشبخت است. یمن را برخی از منابع غیرعربی به عربستان سعید یا عربستان خوشبخت ترجمه و یا نامگذاری نموده‌اند.

یمن تا این اواخر شامل دو کشور بود که یمن شمالی و یمن جنوبی خوانده می‌شد اما در طول تاریخ دو یمن از لحاظ نامگذاری و تحولات تاریخی وضعیت یکسان و همانند نداشته است. صرف‌نظر از کشمکش‌های قبیله‌ای و سیاسی که در طول دورانهای متعدد در جریان بود ورود استعمارگران اروپایی به سواحل یمن سیر تاریخ آن را دچار دگرگونی اساسی نمود.

در سال ۱۵۱۳م. پرتغالی‌ها بندر عدن را متصرف شدند. این بندر دارای اهمیت نظامی، تجاری و ارتباطی مهمی است. از آن پس سرنوشت عدن با دیگر نواحی یمن تفاوت یافت. عدن در زبان عربی به معنی اطاعت و یا بندگی است.

از اواخر قرن نوزدهم که انگلستان در یمن جای پرتغال را گرفت بدان ماندگاه عدن یا اقامتگاه عدن (*Aden Settlement*) نام نهاد.

لازم به تذکر است که انگلستان فقط توانست بخش جنوبی یمن را متصرف گردد و قسمت شمالی آن با پایتختی صنعا مستقل باقی ماند و بدان مطلق یمن اطلاق گردید.

یمن به وسیلهٔ امامان زیدی اداره می‌شد تا آنکه در سال ۱۹۶۲م. جمهوریخواهان در آن به قدرت رسیدند و به همین جهت نام جمهوری یمن یافت و چون پس از چندی

قسمت جنوبی یمن مستقل گشت و کشوری مجزا و موسوم به یمن جنوبی شد، جمهوری عربی یمن به یمن شمالی معروف گردید. یمن شمالی به دلیل انتساب آن به مملکت قدیم سبا و ملکه معروف آن به سرزمین سبا نیز معروف شده است. نام رسمی این کشور جمهوری عربی یمن با علامت اختصاری YMN بود و در زبان عربی بدان الجمهورية العربية الیمنیه می‌گفتند در عرف بین‌الملل این کشور یمن نامیده می‌شد. گاهی برای تمایز یمن شمالی با یمن جنوبی نام پایتخت آن صنعا را نیز بدنبال نام یمن ذکر می‌کنند. و اما یمن جنوبی، در خصوص این کشور باید به این نکته توجه داشت که اگرچه عدن جزئی از جنوبی یمن بوده است اما بدلیل اهمیت نظامی و ارتباطی و تجاری فوق‌العاده از نظر سیاسی، اداری و حقوقی دارای وضعیت ویژه‌ای نسبت به سایر نواحی یمن می‌باشد.

انگلستان در سال ۱۹۳۶ م. اقامتگاه عدن را به کشور عدن (Aden State) موسوم ساخت. یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۳۷ آن را تحت الحمايه عدن نامید و در سال ۱۹۳۸ به دلیل مسائل سیاسی و اداری آن را به دو بخش تقسیم کرد. قسمت شرقی آن را تحت الحمايه عدن شرقی و قسمت غربی را تحت الحمايه عدن غربی نامیدند. تحت الحمايه عدن شرقی و غربی در سال ۱۹۶۳ بار دیگر تغییر نام داد و از سوی انگلستان بر روی هم مستعمره فرمانگزار عدن نامیده شد.

تحولاتی که به لحاظ اداری-سیاسی و نامگذاری در مورد عدن ذکر شد همراه با تحولات صورت گرفته در جنوب یمن بود زیرا انگلستان به منظور حفظ عدن سرزمینهای مجاور آن را نیز به تدریج به زیر سلطه خود کشیده و از مجموعه آنها با عدن، واحدی ساخت که آن را به عربستان جنوبی موسوم ساخت. عربستان جنوبی که در سال ۱۸۳۹ به تصرف انگلستان درآمده بود. در سال ۱۹۵۸ مبدل به فدراسیون عربستان جنوبی شد که مرکب از حکام و سران قبایل تابع انگلستان بود. در سال ۱۹۶۳ فدراسیون عربستان جنوبی به تحت الحمايه عربستان جنوبی موسوم گردید. چهار سال بعد (۱۹۷۶)، جبهه آزادیبخش یمن جنوبی تأسیس شد و بدین ترتیب برای نخستین بار عنوان یمن جنوبی مطرح شد و چون در همان سال فدراسیون عربستان جنوبی یا تحت الحمايه عربستان جنوبی مستقل گردید بدان نام یمن جنوبی دادند که عدن نیز جزو آن بود.

نام رسمی یمن جنوبی، جمهوری دموکراتیک یمن با علامت اختصاری (ADN)

بوده است و در عرف بین‌المللی بدان یمن جنوبی می‌گفتند. و صورت عربی نام آن جمهوریة اليمن الديمقراطية الشعبية بوده است. گاهی برای تمایز این کشور با یمن شمالی نام پایتخت آن عدن را نیز بدنبال نام یمن ذکر می‌کردند (یمن عدن). چنانکه علامت اختصاری بین‌المللی این کشور نیز (ADN) از نام عدن اقتباس شده بود. در اوایل سال ۱۳۶۹ هـ. ش دو یمن با یکدیگر متحد شدند و معروف به جمهوری یمن متحد گشتند.

پرچم: الف. جمهوری یمن (یمن شمالی)، پرچم این کشور همانند سایر کشورهای عربی از رنگ‌های قرمز، سفید و سیاه تشکیل شده و در وسط نوار سفید رنگ، ستاره‌ای پنج‌پر با رنگ سبز نقش شده که نشانگر عقیده به وحدت اعراب است. این پرچم در سال ۱۹۶۲ برگزیده شده است و بوسیلهٔ جمهوریخواهان در جریان تحولات این کشور برای نخستین بار مورد استفاده قرار گرفت و بعد از پیروزی جمهوریخواهان بعنوان پرچم رسمی کشور برگزیده شد.

ب: جمهوری دمکراتیک خلق یمن (یمن جنوبی)، این پرچم به وسیلهٔ جبههٔ آزادیبخش ملی یمن ابداع شد و ابتدا شامل سه رنگ قرمز، سفید و سیاه بود. در سال ۱۹۶۷ نیروهای آزادیبخش ملی یمن جنوبی توانستند سلطهٔ انگلستان بر یمن را برچینند و بنابراین به نشانهٔ این پیروزی مثلث آبی رنگی را با یک ستارهٔ قرمز پنج‌پر به این پرچم اضافه نمودند.

یوگسلاوی (YU)

سرزمین امروزی یوگسلاوی را در قرون قدیم ایلیری می‌نامیدند. سپس رومیان که در قرون قبل از میلاد بر این سرزمین مسلط شده بودند آن را ایلیریکوم (*Illiricum*) نامگذاری کردند. ایلیریکوم پس از سقوط روم غربی، جزئی از قلمرو دولت روم شرقی (بیزانس) بود. در اواخر قرن ششم میلادی گروه‌هایی از اسلاوها به یوگسلاوی کنونی مهاجرت کردند. این افراد شامل صرب‌ها (*Serb*)، کروآتها و... بودند. این اقوام مدتها تحت فرمان دولت بیزانس بودند اما صرب‌ها در قرن سیزدهم میلادی موفق شدند دولتی مستقل موسوم به شاهزاده‌نشین صربستان تشکیل دهند. شاهزاده‌نشین صربستان در قرن شانزدهم میلادی همانند دیگر نواحی بالکان به تصرف دولت عثمانی درآمدن و جزئی از قلمرو آن گردید.

دولت عثمانی در دوران تسلط خود بر بالکان با نارضایتی و مخالفت اقوام مختلف از جمله اسلاوهای ساکن بالکان مانند صرب‌ها، کروآتها و... مواجه بود و از خارج بالکان نیز از جانب اتریش و روسیه تهدید می‌گردید. دو دولت روسیه و اتریش به مرور توانستند قسمتهای وسیعی از مرزهای عثمانی را در بالکان متصرف شوند. از جمله سیاستهای روسیه و اتریش برای تصرف بالکان شعار حمایت از اسلاوهای ساکن بالکان بود. به همین جهت روسها که خود از نژاد اسلاو بودند از استقلال‌طلبی ساکنان یوگسلاوی کنونی حمایت می‌کردند. دولت اتریش نیز به همین ترتیب توانست قسمتهایی از اراضی اسلاونشین بالکان را متصرف شود و تعدادی از اسلاوها را به تابعیت خود درآورد اما چون اسلاوها رضایتی از آن دولت نداشتند استقلال‌طلبی اسلاوهای بالکان موجب خصومت آنان با دولت اتریش گردید. در جریان استقلال‌خواهی اسلاوهای

بالکان که از یکسو درگیر مبارزه با عثمانی و از سوی دیگر درگیر تخاصم با اتریش و سرانجام متکی به حمایت روسیه بودند عنوان اسلاوهای جنوبی رایج گردید. این عنوان اولاً اسلاوهای زیر سلطه اتریش را از اسلاوهای خارج از قلمرو آن مشخص می‌ساخت، ثانیاً نام عمومی اسلاوهای تحت تابعیت عثمانی به‌شمار می‌آمد و ثالثاً اسلاوهای بالکان را از دیگر اسلاوهای اروپا متمایز می‌کرد. بدین ترتیب اگرچه عنوان اسلاوهای شمالی رواجی نیافت لیکن اسلاوهای جنوبی نام مردمی شد که بعدها به یوگسلاو موسوم شدند. یوگسلاوی یعنی اسلاو جنوبی.

از میان اسلاوهای جنوبی، صرب‌ها در سال ۱۸۳۰ م. موفق به کسب خودمختاری شدند و در سال ۱۸۷۸ م. به استقلال کامل رسیدند و کشورشان به صربستان یا پادشاهی صربستان موسوم گردید. این نام در زبان فارسی کمتر به صورت «سرب» نوشته شده تا به لحاظ تشابه املائی با فلز معروف اشتباه نشود.

در حالیکه صربستان به صورت دولتی مستقل درآمده بود دیگر ایالت‌های اسلاوهای جنوبی مانند مونته‌نگرو، کروواسی، اسلوونیا و... نیمه مستقل یا غیرمستقل بودند تا آنکه در پایان جنگ جهانی اول که صربستان در زمره دول پیروز متفق بود ایالات مذکور در فوق به‌علاوه صربستان تشکیل اتحاد اسلاوهای جنوبی را دادند که به صورت یوگسلاو نامگذاری شد.

یوگسلاوی در پایان جنگ جهانی دوم به دلیل برقراری رژیم سوسیالیستی به جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگسلاوی موسوم شد. لازم به تذکر است که پس از جنگ دوم جهانی بجای رژیم پادشاهی، رژیم جمهوری بر سر کار آمد و عنوان فدراتیو بخاطر خودگردانی ایالات تشکیل‌دهنده یوگسلاوی است.

نام رسمی یوگسلاوی، جمهوری فدراتیو سوسیالیستی یوگسلاوی است و در عرف بین‌الملل بدان یوگسلاویا (Yugoslavia) و در زبان محلی یوگوسلاویا می‌گویند. یوگسلاوی به کشور اسلاوهای جنوبی و کشور صربی معروف است.

پرچم: پرچم یوگسلاوی دارای سه رنگ است که هریک از رنگ‌های آن نشانه پرچم یکی از مناطق یوگسلاوی یعنی مونته‌نگرو، صربستان و کرواتیاست. در جریان جنگ دوم جهانی پارتیزان‌های یوگسلاوی علامت وسط پرچم را تعویض کرده و بجای

آن یک ستارهٔ سرخ بزرگ قرار دادند که دارای حاشیه‌ای طلایی است.

رنگ قرمز در پرچم امروزی یوگسلاوی به نشانهٔ نبرد طولانی بر علیه سلطهٔ خارجی‌ان، سفید نشانهٔ مشروعیت نبرد و آبی به نشانهٔ ایمان به پیروزی نهایی گرفته شده‌اند.

یونان (GR)

یونان کشوری قدیمی است و به یقین می‌توان گفت که قدیمی‌ترین کشور اروپاست. اروپائیان این کشور را به نامهای گه‌رک، گه‌ریک، گه‌رس و گه‌رس (Greece) می‌نامند اما یونانی‌ها کشور خود را هلاس (Hellas) می‌نامند که به مفهوم کشور هلن‌ها (Hellenes) است زیرا یونانی‌ها بر خود نام هلن اطلاق می‌کنند و عقیده دارند که جد مردم یونان شخصی بنام هلن بوده که او خود از نسل قهرمانان وخدایان اساطیری یونان بوده است. این نامگذاری در طول تاریخ برای یونانی‌ها اهمیت بسیار داشته زیرا بجز دورهٔ معاصر، یونان در طول قرون جدید و قرون وسطی و بخشی عمده‌ای از قرون قدیمه فاقد استقلال بوده و در آن قسمت از قرون قدیمه نیز که یونانیان با استقلال می‌زیستند فاقد وحدت سیاسی بودند. بدین معنی که شهرهای یونانی و اقوام مختلف آن هریک به استقلال روزگار می‌گذرانند و همین اشتراک در نام و نژاد ازجمله عواملی بوده است که مابین آنها موجب وحدت تقریبی می‌شده است. چون به اعتقاد یونانیان هلن سه پسر داشت: ایون (Ion)، آئولوس (Aeolos) و دوروس (Dorus) که نسل مردم و قبایل یونان از این سه تن می‌باشد. نام پسر اول یعنی ایون بر قومی از یونانیان اطلاق شده که موسوم به ایونی‌ها (Ionians) می‌باشند و در سواحل آسیای صغیر یعنی در مجاورت مردم آسیا می‌زیستند و در زمان هخامنشیان از اتباع ایران بحساب می‌آمدند. از این نام ایونی، ایرانیان و سپس دیگر ملل خاورمیانه لغت یونان را ساخته‌اند. در بعضی از منابع اسلامی و ایرانی یونان را نام شخصی دانسته‌اند که یونانیان از فرزندان او به‌شمار می‌آیند. بهر حال ایرانیان و اعراب از کلمه ایونی و ایون، یونان را ساخته و بکار برده‌اند ولیکن رومیان که همسایگان یونان در غرب بوده‌اند در همین حال بر آنان کلمهٔ گِرِک را اطلاق

کرده‌اند و ظاهراً این نام مأخوذ از گروهی از یونانیان مجاور با رومیان بایستی بوده باشد، که هم‌اکنون نام آن کشور در زبانهای اروپائی است.

یونان از قرن سوم قبل از میلاد به زیر سلطه رومیان رفت و سپس جزئی از قلمرو روم شرقی شد و هربار نیز نام سیاسی آن تابع حاکمیت آن گردید. در قرن چهاردهم میلادی که دولت روم شرقی (بیزانس) ضعیف شده بود شاهزادگان صرب بر یونان مسلط شدند در این زمان نام سیاسی به انضمام بخش دیگری از شبه جزیره بالکان، شاهزاده‌نشین صربی بود.

پس از چندی یونان همانند دیگر نواحی بالکان به تصرف دولت عثمانی درآمد. حاکمیت عثمانی بر یونان تا سال ۱۸۲۱ م. به طول انجامید. در این سال یونان با عنوان پادشاهی یونان مستقل شد. پادشاهی یونان در سال ۱۹۲۴ م. ساقط گردید و جمهوری یونان اعلام شد. لیکن پس از جنگ جهانی دوم بار دیگر یونان پادشاهی شد سرانجام در سال ۱۹۶۷ با سقوط سلطنت، یونان جمهوری شد و به جمهوری یونان موسوم گردید.

نام رسمی یونان، جمهوری یونان است و در عرف بین‌الملل بدان گریس (Greece) در زبان محلی بدان هلاس یا الاس می‌گویند.

پرچم: پرچم یونان از دو رنگ آبی و سفید تشکیل شده که نشانه ستیز برای آزادی در نظر گرفته شده‌اند. این پرچم در سال ۱۸۲۲ م. بعد از جنگ‌های استقلال و پایان بخشیدن به سه قرن استیلای ترک‌های عثمانی طراحی شد. علامت صلیب در این پرچم نشانه اعتقاد به مسیحیت است. در مورد پرچم این کشور لازم به یادآوری است که از سال ۱۹۷۵ به بعد پرچم یونان شامل صلیبی سفید بر زمینه‌ای آبی است. و پرچمی که دارای نوارهای آبی و سفید بوده (۵ نوار آبی و ۴ نوار سفید) و در گوشه بالای سمت چپ آن صلیب سفیدی بر زمینه آبی نقش بسته، پرچم ویژه نیروی دریایی و هوایی یونان می‌باشد.

ملاحظاتى دربارهٔ پرچم کشورها

مطالعهٔ علمى پرچم‌ها و معنا و مفهوم و سیر تحول آنها «پرچم‌شناسى» (Vexillology) نام دارد. این علم به مطالعهٔ علمى تاریخچه و سیر تحول پرچمها و معنا و مفهوم نهفته در رنگ‌ها و علايم موجود در پرچم کشورها و ساير سازمانها و شرکت‌ها و... مى‌پردازد و دربارهٔ مراسم برافراشته شدن و پائين آوردن و احترام پرچم به مطالعهٔ علمى دست مى‌زند و در این جهت از آداب و رسوم و تلقى ملت‌ها از پرچم کشور خویش سود مى‌جوید.

مبدأ و منشأ پرچم:

پرچم یا بیرق یا دَرَفَش در لغت برای تکه‌ای پارچه به کار مى‌رود که معمولاً دارای نقوش و رنگ یا رنگهائی است و برای تمییز یک ملت یا یک مملکت و یا برای علامت دادن و یا تزئین به کار مى‌رود. استعمال پرچم در میان ملل ریشه‌ای قدیمی دارد و تاریخ استفاده و ابداع آن به حدود ۵ هزار سال قبل بازمی‌گردد. استعمال پرچم به عنوان نماد در مصر قدیم و آشور و نزد یهودیان معمول بوده و در کتاب مقدس مکرر بدان اشاره شده است.

پرچم در دوره حکومت اسلامی اهمیتی بسزا داشت. در زمان پیغمبر اکرم (ص) پرچم را لواء و گاه عَلم و نیز رایة (صورت فارسی رایت) می‌گفتند ولی لفظ اخیر (رایة) ظاهراً منحصر به بیرق اسلام نبوده است. امویان بیرق سفید و عباسیان و شیعیان بیرق سبز به کار می‌بردند. تصویر بیرق یا پرچم بر اشیاء مختلف مخصوصاً در مینیاتورها دیده می‌شود. یونانیان در اوایل قطعه‌ای زره را که بر نیزه‌ای نصب شده بود به‌عنوان بیرق به کار می‌بردند بعدها دولت شهرهای یونانی هریک بیرق مخصوص بخود را داشتند. در نزد رومیان نیز استعمال بیرق یا پرچم معمول بود و پس از اینکه قسطنطین به مسیحیت گروید بیرقی را که عبارت بود از پارچه‌ای ابریشمین به رنگ ارغوانی و نام عیسی (ع) به حروف یونانی بر آن نقش شده بود، معمول ساخت.

بیرق‌های اولیه در اروپا جنبه‌ای دینی داشت و قدیمی‌ترین آنها پرچم کشور دانمارک است که صلیبی سفید بر آن منقوش می‌باشد. در قرون وسطی بیرق‌های متعددی به کار می‌رفت، استعمال پرچم ملی کشورها از اواخر قرن هجدهم میلادی معمول گردید.

در ایران قدیم، درفش کاویان معروف و رایج بود و در دوره کوروش بیرقی سفید با نقش عقاب زرین به کار می‌رفت.

کاربرد پرچم: بشر در طول اعصار و قرون، برای نشان دادن میهن‌پرستی و ابراز شجاعت پرچم کشور خویش را به میادین نبرد می‌برده است. به همان اندازه که طرح، شکل و رنگ در پرچم کشورها متنوع می‌باشد، کاربرد آن در طول تاریخ نیز متفاوت بوده است. گاه از آن به نشانه وحدت استفاده می‌شده و گاه کاربرد تزئیناتی داشته است. گاه در جبهه‌های جنگ عامل تقویت روحیه رزمندگان بوده و برای برافراشته ماندن آن‌ها نثار شده و گاه به‌عنوان تجلیل، شهدای راه میهن را در آن می‌پیچیده‌اند. امروزه نیز پرچمها در جبهه‌های جنگ بکار می‌روند و همچنین برای جشنها و مراسم سرور ملی و وقایع بزرگ و کوچک پرچم مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مراسم تاجگذاری‌ها، جشن‌های سالگرد استقلال یا آزادی، برگزاری مراسم سرور در اعیاد ملی و مذهبی در مراسم سوگواری شخصیت‌های بزرگ ملی و میهنی، در مواقع انتخابات و یا در مراسم ورود ایثارگران در راه سربلندی و افتخار میهن به کشور خویش از پرچم ملی کشورها

استفاده می‌کنند. رویهم‌رفته پرچم نشانهٔ تشخص، سرفرازی، وحدت و تشخص خودی از بیگانه است و بر هر تبعهٔ کشوری لازم است که در هر کجا در هر شرایطی که باشد به پرچم کشور خویش احترام گذارد و آن را از گزند حوادث محفوظ دارد.

انواع پرچم: پرچم دارای انواع مختلفی است که مشهورترین و رایجترین آن پرچم ملی کشورهاست. گاه شرکت‌های تجاری نیز برای خود پرچمی را فراهم می‌کنند که در آن علامت یا آرم خاص شرکت نقش می‌گردد. سازمانهای سیاسی بین‌المللی نیز پرچم مخصوص بخود دارند مثل پرچم سازمان ملل متحد، سازمان وحدت آفریقا یا سازمان کشورهای آمریکای لاتین. سازمانهای نظامی بین‌المللی نیز از پرچم مخصوص بی‌بهره نیستند. مثلاً سازمان کشورهای آتلانتیک شمالی (ناتو) دارای پرچم مخصوص بخود است. سازمانهای عام‌المنفعهٔ بین‌المللی از پرچم ویژه خویش بهره می‌برند. مثل: صلیب سرخ جهانی، هلال احمر و پیشاهنگی جهانی. باشگاههای ورزشی و سازمانهای ورزش و سازمانهای ورزش معمولاً پرچم مخصوص به خود را دارند. مثل: پرچم المپیک و یا پرچم باشگاههای مختلف ورزشی که هریک نام باشگاه و یا زمینهٔ ورزشی مربوطه را مشخص می‌نمایند.

در دریانوردی نیز از پرچم بهرهٔ بسیاری می‌برند و از قرن هجدهم میلادی تا کنون استفاده از پرچم برای ارسال پیامها در دریانوردی معمول شده است. استفاده بین‌المللی از پرچمها در دریانوردی در سال ۱۸۵۷ میلادی ابداع شد و شامل ۱۷۰۰۰۰ علامت بود که برای ارسال این کدها از ۱۸ پرچم استفاده می‌شد. از آن هنگام تا کنون به‌طور مداوم کدهای مزبور مورد بررسی و اصلاح قرار گرفته و کدهای جدیدی بدان اضافه شده است. هریک از پرچمهایی که در ارسال کدهای دریانوردی به کار می‌رود علاوه بر اینکه یک حرف از حروف الفبا را نشان می‌دهد خود دارای معنی بخصوص است. دریانوردان طرق صحیح استفاده از این پرچمها را در دریانوردی، در کلاسهای آموزشی فرا می‌گیرند و حتی امروزه که علم ارتباط الکترونیکی رواج کامل یافته است استفاده از پرچم در دریانوردی رایج و متداول است. استفاده از پرچم در دریانوردی منحصر به ارسال علایم و کدها نیست بلکه در کشتی‌ها معمولاً برحسب قراردادهای بین‌المللی از پرچم کشوری که کشتی در آنجا ثبت شده، پرچم کشور مالک کشتی، پرچم خط

کشتیرانی که کشتی متعلق به آن است و پرچم کشوری که کشتی در قلمرو آن مشغول کشتیرانی است استفاده می‌گردد که هریک از پرچمهای فوق در محل مخصوص به خود در کشتی به اهتزاز در می‌آیند.

لازم به یادآوری است که اغلب پرچم کشورها و شرکت‌ها یک رویه است یعنی پشت و روی آن دارای یک رنگ و خصوصیات یکسان است و به ندرت اتفاق می‌افتد که دو روی پرچم یک کشور دارای خصوصیات متفاوت باشند. پرچمهای امروزی عمدتاً پارچه‌ای هستند ولی همیشه پرچمها روی پارچه نقش نمی‌شده‌اند. چنانکه در زمان یونانیان باستان، پرچم بر روی زره‌ها یا سپرهای نقش می‌شد ولی امروزه این امر غیرمعمول است، و پرچمهای فلزی را فقط بر روی مدال‌ها و یا نشان‌های دولتی و یا نظامی می‌توان یافت که در مقیاس کوچک تهیه می‌شوند و کاربردی محدود دارند.

مفهوم رنگ‌ها در پرچم کشورها

رنگ‌هایی که در پرچم ملی کشورها به کار برده می‌شوند معانی و مفاهیم متفاوت و گاه متضادی را می‌رسانند و دسته‌بندی کردن مفهوم و معنی رنگ در پرچم کشورها خالی از اشکال و مسامحه نیست. با این وجود می‌توان وجوه مشترکی را در رنگ پرچم برخی کشورهای جهان یافت. مثلاً: در پرچم کشورهای جهان اسلام اغلب رنگ سبز را می‌توان یافت که نشانه‌ی تعلق خاطر مردم آن کشور نسبت به دین مبین اسلام است، در پرچم کشورهای کمونیستی و یا سوسیالیستی رنگ قرمز یافت می‌شود که نشانه‌ای از کمونیسم و یا انقلاب مارکسیستی به شمار می‌آید و در پرچم کشورهای آفریقایی و یا امریکای لاتین رنگ سیاه نشانه‌ی سیاه‌پوست بودن مردم این کشورهاست.

دیگر وجوه مشترکی که در زمینه‌ی رنگها می‌توان در پرچم کشورها تشخیص داد آن است که رنگ سبز و پرچم کشورهای غیرمسلمان نشانه‌ای از ثروت طبیعی، جنگل و یا کشاورزی شمرده شده است. رنگ زرد در پرچم برخی کشورها نشانه‌ی معدن، ثروت زیرزمینی و یا خورشید تابان می‌باشد و رنگ قرمز نشانه‌ای از شجاعت، ایثار، پایداری در راه رسیدن به استقلال و یا برادری است. در پرچم برخی از کشورها رنگ آبی نشانه‌ی آسمان صاف و روشن است. رنگ سفید در اغلب پرچمهای کشورهای نشانه‌ی صلح،

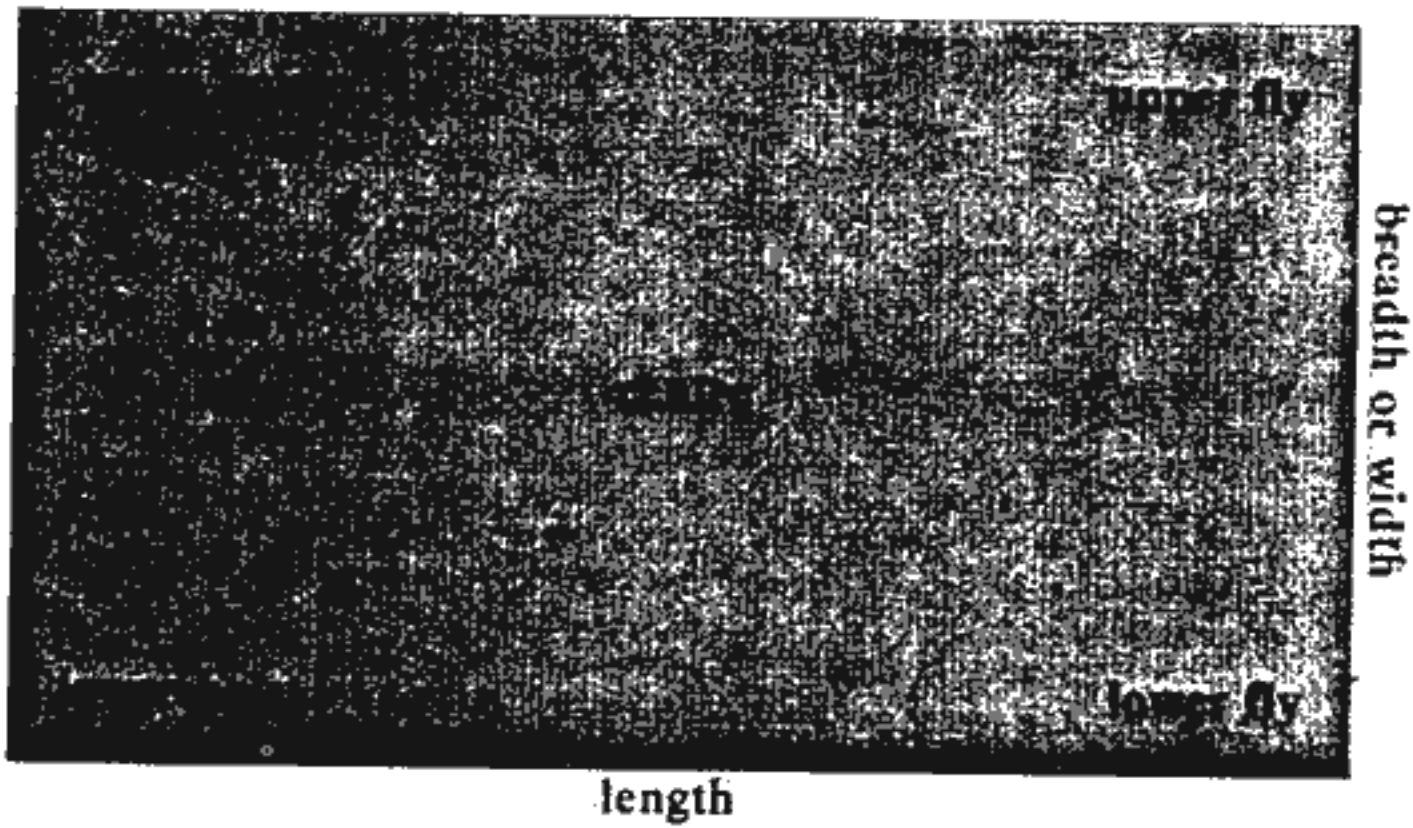
برادری و امید به آینده شمرده شده است. در کشورهایی که آیین مسیحیت در آنها متداول است معمولاً رنگ بخصوصی را به این عنوان نمی‌توان یافت بلکه از علامت صلیب می‌توان در پرچم این کشورها سراغ گرفت.

شکل پرچمها: اغلب پرچمهایی که امروزه به کار می‌روند به شکل مستطیل می‌باشند زیرا این گونه پرچمها از فواصل بعید به راحتی قابل رؤیت هستند. در مطالعه پرچم کشورها در طول تاریخ به این نکته واقف می‌شویم که گاهی پرچم برخی کشورها از لحاظ هندسی اشکالی متفاوت با مستطیل داشته‌اند ولی بخاطر تقاضای دریانوردان و به این دلیل که پرچمهای غیرمستطیل در دریا به وضوح دیده نمی‌شوند آن کشورها ناچار شده‌اند شکل پرچم خود را به مستطیل تغییر دهند. با این حال هنوز در مطالعه پرچم کشورها به مواردی بر می‌خوریم که پرچم کشوری ممکن است به شکل مربع، و یا مثلث باشد. در قرون وسطی و در جریان جنگ‌ها پرچم کمکی بود که به وسیله آن سربازان در میدان جنگ خودی را از بیگانه و یا دوست را از دشمن تشخیص می‌دادند. پرچمهای دم‌چلچله‌ای (پرچمهایی که نوک دراز و شکاف خورده‌ای داشتند) در میادین جنگ برای این امر به سربازان کمک می‌کرد. علاوه بر میادین نبرد از این پرچمها در دریانوردی نیز استفاده شده و می‌شود زیرا بلند بودن نوک این پرچمها به قابلیت رؤیت آنها از فواصل دور و تشخیص ملیت کشتی صاحب پرچم کمک مؤثری می‌کند. به هر حال پرچم امروزی اغلب کشورها به صورت مستطیل است که یک شکل استاندارد در اندازه پرچم محسوب می‌گردد.

قسمت‌های مختلف پرچم:

قسمت‌های مختلف یک پرچم دارای اسامی ویژه خود می‌باشند. این اسامی اغلب در فارسی بخوبی جان‌نفتاده و یا غریبه به نظر می‌رسند. به شکل صفحه بعد دقت کنید.

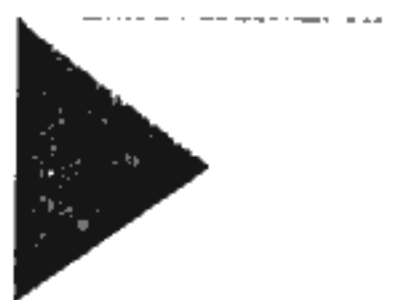
به قسمت مرکزی یک پرچم می‌توان کلمه «وسط» را اطلاق کرد (Centre)، بالای پرچم در سمت چپ در زبان انگلیسی Upper hoist و سمت راست آن Upper fly نامیده می‌شود. در پائین پرچم نیز سمت چپ به Lower hoist و سمت راست Lower fly معروف است.



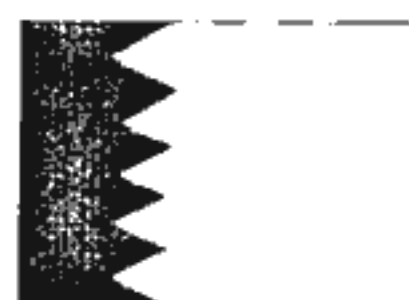
اگر پرچمی را به چهار قسمت مستطیلی کوچک تقسیم کنیم به قسمتی که در سمت چپ و بالای پرچم قرار می‌گیرد کانتون (Canton) می‌گویند (شکل زیر) در پرچم برخی از کشورهای جهان علامت رسمی کشور در این قسمت از پرچم نقش می‌گردد (مثل اوروگوئه).



Canton



Triangle



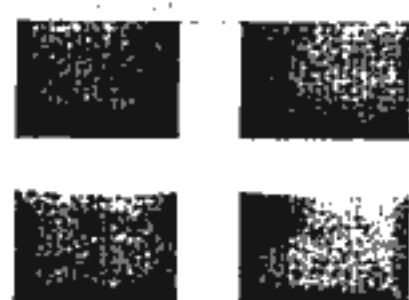
Serration



Quarterly



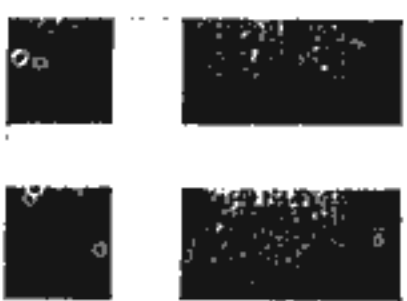
Border



Cross



Greek cross



Scandinavian cross



Saltire

در پرچمی که سمت چپ آن به صورت مثلثی درآمد و به وسیله یک رنگ جداگانه مشخص شده باشد این قسمت را مثلث (Triangle) گویند (مثل اردن). در پرچم برخی از کشورها دورنگی که پرچم کشور را تشکیل داده به صورت عمودی قرار گرفته‌اند به وسیله یک خط مشخص از هم جدا نشده‌اند بلکه کناره‌های این دورنگ مژرس (دندانه‌دار) است که به این خط جدایی (Serration) گویند (مثل پرچم بحرین و قطر).

اگر پرچم یک کشور به چهار قسمت مساوی مستطیلی تقسیم شده باشد به آن ربع (Quarterly) گفته می‌شود (مثل پرچم پاناما) و اگر در حاشیه پرچم یک کشور نواری مشخص با رنگ متمایز باشد بدان حاشیه (Border) گفته می‌شود (مثل حاشیه طلایی رنگ در پرچم سریلانکا). در پرچم کشورهایی که آیین مسیحیت در آنها وجود دارد علامت صلیب را می‌توان یافت که پرچم را به چهار قسمت مساوی مستطیلی تقسیم می‌کند و بدان صلیب (Cross) گویند (مثل پرچم انگلستان) و گاه این تقسیم‌بندی مستطیل‌ها به نحوی است که دو مستطیل و دو مربع بدست می‌آید و بدان صلیب اسکاندیناوی (Scandinavian Cross) گفته می‌شود (مثل پرچم نروژ، دانمارک، ایسلند، فنلاند). اگر نقش صلیب در یک پرچم در وسط آن به شکل + قرار گیرد بدان صلیب یونانی (Greek Cross) گویند (مثل پرچم سوئیس).

در پرچم کشورها علامت صلیب به شکل × (ضربدر) قرار می‌گیرد که بدان (Saltire) گویند (مثل پرچم جامائیکا).

برای اهتزاز هر پرچم باید آنرا به یک میله متصل نمود که می‌توان نام دسته پرچم بدان داد و معمولاً از یک طناب و یک قرقره برای بالا بردن پرچم استفاده می‌شود.

نشانه‌ها در پرچم‌ها:

در پرچم ملی کشورها علاوه بر رنگ‌ها از برخی علائم و نشانه‌ها استفاده می‌شود. در جریان جنگ‌های بزرگ تاریخی سربازانی که در جنگ‌ها حضور داشتند برای شناساندن خود به دیگران علائم و یا نقش‌هایی را روی سپرهایشان ترسیم می‌کردند. این نقوش کم‌کم به پرچم‌ها سرایت کرد و در طرح پرچم‌های امروز می‌توان علائم و خطوط و

صلیب‌ها و مثلث‌ها و آرم کشورها و... را مشاهده نمود. این علائم بسیار متفاوتند و معانی و مفاهیم گوناگونی دارند که باید با دقت نظر خاص تفسیر شوند. مثل: برگ چنار در روی پرچم کانادا، هلال ماه و یا ستاره در روی پرچم کشورهای اسلامی، ستاره زرد و پنج پر بر روی پرچم کشورهای کمونیستی و یا تصویر عقاب بر روی پرچم برخی از کشورها. اینک به بررسی مختصر برخی از این علائم می‌پردازیم و برای بررسی جزئیات بیشتر این علائم لازم است به پرچم کشورهای مربوطه مراجعه شود.

— علامت ماه و ستاره که در روی پرچم برخی کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود نشانه‌ای از دین اسلام بشمار می‌آید و اشاره‌ای به رسول اکرم (ص) است که به صورت ماه جهان اسلام را روشن کرده است. ستاره نیز علامت ستاره بامدادی (با اشاره به صورت نجم) است که جهان را روشن می‌نماید (مثل: ترکیه، موریتانی، کومور، تونس، الجزایر).

— صلیب که در روی پرچم برخی کشورهای مسیحی دیده می‌شود و نشانه‌ای به صلیب کشیده شدن حضرت عیسی (ع) می‌باشد (مثل: سوئد، دانمارک، یونان و...).

— داس و چکش که بر روی پرچم کشورهای کمونیستی مشاهده می‌شود و داس در آن نشانه کشاورزان و چکش نشانه صنعتگران شمرده شده است (مثل شوروی).

— ستاره پنج پر زرد رنگ که بر روی پرچم کشورهای کمونیستی مشاهده می‌گردد و نشانه حاکمیت حزب کمونیست در آن کشور است (مثل ویتنام یا چین).

— پرچم سایر کشورها که بر روی پرچم اصلی یک کشور مشاهده می‌شود و نشانه سابقه تاریخی یا استعماری نفوذ آن کشور بر روی کشور صاحب پرچم است (مثل پرچم: آفریقای جنوبی، استرالیا، نیوزیلند).

— علائم صنعتی یا کشاورزی که نشانه رواج صنعت یا کشاورزی در یک کشور، یا علاقه‌مندی به رواج آن و یا نشانه توجه به دو قشر صنعتگران و یا کشاورزان است (مثل: برمه، آنگولا، موزامبیک و...).

— تصاویر حیوانات یا پرندگان که نشانه تعلق خاطر مردم آن کشور به این حیوانات و پرندگان و یا باور آنان بر این امر که آن حیوان یا پرنده نقش عمده‌ای در تاریخ آن ملت داشته است. مثل نقش عقاب (که نماد قدرت شجاعت و آزادی در ایران باستان بوده و یا

در امپراطوری آلمان نشانهٔ سلطنت بوده است) که در پرچم زامبیا، سوریه، آلبانی و... دیده می‌شود. تصویر حیوانات دیگری نظیر پرندگان دریایی، شیر، قو، شترمرغ، اژدها، طوطی، خروس را بر روی پرچم برخی کشورها می‌توان دید که برای پی بردن به علت آن باید به پرچم کشورهای مربوطه رجوع نمود. آثار باستانی، نشان‌های قبیله‌ای، نشانه‌های سلطنتی و یا نقشه‌های جغرافیایی که موقعیت کشور صاحب پرچم را مشخص می‌کند در روی پرچم برخی کشورها قابل مشاهده است.

— عوامل پیدایش پرچمها:

عوامل پیدایش پرچم در کشورهای مختلف جهان دارای تنوع بسیاری است تا جایی که یافتن عامل پیدایش یک پرچم را ممکن است بعلت سابقهٔ دیرینه‌ای که دارد با ابهام روبرو سازد. رویهمرفته وقایع سیاسی و تاریخی، خصوصیات جغرافیایی و عوامل مذهبی و اعتقادی در پیدایش پرچمهای کشورهای گوناگون مؤثر بوده‌اند که دسته‌بندی کردن این عوامل محتاج غور و بررسی عمیقتری می‌باشد. در برخی از پرچم کشورها می‌توان ویژگیهای جغرافیایی و یا طبیعی آن کشور را یافت. مثلاً پرچم برخی از کشورها که از چند علامت یا رنگ تشکیل شده نشانه‌ای از ایالات یا استانهای آن کشور است (مثل چین که ستاره‌های روی پرچم نشانه ایالت‌های مختلف آن است) و یا مثل کشور ایسلند که هریک از رنگ‌های پرچم آن نشانه یکی از خصوصیات طبیعی این کشور است. پرچم برخی کشورها نیز از اعتقادات مذهبی و فلسفی آنان نشأت گرفته است مثل پرچم: کره جنوبی، ژاپن، نپال و کشورهای اسلامی.

در کشورهایی که زمانی تحت سلطه بوده‌اند پرچم احزاب سیاسی معمولاً پس از کسب استقلال به صورت پرچم رسمی کشور در می‌آید. مثل: هند و آنگولا.

— مراسم پرچم و آئین‌های آن:

برافراشتن و جمع کردن پرچم معمولاً با مراسمی توأم است. در حال حاضر به علت گسترش روابط بین‌المللی و تقلید کشورها از یکدیگر رویهمرفته این مراسم استاندارد شده است و در همهٔ کشور به صورت یکسان اعمال می‌گردد و دستورالعمل خاص دارد که

بعلت پیچیده بودن آن از تفصیل بیشتر خودداری می‌گردد.

لازم به تذکر است که به هنگام مرگ شخصیت‌های لشگری و کشوری با توجه به ارزش و مقام اجتماعی شخص در گذشته، ممکن است طبق تصمیم رسمی یک دولت پرچم آن کشور بخاطر عزاداری به صورت نیمه‌افراشته درآید. یعنی از حالت معمولی که در بالاترین قسمت میله پرچم قرار می‌گیرد به وسط میله پرچم انتقال یابد. مدت نیمه‌افراشته بودن پرچم نیز در تصمیمات دولتی مشخص شده و به تمامی نمایندگی‌های سیاسی کشور در خارج نیز ابلاغ می‌گردد و بعد از پایان مدت مقرر مجدداً بحالت عادی باز می‌گردد.

— پرچم‌های شهری، منطقه‌ای :

برخی از استانها و یا ایالت‌هایی که در یک کشور وجود دارند ممکن است برای خود دارای پرچم ویژه‌ای باشند که آنهم ملهم از تاریخچه سیاسی، مذهبی و اعتقادی آن استان و یا ایالت بوده و ممکن است ویژگیهای جغرافیایی یا ملی آن استان یا ایالت را نشان دهد. حتی در داخل یک استان ممکن است هر شهری برای خود دارای یک پرچم خاص باشد. استفاده از پرچم‌های استانی یا شهرستانی در ایران معمول نمی‌باشد ولی در کشورهایی که به صورت فدرال اداره می‌شوند (مثل: ایالات متحده آمریکا، کانادا، سوئیس، انگلستان، استرالیا، آلمان و...) استفاده از پرچم‌های استانی نیز رواج دارد.

ملاحظاتى درباره نام کشورها

علمى که به مطالعه نام‌ها از جهت وجه تسمیه (علت نامگذاری)، معنا و مفهوم و نحوه اشتقاق آنها مى‌پردازد اِتیمولوژى (Etymology) نام دارد. سابق بر این ریشه‌یابی لغات و تطور آنها تنها در محدوده لغت‌شناسی مورد توجه بود، لیکن در روزگار اخیر با توسعه و ترقی زبان‌شناسی، اهتمام و التفاتى اساسى نسبت بدان صورت مى‌گیرد. چنانکه اِتیمولوژى نه تنها در زبان‌شناسی بلکه در دیگر شعب علوم نیز کاربرد یافته است، از جمله در علم تاریخ. بدین جهت برای یافتن معنی و مفهوم نام کشورها و نیز تفسیر چگونگی تحولات و تغییرات آن در این کتاب از تاریخ و اِتیمولوژى توأمأ استفاده شده است. در عین حال این اقدام روشنگر نکات تازه‌ای در شناخت هر کشور مى‌باشد زیرا:

۱ — نام هر کشور نشانگر نکاتی اساسی از تاریخ هر ملت و مبانی تکوین آن است. معمولاً نام کشورها مأخوذ از نام قوم به وجود آورنده آن، وقوع حادثه‌ای بسیار مهم و تعیین کننده و... مى‌باشد. همچنین نام هر کشور مى‌تواند منبعث از موقعیت و شرایط جغرافیایی، انسانی و فرهنگی آن کشور باشد.

۲ — نام هر کشور بر قلمروى معین اطلاق مى‌شده و در هر زمان تغییراتی داشته

است. بدین جهت از یک سو نام می‌تواند مبین محدوده کاربرد خویش باشد و از سوی دیگر موقعیت سیاسی و تاریخی کشور می‌تواند معین کننده حدود اطلاق نام آن باشد. این امر بخصوص در مطالعات مربوط به جغرافیای تاریخی می‌تواند کاربرد بسیار داشته باشد.

۳ — نام کشور مشخص کننده موقعیت سیاسی، حقوقی، اداری، ایدئولوژیک، انسانی و... آن است. این نکته را نویسندگان قوانین اساسی کشورها به دقت مورد توجه قرار می‌دهند زیرا از یک سو نشانگر فلسفه وجودی هر کشور و ملتی می‌باشد و هم به عنوان صورت رسمی، نام کشور بازگوکننده نظام سیاسی هر کشور است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که با وجود آنکه در بدو امر نام کشورها مسئله‌ای جدی نیست لیکن چون نیک نگریسته شود دارای اهمیتی اساسی است. در مسائل اداری، اسناد حقوقی، مراودات سیاسی و... نیز امروزه دولتها و ملتها بر روی آن کاملاً حساسیت دارند و بدان اهمیت می‌دهند. از این جهت کشورها در جهان امروز دارای چند نوع نام اند که می‌توان آنها را تحت عنوان انواع نام کشورها شامل موارد زیر دانست:

۱ — نام بین‌المللی: منظور شکلی از نام کشور است که در مراودات عادی و غیررسمی بطور عمومی و گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد. مثلاً ایران، انگلیس، ترکیه، یونان، شوروی و... که در اصل صورت مختصر شده‌ای از نام رسمی یا صورت مشهور و رایج آنها از قدیم الایام بوده است. در این کتاب نام بین‌المللی گاهی به صورت عرف بین‌المللی نیز به کار رفته است. علت اصلی کاربرد نام بین‌المللی صورت ساده و مختصر و آسان آن در ارتباطات است.

۲ — نام ادبی: منظور صورتی از نام کشور است که بیشتر در متون ادبی و تاریخی کاربرد داشته است. از آنجا که تحولات سیاسی در تغییر نام کشورها نقش داشته لذا کاربرد نام ادبی اشاره به صورت ثابت و یا قدیمی نام هر کشور دارد. از سوی دیگر چون صورت ادبی نام هر کشور کاربرد آسان‌تری به لحاظ تفهیم و تبیین دارد تا اشکال جدید و نامأنوس سیاسی، لذا نویسندگان و شعرا آنرا مورد استفاده قرار می‌دهند. بدین جهت اگرچه نام ادبی کاربرد محدود دارد، لیکن از سابقه‌ای طولانی برخوردار است مثل ملک عجم برای ایران، البین برای انگلستان، اینیسنیل برای ایرلند و... لازم به تذکر است که دارا بودن نام ادبی مستلزم داشتن ادبیاتی غنی است. بدین جهت همه کشورها

از آن برخوردار نیستند و علاوه بر این نام ادبی مسبوق به سوابق ذهنی مردم آن سرزمین است و بدین لحاظ بیشتر در داخل کشور کاربرد دارد تا در خارج و در خارجه کمتر مطرح می‌گردد. در نتیجه در این کتاب به موارد محدودی از اسامی ادبی دسترسی حاصل گشته و ثبت شده است.

۳ — نام رسمی: شکلی از نام کشور است که به‌طور کامل و جامع به کار برده می‌شود و مبین نظام اداری یا سیاسی... کشور است. نام رسمی در اسناد و مدارک اداری، حقوقی، سجلی، سیاسی و غیره به‌طور کامل و دقیق رعایت می‌شود بطوری که عدم رعایت آن مقبول نیست. مثلاً جمهوری اسلامی ایران، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، جمهوری خلق چین و... که به‌ترتیب برای کشورهای ایران، شوروی و چین و... بکار برده می‌شود و طی بیانیه‌ها و مکاتبات رسمی به اطلاع عموم مردم و سایر دول می‌رسد.

۴ — نام کاربردی: منظور شکلی از نام یک کشور است که در نظر همه و یا گروهی خاص مشهور و متداول شده است هرچند در عرف بین‌الملل یا خود آن ملت کاربردی نداشته باشد. مثلاً در نزد ایرانیان کشور «گِ رِک» به صورت یونان، «ژرمانی» به صورت آلمان، «پولاند» به صورت لهستان، «ایالات متحده آمریکا» به صورت آمریکا رایج می‌باشد درحالی‌که مردم این کشورها چنین نامهایی بر خود نمی‌نهند و در عرف بین‌الملل آنان را بدین شکل مورد خطاب قرار نمی‌دهند.

پیدایش و رواج نامهای کاربردی دلایل متعدد و متنوع دارد و محدوده کاربرد آنها نیز یکسان و همانند نیست. لذا در چنین مواردی بایستی هر کشور را به‌طور جداگانه بررسی کرد و نمی‌توان قاعده‌ای کلی برای آن طرح کرد.

۵ — نام مشهور: منظور شکلی از نام کشور است که به دلیل از نظر جغرافیایی و انسانی به وجود آمده و به صورت مجازی یا حقیقی بکار برده می‌شود. مثلاً کشور «هزار دریاچه» برای فنلاند بخاطر داشتن دریاچه‌های بسیار، «کشور فوتبال» برای برزیل بخاطر رواج زیاد فوتبال در آن کشور و... این نوع اسامی کاربرد بسیار محدودی دارد و معمولاً آنرا در مجلات و روزنامه‌ها و نظایر آن مورد استفاده قرار می‌دهند.

۶ — نام اختصاری: منظور شکلی از نام هر کشور است که حاصل تلخیص نام

رسمی و یا بین‌المللی آن با حروف لاتین است. این نوع نام برای ثبت بر روی اسناد غیررسمی، تابلوها، علائم راهنما و یا استفاده در تبلیغات و اجتماعات ساخته شده‌اند. مثلاً در کنفرانس‌های سیاسی و علمی، میادین ورزشی، روی بدنه هواپیماها و یا دیگر وسایل نقلیه نظامی و یا غیرنظامی علامت U.S.A برای United States of America (ایالات متحده آمریکا)، و یا U.K. برای United Kingdom (یا پادشاهی متحده بریتانیا و ایرلند شمالی و...) به کار می‌رود. در این کتاب نام مختصر هر کشور در کنار عنوان آن در بالای صفحه آمده است.

۷ — نام محلی: منظور شکلی از نام کشور است که تنها در بین مردم همان کشور رایج است و بدین جهت اگرچه در اصل جنبه ملی دارد ولی معمولاً با عنوان نام محلی شناخته می‌شود. مثلاً آلمانها کشور خود را دویچلند می‌نامند.

پسوندهای بوجود آورنده اسم مکان

اسامی بسیاری از کشورها از ترکیب یک کلمه که معمولاً نام قوم یا پیروان یک دین است با یکی از ادات اسم مکان بوجود می‌آید. مثلاً در زبان فارسی پسوند «ان» برای تشکیل اسم مکان بکار می‌رود. کلماتی نظیر ایران، یونان و یا نام بسیاری از شهرهای ایران چون تهران، کرمان و... از این قبیل هستند. مورد دیگر پسوند «ستان» است که در مورد فارسی یا سانسکریت بودن آن اتفاق نظری وجود ندارد. اسامی افغانستان، پاکستان و بسیاری از مکانها در داخل ایران از این قبیلند. در ترجمه بسیاری از اسامی مکانهای دیگر نیز این پسوند به کار رفته است مثلاً در ترجمه «بولگاریا» بلغارستان، در ترجمه «هنگری» مجارستان، در ترجمه «انگلند» انگلستان و...

در زبان فارسی پسوند «ی» نیز برای اسم بسیاری از مکانها بکار رفته است. به همین ترتیب در ترجمه نام تعدادی از کشورها از این پسوند استفاده شده است مانند رومانی، بولیوی، آلبانی، بیرمانی، یوگسلاوی و...

در ترجمه بعضی از اسامی «وا» به «ئه» برگردانیده شده است مثل نیکاراگوئه، پارگوئه، اوروگوئه...

در زبان انگلیسی که بیشتر اسامی بین‌المللی براساس آن است نامگذاری یا در

پسوند لند (Land) و یا (ia) صورت می‌گیرد مثل انگلند، هلند، اسکاتلند... یا ایندیا، رودزیا، رومانیا، یوگسلاویا و... همچنین در زبان فارسی بعضی از مکانها پسوند «یه» می‌گیرند مثل سوریه، ترکیه...

حوزه‌های نامگذاری

در سراسر جهان چند حوزه مشخص نامگذاری به شرح زیر وجود دارد:

۱ — حوزه ایرانی: از هزاره دوم قبل از میلاد فرهنگ و زبان ایرانی، ایران و نواحی اطراف را تحت تأثیر قرار داد و اسم مکان یا ادات اسم مکان بعضی از کشورها مأخوذ از آن است مثل: ایران، عراق، عجمان، پاکستان، افغانستان، هندوستان و...

۲ — حوزه یونانی: از هزاره دوم قبل از میلاد مدیترانه و سرزمینهای مجاور یونان تا حدود میلاد مسیح (ع) متأثر از این نامگذاری بوده‌اند مثل: کشورهای یونان، ایتالیا، مصر (ایجبت)، آناتولی، قبرس، لبنان (فنیقیه) و... اگرچه می‌توان برای روم باستان حوزه‌ای مستقل ذکر کرد اما در اصل آنها باید حوزه‌ای فرعی از حوزه یونان محسوب نمود.

۳ — حوزه سامی (بجز عربی): از هزاره دوم قبل از میلاد آسیای عربی متأثر از زبان و فرهنگ‌های سامی مانند: عبری، آرامی (و سریانی)، کنعانی و... بوده است مثل عراق (سورستان)، سوریه، لبنان و...

۴ — حوزه عربی: اندکی قبل از ظهور اسلام و علی‌الخصوص در دوره اسلامی نفوذ فرهنگ و زبان عربی در خاورمیانه تأثیر فراوان در نامگذاری مکانها داشته است. اسامی عمان، یمن، امارات، عربستان، مصر، الجزایر و... از این نوع هستند.

۵ — حوزه چینی: از هزاره اول قبل از میلاد چین و نواحی اطراف آن در نامگذاری مکانها بیشتر متأثر از فرهنگ و زبان چینی بوده‌اند. مانند چین، کره (چوزن)، ژاپن، تایوان و... این حوزه خود دارای چند حوزه فرعی مانند: ژاپنی، مغولی و هندوچینی بوده است.

۶ — حوزه ژرمنی: از دوره قرون وسطی ژرمنها در شعبات گوناگون در مرکز و شمال غربی اروپا موجب نامگذاری بسیاری از مکانها شدند. اسامی آلمان

(ژرمنی-دویچلند)، اتریش، فرانسه، دانمارک از این نوع هستند. هلند را می‌توان حوزه فرعی از حوزه ژرمنی محسوب داشت.

۷ — حوزه لاتین: از قرن پانزدهم میلادی که اکتشافات جغرافیایی و سیاست مستعمراتی توسط اسپانیا و پرتغال آغاز شد نامگذاریهای جدیدی صورت گرفت که بیشترین سهم را در این میان اسپانیایی‌ها داشتند. اسامی بسیاری از کشورهای امریکای لاتین و مواردی در آفریقا و آسیا از این نوع هستند. مانند: فیلیپین، فرمز، آرژانتین، صحرای غربی. بدین ترتیب در مجموعه لاتین به ترتیب اسپانیا، پرتغال و سپس ایتالیا نقش داشته‌اند. چنانکه نامهای لیبی و رومانی از جانب ایتالیایی‌ها بوده است.

۸ — حوزه انگلیسی و فرانسوی: اگرچه در حوزه ژرمنی و لاتین می‌توان دو حوزه انگلیسی و فرانسوی را شناسایی نمود لیکن نفوذ استعماری این دو کشور طی یکی دو قرن اخیر آنها را در وضعیتی خاص قرار می‌دهد. در این میان زبان انگلیسی نقش مؤثرتری داشته است. اسامی استرالیا، رودزیا (زیمبابوه)، کالدونیای جدید، ... بسیاری از اسامی که صورت ترکیبی یا جنبه سیاسی دارند در این مجموعه قرار می‌گیرند. از خصایص این حوزه عدم وحدت جغرافیایی آن است در صورتی که در دیگر حوزه‌ها کمابیش این وحدت به چشم می‌خورد.

۹ — حوزه اسکاندیناوی و بالتیک: در منطقه اسکاندیناوی از اوایل قرون وسطی تأثیر فرهنگی و جمعیتی اقوام اسکاندیناوی و بالتیک را می‌توان مشاهده کرد. روس، سوئد، نروژ، فنلاند و ... متأثر از این حوزه نامگذاری هستند.

۱۰ — حوزه‌های متفرقه در آمریکا، اقیانوسیه و آفریقا به واسطه حضور اقوام قدیمی و نامیدن مکانها بنام آنان و بعلت تحت تأثیر قرار گرفتن بوسیله تحولات پی در پی سیاسی دارای حوزه‌های نامگذاری زبانی و فرهنگی خاص و مشخص نیست. مثلاً در آفریقا لیبی از نام قومی قدیمی، تونس از نام یک شهر، چاد از نام یک دریاچه، آنگولا از نام یک پادشاه، سیرالئون (به معنای کوه شیر) از زبان اسپانیولی و ... به وجود آمده‌اند.

ادوار نامگذاری

در تاریخ جهانی ادوار چهارگانه زیر را می‌توان برای نامگذاری مشخص نمود:

۱ — جهان باستان: از هزاره سوم قبل از میلاد می‌توان نامگذاری مکانها را در منطقه خاورمیانه سراغ گرفت. بیشتر این نامگذاریها براساس مسائل طبیعی سرزمینها بوده است. مثلاً: مصر (خاک سیاه)، ایندوس (هند-رود). اما از هزاره دوم قبل از میلاد نامگذاریها بیشتر صورت قومی و اجتماعی به خود می‌گیرد. مانند: ایران (سرزمین آریاها)، یونان (از نام قوم ایونی)، چین (نام سلسله چه این) و در موارد معدودی از یک واقعه افسانه‌ای و تاریخی (مثل بهار قوم افسانه هندو و یا هلن جد افسانه‌ای یونانی‌ها).

۲ — صدر قرون وسطی: در اوایل قرون وسطی بر اثر تهاجمات اقوام به اروپا برخی از سرزمینها اسامی جدیدی یافتند مثل ژرمانی، بلغارستان، فرانکونی (فرانسه)، ژوتلند (دانمارک)... این جریان تا حدود اواسط قرون وسطی ادامه یافت و سپس متوقف شد. تقریباً بیشتر اسامی مکانها در اروپا یادگاری از این دوره است.

از قرن هفتم میلادی فتوحات مسلمین در خاورمیانه کنونی موجب نامگذاری‌های جدیدی شد و نیز صورت تلفظ اسامی را تحت تأثیر قرار داد. عراق، سوریه، مصر، الجزایر، مراکش و... از این نوع هستند.

۳ — قرون جدید: با شروع اکتشافات جغرافیایی و استعمارگری اروپائیان نامگذاری‌های جدیدی در افریقا، امریکا و تا حدودی در آسیا صورت گرفت. نامهایی چون کانادا، کوبا، امریکا، آرژانتین، گینه، کنگو، فیلیپین و... از این نوع هستند. در این نام‌گذاریها زبان‌های اسپانیولی، پرتغالی، انگلیسی و فرانسوی نقش مهمی داشته‌اند. در همین دوران در داخله اروپا به دلیل تکوین ملیت‌های جدید و تحولات سیاسی نامگذاریهای جدیدی صورت پذیرفت و بعضی اسامی به‌طور قطعی مطرح و رایج شد. مانند: نیدرلند (هلند)، بریتانیا، پروس (بعدها آلمان) و...

۴ — قرن بیستم: در پی تحولات سیاسی ناشی از جنگهای جهانی، تکوین روابط و تأسیس مؤسسات بین‌المللی و از همه مهمتر استقلال‌طلبی مستعمرات و اصلاحات و تحولات سیاسی، نامگذاریهای جدید و فراوان انجام گرفت. این دوره جدید را بخوبی می‌توان در افریقا، تا حدودی امریکای لاتین، اروپا (به‌خصوص اروپای شرقی)،

خاورمیانه و برخی کشورهای آسیایی مشاهده نمود. در طول قرن نوزدهم به تبع تحولات تاریخ استعمار، اسامی بسیاری از مکانها تعویض، تجزیه یا ترکیب شد لیکن با آغاز استقلال مستعمرات این جریان شتاب و سرعت بیشتری گرفت. بطوریکه در مدتی کوتاه تغییر نام بسیاری را برای بعضی از کشورها می‌توان جستجو نمود. مانند نامهای پاکستان، لیبی، تانزانیا، کویت و غیره.

روشهای نامگذاری کشورها:

نامهای گوناگون کشورهای مختلف جهان به روش‌های زیر به وجود آمده‌اند:

۱ — نامگذاری به روش توصیفی: در این روش نام یک قوم یا یک صفت با یکی از ادات مکان ترکیب می‌شود و کلمه صورت توصیفی به خود می‌گیرد. مثل: ایر (آریا) + ان = ایران به معنی سرزمین آریا، انگل + لند = انگلند به معنی سرزمین انگل‌ها، نیدر + لند = نیدرلند به معنی سرزمین پست، پاک + ستان = پاکستان یعنی سرزمین پاکان، افغان + ستان = افغانستان یعنی سرزمین افغانها، ترک + یه = ترکیه یعنی سرزمین ترکها، سور + یه = سوریه یعنی سرزمین سوری‌ها، ژرمن + یا = ژرمانیا یعنی سرزمین ژرمن‌ها، رومان + یا = رومانیای یعنی سرزمین رومان‌ها، آلبان + ی = آلبانی.

۲ — نامگذاری به روش تشبیهی: به لحاظ شباهت دو مکان یا تجدید خاطره مکانی قبلی، بعضی از اسامی مکانها به وجود آمده‌اند. مانند: نیوانگلند (انگلستان نو)، نیوزیلند (زلاند نو)، نیوکالدونی (اسکاتلند نو)، ونزوئلا (ونیز کوچک)، هیسپانیولا (اسپانیای کوچک). گاهی صورت خاصی ندارد و عام است مانند مصر (شهر)، چاد (دریاچه).

۳ — نامگذاری به روش ترکیبی: با ترکیب نمودن نام چند منطقه و تشکیل یک واحد سیاسی یا فرهنگی نامهای جدیدی به وجود می‌آید. مثلاً از چک و اسلواکی کشور چک و اسلواکی، از یوگ و اسلاوی کشور یوگسلاوی (اسلاو جنوبی)، از هون و گار کلمه هنگری (مجارستان) و پاکستان از مخفف چند نام.

۴ — نامگذاری به روش تعمیم: در مواردی نام قسمتی کوچک از یک سرزمین به صورت تصنعی به تمام آن سرزمین تعمیم داده می‌شود. عموماً در مواردی که کشوری دارای وسعت چندانی نباشد این حالت نامگذاری انجام می‌گیرد. مثلاً: کشور کویت از

شهر کویت، کشور تونس از شهر تونس، مراکش از شهر مراکش، هنگ کنگ از شهر هنگ کنگ، سنگاپور از شهر سنگاپور نام خود را اخذ کرده‌اند.

۵ — نامگذاری به روش توسیع: در مواردی متعددی نام کشورها مأخوذ از توسعه نام بخش کوچکی به واحد بزرگتری است. این امر که یکی از طبیعی‌ترین صور نامگذاری است بعضاً توأم با مهاجرت اقوام و افزایش نفوس آنان و یا توسعه سیاسی و استقرار سیادت آنان بر سرزمینهای وسیعتر از موطن اولیه است. مثلاً هند در ابتدا به نواحی اطراف رود سند اطلاق می‌شده و سپس به سراسر کشور توسعه داده شده است. عراق در ابتدا به جنوب آن کشور گفته می‌شده و سپس برای همه کشور بکار رفته است. اگرچه در مورد بسیاری از کشورها جریان توسیع نام بر اثر مرور زمان پوشیده شده اما قرائن فراوان بر این معنی دلالت می‌کند. در مورد نام قاره‌ها این حالت مشهودتر است مثلاً افریقا در ابتدا فقط به تونس اطلاق می‌شد، و یا امریکا به سواحل برزیل کنونی گفته می‌شده است.

۶ — نامگذاری به روش تخصیص: در مواردی هرچند محدود نامگذاری کشورها براساس تحدید یا تخصیص اسامی گذشته می‌باشد. در این موارد نامی که متعلق به واحدی وسیع بوده یا صورت عام داشته به واحدی کوچکتر یا موردی خاص اطلاق شده است. مثلاً کلمبیا در اصل واحد بزرگتری بنام کلمبیای بزرگ بوده و یا مکزیک زمانی به سرزمینی بزرگتر از مکزیک کنونی اطلاق می‌شده است و یا نام قاره امریکا در نزد عموم برای کشور ایالات متحده امریکا بکار می‌رود. یا اتریش و لهستان در ابتدا وسیعتر از امروز بوده‌اند و هم‌اکنون تنها قسمتهای کوچکی از آنها با این نام در قالب یک کشور امروزی باقی مانده‌اند.

۷ — نامگذاری به روش کاربردی و اشتها: بنا به دلایلی معمولاً نام یک کشور در خارج از آن به صورت دیگری به کار می‌رود و به تدریج این وجه کاربردی اشتها و عمومیت پیدا می‌کند مثلاً نامهای: آلمان، انگلستان، امریکا، شوروی، لهستان و... که در زبان فارسی یا چند زبان دیگر رایج هستند در داخله این کشورها در صورت صحیح و اصلی آن به ترتیب: دویچلند، بریتانیا، ایالات متحده امریکا، اتحاد شوروی، پولسکا و... بکار برده می‌شود.

۸ — نامگذاری به روش انتساب: در این روش که به‌ویژه در قدیم بیشتر رواج داشته است نام یک کشور از نام یک شخص (اعم از افسانه‌ای یا حقیقی)، از نام یک قوم، از نام یک پادشاه، از نام یک سلسله، از نام یک واقعه، از نام یک پدیده طبیعی و... به وجود می‌آید. مثلاً: عمان از شخصی بنام عمان، عربستان از عرب و عرب از شخصی به نام یعرب، ژرمنی از نام قوم ژرمن، فرانسه از نام قوم فرانک، نروژ از نام قوم نورس، آنگولا از نام پادشاهی به نام نگولا، کره از نام سلسله کوریو، چین از نام سلسله چه این، کاپ (جنوب افریقا) از واقعه توفان واقع شده در هنگام کشف آن، لیبیا بخاطر آزادی بخشیدن به سیاهان، چاد از نام دریاچه (چاد)، مصر (ایجبت) از خاک سیاه، ژاپن (نیپون) سرزمین آفتاب تابان.

۹ — نامگذاری به روش ترتیب و تملیک: پس از نخستین نامگذاری‌ها، مراحل بعدی نامگذاری متأثر از مرحله نخستین بوده است. مثلاً عبارت «نو» یا «جدید» نشانه ترتیبی در نامگذاری است. مثل: اسپانیای نو که از لحاظ وجه نامگذاری در مقابل اسپانیای کهنه است. یا گاهی اسامی نشانه تملیک می‌باشند. مثل: هند هلند (هندی که متعلق به هلند است) و منظور اندونزی بوده است، افریقای غربی فرانسه (افریقای غربی متعلق به فرانسه)، افریقای شرقی پرتقال (افریقای شرقی متعلق به پرتقال).

۱۰ — نامگذاری به روش موقعیت: در این نامگذاری معمولاً موقعیت کشور بخاطر تمایز آن با کشور همجوار که ممکن است نامی مشابه داشته باشد بیان می‌گردد و یا ممکن است دو کشوری که به روش موقعیت بیان می‌شوند دارای گذشته تاریخی مشترکی بوده و بعداً بر اثر جنگها یا وقایع سیاسی از یکدیگر متمایز شده‌اند. مثل: کره شمالی (کره‌ای که در بالای مدار ۳۸ درجه جغرافیایی قرار گرفته است)، کره جنوبی (کره‌ای که در پایین مدار ۳۸ درجه جغرافیایی قرار گرفته است). در سیر اسامی کشورها در طول تاریخ برخی کشورهای دیگر به روش موقعیت نام گرفته‌اند که اکنون وجود ندارند. مثلاً: ویتنام شمالی و جنوبی که اکنون تحت عنوان ویتنام کشور واحدی را تشکیل می‌دهند و یا آلمان شرقی و آلمان غربی که اکنون به صورت کشور آلمان درآمده‌اند.

۱۱ — نامگذاری به روش پیشینه استعماری یا وابستگی اقتصادی: در این روش

جهات سیاسی و فرهنگی یا اقتصادی عامل اصلی نامگذاری بوده است. مثل مستعمره فرمانگزار عدن، تحت الحمايه مصر، مشترک المنافع استرالیا، سرزمین نائورو، ساموآی غربی امریکا که از لحاظ حقوق و سیاست بین الملل هریک معنای خاص خود را دارند.

۱۲ — نامگذاری به روش استقراض و عاریت: نام تعدادی از کشورها مأخوذ از نامی است که دیگران به آن داده‌اند. مثل: لیبی، گورک (یونان)، ژاپن (نیپون). یا نامی است که بر جمعی اطلاق می‌شده و سپس باقی مانده. مانند: عجم، تاجیک (ایرانی)، بربر (مراکش)، تارتار (مغول)، نمسه (اطریش).